

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مالیه عمومی

و

تنظیم خط مشی مالی دولت

شماره ثبت: ۵۵-۲۷ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۴



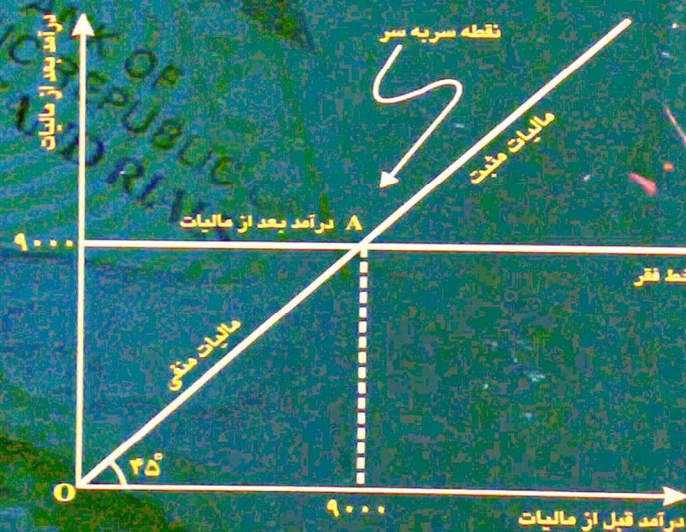
شرکت چاپ و نشر بازرگانی  
وابسته به  
موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

ویرایش جدید

مالیه عمومی

و

تنظیم خط مشی مالی دولت



مؤلفان

دکتر حسن رنگریز و دکتر غلامحسین خورشیدی



شرکت چاپ و نشر بازرگانی  
وابسته به موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

رنگریز، حسن، ۱۳۴۷ -

مالیه عمومی و تنظیم خط مشی مالی دولت / مولفین حسن رنگریز، غلامحسین خورشیدی. - تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۷.

۲۷۰ ص: مصور، جدول، نمودار.

کتابنامه: ص. { ۲۶۷ } - ۲۷۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات پیش از انتشار (فیفا).

چاپ چهارم: آبان ۱۳۸۳

۱. مالیه عمومی - ایران. ۲. مالیه عمومی. الف. خورشیدی، غلامحسین. ۱۳۳۳ -

نویسنده همکار. ب. شرکت چاپ و نشر بازرگانی. ج. عنوان.

۹۴ ر الف / ۱۹۱ HJ

شابک: ۹۶۴-۴۶۸-۰۱۷-۰۰

نام کتاب: مالیه عمومی و تنظیم خط مشی مالی دولت

شناسنامه پدیدآورندگان:

مؤلفین: دکتر حسن رنگریز - دکتر غلامحسین خورشیدی

با تشکر از: دکتر قدرت... مشایخی جهت بازبینی، داوری و ارائه نظرات.

صفحه آرای: آذر سعیدلویا

نسخه پرداز: اشرف اشجاری

طراح جلد: محبوبه اصغرپور

شناسنامه کتاب

چاپ اول: دی ماه ۱۳۷۷

چاپ دوم: آبان ۱۳۸۱

چاپ سوم: اردیبهشت ۱۳۸۳

چاپ چهارم: آبان ۱۳۸۳

ویرایش جدید و چاپ پنجم: آبان ۱۳۸۵

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر بازرگانی

ناشر: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بالاتر از بلوار کشاورز، شماره ۲۴۰ تلفن ۶۶۹۳۹۳۲۹

## پیشگفتار

از نیازهای مبرم امروز ایران نیاز آموزشی است، آموزشی نه صرفاً نظری بلکه نظری و کاربردی از دبستان تا دانشگاه که در زندگی و تحول زندگی خود و جامعه مان بکار آید. چه اگر زمانی آموزش علمی ما با زندگی عجین و زندگیمان دانشورانه گردد می توان به جرأت مدعی شد که یکی از مهمترین شاخصهای توسعه یافتگی واقعی را کسب کرده ایم.

این برآستی از بزرگترین وظایف و رسالتهای نهادهای آموزشی و پژوهشی کشور است که ضمن گسترش تحقیقات بنیادی و توسعه آموزه های نظری، تحقیقات و آموزش کاربردی را توسعه دهند، به طوری که آموزش نظریه ها ضمن برخوردارگی از بالاترین کیفیتهای انتزاعی و علمی به بهترین وجهی با واقعیتها و عملکرد جامعه آمیخته شده، هم انعکاسی از قوانین حاکم بر پدیده ها در شرایط بومی آن و هم ابزاری برای تغییر آنها در راستای مطلوب جامعه باشد.

هدف شرکت چاپ و نشر بازرگانی از انتشارات آموزش کاربردی جز برداشتن گامی در این راستا نیست و انتشار کتاب مالیه عمومی نیز حاصل این تفکر می باشد. دشواری چنین کاری بر صاحب نظران رشته های مختلف علوم از جمله علم مالیه عمومی پوشیده نیست. کتاب حاضر جهت درس مالیه عمومی برای دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته های مدیریت در گرایشهای مختلف، حسابداری و حقوق تألیف شده است ولی تشریح موضوعات مختلف کتاب به گونه ای است که می تواند برای کارشناسان مختلف اقتصادی - بازرگانی نیز قابل استفاده باشد. با عنایت به اینکه کتاب حاضر از جمله معدود کتابهای تألیف شده در موضوع مالیه عمومی پس از انقلاب اسلامی است، طبیعتاً نمی توانیم داعیه بی نقص بودن آن را داشته باشیم.

در اینجا لازم است ضمن تشکر از مؤلفین محترم که برای تدوین کتاب زحمات زیادی را متحمل شده اند و همچنین همکاران شرکت چاپ و نشر بازرگانی که آماده سازی،

# فهرست مطالب

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
پیشگفتار چاپ اول تا چهارم.....	ص
پیشگفتار چاپ پنجم.....	۵
<b>فصل اول : مفاهیم کلی مالیه عمومی</b> .....	۱
هدف کلی و هدفهای رفتاری.....	۱
مقدمه.....	۲
نقش دولت‌ها و مالیه عمومی.....	۳
دخالت دولت‌ها و مالیه عمومی.....	۴
ماهیت و اندازه مالیه عمومی.....	۵
تعریف مالیه عمومی.....	۷
وجوه تشابه و تفاوت مالیه عمومی و خصوصی.....	۸
اهداف اقتصادی مالیه عمومی.....	۱۰
وظایف مالیه عمومی.....	۱۱
موانع عده سیاست تشبیه اقتصادی.....	۱۳
حرکت و تحولات مالیه عمومی.....	۱۶
مالیه از دیدگاه کلاسیک‌ها.....	۱۷
مالیه از دیدگاه نئوکلاسیک‌ها.....	۱۹
اصول اختلاف نظر کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها.....	۲۱
مالیه تبعی یا اقتصادی.....	۲۳
خلاصه و نتیجه‌گیری.....	۲۵
خودآزمایی فصل ۱.....	۲۷

لینوگرافی، چاپ و صحافی کتاب را به نحو احسن انجام دادماند از دانشوران و محققان کشور دعوت کنیم که با نقد و نظر سازنده خویش، اینگونه تلاشها را در مسیر رشد یاری دهند

**شرکت چاپ و نشر بازرگانی**

**وابسته به**

**دوسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی**

۲۹	فصل دوم : لېزارهای هاليه عمومي
۲۹	هدف كلي و هدفهای رفتاری
۳۰	مقدمه
۳۰	بخش لول : لېزار تحليل توصيفی
۳۱	نقش نظريات اقتصادي در هاليه عمومي
۳۳	نقش تجزيه و تحليل تجربی در هاليه عمومي
۳۹	بخش دوم : لېزار تحليل دستوری
۵۰	تجزيه و تحليل تخصيص بهينه پارتو
۵۲	انتخاب از میان نقاط بهينه پارتو
۵۷	خلاصه و نتیجه گیری
۵۹	خودآزمایی فصل ۲
۶۱	فصل سوم : درآمدهای هالياتی دولتها
۶۱	هدف كلي و هدفهای رفتاری
۶۲	مقدمه
۶۳	تعريف هاليات
۶۴	نكات مهم تعريف
۶۴	مولل تشخیص هاليات
۶۵	انواع نرخ هاليات
۶۵	انواع نرخ تصاعدي
۷۰	ظرفيت هالياتی
۷۰	مولل مؤثر در ظرفيت هالياتی
۷۱	اصول يک نظام هالياتی مطلوب
۷۳	عدالت هالياتی
۷۴	ديدگاههای رایج برای اجرای مدالك هالياتی
۷۵	لتميازات هالياتی
۷۶	تعلق هالياتی
۷۶	اهميت تعلق هالياتی
۷۷	مولل تعیین کننده تعلق هالياتی

۷۹	اصابت هالياتی
۸۰	لثر هالياتی
۸۰	انتقال هاليات
۸۱	مراحل انتقال هاليات
۸۱	لشکال انتقال هاليات
۸۳	قرائن هالياتی
۸۳	ضرایب هالياتی
۸۳	سال هالياتی
۸۴	مأهوران تشخیص هاليات
۸۴	انواع هاليات
۸۴	لشخاص مشمول هاليات
۸۷	انواع هالياتهای مستقيم
۸۷	الف - هاليات بر درآهد
۸۸	نظامهای هاليات بر درآهد
۸۹	انواع هاليات بر درآهد
۸۹	۱- الف - هاليات بر درآهد شرکتها
۹۲	۲- الف - هاليات بر درآهد حقوق
۹۲	۳- الف - هاليات بر درآهد مشاغل
۹۳	مولر تشخیص علی الرأس درآمدهای مشمول هاليات
۹۳	معافیتها و مبنای نرخ هاليات بر درآهد مشاغل
۹۴	۴- الف - هاليات بر درآهد کشاورزی
۹۴	۵- الف - هاليات بر درآهد اجاره املاک (مستغلات)
۹۶	معافیتهای هاليات بر درآهد اجاره املاک (مستغلات)
۹۷	چگونگی پرداخت هاليات بر درآهد اجاره املاک (مستغلات)
۹۷	چگونگی محاسبه و کسر هاليات بر درآهد اجاره املاک (مستغلات)
۹۸	۶- الف - هاليات بر درآهد اتفاقی
۹۸	معافیتهای هالياتی هاليات بر درآهد اتفاقی
۹۹	نحوه رسیدگی به هاليات بر درآهد اتفاقی
۹۹	۷- الف - هاليات بر جمع درآمدهای ناشی از منابع مختلف

ب - مالیات بر درایی	۹۹
انواع مالیات بر درایی	۱۰۰
۱- ب - مالیات سالیانه املاک	۱۰۰
معافیت‌های مالیاتی مالیات سالیانه املاک	۱۰۰
۲- ب - مالیات مستغلات مسکونی خالی	۱۰۱
۳- ب - مالیات بر اراضی پایر	۱۰۲
چگونگی تعیین ارزش اراضی پایر	۱۰۲
معافیت‌های مالیاتی مالیات بر اراضی پایر	۱۰۳
۴- ب - مالیات بر لرف	۱۰۴
اموال مشمول مالیات بر لرف	۱۰۴
تعریف ماترک متوفی و قیمت حین القوت	۱۰۵
چگونگی ارزیابی ماترک متوفی	۱۰۵
خصوصیات مالیات بر لرف	۱۰۵
طبقه‌بندی وراثت	۱۰۵
معافیت‌های مالیاتی مالیات بر لرف	۱۰۵
جرانم مالیاتی مالیات بر لرف	۱۰۷
۵- ب - حق تمیر	۱۰۷
مزایای مالیاتهای مستقیم	۱۰۸
معایب مالیاتهای مستقیم	۱۰۸
انواع مالیاتهای غیرمستقیم	۱۰۹
الف - مالیات بر واردات	۱۰۹
انواع مالیات بر واردات در ایران	۱۱۰
ب - مالیات بر معاملات (فروش و مصرف)	۱۱۳
انواع مالیات بر معاملات	۱۱۳
۱- ب - مالیات عمومی فروش	۱۱۳
مراحل مالیات عمومی فروش	۱۱۴
۲- ب - مالیات بر وارد کنندگان و صاحبان صنایع	۱۱۵
۳- ب - مالیات بر عمده فروشی و خرده فروشی	۱۱۵
۴- ب - مالیات بر ارزش افزوده	۱۱۵

انواع مالیات بر معاملات در ایران	۱۱۵
مزایای مالیاتهای غیرمستقیم	۱۱۹
معایب مالیاتهای غیرمستقیم	۱۲۰
مالیاتهای غیرمستقیم و اقتصادهای کمتر توسعه یافته	۱۲۱
خلاصه و نتیجه‌گیری	۱۲۱
خودآزمایی فصل ۳	۱۲۳
<b>فصل چهارم: درآمدهای غیرمالیاتی دولتها</b>	
هدف کلی و هدفهای رفتاری	۱۲۵
مقدمه	۱۲۵
انواع درآمدهای غیرمالیاتی دولتها	۱۲۶
ترکیب درآمدهای دولت ایران	۱۲۷
بخش اول: درآمدهای نفتی ناشی از صادرات	۱۲۸
بخش دوم: درآمدهای مالیاتی	۱۳۲
بخش سوم: سایر منابع درآمدها	۱۳۲
خلاصه و نتیجه‌گیری	۱۳۳
خودآزمایی فصل ۴	۱۳۴
<b>فصل پنجم: هزینه‌های عمومی دولتها</b>	
هدف کلی و هدفهای رفتاری	۱۳۵
مقدمه	۱۳۵
هزینه‌های عمومی اداری و اجرایی	۱۳۶
انواع هزینه‌های عمومی اداری و اجرایی	۱۳۶
انواع هزینه‌های عمومی اقتصادی	۱۳۸
طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی از نگاهی دیگر	۱۴۳
طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی از نظر تأثیر اقتصادی	۱۴۴
طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی از دیدگاه اقتصاد توسعه	۱۴۵
اصول هزینه‌های عمومی مطلوب	۱۴۷
علل افزایش هزینه‌های عمومی	۱۴۹

۱۵۳	اثرات هزینه‌های عمومی
۱۵۶	خلاصه و نتیجه‌گیری
۱۵۸	خودآزمایی فصل ۵
۱۵۹	فصل ششم: کسری بودجه
۱۵۹	هدف کلی و هدفهای رفتاری
۱۶۰	مقدمه
۱۶۱	تفاوت بین کسری بودجه و کسری مالی
۱۶۱	انواع کسری بودجه از نظر معقول و غیر معقول بودن
۱۶۵	منابع تأمین مالی کسری بودجه
۱۶۶	انواع استقراض
۱۶۷	انواع استقراض از نگاهی دیگر
۱۶۸	علل افزایش استقراض
۱۶۹	اهداف استقراض
۱۷۱	روشهای تأدیه استقراض
۱۷۳	بار استقراض
۱۷۶	اثرات استقراض
۱۷۷	اثرات استقراض از نگاهی دیگر
۱۷۸	آثار منفی قرضه خارجی
۱۸۰	آثار مثبت قرضه خارجی
۱۸۱	سازمانهای جهانی قرض دهنده
۱۸۸	نقش استقراض در یک اقتصاد در حال توسعه
۱۸۹	مشکلات استقراض در کشورهای در حال توسعه
۱۹۰	پیشنهادات برای موفقیت استفاده از استقراض
۱۹۱	خلاصه و نتیجه‌گیری
۱۹۳	خودآزمایی فصل ۶
۱۹۵	فصل هفتم: دولتها و توزیع درآمد
۱۹۵	هدف کلی و هدفهای رفتاری

۱۹۵	مقدمه
۱۹۶	مواد تعیین کننده توزیع درآمد
۱۹۷	تجزیه و تحلیل منحنی لورنز
۱۹۹	شاخص‌های نابرابری درآمد
۱۹۹	الف - شاخص‌های مینی
۱۹۹	۱- شاخص دلنه تغییرات نسبی
۲۰۰	۲- شاخص هرفیندال
۲۰۱	۳- شاخص انحراف از میانگین نسبی
۲۰۲	۴- شاخص‌های لتو - فریگی
۲۰۳	۵- شاخص‌های نابرابری چندکها
۲۰۳	۶- شاخص نابرابری میانگین‌ها
۲۰۴	۷- شاخص ضریب پراکندگی
۲۰۶	۸- شاخص واریانس و انحراف معیار لگاریتم درآمدها
۲۰۶	۹- شاخص ضریب جینی
۲۰۹	۱۰- شاخص ضریب هوزون
۲۰۹	۱۱- شاخص ضریب طول منحنی لورنز
۲۱۱	۱۲- شاخص تیل
۲۱۱	ب - شاخص‌های قیاسی
۲۱۲	۱- شاخص دالتون
۲۱۲	۲- شاخص بنتزل
۲۱۴	۳- شاخص اتکینسون
۲۱۴	۴- شاخص سن
۲۱۵	توزیع درآمد در ایران
۲۱۷	برنامه‌ها و سیاستهای تعدیل نابرابری در توزیع درآمد
۲۱۸	الف - برنامه‌ها و سیاستهای مالیاتی دولت‌ها
۲۱۸	ب - برنامه‌ها و سیاستهای هزینه‌ای دولت‌ها
۲۱۹	سازمانهای بیمه‌های اجتماعی در ایران
۲۱۹	سازمان تأمین اجتماعی و سیستم‌های حمایتی آن
۲۲۰	مشمولین قانون تأمین اجتماعی در ایران

۲۴۰	معاذیه از شمول قانون تأمین اجتماعی
۲۴۱	حمایه‌های سازمان تأمین اجتماعی
۲۴۲	سازمان بازنشستگی کشوری و سیستم‌های حمایتی آن
۲۴۳	صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح
۲۴۳	سایر صندوقها و سیستم‌های حمایتی آنها
۲۴۴	خدمات فرعی بیمه‌های اجتماعی در ایران
۲۴۵	سازمانهای غیربیمه‌ای مساعد اجتماعی در ایران
۲۴۶	۱- سازمان بهزیستی کشور
۲۴۶	۲- کمیته امداد امام خمینی(ره)
	ج - برنامه‌ها و سیاستهای کمک درآمدی دولتها در قالب سیستم
۲۴۷	مالیات بر درآمد منفی
۲۴۹	خلاصه و نتیجه‌گیری
۲۳۱	خودآزمایی فصل ۷
۲۳۳	فصل هشتم : بودجه ریزی دولتی
۲۳۳	هدف کلی و هدفهای رفتاری
۲۳۳	مقدمه
۲۳۴	مراحل تکاملی بودجه
۲۳۵	مفاهیم اساسی بودجه
۲۳۶	تعاریف بودجه
۲۳۶	تعاریف تکاملی بودجه در ایران
۲۳۸	مراحل بودجه با سیکل بودجه
۲۴۰	اصول حاکم بر مراحل تکاملی بودجه
۲۴۴	مراحل اجرای بودجه از نظر اداری
۲۴۳	انواع بودجه از لحاظ تکنیک بودجه ریزی
۲۴۴	تفریح بودجه
۲۴۵	خلاصه و نتیجه‌گیری
۲۴۶	خودآزمایی فصل ۸

۲۴۹	فصل نهم : سیاستگذاری مالی
۲۴۹	هدف کلی و هدفهای رفتاری
۲۵۰	مقدمه
۲۵۱	اهداف سیاستگذاری اقتصادی
۲۵۲	تقسیم‌بندی اهداف سیاستگذاری اقتصادی از نظر زمانی
۲۵۲	تعریف سیاستگذاری مالی
۲۵۳	ابزارهای سیاستگذاری دولتها
۲۵۴	مراحل دوگانه سیاستگذاری مالی
۲۵۵	سیاستگذاری مالی و اصل حداکثر هزینه اجتماعی یا اصل MSA
۲۵۶	سیاستگذاری مالی و عوامل اقتصادی و سیاسی در ایران
۲۵۷	نقش اطلاعات در سیاستگذاری مالی
۲۵۸	اطلاعات سیاستگذاران مالی در محیط
۲۵۹	سیستم اطلاعات سیاستگذاری مدیریتی مالی
۲۵۹	مراحل سیستم اطلاعات سیاستگذاری مدیریتی مالی
۲۶۰	استراتژی مالی مجموعه برای توسعه سیاستگذاری مالی
۲۶۰	مؤلفه‌های استراتژی مالی مجموعه
۲۶۱	تفکر استراتژیک مالی مجموعه
۲۶۱	پیشن استراتژیک مالی مجموعه
۲۶۱	معیارهای استراتژی مالی مجموعه
۲۶۲	انواع استراتژی مالی مجموعه
۲۶۲	استراتژی مالی مجموعه در جهت درآمدها
۲۶۳	استراتژی مالی مجموعه در جهت هزینه‌ها
۲۶۴	استراتژی مالی مجموعه در جهت تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها
۲۶۴	استراتژی اقتصادی
۲۶۴	خلاصه و نتیجه‌گیری
۲۶۶	خودآزمایی فصل ۹
۲۶۷	فهرست منابع و مآخذ

- جدول شماره ۲-۴: ترکیب درآمدهای دولت ایران ..... ۱۴۸  
 جدول شماره ۳-۴: سهم گروههای اقتصادی در تولید ناخالص داخلی ..... ۱۴۹  
 جدول شماره ۴-۴: روند عملکرد درآمدهای نفتی ..... ۱۴۶  
 جدول شماره ۵-۴: روند سایر منابع درآمدها ..... ۱۳۴

## فصل پنجم

- جدول شماره ۱-۵: طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی از دیدگاه اقتصاد توسعه ..... ۱۴۶

## فصل ششم

- جدول شماره ۱-۶: انواع کسری بودجه ..... ۱۶۴  
 جدول شماره ۲-۶: انواع استقراض ..... ۱۶۸  
 جدول شماره ۳-۶: اهداف استقراض ..... ۱۷۱  
 جدول شماره ۴-۶: روشهای تأدیه استقراض ..... ۱۷۳

## فصل هفتم

- جدول شماره ۱-۷: مشخصه اصلی اقتصاد لیبرن طی سالهای ۶۷-۱۳۵۷ ..... ۲۱۶  
 جدول شماره ۲-۷: مشخصه اصلی اقتصاد لیبرن طی سالهای ۷۵-۱۳۶۸ ..... ۲۱۷  
 جدول شماره ۳-۷: مالیات منفی خانوارهای با درآمد جاری ..... ۲۲۸

## فصل هشتم

- جدول شماره ۱-۸: اصول مراحل تکاملی بودجه ..... ۲۴۱

## فهرست اشکال

## فصل اول

- شکل شماره ۱-۱: مراحل تبیین کننده ماهیت و اندازه مالیه عمومی ..... ۷

## فهرست جداول، اشکال و نمودارها

## فهرست جداول

## فصل اول

- جدول شماره ۱-۱: وجوه تشابه و تفاوت مالیه عمومی و خصوصی ..... ۱۰  
 جدول شماره ۲-۱: وظایف، ویژگی و عوارض مالیه عمومی ..... ۱۵

## فصل سوم

- جدول شماره ۱-۳: روند سهم درآمدهای مالیاتی دولت لیبرن ..... ۶۳  
 جدول شماره ۲-۳: انواع نرخ مالیات و ویژگی‌های آن ..... ۶۷  
 جدول شماره ۳-۳: دوره‌های زمانی و مشخصه‌های آن به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده تعلق مالیاتی ..... ۷۸  
 جدول شماره ۴-۳: عوامل و ویژگیهای تعیین کننده تعلق مالیاتی ..... ۸۰  
 جدول شماره ۵-۳: انواع مالیات بر شرکتها ..... ۹۱  
 جدول شماره ۶-۳: مالیات بر درآمد موضوع ماده ۱۳۱ قانون مالیاتها ..... ۹۵  
 جدول شماره ۷-۳: انواع مالیات بر واردات در لیبرن ..... ۱۱۲  
 جدول شماره ۸-۳: انواع مالیات بر معاملات (مصرف و فروش) ..... ۱۱۷

## فصل چهارم

- جدول شماره ۱-۴: انواع درآمدهای لبرمالیاتی دولتها و ویژگیها  
 و مشخصات آنها ..... ۱۲۷



فصل سوم

- شکل شماره ۱-۳: عوامل مؤثر در ظرفیت مالیاتی ..... ۷۱
- شکل شماره ۲-۳: اصول یک نظام مالیاتی مطلوب ..... ۷۲
- شکل شماره ۳-۳: تقسیم بندی انواع مدالت ..... ۷۴
- شکل شماره ۴-۳: مراحل و لشکال انتقال مالیات ..... ۸۲
- شکل شماره ۵-۳: انواع متداول مالیات بر معاملات ..... ۱۱۴
- شکل شماره ۶-۳: مراحل مالیات عمومی فروش ..... ۱۱۴

فصل چهارم

- شکل شماره ۱-۴: شکل استقرانی ترکیب درآمدهای دولت ایران ..... ۱۲۸

فهرست نمودارها

فصل اول

- نمودار شماره ۱-۱: نواحی منحنی LM ..... ۱۹

فصل دوم

- نمودار شماره ۱-۲: دیاگرام پراکنش ..... ۳۷
- نمودار شماره ۲-۲: خط رگرسیون ..... ۳۸
- نمودار شماره ۳-۲: خط رگرسیون در یک دیاگرام پراکنش لفتزینده ..... ۳۸
- نمودار شماره ۴-۲: جعبه اجورک ..... ۴۰
- نمودار شماره ۵-۲: منحنی های بی تفاوتی در جعبه اجورک ..... ۴۱
- نمودار شماره ۶-۲: بهبود وضعیت فرد A بدون فرسارسندن به فرد B ..... ۴۲
- نمودار شماره ۷-۲: بهبود وضعیت فرد B بدون بدتر کردن وضعیت فرد A ..... ۴۴
- نمودار شماره ۸-۲: بهبود وضع فرد A و B توأم با هم ..... ۴۵
- نمودار شماره ۹-۲: شروع از نقطه آمازین دیگر ..... ۴۶
- نمودار شماره ۱۰-۲: منحنی قرارداد ..... ۴۷

فهرست مطالب

- نمودار شماره ۱۱-۲: منحنی امکانات تولید ..... ۴۸
- نمودار شماره ۱۲-۲: کارایی در مقابل عدالت ..... ۵۳
- نمودار شماره ۱۳-۲: منحنی امکانات مطلوبیت ..... ۵۴
- نمودار شماره ۱۴-۲: منحنی های بی تفاوتی اجتماعی ..... ۵۶
- نمودار شماره ۱۵-۲: بی تفاوتی اجتماعی ..... ۵۷

فصل سوم

- نمودار شماره ۱-۳: انواع نرخهای مالیاتی و ویژگی های آن ..... ۶۷
- نمودار شماره ۲-۳: ساختار مالیات تناسبی ..... ۶۸
- نمودار شماره ۳-۳: ساختار مالیات تصاعدی ..... ۶۹
- نمودار شماره ۴-۳: ساختار مالیات تنازلی ..... ۶۹

فصل هفتم

- نمودار شماره ۱-۷: منحنی لورنز برای یک توزیع درآمد فرضی ..... ۱۹۸
- نمودار شماره ۲-۷: مالیات منفی خانوارهای با درآمد جاری ..... ۲۲۹

فصل هشتم

- نمودار شماره ۱-۸: مراحل تکاملی بودجه ..... ۲۳۵

انتخاب عنوان "مالیه عمومی" برای نوشته، گویای این نکته است که برای پوشش دادن آن دسته از مسائلی که به طور سنتی در زیر چتر این مفهوم قرار می‌گیرند و به طور کلی می‌توان از آنها تحت عنوان "مسائل مربوط به دخل و خرج دولت" یاد کرد، کوشش شده است. در نوشته حاضر، تلاش گردیده که حتی‌المقدور به مسائل بومی مالیه عمومی در ایران پرداخته شود و نقاط قوت و ضعف نظام مالیه کشور مورد توجه قرار گیرد. برای رسیدن به منظور، ارائه تصویر و درکی کلی از ماهیت نظام دخل و خرج دولت و نهادهای مالی بخش عمومی اقتصاد و تحلیلهای علمی - کاربردی از مسائل اقتصادی دولت در رابطه با دستیابی به اهداف مطلوب اقتصاد ملی (مثل هدف توزیع مجدد درآمد و ثروت، هدف ایجاد سطح مطلوب اشتغال، هدف رسیدن به ثبات قیمتها و...) ضروری بوده است. صحنه بررسی‌های مربوط به مالیه عمومی در واقع یکی از روشن‌ترین و در عین حال جذابترین صحنه‌های تلفیق نظریه با عمل در دانش اقتصاد است. به تعبیری می‌توان گفت که نبرد اندیشه‌ها در این شاخه از دانش اقتصاد از محدوده اقتصاددانان و مسئولین امور اقتصادی صرف فراتر می‌رود و متفکرین سیاسی، سیاستمداران تحلیل‌گر، و حتی فلاسفه را نیز درگیر خویش می‌سازد و این بر جذابیت و زیبایی تحلیلهای مالیه عمومی می‌افزاید. به این ترتیب است که هموارسازی مسیر برای دستیابی به یک نظام مالیه‌ای خوب، در واقع، هموارسازی مسیر برای رسیدن به یک جامعه مطلوب از نظر سیاسی نیز هست. ماهیت بسیار متغیر نظامات مالی، ایجاب می‌نماید که صاحب‌نظران این زمینه از دانش اقتصاد، خود را موظف به بازنگری مرتب و به روز سازی مباحث بدانند و این توصیه که امید است مورد توجه خاص قرار گیرد، قابل تأکید فراوان می‌باشد. عرضه نوشته حاضر به خوانندگان را هم در پذیرش توصیه مذکور می‌توان به عنوان گام نخستین دانست که به امید برداشتن گامهای بعدی، برداشته می‌شود. مباحثی در کتاب از اجمال و بسط ناکافی در رنج است و از پرداختن به مباحثی که بدون تردید اهمیت دارند، فرو گذار شده است. این همه ایجاب می‌نماید که چاپهای بعدی کتاب، مورد انتظار باشد و در این راستا، نیاز فراوان به استفاده از تذکرات صاحب‌نظران و اساتید محترم درس مالیه عمومی و خوانندگان دیگر است.

اضافه می‌نماید که کتاب حاضر به طور عمده براساس سرفصل‌های معصوب درس مالیه عمومی برای رشته‌های مدیریت دولتی، صنعتی و بازرگانی و رشته حسابداری تألیف شده است، اما نحوه تشریح موضوعات مختلف در آن به گونه‌ای است که این کتاب برای دانشجویان عزیز، در دروسی از قبیل اقتصاد بخش عمومی برای رشته‌های اقتصاد و مته

## پیشگفتار چاپ اول تا چهارم

مالیه عمومی شاخه‌ای از دانش اقتصاد است که تاریخ تولد آن نسبت به دیگر شاخه‌های این دانش بسیار بیشتر می‌باشد. بدون تردید از زمانی که دولت‌ها شکل گرفته‌اند، سیاستمداران هیأت‌های حاکمه و مسئولین دخل و خرج دولت‌ها، در مسائل مالیه عمومی اندیشه کرده‌اند. در مشرق و مغرب، ردپای این اندیشه را می‌توان دنبال کرد، هرچند، نقش مغرب زمین در تکوین و تدوین این شاخه از دانش در چند سده اخیر بارزتر بوده است، به گونه‌ای که متون علمی مالیه در جهان امروز، نوعاً محصول کار اندیشمندان دیار غرب است و جوامع دیگر، بیشتر در کار برگردان مستقیم یا غیرمستقیم این متون به زبان بومی بوده‌اند (وهستند) و نهایتاً، مسائل مالیه داخلی جامعه خود را نیز در پرتو مبانی علمی این برگردان‌ها تجزیه و تحلیل نموده‌اند.

به هر تقدیر، همین اندازه از تلاش نیز درخور ستایش است و گامهایی به پیش محسوب می‌گردد. در این راستا می‌توان از تلاش‌های آقای دکتر حسین پیرنیا و آقای دکتر ابوطالب مهندس یاد کرد که متون تهیه شده توسط آنها هنوز هم به عنوان مرجع درسی در دانشگاههای کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند. در زمینه ترجمه بی‌اشاره گذشتن از کتاب "مالیه عمومی در تئوری و عمل" ریچارد ماسگریو و ماسگریو که آقایان مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی فر زحمت برگردان آن را به فارسی کشیده‌اند را، سزاوار نمی‌دانیم.

به هر حال، با وجود همه این تلاش‌ها، جای خالی یک متن بومی مالیه عمومی که بتواند به عنوان یک منبع اصلی تدریس در اختیار مدرسین این شاخه از دانش اقتصاد قرار گیرد، کماکان خالی است. تلاش‌های مکرر برای دستیابی به چنین متنی در هر حدی که باشد، سپاس‌انگیز است. خوانندگان، نوشته حاضر را نیز باید در این راستا نظاره کنند و به ارزیابی بنشینند.

## پیشگفتار چاپ پنجم

سپاس و ستایش خداوند متعال را که چاپ اول تا چهارم کتاب حاضر مورد توجه و استقبال اساتید، دانشجویان، مدیران و علاقمندان رشته‌های مدیریت، اقتصاد، حسابداری و حقوق در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد قرار گرفت. اینک چاپ پنجم با اندکی اصلاح و تجدید نظر در فصل اول، و اضافه شدن فصل دوم تحت عنوان ابزارهای مالیه عمومی در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد. نظر به ضیق وقت از انجام اصلاحات در سایر فصول خودداری شده است که امید می‌رود در چاپ‌های بعدی به اصلاحات کلی در سایر فصول نیز پرداخته شود.

در پایان از کلیه کسانی که به نوعی اشکالات تایی و سایر موارد را گوشزد نموده‌اند، بی‌نهایت سپاسگزاریم.

دکتر حسن رنگریز / دکتر غلامحسین خورشیدی

پائیز ۱۳۸۵

عمومی برای رشته‌های کارشناسی حقوق، در دوره‌های کارشناسی ارشد و همچنین کارشناسان مختلف اقتصادی نیز مفید باشد.

در خانمه، لازم است از مسئولان محترم شرکت چاپ و نشر بازرگانی بویژه تلاشهای بی‌شائبه آقای صادقی فروشانی مدیرعامل محترم آن شرکت که امکان چاپ کتاب حاضر را فراهم کردند، قدردانی نماییم.

حسن رنگریز - دکتر غلامحسین خورشیدی

مهر ۱۳۷۷

۴- مالیه عمومی را تعریف نمایید.

۵- وجوه تشابه و تفاوت مالیه عمومی و خصوصی را بیان نمایید.

۶- اهداف اقتصادی مالیه عمومی را بنویسید.

۷- وظایف مالیه عمومی را توضیح دهید.

۸- حرکت و تحولات مالیه عمومی را بنویسید.

۹- اصول کلی مالیه کلاسیک‌ها را بیان نمایید.

۱۰- اصول کلی مالیه نئوکلاسیک‌ها را بنویسید.

۱۱- مالیه تبعی یا اقتضائی را بیان نمایید.

## فصل اول

### مفاهیم کلی مالیه عمومی

#### هدف کلی

آشنایی با نقش دولت‌ها و مالیه عمومی، جایگاه اصلی و اساسی دولت‌ها، دخالت دولت‌ها و مراحل اصلی آن، ماهیت و اندازه مالیه عمومی، تعریف مالیه عمومی، وجوه تفاوت و تشابه مالیه عمومی و خصوصی، اهداف اقتصادی مالیه عمومی، وظایف مالیه عمومی، حرکت و تحولات مالیه عمومی، مالیه از دیدگاه کلاسیک‌ها، مالیه از دیدگاه نئوکلاسیک‌ها، مالیه تبعی یا اقتضائی.

#### هدفهای (فتاری)

پس از مطالعه این فصل انتظار می‌رود بتوانید:

۱- جایگاه اصلی و اساسی دولت‌ها را بیان نمایید.

۲- مراحل اصلی دخالت دولت‌ها را در جوامع غربی بیان نمایید.

۳- ماهیت و اندازه مالیه عمومی را تشریح نمایید.

#### مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهمی که امروزه ذهن اقتصاددانان جهان را به خود مشغول کرده و در تمامی کشورهای جهان، چه کشورهای توسعه یافته و چه کشورهای در حال توسعه، موضوع روز است، بحث "مالیه عمومی"<sup>۱</sup> است. دلیل اهمیت مطالعه مالیه عمومی را می‌توان در گسترش روز افزون وظایف دولت‌ها، گسترش نیازهای انسانی ملت‌ها و منابع محدود در حال کاهش کشورها خلاصه نمود.

تدلوک کالاها، اجتماعی، تعدیل توزیع درآمد و ثروت و استفاده از سیاست بودجه بعنوان ابزاری برای حفظ اشتغال در سطح بالا از عمده ترین وظایف دولت‌ها بشمار می‌آید که در سه وظیفه تخصیص، توزیع و تثبیت خلاصه می‌شود.

نیازهای انسانی ملت‌ها سرچشمه فعالیت‌های اقتصادی بوده و تامین این نیازها هدف نهایی فعالیت‌های اقتصادی انسانها می‌باشد، بطوریکه خواسته‌ها و نیازهای انسانی را می‌توان قدرت محرکه سیستم اقتصادی دانست، این نیازها دارای دو صفت بارز هستند، اولاً بطور مجموع و در طول زمان نامحدود بوده و ثانیاً متعدد و متنوع می‌باشند (لفت و بیچ، ۱۳۷۲، ص ۲).

منابع محدود در حال کاهش کشورها همان منابع تولیدی هستند که وسیله‌ای برای

تولید کالاهاى مختلف بوده و کالاها نیز برای تامین نیازهای متعدد مورد استفاده قرار می‌گیرند. منابع تولیدی به دو گروه منابع تولیدی انسانی و منابع تولیدی غیر انسانی یا سرمایه تقسیم‌بندی می‌شوند. منابع تولیدی انسانی شامل نیروی انسانی و یا ظرفیت موجود برای کوشش فکری و یدی می‌باشد که برای تولید کالاها بکار می‌رود. منابع تولیدی غیر انسانی یا سرمایه شامل کلیه منابع تولیدی غیر انسانی بوده که برای تولید کالاها و قرار دادن آنها در دسترس مصرف کنندگان نهایی بکار برده می‌شود. ساختمانهای مختلف، ماشین آلات، زمین، منابع مصرفی، منابع اولیه، اشیاء نیمه ساخته، موجودی کالاها در انبار و هر گوه منابع قابل لمس غیر انسانی را که برای عمل تولید بکار می‌روند، جزء سرمایه به حساب می‌آید (لفت ویچ، ۱۳۷۲، صفحات ۵-۶).

علمی که بتواند بین نیازهای نامحدود ملت‌ها و منابع محدود کشورها در راستای پیاده کردن وظایف دولت‌ها تلفیق و هماهنگی ایجاد نماید، علم مالیه عمومی است.

## نقش دولت‌ها و مالیه عمومی

برای شناخت طبیعت و ماهیت مالیه عمومی بیش از هر چیز، شناخت دولت و نقش دولت‌ها لازم و ضروری است. سئوالی که در اینجا مطرح است، اینکه آیا اصلاً نیازی به دولت هست یا نه؟ اگر مکانیزم مبادله از طریق بازار صورت می‌پذیرد، وظیفه دولت‌ها چیست؟ برخی از صاحب‌نظران مالیه عمومی را اعتقاد بر آن است که فراگیری دولت، وجود ایدئولوژیهای سیاسی و اجتماعی را منعکس می‌سازد که با فرضیات انتخاب مشتری و تصمیم‌گیری غیر متمرکز تفاوت دارند. همچنین مکانیزم بازار به تنهایی نمی‌تواند همه وظایف اقتصاد را در کشور به انجام برساند و بدون دولت‌ها، بازارها نمی‌توانند جایگاه اصلی و اساسی خود را به دلایل زیر به انجام برسانند:

۱- عدم وجود موانع برای ورود به بازار: ایجاد این وضعیت تنها با برقراری مقررات و قوانین توسط دولت‌ها امکان پذیر است.

۲- از بین بردن رقابت ناکارآمد توسط دولت‌ها امکان پذیر است.

۳- انجام تعهدات لازم و مبادلات مختلف در سطح بازار، بدون یک ساختار قانونی تضمین

شده توسط دولت‌ها امکان پذیر نیست.

۴- شکست بازار که ناشی از عوامل خارجی است، بدون دخالت دولت راه حلی نخواهد داشت.

۵- تنظیم قوانین و مقررات مختلف در ارتباط با تعدیل در توزیع درآمد و ثروت از طریق دولت‌ها امکان پذیر است.

۶- اشتغال بالا، ثبات نسبی قیمت‌ها و رشد اقتصادی مطلوب از نظر اجتماعی توسط دولت‌ها امکان پذیر است.

۷- نظریات بخش خصوصی و عمومی در باره نرخ تنزیل مورد استفاده در ارزش گذاری مصرف آینده نسبت به زمان حال ممکن است متفاوت باشد و دخالت دولت در این امر ضروری است (ماسگریوها، ۱۹۸۹، صفحات ۵-۶).

این موضوعات، دلایلی برای دخالت دولت در اقتصاد بدست می‌دهد، به ویژه این عقیده که بازارها همیشه و در همه جا پاسخ مطلوب نمی‌دهند و دخالت دولتها در تعیین و تدوین قوانین و مقررات ضروری است.

## دخالت دولت‌ها و مالیه عمومی

کهن ترین مجادله در فلسفه سیاسی این است که دولت‌ها چه وظایفی دارند و تا چه میزان بایستی در زمام امور جامعه دخالت نمایند؟ میزان دخالت دولت، بنیادی ترین جنبه تمایز ایدئولوژیکی است و در این راستا می‌توان پیوستاری را ترسیم نمود که در راست ترین نقطه آن، حداقل دخالت دولت پسندیده است و در چپ ترین نقطه، دخالت کامل دولت در اقتصاد توصیه می‌شود (داونز، ۱۹۵۷، ص ۱۹۵).

مطالعات نشان می‌دهد که جوامع غربی سه مرحله اصلی دخالت دولت را تجربه کرده‌اند:

۱- جامعه اقتصاد آزاد<sup>۱</sup> در اواخر قرن هیجدهم به عنوان آغاز دخالت دولت در اقتصاد

- ۲- ظهور دولت رفاه<sup>۱</sup> در اواخر قرن نوزدهم به ویژه در انگلستان که توانست با مسئول قلمداد کردن دولت در زمینه بهزیستی شهروندان، بسیاری از زیاده رویهای سرمایه‌داری را برطرف ساخت.
- ۳- تعقل‌گرایی اقتصادی<sup>۲</sup> از میانه دهه ۱۹۷۰ و کوچک کردن دولت‌ها با حداقل میزان دخالت دولت‌ها در امور اقتصادی.

## ماهیت و اندازه مالیه عمومی

عوامل متعددی ماهیت و اندازه مالیه عمومی در هر جامعه را تبیین می‌نمایند، این عوامل عبارتند از:

### ۱- درجه و میزان حضور دولت در جامعه

هرچه درجه و میزان حضور دولت در صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی فزون تر باشد، ابعاد عملی مالیه در آن جامعه گسترده تر خواهد بود. سئوالی که در اینجا مطرح است اینک:

- ✓ چه میزان از منابع جامعه بایستی توسط دولت مصرف یا سرمایه گذاری شود و چه مقدار باید برای بخش خصوصی باقی بماند؟
- ✓ بودجه دولت چقدر باید بزرگ باشد؟ و دولت تا چه حدی باید به درآمدهای خصوصی به صورت پرداخت‌های انتقالی کمک نماید؟
- ✓ چه درصدی از نیروی انسانی را می‌توان یا باید در بخش دولتی استخدام کرد؟
- ✓ چقدر از منابع تولیدی کلیدی باید در مالکیت دولت باشد؟
- ✓ میزان آزادیهای فردی به چه میزان باید باشد یا به عبارت دیگر اختیار و قدرت مناسب دولت در جامعه چقدر است؟ (لین، ۱۹۸۵، ص ۹).

### ۲- درجه توسعه و پیچیدگی اقتصاد جامعه

هر چه اقتصاد یک جامعه‌ای توسعه یافته تر باشد، درجه پیچیدگی روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن جامعه بیشتر خواهد شد. توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تجهیزات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سه ارزش اصلی توسعه را بیان می‌کند. این ارزش‌ها عبارتند از: معاش زندگی (قدرت تامین نیازهای اساسی)، اعتماد به نفس (احساس شخصیت کردن، عزت نفس داشتن و آلت دست قرار نگرفتن توسط دیگران برای مقاصد شخصی آنان) و آزادی از قید بردگی (توانایی انتخاب داشتن) نه به معنای آزادی سیاسی و یا ایدئولوژیکی، بلکه به معنای رهایی از شرایط مادی از خود بیگانه کننده زندگی و آزادی از قیود اجتماعی انسان نسبت به طبیعت، جهل و بدبختی (تودارو، ۱۳۶۸، ص ۱۳۸-۱۳۷).

### ۳- بینش و نگرش حاکم بر جامعه

بینش و نگرش عقیدتی حاکم بر جامعه و یا اگر دقیق‌تر بگوییم، بینش و نگرش دولتمردان یک جامعه، به علت اثری که بر ابعاد اجتماعی و عملی دولت‌ها می‌گذارد، بر اندازه و ماهیت مالیه عمومی بسیار نافذ و موثر است.

### ۴- شرایط خاص

با فرض ثابت بودن سایر عوامل<sup>۱</sup> بدون تردید اوضاع و احوال خاص اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر ماهیت و اندازه مالیه عمومی اثر تعیین کننده‌ای دارد. در این ارتباط، می‌توانیم اوضاع فوق را به دو شکل عادی و غیر عادی طبقه بندی نمایم. در یک قضاوت کلی، می‌توان ادعا کرد که گستره و پیچیدگی مالیه عمومی در شرایط عادی جامعه در مقایسه با شرایط عادی بیشتر است.

مي نمايند.

چگونگي تامين منابع مالي دولت به مآله عمومي اشاره دارد. يورمقيم، ۱۳۶۵، ص ۱۴. به عبارت ديگر عمليات و فعاليت‌هاي مربوط به چگونگي انجام هزينه‌هاي دولت، روشهاي بكار گرفته شده دولت‌ها در كسب وجوه مورد نياز خويش و چگونگي نحوه اداره وجوه و منابع مالي دولت به مآله عمومي اشاره دارد (روزن، ۱۳۷۸، ص ۲۲ مقدمه). با توجه به تعاريف فوق مي‌توان گفت مآله عمومي بررسي عمليات و فعاليت‌هاي مربوط به چگونگي انجام هزينه‌هاي دولت‌ها، روشهاي جمع آوري و چگونگي نحوه اداره وجوه و منابع مالي است. اگر تعريف فوق را پذيريم، حوزه مطالعاتي مآله عمومي، هزينه‌هاي عمومي، درآمدهاي عمومي و اداره وجوه و منابع مالي خواهد بود.

## وجه تشابه و تفاوت مآله عمومي و خصوصي

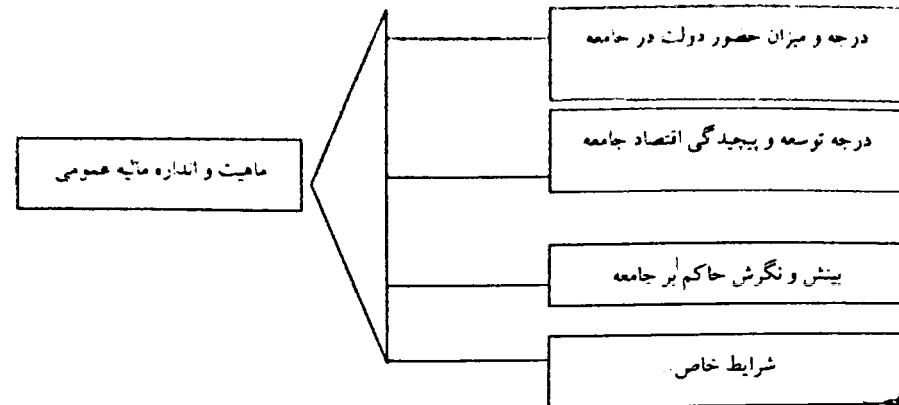
### الف ( وجه تشابه

وجه تشابه مآله عمومي و خصوصي را مي‌توان از چهار زاويه زير مورد بررسي قرار داد:

- ۱- در هر دو مساله موازنه و تعادل دخل و خرج (درآمد و هزينه) مطرح است.
- ۲- در هر دو مساله حداكثر كردن منافع با استفاده از حداقل منابع مطرح است.
- ۳- در هر دو مساله استقرار براي پوشاندن شكاف مابين دخل و خرج، امر ضروري است.
- ۴- در هر دو مساله مي‌توان از راه افزايش هزينه‌هاي سرمايه گذاري به افزايش درآمد دست يافت.

### ب) وجه تفاوت

- وجه تفاوت مآله عمومي و خصوصي را مي‌توان از سه زاويه زير مورد بررسي قرار داد:
- ۱- در مآله خصوصي، هزينه‌ها بايد با درآمد هماهنگ شوند، در حالي‌كه در مآله عمومي، در اكثر مواقع درآمدها با هزينه‌ها هماهنگ مي‌شوند.



شكل شماره ۱-۱: عوامل تبين كننده ماهيت و اندازه مآله عمومي

## تعريف مآله عمومي

يكي از موضوعاتي كه مرز بين اقتصاد و سياست است، موضوع مآله عمومي است. موضوع مآله عمومي عبارتست از بررسي و تجربه و تحليل اثرات فعاليت‌هاي دولت بر رفتار و رفاه مصرف كنندگان و توليد كنندگان.

بررسي موضوع مآله عمومي بدون توجه به تعريف آن امكان پذير نمي‌باشد و تعريف مآله عمومي را بدون توجه به اهداف دولت‌ها نمي‌توان بيان كرد، چرا كه اهداف دولت‌ها از جمع آوري درآمدها و پرداخت هزينه‌ها، حداكثر نمودن هزينه - فايده اجتماعي يا افزايش مطلوبيت اجتماعي، افزايش رفاه اجتماعي و اقتصادي افراد يك جامعه است. پس مي‌توان گفت جوهره اصلي تعريف مآله عمومي مباحث درآمدها و هزينه‌ها و نحوه اداره وجوه و منابع مالي است.

مآله عمومي اصطلاح انگليسي 'Finance' است كه در معنای تدارك مالي بكار گرفته مي‌شود. در اين معنای كلي طبيعي است كه مي‌توان آن را در رابطه با يك فرد يا خانوار، يك بنگاه و يا يك جامعه و يا در سطح بين الملل مورد استفاده قرار داد. از نظر اقتصادي، مسائل مربوط به مآله فرد يا خانوار را در مباحث مربوط به رفتار مصرف كننده در اقتصاد خرد و آنجا كه مساله بودجه خانوار يا بودجه مصرف كننده مطرح مي‌شود، بررسي

جدول شماره ۱-۱: وجوه تشابه و تفاوت مالیه عمومی و خصوصی

نوع وجوه	مالیه عمومی	مالیه خصوصی
تشابه	<ul style="list-style-type: none"> <li>موازنه دخل و خرج</li> <li>حداکثر نمودن منافع</li> <li>ضرورت استقراض</li> <li>افزایش درآمد ناشی از افزایش هزینه‌های سرمایه گذاری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>موازنه دخل و خرج</li> <li>حداکثر نمودن منافع</li> <li>ضرورت استقراض</li> <li>افزایش درآمد ناشی از افزایش هزینه‌های سرمایه گذاری</li> </ul>
تفاوت	<ul style="list-style-type: none"> <li>هماهنگی مابین درآمدها با هزینه‌ها</li> <li>الزام تنظیم سالیانه بودجه</li> <li>تامین منابع مالی از طریق استقراض درونی و بیرونی</li> <li>برخوررداری از سیاست کسری بودجه</li> <li>هدف تحصیل سود اجتماعی است.</li> <li>گسترده تر بودن شعاع زمانی</li> <li>هنر نبودن بودجه احتیاطی</li> <li>عدم داشتن تن پوشی رازگونه</li> <li>برخوررداری از حمایت قوه مجریه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>هماهنگی مابین هزینه‌ها با درآمدها</li> <li>عدم الزام تنظیم سالیانه بودجه</li> <li>تامین منابع مالی از طریق استقراض بیرونی</li> <li>عدم برخوردارری از سیاست کسری بودجه</li> <li>هدف حداکثر نمودن سود بنگاه است.</li> <li>محدود بودن شعاع زمانی</li> <li>هنر بودن بودجه احتیاطی</li> <li>داشتن تن پوش رازگونه</li> <li>عدم برخوردارری از حمایت قوه مجریه</li> </ul>

۲- در مالیه خصوصی، الزامی ندارد که بودجه‌ها بطور سالیانه تنظیم شوند، در حالیکه در مالیه عمومی، بودجه‌های دولتی نوعاً سالیانه تنظیم می‌شوند.

۳- در مالیه خصوصی، تنها طریق تامین منابع مالی، استقراض بیرونی است، در حالیکه در مالیه عمومی از روشهای استقراض درونی هم می‌توان بهره جست.

۴- مالیه خصوصی از امتیاز خاص سیاست کسر بودجه برخوردار نمی‌باشد، در حالیکه در مالیه عمومی از سیاست کسری بودجه بعنوان یک ابزار بهینه استفاده می‌شود.

۵- هدف مالیه خصوصی، حداکثر کردن رضایت‌مندی یا سود بنگاه در رابطه با استفاده از مقادیر مشخصی از عوامل تولید است، در حالیکه در مالیه عمومی، هدف تحصیل حداکثر سود اجتماعی است.

۶- شعاع زمانی و میزان ریسک در مالیه خصوصی محدودتر است، در حالیکه در مالیه عمومی گسترده‌تر است

۷- بودجه گذاری احتیاطی (بازاد بودجه) برای مالیه خصوصی، هنر بشمار می‌آید، در حالیکه در مالیه عمومی چنین کاری ضرورت ندارد.

۸- مالیه خصوصی تن پوشی رازگونه دارد (اعتبار بخش خصوصی به آنچه که واقعاً دارد، نیست، بلکه به آن چیزی که به نمایش گذاشته می‌شود، هست)، در حالیکه مالیه عمومی اینگونه نیست.

۹- مالیه خصوصی از پشتیبانی قوه مجریه (دولت) بطور مطلق برخوردار نیست، در حالیکه مالیه عمومی از پشتیبانی لازم و کافی برخوردار است.

## اهداف اقتصادی مالیه عمومی

اهداف اقتصادی مالیه عمومی را می‌توان در قالب سه مولفه زیر بیان نمود:

### ۱- رشد و توسعه اقتصادی هماهنگ

یکی از اهداف هر نظام حکومتی در زمینه اقتصادی، رشد و توسعه اقتصادی است. رشد یعنی افزایش درآمد ناخالص ملی یک کشور در طی یک سال مالی نسبت به سال ما قبل. رشد یک افزایش کمی، اما توسعه یک بهبود کیفی است. برای هر توسعه ای، رشد



لازم و ضروری است، ولی کافی نیست و کافی بودن را در سایر مولفه‌های حاکم بر اقتصاد جستجو نمود. به عبارت دیگر رشد اقتصادی بدون توسعه اقتصادی کاملاً میسر است، اما تصور توسعه اقتصادی بدون وجود رشد اقتصادی کمی دشوارتر است.

## ۲- توازن تراز پرداخت‌ها

هر کشوری که بخواهد در صحنه مبادلات اقتصادی، سیاسی و ... خود را مطرح نماید، باید در تراز پرداخت‌های خود توازن ایجاد نماید. یعنی وقتی بخشی از تولیدات خود را از کشور صادر می‌نماید، نهایتاً معادل آن را از خارج تأمین نماید. علمی که بتواند به توازن صادره‌ها و وارده‌ها کمک نماید، مالیه عمومی است.

## ۳- عدالت اقتصادی و اجتماعی

یکی از مهم‌ترین هدفهای هر نظام حکومتی در جهان، استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی است تا تمامی افراد کشور قادر باشند با توجه به توانایی‌ها و استعدادهایی که دارند از امکانات کشور برخوردار باشند. علمی که بتواند به استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه مدد رساند، مالیه عمومی است.

## وظایف مالیه عمومی

برای رسیدن به اهداف اقتصادی مالیه عمومی، چند وظیفه برای دولت‌ها مطرح است. این وظایف عبارتند از:

### ۱- تفصیص منابع<sup>۱</sup>

کالاهای اجتماعی از کالاهای خصوصی متمایز هستند و از طریق نظام بازار نمی‌توان آنها را تدارک کرد، به این معنا که این قبیل کالاها را از طریق مبادله بین فرد مصرف‌کننده و تولیدکننده نمی‌توان مبادله نمود. در برخی موارد، بازار از انجام این کار کاملاً ناتوان است و در برخی دیگر، به شکلی غیر موثر می‌تواند عمل کند. دلیل اساسی ناتوانی بازار در

تأمین کالاهای اجتماعی این است که ضرورت کالاها بطور دسته جمعی احساس می‌شود و حال آنکه ضرورت کالاهای خصوصی به صورت فردی احساس می‌گردد.

مکانیسم بازار برای عرضه کالاهای خصوصی بسیار مناسب است. این مکانیسم بر مبادله استوار است و مبادله هر جا که عنوان مالکیت برای مبادله وجود داشته باشد، می‌تواند صورت گیرد. بازار یک نظام علامت دهی در اختیار می‌گذارد که در آن تولیدکنندگان در مسیر تقاضای مصرف‌کنندگان هدایت می‌شوند. این مکانیسم برای کالاهای خصوصی بسیار مناسب است (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۷-۱۲۵).

لیکن بخشی که در ارتباط با مالیه عمومی مطرح است تدارک عمومی کالاهای اجتماعی است. دولت چگونه باید مقدار تدارک چنین کالاهایی را تعیین نماید. برای تعیین این مقدار برعکس کالاهای خصوص که بازار وارد عمل می‌شود، فرایند سیاسی و رفتار دولتمردان حاکم بر جامعه وارد عمل می‌گردد.

## ۲- توزیع درآمد و ثروت<sup>۱</sup>

توزیع درآمد و ثروت قبل از هر چیز به توزیع قابلیت عوامل وابسته است. توانایی‌های کسب درآمد افراد متفاوت است. توزیع درآمد براساس توزیع قابلیت عوامل بر مبنای قیمت‌گذاری عوامل تعیین می‌شود که یک بازار رقابتی، ارزش بازده عوامل را با ارزش تولید نهایی آنها برابر می‌شود. بنابر این توزیع درآمد بین افراد به عرضه عوامل و قیمتی که در بازار دارند، بستگی دارد. مطالعات نشان از آن دارد که این وظیفه به سیاست‌گذاری کلان توزیع مجدد درآمد و ثروت بین گروههای مختلف جامعه می‌پردازد و یکی از عوامل موثر و کارساز دولت‌ها برای بهینه‌سازی سیستم اقتصادی بشمار می‌آید. توزیع مجدد درآمد بیشتر از طریق طرح انتقال مالیات و وضع مالیات تصاعدی بر درآمد خانوارهای با درآمد بالا و پرداخت سوبسید به خانوارهای با درآمد پایین بطور مستقیم عمل می‌کند. همین‌طور، توزیع مجدد درآمد می‌تواند از طریق ترکیب مالیات بر کالاهایی که بطور گسترده مصرف‌کنندگان با درآمد بالا آنها را خریداری می‌کنند و

پرداخت سوبسید به سایر کالاها که عمدتاً مورد مصرف، مصرف کنندگان با در آمد پایین است، صورت می گیرد.

### ۳- تثبیت اقتصادی<sup>۱</sup>

وظیفه تثبیت، معطوف به نقش بودجه به عنوان ابزار سیاست کلان اقتصادی است. برای رسیدن به هدفهای سطح اشتغال بالا، سطح معقولی از ثبات سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ مقبولی در رشد اقتصادی سیاست مالی باید طراحی گردد.

برای تثبیت اقتصادی، سیاست مالی لازم است، زیرا اشتغال کامل و ثبات قیمت‌ها، در اقتصاد مبتنی بر بازار خود به خود بدست نمی آید و هدایت سیاست عمومی برای این منظور لازم است. بدون چنین سیاستی اقتصاد دستخوش نوسانات فراوانی خواهد شد و ممکن است از دوره‌های طولانی بیکاری و تورم در رنج بیفتند. بدتر آنکه ممکن است عدم اشتغال و بیکاری به طور همزمان وجود داشته باشد. این باور که برای اقدام در مورد این پیشامدهای احتمالی، سیاست عمومی لازم است، مانع از آن نیست که سیاست عمومی، اگر بدرستی هدایت نشود، خود منجر به بی ثباتی شود. سطح عمومی اشتغال و قیمت‌ها در اقتصاد به سطح تقاضای کل، ظرفیت تولید و قیمت متداول بستگی دارد. سطح تقاضای تابعی از تصمیمات خرج میلیونها مصرف کننده، مدیران شرکت‌ها، سرمایه گذاران و مانند اینهاست. این تصمیمات خود به عوامل بسیاری از قبیل در آمد گذشته و حال و وضع ثروت، امکانات اعتباری و انتظارات آینده وابسته است. سطح هزینه‌ها ممکن است در هر دوره برای تضمین اشتغال کامل کار و سایر مبالغ کافی نباشد، در اینصورت اقدامات انبساطی برای افزایش تقاضای کل لازم است. در حالت دیگر، هزینه‌ها ممکن است از تولید موجود تحت شرایط اشتغال بالا فراتر رود و بهمین مناسبت به تورم بینجامد. در چنین وضعی شرایط تحدیدکننده برای کاهش تقاضا لازم است (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۱-۱۳۰).

### موانع عمده سیاست تثبیت اقتصادی

موانع عمده سیاست تثبیت اقتصادی را می توان در سه بخش زیر مطرح کرد:

### ۱- درنگ در تأثیر سیاست تثبیت

این مانع از عدم اطمینان مردم به سیاستهای مالی و پولی دولتها ناشی می شود. اکثر دولتها در زمینه سیاستهای پولی و مالی با آشفتگی خاص اقتصادی روبرو هستند. «آشفتگیهای اقتصادی»<sup>۱</sup> از عدم برنامه ریزی های بلندمدت اقتصادی و یا در صورت بودن برنامه ریزی، از تغییر سیاستها و برنامه‌ها با توجه به برنامه‌های از پیش تعیین شده نشأت می گیرد. اگر آشفتگی اقتصادی کوتاه مدت و موقتی باشد و سیاست اقتصادی با درنگ عمل نماید، در این صورت بهترین سیاست آن است که هیچ اقدامی صورت نپذیرد، ولی اگر آشفتگی اقتصادی طولانی و بلندمدت باشد و سیاست اقتصادی با درنگ عمل نماید، بهترین سیاست آن است که اقدامات درون ساختاری صورت پذیرد. اقدامات درون ساختاری به سیاستهای حاکم بر جامعه و به اهداف از پیش تعیین شده بستگی دارد. از جمله اقدامات درون ساختاری می توان به تغییر در منابع تأمین مالی دولتها اشاره نمود.

### ۲- انتظارات مردم نسبت به سیاست تثبیت

انتظارات رابطه تعاملی با سیاست دارد. اگر سیاست حاکم اجازه دخالت در فعالیتهای اقتصادی را به بخشهای مختلف جامعه بدهد، انتظارات تغییر می کند. تغییر انتظارات به روند تصمیم گیری‌ها و برنامه ریزی‌های کلان دولتها بستگی دارد. به این صورت که اگر فعالیتهای اقتصادی تابع سیاست درهای باز اقتصادی بوده باشد، بخش اقتصادی خصوصی، خود را محق به دخالت در فعالیتهای اقتصادی دولت خواهد دانست، ولی اگر بصورت اقتصاد بسته عمل شود، بخش اقتصادی خصوصی به خود اجازه دخالت در فعالیتهای اقتصادی را نمی دهد. انتظارات از یک گرایش مثبت و منفی نسبت به سیاستهای اقتصادی برخوردار است. گرایش مثبت آن به کالبدهای رفتاری نشأت گرفته از برنامه ریزی‌های کلان اقتصادی بستگی دارد و گرایش منفی به کالبدهای رفتاری نشأت گرفته از برنامه ریزی‌های خلق الساعه و آنی وابسته است.

## ۱۳- بی اعتمادی به سیاست تثبیت

این مانع، ادامه مانع مرحله دوم است. سنوالی که مطرح می‌باشد چگونگی واکنش سیاست‌گزاران در رویارویی با چنین بی‌اعتمادی است. بی‌اعتمادی به سیاست تثبیت یا ناشی از کالبد‌های ارزشی رفتاری دولتمردان جامعه است و یا ناشی از کالبد‌های نامعلوم نامرئی سیاست‌های اقتصاد بین‌المللی می‌باشد. اگر ناشی از حالت اول باشد، باید دست به تغییر و دگرگونی زد، چرا که لازمه بقای هر سامانه آن است که متغیر دگرگون شود و اگر ناشی از حالت دوم باشد، درون‌گراها نمی‌توانند کاری از پیش ببرند، چرا که تصمیم‌گیرندگان دیگران هستند.

جدول شماره ۲-۱ وظایف، ویژگی‌ها و عوارض مالیه عمومی را به وضوح نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲-۱: وظایف، ویژگی و عوارض مالیه عمومی

وظایف	ویژگی	عوارض
تخصیص منابع	<ul style="list-style-type: none"> <li>• متفاوت بودن کالاهای اجتماعی از کالاهای خصوصی</li> <li>• ناتوانی بازار در تامین کالاهای اجتماعی</li> <li>• تدارک کالاهای اجتماعی توسط دولت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ریشه داشتن کالاهای اجتماعی در قوانین و کالاهای خصوصی در مکانیسم بازار</li> </ul>
توزیع درآمد و ثروت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• وابسته بودن توزیع درآمد و ثروت به توزیع قابلیت عوامل</li> <li>• وابسته بودن توزیع درآمد و ثروت بین افراد به عرضه عوامل و قیمت بازار</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ریشه داشتن در تاریخ و فرهنگ <b>کشوری</b></li> </ul>
تثبیت اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نقش بودجه بعنوان ابزار سیاست کلان اقتصادی</li> <li>• لزوم سیاست مالی</li> <li>• لزوم سیاست عمومی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ریشه داشتن در ساختارهای از پیش تعیین شده دولت‌ها</li> </ul>

## حرکت و تحولات مالیه عمومی

در مسیر حرکت و تحولات مالیه عمومی فرازهایی وجود دارد که می‌توان چهار فراز زیر را مورد تاکید قرار داد:

## ۱- فراز انقلاب صنعتی

انفجاری که امواج آن سراسر جهان را به لرزه درآورد و جوامع را بهم ریخت و تمدنی نوین خلق کرد، انفجار انقلاب صنعتی بود. این عصر یک نظام اجتماعی غنی و چندوجهی را بوجود آورد که بر تمام جنبه‌های زندگی بشر اثر گذاشت و همه خصایص گذشته (قبل از انقلاب صنعتی) را مورد حمله قرار داد. تراکتور را به مزرعه، ماشین تحریر را به اداره، و یخچال را به آشپزخانه برد، نمای خارجی ساختمانها عوض شد، صندلی‌های بارسلونی بوجود آمد، ساعت مچی و کیف بغلی را جهانی کرد و مهمتر این که همه این چیزها را بهم ربط داد و مانند قطعات یک ماشین، روی هم سوار کرد.

## ۲- جنگ جهانی اول و بحران ۱۹۲۹ میلادی

جنگ جهانی اول موجب خالی شدن خزانه مالی بسیاری از کشورها شد و ده سال بعد بحران بزرگ اقتصادی در جهان پدیدار گشت و دولت‌ها ناچار شدند بین امکانات مالی مصرف کنندگان و تولید انبوه و مصرف افراد، تعادلی ایجاد نمایند و اینجا بود که نقش دولت به عنوان سیاست‌گزار مطرح شد.

## ۳- ایجاد شرکت‌ها و موسسات اقتصادی بزرگ

ایجاد شرکت‌ها و موسسات اقتصادی بزرگ به صورت موسسات بین‌المللی چندملیتی پدیدار شد و دولت‌ها به ناچار برای حفظ منافع ملی در مقابل این شرکت‌ها وارد میدان شدند.

## ۴- تحولات چند دهه اخیر

تحولات چند دهه اخیر در صحنه اقتصادی و سیاسی از جمله یکپارچه شدن کشورهای اروپایی، یکی شدن پول کشورهای اروپایی، برداشتن تعرفه‌های گمرکی بین اعضای اتحادیه‌های منطقه‌ای و روند تکامل گات، پیشنهاد یکی شدن پول کشورهای اسلامی و ... حرکت و تحولات مالی عمومی را تحت تاثیر قرار داده است.

## مالیه از دیدگاه کلاسیک‌ها

آدام اسمیت، دیوید ریکاردو، و ژان باتیست سه از عمده‌ترین اقتصاددانان کلاسیک بودند که به جز در موارد محدودی از فعالیت‌های اقتصادی، دولت‌ها را از هر گونه دخالتی در مکانیزم بازارها منع می‌کردند. اساس نظریه کلاسیک‌ها بر رقابت قرار دارد که در صورت وجود شرایط لازم برای رقابت، مکانیزم بازار مساله کارایی و تخصیص بهینه منابع را حل خواهد کرد (پژویان، ۱۳۷۵، ص ۳).

در مجموع نظریات اقتصاددانان کلاسیک، آنان معتقد به حصول خود به خودی تعادل اشتغال کامل (وضع مطلوب) در یک اقتصاد رقابتی بوده‌اند و بنابراین این طبیعی است که دولت مورد توجه آنان، دولت حاشیه نشین در اقتصاد باشد. دولت کوچک، طبیعتاً به معنای مالیه کوچک هم می‌باشد. بهر حال، اصول کلی مالیه کلاسیک‌ها عبارتند از:

## ۱- حفظ بودجه در حداقل ممکن

در واقع به تناسب حفظ حداقل ابعاد حضور دولت در یک جامعه اشاره دارد.

## ۲- حفظ توازن بودجه

با فرض وجود اشتغال کامل، افزایش هزینه‌ها بدون پشتوانه، تورم‌زا است. در واقع اعتقاد به عقیم بودن یا نازا بودن پول<sup>۱</sup> که ریشه در اندیشه کلاسیک‌ها دارد، پایگاه قوی توجیه این اصل است!

## ۳- اجازه استقرار برای اهداف تولیدی

اجازه استقرار برای اهداف تولیدی، در واقع، نفی استقرار در نظریه کلاسیک‌ها است.

## ۴- لزوم تادیه فوری بدهی‌ها

اندیشه کلاسیک‌ها، استقرار دولت را دارای ماهیتی اسراف آمیز می‌داند و دلیلی برای پذیرش آن نمی‌یابد. بنابر این توصیه به لزوم تادیه فوری بدهی‌های مازاد، امری طبیعی است.

## ۵- تاکید بر مالیات بر مصرف و اجتناب از مالیات بر پس انداز

از آنجائیکه اقتصاد کلاسیک، نوعاً اقتصادی طرفدار عرضه است، سیمای آن را می‌توان در قانون معروف به نام "قانون بازارهای ژان تاتیست سه"<sup>۱</sup> یافت. مطابق این قانون، عرضه، تقاضای خود را ایجاد خواهد کرد. بنابر این، کوشش‌ها باید در راستای بهبود و افزایش عرضه کالاها و خدمات متمرکز شوند. در اینصورت بدیهی است که توجیه کافی برای تاکید بر مالیات بر مصرف و اجتناب از مالیات بر پس انداز که موجب افت تشکیل سرمایه و بنابراین این تولید می‌شود، وجود دارد.

## ۶- نادیده انگاشتن سیاست‌های مالی

در مطالعات اقتصاد کلان، ناحیه کلاسیک منحنی LM را به صورت خطی عمود بر محور افقی و موازی با محور عمودی نشان می‌دهند و این معنایی جز خنثی بودن سیاست‌گذاری مالی در جامعه ندارد.

نمودار شماره ۱-۱، نواحی منحنی LM را به وضوح نشان می‌دهد.

نحوی که امروزه اقتصادهای جهان، همه اقتصادهایی مختلط اند.

بهرحال، برای اینکه فهم دقیق تری از آنچه از این پس بعنوان اصول مالیه نوین خواهد آمد داشته باشیم، می توان اصول مالیه نوین را می توان در چهار قسمت بشرح زیر خلاصه نمود:

### ۱- عدم ضرورت همیشگی حفظ بودجه در حداقل ممکن و حفظ توازن در

#### بودجه

اگر از اصل تعادل مطلوب دائم کلاسیک ها عدول نمایم و بپذیریم که دنیای واقع، مانند آنچه کینز می گوید، دنیای تعادل های نامطلوب و عدم اشتغال است، طبیعی است که باید به دولت توصیه نمود که بر مخارج خود بیفزاید و به این ترتیب، تقاضای مؤثر جامعه را بهبود بخشد. در چنین دنیایی، گاه سیاست «چاله کندن و چاله پر کردن» حتی اگر هیچ اثر تولیدی هم نداشته باشند، از آنجا که بر تقاضای مؤثر جامعه اثر مثبت می گذارد، کاملاً پذیرفتنی است.

### ۲- تأکید بر سیاست کسر بودجه

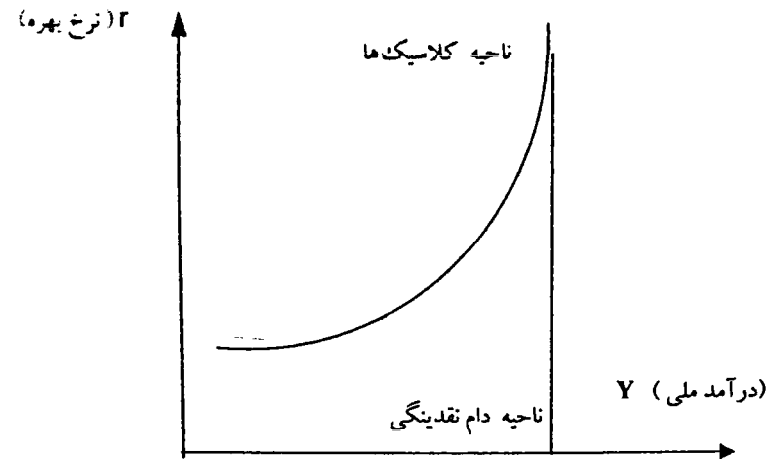
در شرایط بحران و رکود، سیاست کسر بودجه می تواند ابزار مؤثری برای افزایش سطح اشتغال و تولید باشد.

### ۳- پذیرش نقش مثبت استقراض

در شرایط نبود اشتغال کامل، استدلال بر غیرمولد بودن و تورمزا بودن استفاده دولت از منابع استقراضی پذیرفتنی نیست و بنابراین دلیلی ندارد که دولتها را از استقراض به منظور افزایش مخارج خود بپرهیزانیم.

### ۴- تأکید بر جنبه های منفی مالیات بر مصرف

در دوره های کمبود تقاضای مؤثر، توصیه دولتها به اینکه مالیاتها را بر مصرف منمرکز



نمودار شماره ۱-۱: نواحی منحنی LM

## مالیه از دیدگاه نئوکلاسیک ها

باتوجه به اینکه اصول اندیشه کلاسیک ها، در معرض نقد و انتقاد دانشمندانی چون سیسموندی، سن سیمون، رابرت اون، مارکس و ... قرار گرفت، جایگاهی که به دولت در این کشاکش اندیشه ها داده شد، حائز اهمیت است. فضای عمومی اندیشه های معارض کلاسیک، اینک به جای دولت حاشیه نشین کلاسیک، که در نهایت، وظیفه دفاع و انتظام داخلی و انجام امور عام المنفعه را بر عهده می گرفت، پذیرای دولتی با قدرت اقتصادی تمام عیار بود. دولتی که با حضور کامل خود در صحنه های اقتصاد ملی، عدالت اجتماعی را بجای ظلم لجام گسیخته سرمایه داری نشاندا اما دوران تعارض برای همیشه میدان دار نماند و بتدریج همراه با اصلاحاتی که در سلوک اجتماعی سرمایه داری بعمل آمد و تجدید نظرهای اصولی که بعدها کینز، پیامد بحران بزرگ ۱۹۲۹ میلادی، در مبانی اندیشه کلاسیک نمود، همگرایی نسبی در اندیشه های اقتصادی حاصل شد و به نظر ما این همگرایی که روند تند خود را با ظهور اندیشه کینز آغاز نموده، تاکنون ادامه داشته است، به

نمایند، کار درستی نیست. آنچه اقتصاد به آن نیاز دارد، تحریک و توسعه تقاضای مؤثر بوده که بدیهی است تأکید بر افزایش مالیات بر مصرف، با این نیاز ناسازگار است. این موضع گیری کینزی را در واقع باید از تبعات موضع کوبنده این دانشمند در قبال قانون بازارهای ژان باتیست سه اقتصاددان کلاسیک دانست.

## اصول اختلاف نظر کلاسیکها و نئوکلاسیکها

اختلاف نظر کلاسیکها و نئوکلاسیکها در خصوص مالیه را می توان در پنج قسمت بشرح زیر خلاصه نمود:

### ۱- تعادل مطلوب، خود به خودی و همیشگی

در تفکر کلاسیکها، تعادل امری همیشگی است که همواره در وضعیت اشتغال کامل به دلیل تعامل نیروهای عرضه و تقاضا و فضای رقابت برقرار می باشد و عدم تعادلها زودگذر هستند. کینز همانگونه که در کتاب اصلی خود یعنی «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» بر آن تأکید می نماید، این ادعا را پوچ می داند و برخلاف کلاسیکها مدعی است که تعادل مطلوب امری نادر و آرمانی بوده و یک اقتصاد در حال رشد ممکن است سالیان دراز بار بیکاری و عدم تعادل را بردوش کشد و سرانجام در بحرانی سهمگین، از آن گونه که در سالهای ۱۹۲۹ میلادی به بعد، جهان سرمایه داری شاهد آن بوده است، سقوط نماید.

### ۲- کارکرد عقلایی عوامل اقتصادی

بنظر کلاسیکها، انسانها که هدایت کننده فرآیندهای تولید، توزیع و مصرف جامعه اند، از رفتاری کاملاً عقلایی برخوردارند. آنان دقیقاً می دانند که چه میکنند و چرا می کنند. کینز در مقابل این ادعا، اظهار می دارد که برعکس، چه بسا که رفتارها اسیر «توهم»<sup>۱</sup> شوند. انسان ماشین نیست و آنطور که مشاهدات واقعی نشان می دهد، چه بسا رفتار از چهارچوب عقلانیت خارج شود. نه تنها اطلاعات کامل، بلکه تأثیر پذیری

سیمای متفاوت از محرکهای اقتصادی و اجتماعی، فرآیند تصمیم گیری انسان را از فضای عقلانی کامل به دور می سازد. بنابراین، در تفکر کینزی، انسان اقتصادی به معنای کلاسیک آن دیگر جایی ندارد.

### ۳- انعطاف پذیری قیمت<sup>۱</sup>

این اصل، در واقع تأمین کننده اعتقاد نخستین کلاسیکهاست. تمام قیمتها (قیمت نیروی انسانی، قیمت سرمایه، قیمت زمین و قیمت پول) بطور کامل قابل انعطاف اند و در مقابل تحركات عرضه و تقاضا، عکس العمل کامل و مناسب نشان می دهند. تصلب (چسبندگی) در واکنش قیمتها، مطابق نظریه کلاسیک، معنا ندارد. اما کینز، به حق مدعی است که قیمتها در بسیاری از مواقع (بویژه مزد یعنی قیمت نیروی کار بواسطه مقاومت دولتها و اتحادیه های کارگری در برابر کاهش دستمزدها از سطح حداقل) دچار تصلب و سختی می شوند و این مانع از تحقق خود به خودی تعادلها خواهد شد.

### ۴- آثار توزیع درآمد

مطابق دیدگاه کلاسیکها، دستکاری در توزیع درآمدها آثار اقتصادی قابل ملاحظه ندارد. توضیح اینکه، در اقتصاد دو نوع توزیع درآمد قابل طرح است: یکی توزیع اولیه بوده که از پیامد عمل طبیعی متغیرهای اقتصادی (سازوکار بازار) حاصل می شود و دیگری توزیع ثانویه بوده که در راستای تصحیح نادرستی های توزیع اولیه و با اعمال سیاستهای دولت تحقق می یابد. توزیع ثانویه را معمولاً با اصطلاح «توزیع مجدد یا بازپخش درآمدها» می شناسند. روح اصلی بازپخش درآمدها، بر غیر کارآ بودن و بی فایده بودن این سیاستها تأکید می نمایند. کینز بر خلاف کلاسیکها، نحوه پخش درآمدها در اقتصاد جامعه را بسیار حائز اهمیت می شمارد و بویژه در رابطه با برخورد با بحراناها بر آن نحوه ای از پخش درآمد که تقاضای مؤثر جامعه را افزون سازد، تأکید می ورزد.

## ۵- کشش انتظارات قیمت

کشش انتظارات قیمت بنا به تعریف، نسبت تغییرات نسبی قیمت‌های آتی به تغییرات نسبی قیمت‌های فعلی است. در دیدگاه کلاسیک، این کشش، مساوی واحد است. به عبارت دیگر، تغییرات نسبی قیمت‌های فعلی و آتی با هم مساوی است. در دیدگاه کینزی، این کشش بیشتر از واحد می‌باشد. برای جلوگیری از اطاله کلام، تنها تذکر می‌دهیم که این نکته در چگونگی تجزیه و تحلیل تورم نقش بسیار با اهمیتی را باز می‌نماید. در این رابطه خوب است به مسأله نازایی پول در نظر کلاسیک‌ها نیز توجه شود. بهرحال پیامد این تحولات تاریخی در نظریه و عمل اقتصادی، امروزه بر اصول آرمانی متقدمین، پافشاری نمی‌شود. حتی می‌توان ادعا کرد که دانشمندان و سیاست‌گزاران پذیرفته‌اند که تحقق همه اصول مذکور، گاه مستلزم تعارض‌های آشکار است. آنچه زمینه‌های تصمیم‌گیری سیاست‌گزاران امروز را تشکیل می‌دهد، عمدتاً برگرفته از اندیشه کینز و کینزین است. چنانچه می‌دانیم، کینز بشدت به اصل تحقق خود به خودی تعادل اشتغال کامل یورش می‌برد و آن را مستلزم وجود تقاضای مؤثری می‌داند که لزومی بر وجود همیشگی آن نیست، بنجوی که حالات وسیعی از یکاریهای ناشی از کمبود تقاضای مؤثر مؤید نادرستی اصول تفکر و نیز مالیه کلاسیک‌هاست.

## مالیه تبعی یا اقتضایی

مالیه تبعی یا اقتضایی را باید از تبعات تجزیه و تحلیل‌های کینز در اقتصاد تلقی نمود. اصطلاح مالیه تبعی را اولین بار پروفیسور لرنر<sup>۱</sup> بکار گرفته است. اصل پایه در مالیه تبعی این است که مالیه عمومی (متغیرهای آن) باید بعنوان ابزاری جهت دستیابی به اهداف اصلی اقتصادی و اجتماعی مدنظر قرار گیرد. پیش از کینز، مالیه عمومی تنها در مفهوم کسب درآمد مناسب جهت تدارک هزینه‌های بخش عمومی مطرح بود، اما نظریه کینزی، تغییری ساختاری در مفهوم و طبیعت مالیه عمومی بوجود آورد. کینز و کینزین‌ها این اندیشه را تبلیغ نمودند که مالیه عمومی ابزار دستیابی به اهداف اساسی اقتصادی و اجتماعی و تأمین

1. Lerner

مالی فعالیت‌های ضروری اقتصادی است. کینز بر این نکته تأکید داشت که اجرای سیاست‌های مالی و مالیاتی (اخذ مالیات و انجام هزینه‌های بخش عمومی توسط دولت) بر «متغیرهای واقعی»<sup>۱</sup> جامعه (درآمد، سطح اشتغال و ...) اثری حیاتی دارد. وی نشان داد که در دوره رکود، دولت‌ها می‌توانند از راه افزایش هزینه‌های خود در کارهای عمومی، و بالا بردن سطح درآمد و اشتغال در جامعه، رکود را به هزیمت بکشانند. بویژه اینکه، مطابق تحلیل‌های نظری این دانشمندان، تغییرات تقاضا، از راه ضریب تکاثری، اثری بسیار فزونیتر از کمیت این تغییرات بر میزان درآمد و اشتغال در کشور دارد. «ضریب تکاثری»<sup>۱</sup> ضریبی است که به تبع کمیت آن، درآمد ملی، در پی تغییر یکی از متغیرهای مؤثر بر اندازه تقاضای کل تغییر می‌نماید. اصلی‌ترین این متغیرها، مصرف خانوارها، سرمایه‌گذاری، مخارج دولتی، مالیات‌ها، صادرات و واردات و پرداخت‌های انتقالی می‌باشند. هر کدام از اینها دارای ضریب تکاثری منحصر بفردی هستند که مورد اشاره قرار می‌گیرند (مثلاً ضریب تکاثری مخارج دولتی، ضریب تکاثری مالیات‌ها و ...) تابع عمومی سیاست‌گذاری، نشان دهنده جایگاه ضریب تکاثری در فرآیند سیاست‌گذاری است (خورشیدی، ۱۳۷۱).

بهرحال و بطور خلاصه، چهره مالیه تبعی را اینگونه می‌توان توصیف کرد: هنگامی که در اقتصادی تورم وجود داشته باشد و قیمت‌ها بطور مداوم افزایش یابند، دولت باید با وضع مالیات‌های سنگین و کاهش قدرت خرید مردم و نیز کاهش مخارج خود به مقابله با آن برخیزد. به این ترتیب، تقاضای ملی کاهش می‌یابد و قیمت‌ها سیر نزولی پیدا می‌کنند و یا حداقل از شتاب افزایش آنها کاسته می‌شود. نحوه عمل دولت‌ها را در شرایط تورم، معمولاً با اصطلاح «سیاست بودجه‌مازاده» نیز می‌شناسند، زیرا با اعمال این سیاست، دولت‌ها در واقع درآمد (مالیات) بیشتری در قیاس با مخارج خود جمع‌آوری می‌نمایند. اما در حالت وجود رکود، نحوه عمل دولت عکس حالت تورم خواهد بود، به عبارت روشن‌تر، در این شرایط دولت‌ها باید از میزان مالیات‌ها بکاهند و به اندازه مخارج بویژه پرداخت‌های انتقالی، اضافه نمایند تا به این ترتیب قدرت خرید مردم اضافه شود. در این صورت، تقاضای ملی افزایش

1. Real Variables  
2. Multiplier Coefficient

می‌یابد و قیمت‌ها جان می‌گیرند و انگیزه برای سرمایه‌گذاری بوجود می‌آید. نحوه عمل دولتها در شرایط رکودی با سیاست کسر بودجه پیوندی بنیادی دارد. این اصطلاح که از یک نظر در مقابل اصطلاح «سیاست بودجه مزاد» قرار گرفته است، به معنای خرجی فراتر از دخل است که معمولاً دولتها با تأمین نظر بانکهای مرکزی در خصوص انتشار پول جدید، آن را تأمین می‌نمایند. نهایتاً، مالیه تبعی نقش مبارزه با رکود و تورم را بعهدہ دارد. اما وجود رکود خالص یا تورم خالص از یک نظر نعمتی است که در دنیای امروز و بویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، کمتر یافت می‌شود. آنچه بلای جان اقتصادهای امروزی شده، وضعیتی است که متضمن حضور همزمان رکود و تورم در جامعه می‌باشد. تورم رکودی<sup>۱</sup> پدیده‌ای خطرناک است که حساسیت سیاست‌گذاران اقتصادی را به مراتب افزایش داده است. در شرایط تورم رکودی، سیاستهای ضد تورمی و ضد رکودی لزوماً باید همراه با هم اعمال گردند و به این ترتیب بعنوان سیاستهای بازدارنده در قبال یکدیگر ظاهر می‌شوند. سیاستگذاری در این شرایط، ظرافت و درایت ویژه‌ای را می‌طلبد که معمولاً در سیاستگذاران اقتصادی کمتر توسعه یافته کمتر سراغ داریم. در مجموع شیوه درست و مجرب سیاستگذاری کارآمد در مبارزه با تورم رکودی، روی آوردن به سیاستهای عرضه و درآمدی است.

## خلاصه و نتیجه‌گیری

گسترش روبه تزايد وظایف دولتها، نامحدود بودن نیازهای انسانها و محدود بودن منابع دولتها اهمیت مالیه عمومی را آشکار می‌نماید. برای شناخت ماهیت مالیه عمومی، شناخت دولت و نقش دولتها لازم و ضروری است. مباحثی که مالیه عمومی به شناخت و تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازد، سه مؤلفه درآمدهای عمومی، هزینه‌های عمومی و کسری بودجه است که مجموعه این سه مؤلفه در کنار مؤلفه چهارمی تحت عنوان سیاستگذاری مالی قرار می‌گیرند. برای شناخت ماهیت مالیه عمومی، شناخت اهداف دولتها مهم است. اهداف دولتها را می‌توان در قالب تعریف مالیه عمومی مطرح کرد. مالیه عمومی بررسی عملیات و

1. Stage Flation

فعالیت‌های مربوط به چگونگی انجام هزینه‌های دولتها، روشهای جمع‌آوری درآمدها و چگونگی نحوه اداره وجوه و منابع مالی است.

موضوع دیگری که در این فصل به آن پرداخته شد، بحث مالیه خصوصی بود که درباره اصول، قواعد و وسائل تهیه درآمد به منظور تأمین هزینه‌های واحدهای بخش خصوصی اقتصاد بحث می‌کند و هدف آن، حداکثر نمودن سود ناشی از فعالیت‌های این بخش است. ارائه این بحث اساساً بعنوان راهی جهت معرفی بهتر مالیه عمومی صورت گرفت.

موضوع مورد بحث دیگر این فصل وظایف مالیه عمومی بود که تحت سه عنوان تخصیص منابع، توزیع درآمد و ثروت و تثبیت اقتصادی مورد توجه واقع و به موانع عمده سیاست تثبیت اقتصادی نیز اشاره‌ای گردید.

روند تکامل و تحولات مالیه عمومی در رابطه با چهار مؤلفه فراز انقلاب صنعتی، جنگ جهانی اول و بحران ۱۹۲۹ میلادی، ایجاد شرکتها و مؤسسات اقتصادی بزرگ و تحولات چند دهه اخیر مورد بحث قرار گرفت.

همچنین مالیه از دیدگاه کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها بحث گردید و به نقد و بررسی آن پرداخته شد، و اختلاف نظر این دو مورد توجه قرار گرفت. بالاخره آخرین بحث فصل در ارتباط با مالیه تبعی یا اقتضایی بود که تعریف، نقد و بررسی شد.



## خودآزمایی فصل ۱

- ۱- دلایلی که مکانیزم بازار به تنهایی نمی‌تواند همه وظایف اقتصاد را در کشور انجام داده و بدون دولت‌ها، بازارها نمی‌توانند جایگاه اصلی و اساسی خود را به انجام برسانند، را بیان نمایند.
- ۲- جوامع غربی سه مرحله اصلی دخالت دولت‌ها را تجربه کرده‌اند، این مراحل را بنویسید.
- ۳- عوامل متعددی که ماهیت و اندازه مالیه عمومی در هر جامعه را تبیین می‌نمایند، نام برده و توضیح دهید.
- ۴- مالیه عمومی را تعریف نموده و دیدگاه صاحب‌نظران مالیه عمومی را توضیح دهید.
- ۵- وجوه تشابه و تفاوت مالیه عمومی و خصوصی را بیان نمایند.
- ۶- برای رسیدن به اهداف اقتصادی مالیه عمومی، چند وظیفه برای دولت‌ها مطرح است، این وظایف را توضیح دهید.
- ۷- در مسیر حرکت و تحولات مالیه عمومی فرازهایی وجود دارد، این فرازها را بنویسید.
- ۸- اصول مالیه کلاسیک‌ها را نام ببرید و توضیح دهید.
- ۹- اصول مالیه نئوکلاسیک‌ها را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۱۰- اصول اختلاف کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها را معرفی و تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۱۱- مالیه تبعی یا اقتضایی را از دیدگاه صاحب‌نظران مالیه تجزیه و تحلیل نمایید.

## فصل دوم

### ابزارهای مالیه عمومی

#### هدف کلی

آشنایی با ابزار تحلیل توصیفی، بررسی نقش نظریات اقتصادی در مالیه عمومی، نقش تجزیه و تحلیل تجربی در مالیه عمومی، آشنایی با ابزار تحلیل دستوری، تجزیه و تحلیل تخصیص بهینه پارتو، و انتخاب از میان نقاط بهینه پارتو.

#### هدفهای رفتاری

پس از مطالعه این فصل انتظار می‌رود بتوانید:

- ۱- هدف اصلی نظریات اقتصادی در مالیه عمومی را بیان کنید.
- ۲- اثرات جانشینی و درآمدی را توضیح دهید.
- ۳- سه نوع استراتژی تجربی در زمینه نقش تجزیه و تحلیل تجربی در مالیه عمومی را توضیح دهید.
- ۴- معیار خطای استاندارد را تشریح نمایید.
- ۵- اقتصاد رفاه را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۶- جمعه‌اجورث را توضیح دهید.

۷- منحنی‌های بی تفاوتی در جعبه اجورث را توضیح دهید.

۸- بهینه پارتو را بیان کنید.

۹- پیشرفت پارتو را توضیح دهید.

۱۰- منحنی قرارداد را توضیح دهید.

۱۱- شرط لازم برای بهینه پارتو را توضیح دهید.

۱۲- منحنی امکانات تولید را توضیح دهید.

۱۳- شرط لازم برای بهینه پارتو را بر حسب هزینه نهایی تجزیه و تحلیل نمائید.

۱۴- تخصیص بهینه پارتو را تجزیه و تحلیل نمائید.

۱۵- کارایی در مقابل عدالت را توضیح دهید.

۱۶- تابع رفاه اجتماعی را توضیح دهید.

## مقدمه

ابزارهای مالیه عمومی از مقبولیت خاصی مابین علمای اقتصاد برخوردار است، هرچند از کارایی مطلوبی برخوردار نباشد. این ابزارها برای تجزیه و تحلیل موضوعات مرتبط به اقتصاد دستوری مورد استفاده عملی قرار می‌گیرد. اقتصاددانان مالیه عمومی را اعتقاد بر آن است که این ابزارها کمک مفیدی را برای مطالعه رابطه میان دولت‌ها و اقتصاد آنان می‌نمایند.

ابزارهای مالیه عمومی را می‌توان در دو بخش ابزار تحلیل توصیفی یا تحلیل اثباتی، و ابزار تحلیل دستوری یا تحلیل هنجاری تقسیم‌بندی نمود.

## بخش اول: ابزار تحلیل توصیفی

یکی از پررونق‌ترین مسائلی که در مالیه عمومی در سال‌های اخیر مورد استفاده وسیع قرار گرفته است، استفاده از ابزار تحلیل توصیفی است. این ابزار کمک می‌نماید تا بتوانیم تجزیه و تحلیل منطقی و سیستماتیک از نقش نظریات و تجربیات داشته باشیم.

## نقش نظریات اقتصادی در مالیه عمومی

هدف اصلی نظریات اقتصادی در مالیه عمومی این است که کمک می‌کند تا تعدادی از متغیرهای اثرگذار بر رفتار بازشناسی شده و تجزیه و تحلیل گردند. به طور مثال می‌توان بحث مالیات بر درآمدها و عرضه نیروی کار را مطرح کرد که چگونه نظریات اقتصادی در ساختاردهی فکر و اندیشه‌ها مفید واقع می‌شود. همان گونه که از مثال بر می‌آید نظریه عرضه نیروی کار را می‌توان بعنوان یک مولفه مورد بررسی ناشی از نظریات اقتصادی در مالیه عمومی بیان نمود. فرض می‌کنیم شاغل یک شغلی در یک سازمان فقط چند ساعت در روز وقت دارد. او چند ساعت از اوقات خود را به کار در بازار کار (سازمان) و چند ساعت دیگر را به استراحت و تفریح می‌گذراند. این فرد از فراغت و استراحت و تفریح رضایت خاطر دارد که مطلوبیت او را مشخص می‌کند، لیکن برای کسب درآمد باید در سازمان کار نماید و با کار کردن بطور خودکار فراغت خود را ازدست می‌دهد. مشکل حائز اهمیت این فرد یافتن ترکیب مناسب و دقیقی از درآمد و فراغت است که مطلوبیت وی را به حداکثر ممکن برساند.

اگر نرخ دستمزد این فرد در ازای هر ساعت کار در سازمان ۱۰۰ ریال باشد به این نتیجه می‌توان رسید که به ازای هر ساعت فراغت از کار که تحت عنوان استراحت و تفریح می‌گذرد، فرد ۱۰۰ ریال از دست می‌دهد. این عقلایی است که یک فرد عاقل همه زمان‌های خود را اختصاص به کار نمی‌دهد، هر چند که فراغت از کار برای او هزینه‌ای را تحت عنوان از دست دادن درآمد در آن زمان، دربرداشته باشد.

فرض مزبور را با این پس فرض پیش می‌گیریم که فرد مزبور ممکن است به ترکیبی از درآمد و فراغت از کار که به حداکثر کردن مطلوبیت وی بر مبنای نرخ دستمزد (یعنی ۱۰۰ ریال) می‌انجامد دست یابد. حال اگر دولت مالیاتی را به نرخ ۱۰ درصد (مالیات بردرآمد حاصل از دستمزد) وضع نماید، دستمزد این فرد عبارتست از:

$$100(1-10\%) \text{ ریال}$$

حال سؤال اساسی این است که با مطرح شدن مالیات بر درآمد حاصل از دستمزد چه

واکنشی از طرف فرد صورت می‌پذیرد؟

مطالعات نشان می‌دهد که نمی‌توان بر آورد کرد که آیا این فرد میزان کار خود را کمتر و یا بیشتر خواهد کرد؟ و یا اینکه هیچ تغییری در وضعیت اشتغال بکار ایشان صورت نمی‌گیرد. علمای مالیه عمومی را اعتقاد بر آن است که از لحاظ نظری پیش‌گویی نمی‌توان کرد، لیکن بحثی که اقتصاد دانان مطرح می‌کنند اثرات جانشینی<sup>۱</sup> و اثرات درآمدی<sup>۲</sup> است.

قبل از وضع مالیات، مصرف یک ساعت فراغت از کار برای فرد مزبور مبلغ ۱۰۰ ریال هزینه در برداشت. پس از وضع مالیات بر درآمد، به دلیل اینکه دستمزد خالص وی کاهش یافته است، هزینه یک ساعت فراغت از کار در قالب استراحت و تفریح مبلغ (10-1) 100 ریال می‌باشد. از آنجائی که فراغت از کار حال به ۹۰ ریال به ازای هر ساعت کاهش یافته است، تمایل به مصرف آن بیشتر و میل به کار کمتری شود. این اثر به "اثر جانشینی" معروف است.

در عین حال اثر دیگری تحت عنوان اثرات درآمدی مطرح می‌شود. پس فرض دیگر اینکه فرد بدون توجه به تمام تغییر و تحولاتی که در دستمزد خالص وی اتفاق می‌افتد، چند ساعت معین و مشخص کار نماید و پس از کسر مالیات برای هر یک از این ساعات فقط مبلغ ۹۰ ریال دریافت دارد، در حالی که قبل از وضع مالیات با نرخ ۱۰ درصد، دستمزد فرد ۱۰۰ ریال بود. در واقع متحمل زیان درآمد شده است. نکته قابل بررسی این است که از آنجائیکه فراغت از کار جزء کالاهای عادی محسوب می‌شود، مصرف با افزایش درآمد، افزایش می‌یابد و برعکس این ضرر و زیان درآمدی منجر به مصرف کمتر (استراحت و تفریح) می‌گردد. اما فراغت کمتر به معنای کار بیشتر است. از آنجایی که مالیات بر درآمد فرد را فقیرتر می‌نماید، فرد به کار بیشتر ترغیب می‌گردد. این اثر به "اثر درآمدی" معروف است.

بدین ترتیب می‌توان گفت، مالیات بطور همزمان اثرات جانشینی و درآمدی پدید می‌آورد. از آنجایی که اثر جانشینی و اثر درآمدی در دو جهت مخالف هم عمل

1. Substitution Effect
2. Income Effect

می‌کنند، لذا نمی‌توان مالیات بر درآمد را فقط از راه نظریه پردازی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و به ناچار به استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل تجربی روی می‌آوریم.

### نقش تجزیه و تحلیل تجربی در مالیه عمومی

مطالعات نشان می‌دهد که تجزیه و تحلیل نظریات اقتصادی در برخی از مواقع امکان تجزیه و تحلیل تغییرات حاکم بر چنین موقعیتی را نمی‌تواند پیش فرض نماید که چگونه رفتار نیروی کار در سیستم مالیات تاثیر می‌پذیرد به ناچار کار تجربی<sup>۱</sup> ضرورت پیدا می‌کند.

سه نوع استراتژی تجربی در این زمینه از سوی علمای مالیه عمومی مطرح می‌شود. این استراتژی‌ها عبارتند از:

#### ۱. استراتژی تجزیه و تحلیل مبتنی بر مصاحبه‌های شفاهی

یکی از روش‌هایی که می‌توان برای پی بردن به اثرات برخی از فعالیت‌های دولت‌ها بر رفتار افراد جامعه بکار گرفت، استفاده از روش مستقیم مصاحبه در قالب سؤال و پرسش از آنها است. یکی از مطالعاتی که از راه مصاحبه دقیق برای ارزیابی اثرات مالیات‌ها بر عرضه نیروی کار صورت گرفته است، مطالعات انجام شده از گروهی از حقوق دانان و حسابداران انگلیسی می‌باشد. سنوالاتی که از گروه مزبور به عمل آمد عبارت بود از:

✓ چگونه ساعات کار خود را تعیین می‌کنید؟

✓ تا چه اندازه از نرخ مالیاتی اطلاع و آگاهی دارید؟

✓ تا چه اندازه نرخ‌های مالیاتی انگیزه انجام کار را در شما زیاد یا کم می‌کند؟

و اکثراً نشان داد که افراد کمی از مالیات‌ها اثر پذیرفتند. حتی مطالعات بعدی

دیگری نیز مطالعه قبلی انجام شده را تأیید نمود.

## ۲- استراتژی مبتنی بر آزمایشات اجتماعی

مطالعات نشان می‌دهد که دو نوع آزمایشات را در تجزیه و تحلیل‌های تجربی بکار می‌بندند:

## ۲-۱- آزمایشات اجتماعی

به آن دسته از آزمایشاتی اشاره دارد که نمونه‌های آن واقعاً تصادفی باشند، یعنی اعضای نمونه، نماینده جمعیت تحت بررسی است که رفتار آنان مورد سنجش و تجزیه و تحلیل واقع می‌شود. به عبارت دیگر رفتار اقتصادی آن بطور مثال در برنامه‌های حمایتی درآمدی مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

یکی از آزمایشات اجتماعی که در خلال سال‌های ۱۹۶۰ صورت پذیرفت، آزمایش حفظ درآمد بود. مساله این بود که معلوم شود که عرضه نیروی کار افراد کم درآمد زمانی اجازه داده می‌شود که در برنامه‌های حمایتی درآمدی شرکت نمایند، چگونه تغییر خواهد کرد. با انتخاب نمونه تصادفی، نمونه مزبور به دو گروه مجزا تقسیم شد. به خانواده‌های اولین گروه اجازه داده شده که در برنامه‌های حمایتی درآمدی شرکت فعال داشته باشند. لیکن به گروه دوم به عنوان شاخص کنترل نگریسته شد. پس از گذشت چند سال عرضه نیروی کار این دو گروه با هم مقایسه شد. از مقایسه بعمل آمده نتیجه ای که حاصل شد این بود که رفتار آنان در طی سال‌های مورد مطالعه تفاوت فاحشی کرده بود. یکی از دلایل فاحش تفاوت در این بود که نگهداشت نمونه تصادفی پس از چند سال واقعاً غیر ممکن بود و اگر همان افراد در داخل همان نمونه تصادفی حفظ می‌شد، برخی از آنان شغل خود را عوض نموده بودند و از سوی دیگر برخی دیگر حاضر به مشارکت با گروه تحقیق نبودند و در صورت مشارکت نگرش رفتاری آنان به حفظ درآمد در قالب برنامه‌های حمایتی درآمدی تغییر پیدا کرده بود.

## ۲-۲- آزمایشات آزمایشگاهی

به آن دسته از آزمایشاتی اشاره دارد که در آزمایشگاه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این

نوع آزمایشات اغلب توسط روان شناسان استفاده می‌شود. پژوهشگران در این نوع از آزمایشات معمولاً گروهی از افراد را که وظایف گوناگونی را انجام می‌دهند بکار گرفته و سپس رفتار آنان را تک تک مورد مشاهده قرار می‌دهند. بطور مثال برای مطالعه عرضه نیروی کار، پژوهشگر ممکن است کار خود را با توجه به نظریه عرضه نیروی کار که متغیر اصلی آن نرخ دستمزد است، آغاز نماید. یک استراتژی آزمایشی این خواهد بود که پاداش‌های اقتصادی به موضوعات مورد مطالعه برای تکمیل کارهای مختلف آنان داده شود و چگونگی تغییر در رفتار آنان که ناشی از پاداش است را ثبت نماید.

## ۳- استراتژی مبتنی بر مطالعات اقتصادسنجی

مطالعات اقتصادسنجی بر نظر سنجی افراد متکی نیست و معمولاً آن را در معرض آزمایشات قرار نمی‌دهد، لیکن آثار سیاست‌های مختلف ناشی شده از تجزیه و تحلیل رفتارهای مشاهده شده استنباط می‌شود.

اقتصادسنجی کمک می‌کند تا به ارزیابی اهمیت رخدادهای اتفاق افتاده پردازیم. پس می‌توان گفت اقتصادسنجی به تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات اشاره دارد. در مدل ساده عرضه کار، ساعات کار سالانه ( $L$ ) به نرخ دستمزد خالص ( $W_n$ ) وابسته است. یعنی داریم:

$$W_n = (1-t)w \quad \text{معادله شماره ۱-۲}$$

با اندکی بررسی می‌توان گفت در تصمیمات مربوط به ساعات کار، متغیرهای دیگری هم چون درآمدهایی به غیر از درآمد حاصل از نیروی کار هم چون سود سهام دریافتی، بهره ( $A$ )، سن ( $X_1$ ) و تعداد فرزندان ( $X_2$ ) ممکن است تاثیر داشته باشند. یعنی داریم:

$$L = a_0 + a_1 W_n + a_2 A + a_3 X_1 + a_4 X_2 + \epsilon \quad \text{معادله شماره ۲-۲}$$

پارامتر  $a$ :

$\epsilon$ : خطای تصادفی<sup>۱</sup>

سن:  $X_1$ تعداد فرزندان:  $X_2$ سایر درآمدها به غیر از درآمدهای حاصل از نیروی کار:  $A$ 

همان گونه که معادله شماره ۲-۲ نشان می‌دهد اگر  $a_1=0$  باشد، دستمزد خالص هیچ گونه اثری بر ساعات کار نخواهد داشت و اگر  $a_1$  بزرگتر از صفر باشد، افزایش در دستمزد خالص، افراد را برای کار بیشتر تشویق خواهد کرد. در این حالت اثر جانشینی تسلط دارد. اگر  $a_1$  کمتر از صفر باشد، افزایش در دستمزد خالص، افراد را به کار کمتر تشویق و ترغیب خواهد نمود. در این حالت اثر درآمدی حاکم است.

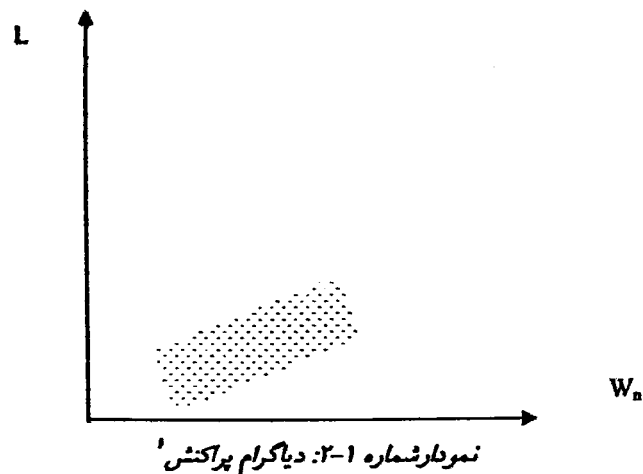
وجود خطا در معادله شماره ۲-۲ بیانگر این حقیقت است که تاثیراتی که بر عرضه نیروی کار وارد می‌شود، برای محقق و پژوهشگر قابل رویت نیست.

یکی از جنبه‌های عملی اقتصاد سنجی، برآورد پارامتر از طریق اعمال روش‌های مختلف آماری است. روش "تجزیه و تحلیل رگرسیون چند گانه" یکی از روش‌های برآورد پارامترها است که کمک می‌کند تا بتوانیم برآورد دقیقی از پارامترها داشته باشیم.

تصمیمات مربوط به ساعات کار را بدون در نظر گرفتن تمام متغیرهای موجود در معادله شماره ۲-۲ به غیر از دستمزد خالص مورد بررسی قرار گیرد. معادله زیر مفروض است:

$$L = a_0 + a_1 W_n + \varepsilon \quad \text{معادله شماره ۲-۳}$$

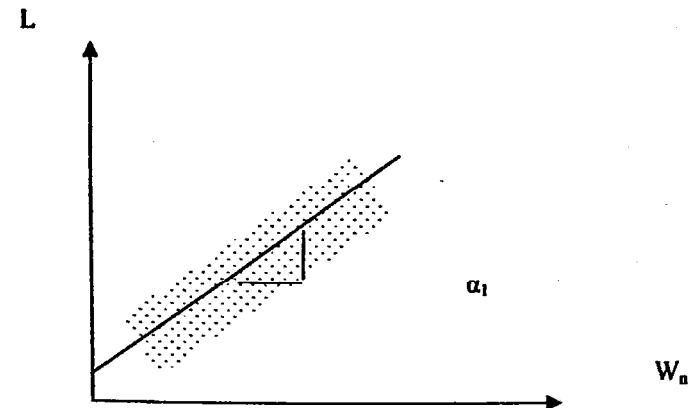
اکنون فرض کنید که اطلاعات مربوط به ساعات کار و دستمزدهای پس از کسر مالیات متعلق به نمونه ای از افراد اخذ شده باشد. رسم این مشاهدات پراکنشی را می‌توان به صورت نمودار شماره ۲-۱ مشاهده نمود.



از آنجائی که در نمودار شماره ۲-۱ نمی‌توان یک خط مستقیمی یافت که از همه این نقاط عبور نماید، مجبور هستیم به "خط رگرسیون" روی بیاوریم. خط رگرسیون یک نمایش هندسی معادله شماره ۲-۳ است که در نمودار شماره ۲-۲ بوضوح دیده می‌شود. شیب این خط برآوردی است از  $a_1$  برآورد پارامتر را گاهی "ضریب رگرسیون" می‌نامند.

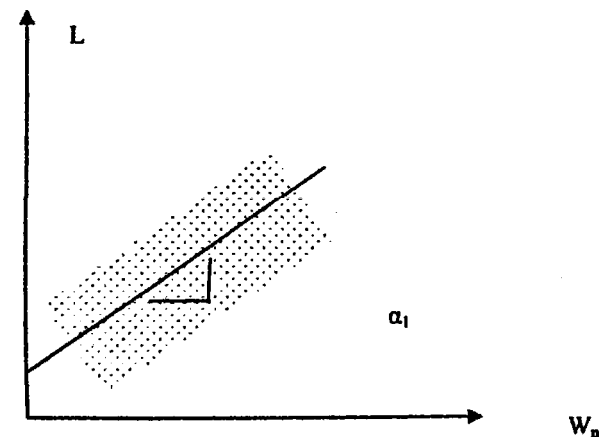
1. Regression line
2. Regression Coefficient

## I. Multiple Regression Analysis



نمودار شماره ۲-۲: خط رگرسیون

پس از بررسی و برآورد  $a_1$  قابلیت اعتماد بایستی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. سؤال اساسی این است که آیا احتمال دارد که این برآورد نزدیک به ارزش واقعی حقیقی  $a_1$  باشد؟ برای پاسخ به این سؤال فرض کنید که نقاط پراکنش نمودار شماره ۲-۳ پراکنده تر است، حتی با وجودی که قابلیت اعتماد آن کم خواهد شد.



شماره ۲-۳: خط رگرسیون در یک دیاگرام پراکنش افزایشنده

یکی از معیارهای سنجشی که کمک می‌کند تا نشان دهیم یک پارامتر برآورد شده چه مقدار می‌تواند از ارزش واقعی حقیقی دور باشد، معیار "خطای استاندارد" است. زمانی که خطای استاندارد نسبت به اندازه معیار برآورد شده کوچک است گفته می‌شود که ضریب از لحاظ آماری معنی‌دار است.

نتیجه اینکه با داشتن برآورد پارامترها می‌توان تغییرات  $L$  را که به وسیله تغییر دستمزد خالص القاء می‌شود، استنباط کرد. فرض کنید  $a_1=100$  باشد. اگر مالیات، دستمزد را ۵۰ درصد کاهش دهد، می‌توان پیش‌بینی کرد که یک فرد ۵۰ ساعت کمتر در سال کار خواهد کرد ( $100 \times 50$ ).

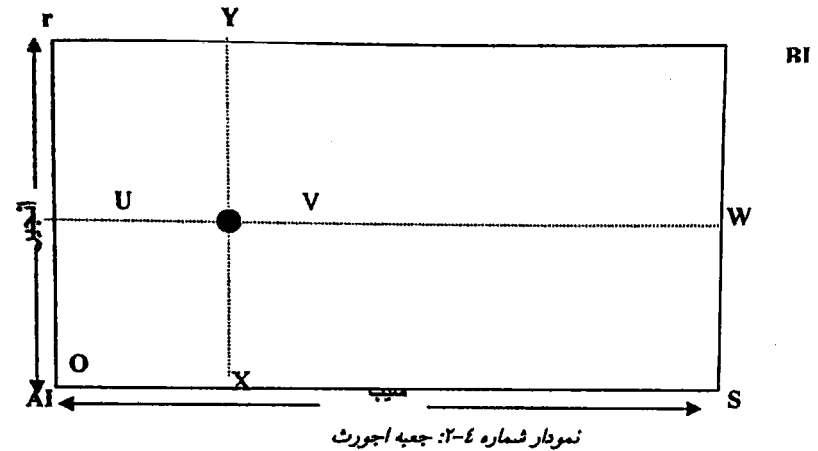
همانگونه که ملاحظه نمودید در مثال مزبور فقط یک متغیر تبیین کننده تحت عنوان دستمزد خالص مطرح بود. حال اگر به جای یک متغیر از دو متغیر در معادله استفاده نمائیم (بطور مثال دستمزد خالص و درآمد از منبع دیگر غیر از کار) می‌توان یک صفحه رگرسیون را از طریق نقاط پراکنش در یک فضای اقتصادی سه بعدی ترسیم نمود. در مواردی که بیش از دو متغیر وجود دارد نمایش هندسی ساده‌ای وجود ندارد. در این صورت، اصول ریاضی مشابهی برای تهیه برآوردهای پارامتر برای هر تعداد از متغیرهای تبیین کننده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### بخش دوم: ابزار تحلیل دستوری

یکی دیگر از مسائلی که در مالیه عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد استفاده از ابزار تحلیل دستوری است. مبنای اکثر کارهای دستوری در مالیه عمومی "اقتصاد رفاه" است. در سال‌های اخیر مباحثات جنجال برانگیزی را در برخی از کشورها ایجاد کرده است. اقتصاد رفاه شعبه‌ای از نظریات اقتصادی مربوط به مطلوبیت اجتماعی است که در حالات اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. برای بررسی اقتصاد رفاه فرض می‌کنیم که در یک اقتصاد بسیار ساده بسر می‌بریم که

1. Standard Error
2. Welfare Economics

در آن فقط دو فرد وجود دارد که دو نوع کالا با عرضه ثابت را مصرف می‌نمایند. مولفه اقتصادی مورد بحث برای این دو فرد، تخصیص مقادیری از دو کالا است.<sup>۱</sup> برای تجزیه و تحلیل اقتصادی از ابزاری به نام 'جعبه اجورث'<sup>۲</sup> استفاده قرار می‌کنیم. نمودار شماره ۴-۲- جعبه اجورث را به وضوح نشان می‌دهد.

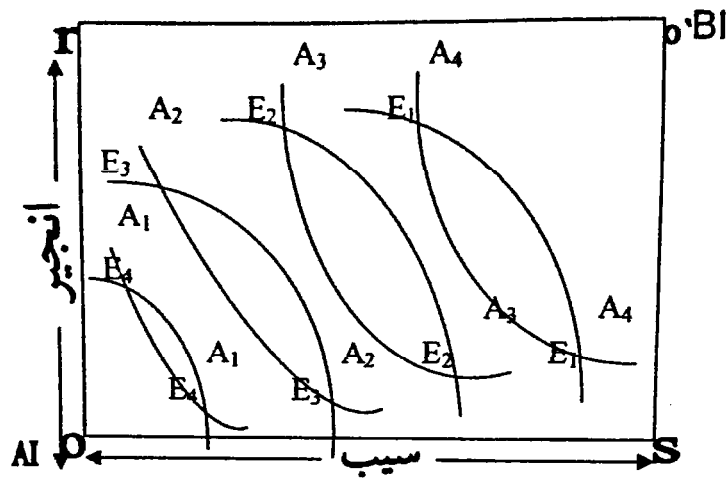


نمودار شماره ۴-۲: جعبه اجورث

همان گونه که نمودار شماره ۴-۲ نشان می‌دهد، جمع کل سبب‌های موجود در اقتصاد و  $O'r$  جمع کل انجیر است. مقادیر کالاهای مصرفی (سبب و انجیر) توسط فرد AI به وسیله فاصله‌ها از نقطه O و مقادیر مصرف شده بوسیله فرد BI از  $O'$  اندازه گرفته می‌شود. بطور مثال در نقطه V، فرد AI مقدار  $O'u$  انجیر و مقدار  $Os$  سبب مصرف می‌کند. در حالیکه فرد BI مقدار  $O'y$  از میوه سبب و  $O'w$  از انجیر استفاده می‌نماید. علاوه بر نقطه V در هر نقطه ای از جعبه فوق، توزیعی از سبب و انجیر بین فرد AI و BI دیده می‌شود. اکنون فرض می‌کنیم که هر کدام از افراد (BI و AI) یک تعدادی منحنی بی‌تفاوتی به صورتی که در نمودار شماره ۴-۲ نشان داده شده است، دارند. این منحنی‌ها ترجیحات آنان را در مورد میوه‌های مزبور نشان می‌دهد.

۱. تمام نتایج مهمی که در این اقتصاد بسیار ساده برای دو کالای مزبور که در آن فقط دو فرد وجود دارد بر هر اقتصاد حاوی افراد و کالاهای بسیار زیاد نیز صادق است.

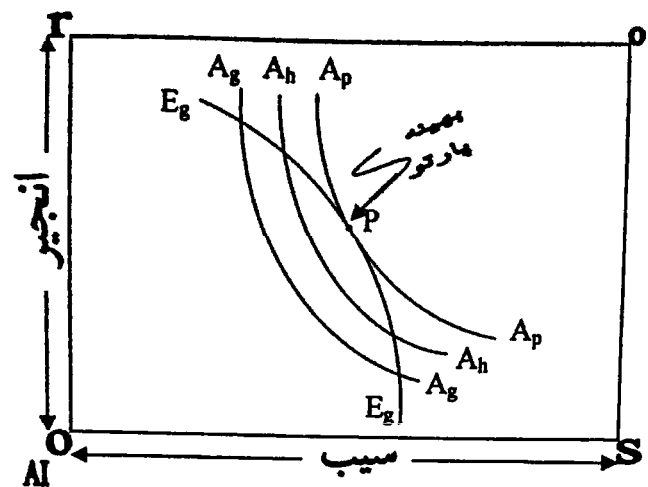
2. Edgeworth Box



نمودار شماره ۴-۲: منحنی‌های بی‌تفاوتی در جعبه اجورث

همان گونه که نمودار شماره ۴-۲ نشان می‌دهد، منحنی‌های بی‌تفاوتی فرد AI با علامت A و فرد BI با علامت E مشخص شده‌اند. هر چقدر از سمت چپ جعبه اجورث به سمت راست حرکت می‌کنیم، مطلوبیت بیشتری برای فرد AI حاصل می‌شود. فرد AI بر منحنی بی‌تفاوتی  $A_3$  از منحنی‌های  $A_1$  و  $A_2$  انگیزش وارتر بوده و دارای مطلوبیت بالاتری نیز است و فرد BI بر منحنی‌های بی‌تفاوتی  $E_3$  از منحنی‌های  $E_1$  و  $E_2$  انگیزش وارتر و دارای مطلوبیت بیشتری است. اکنون فرض دیگری حادث است و آن انتخاب توزیع دلخواهی از میوه‌های مزبور، مثل نقطه g در نمودار شماره ۴-۶ است.

BI



نمودار شماره ۲-۶: بهبود وضعیت فرد AI بدون ضرر رساندن به فرد BI

همان گونه که نمودار شماره ۲-۶ نشان می‌دهد،  $Ag-Ag$  منحنی بی تفاوتی فرد AI است که از نقطه g عبور می‌کند و  $Eg-Eg$  نیز منحنی بی تفاوتی فرد BI می‌باشد. اکنون این سؤال مطرح است که آیا امکان دارد که میوه‌های مزبور را بین افراد (BI و AI) طوری تخصیص دهیم که وضع AI در عین حال که بهتر می‌شود، وضع فرد BI بدتر نشود؟ مطالعات نشان می‌دهد که چنین تخصیصی وجود دارد، این تخصیص در نقطه h حادث می‌شود. در نقطه h وضع AI بهتر می‌شود، زیرا در منحنی بی تفاوتی بالاتری ( $Ah-Ah$ ) قرار گرفته است و مطلوبیت بهتری را نسبت به منحنی بی تفاوتی  $Ag-Ag$  برای وی نشان می‌دهد. از سوی دیگر وضع فرد BI نیز در نقطه h بدتر نشده است، چون وی هم چنان در منحنی بی تفاوتی اولیه خود یعنی  $Eg-Eg$  باقی مانده است.

سؤال دیگری که مطرح است اینکه آیا می‌توان رفاه فرد AI را بیش از این افزایش داد، بدون اینکه صدمه‌ای به رفاه BI وارد آید؟ پاسخ این است که مادامی که حرکت فرد AI بر منحنی‌های بی تفاوتی به سمت شمال شرقی جعبه اجورث ادامه دارد و هم چنان بر روی منحنی بی تفاوتی  $Eg-Eg$  قرار بگیرد، این کار عملی است. این فرایند را تا جایی می‌توان ادامه داد که منحنی بی تفاوتی فرد AI با منحنی بی تفاوتی  $Eg-Eg$  در نقطه ای که در نمودار

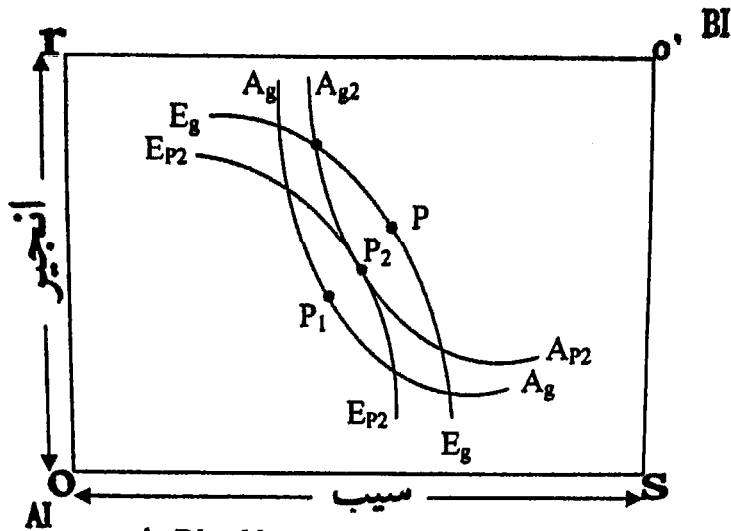
شماره ۲-۶ با علامت P مشخص شده است، مماس گردد.

تنها راه قرار دادن فرد AI بر یک منحنی بی تفاوتی بالاتر از منحنی  $Ap-Ap$  در این است که فرد BI را بر یک منحنی بی تفاوتی پایین تر قرار دهیم. تخصیصی مثل نقطه P که بهتر کردن وضع یک فرد در آن نقطه بدون ضرر رساندن به وضع دیگری ممکن نباشد، مفهوم "بهبود پارتو" را بیان می‌کند. این مفهوم به عنوان پایه و اساس و استاندارد برای ارزشیابی مطلوبیت تخصیص منابع، مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر تخصیص منابع، پارتو نباشد، تخصیص انجام گرفته، تخصیصی پرت دار خواهد بود. به این صورت که امکان دارد وضع فردی را بهتر نماید، بدون اینکه به وضع دیگری آسیب رساند.

مفهوم دیگری که از مفهوم بهینه پارتو گرفته شده است، "پیشرفت پارتو" نام دارد. این مفهوم به تخصیص مجدد منابع به نحوی که وضعیت شخصی فرد را بهتر کند، بدون اینکه وضعیت شخصی فرد دیگر را بدتر نماید، اشاره دارد. همانگونه که نمودار شماره ۲-۶ نشان می‌دهد حرکت از نقطه g به نقطه h یک پیشرفت پارتو است. در عین حال حرکت از نقطه h به نقطه p نیز یک پیشرفت پارتو را نشان می‌دهد.

سؤال سوم اینکه آیا می‌توان وضعیت رفاهی فرد BI را بهتر کرد، بدون اینکه کاهشی در مطلوبیت فرد AI ایجاد شود؟ برای پاسخ به این سؤال به نمودار شماره ۲-۷ نظری می‌افکنیم.

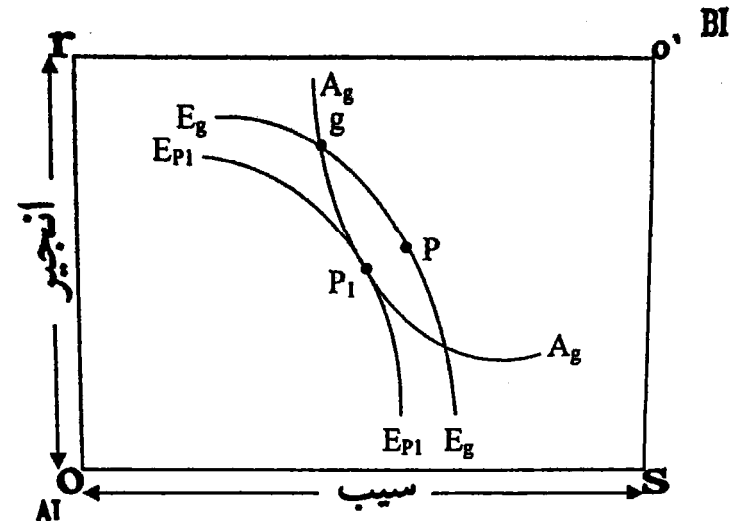




نمودار شماره ۲-۸: بهبود وضع فرد AI و BI توأم با هم

همانگونه که نمودار شماره ۲-۸ نشان می‌دهد نقطه g نقطه‌ای است که وضع فرد AI و هم وضع BI بهتر شده است. فعلاً در نقطه P2، وضع فرد AI از نقطه g بهتر است، زیرا در منحنی بی‌تفاوتی بالاتری قرار گرفته است. یعنی منحنی بی‌تفاوتی  $Ap_2 - Ap_2$  مطلوبیت بیشتری را نسبت به  $Ag - Ag$  دارد. هم چنین وضع رفاهی فرد BI نیز از گذشته بهتر است، زیرا در منحنی بی‌تفاوتی  $Ep_2 - Ep_2$  قرار گرفته است و نسبت به منحنی بی‌تفاوتی  $Eg - Eg$  در مطلوبیت بهتری قرار دارد. هم چنین نمودار شماره ۲-۸ نشان می‌دهد که نقطه P2 نقطه بهینه پارتو است، زیرا در این نقطه وضع هر دو فرد به طور توأم بهتر شده است بدون اینکه ضرری به همدیگر برسانند.

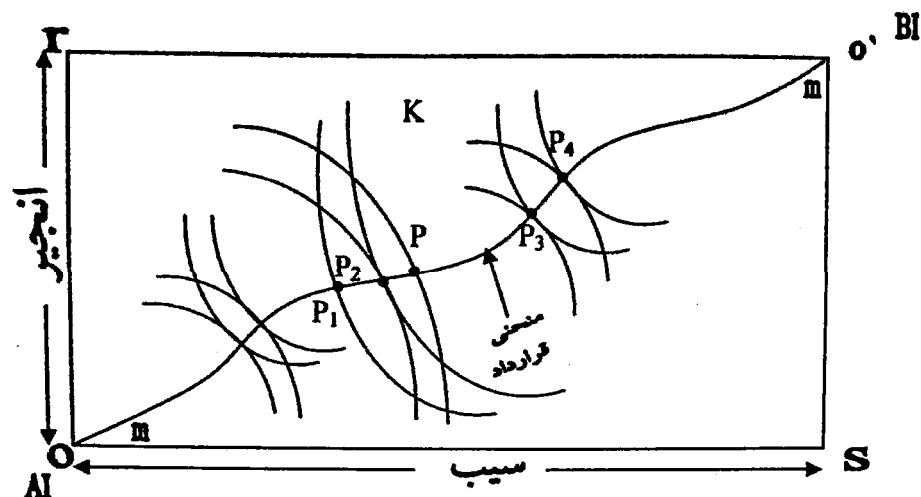
سوال پنجم اینکه آیا می‌توان با حرکت از نقطه g در نمودار شماره ۲-۸ به مجموعه‌ای از نقاط بهینه پارتو دست یافت یا نه؟ نمودار شماره ۲-۹ به دنبال پاسخ به این سوال است.



نمودار شماره ۲-۷: بهبود وضع فرد BI بدون بدتر کردن وضعیت فرد AI

با در نظر گرفتن همان منطقی که در نمودار شماره ۲-۶ آن را تجزیه و تحلیل نمودیم، می‌توان گفت با حرکت فرد BI بر منحنی‌های بی‌تفاوتی به سمت جنوب غربی جعبه اجورث این کار عملی است، منوط به آنکه تخصیص هم چنان بر منحنی بی‌تفاوتی  $Ag - Ag$  باقی بماند. با انجام این کار نقطه‌ای شبیه نقطه P1 حادث می‌گردد. تنها راه بهبود رفاه فرد BI انتقال فرد AI به یک منحنی بی‌تفاوتی پایین‌تر است، لذا از لحاظ تعریف نقطه P1 یک تخصیص بهینه پارتو می‌باشد.

سوال چهارم اینکه آیا می‌توان وضعیتی را مورد بررسی قرار داد که در آن واحد، وضعیت رفاهی هر دو فرد AI و BI بهتر شود؟ در پاسخ به این سوال می‌توان به نمودار شماره ۲-۸ نگریست.



نمودار شماره ۱۰-۲: منحنی قرارداد

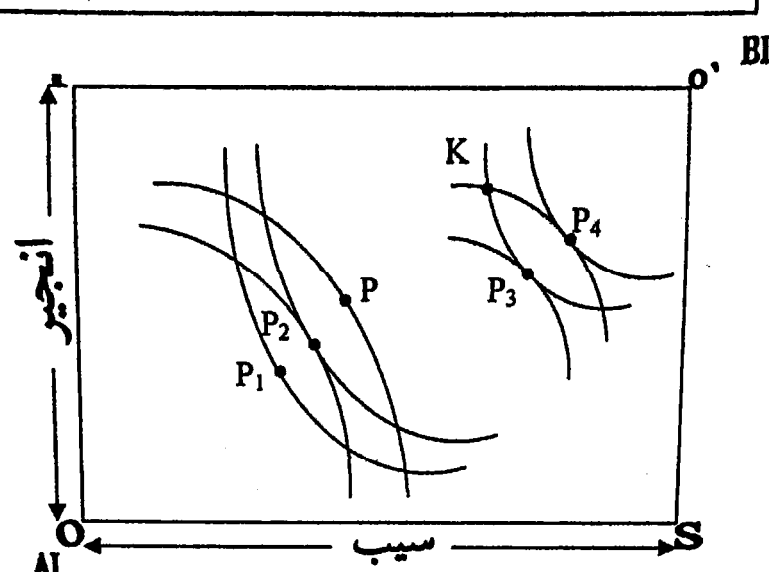
همانگونه که نمودار شماره ۱۰-۲ نشان می‌دهد منحنی قرارداد با  $m-m$  نشان داده شده است. منحنی قرارداد به مکان هندسی تمام نقاط بهینه پارتو اشاره دارد. برای اینکه یک تخصیص، بهینه پارتو باشد (یعنی روی منحنی قرارداد  $m-m$  باشد)، باید نقطه‌ای باشد که در آن نقطه، منحنی‌های بی‌تفاوتی هر دو فرد با هم مماس باشند. به عبارت دیگر شیب‌های منحنی‌های بی‌تفاوتی آنها با هم مساوی باشند. ارزش مطلق شیب منحنی بی‌تفاوتی نرخ را نشان می‌دهد که در آن نرخ، هر فرد مایل است که یک کالا را با مقدار بیشتری از کالای دیگر مبادله نماید. به این نرخ "نرخ نهایی جانشینی" گفته می‌شود. بنابراین تخصیص منابع بهینه پارتو بیان می‌دارد که نرخهای جانشینی برای تمام مصرف کنندگان مساوی است. از لحاظ جبری، شرط لازم برای بهینه پارتو عبارت است از:

$$MRS_{if}^{AI} = MRS_{if}^{BI}$$

معادله شماره ۴-۲

همانگونه که معادله شماره ۴-۲ نشان می‌دهد  $MRS_{if}^{AI}$  عبارت است از نرخ نهایی جانشینی سیب برای انجیر جهت فرد AI و  $MRS_{if}^{BI}$  عبارتست از نرخ نهایی جانشینی سیب برای انجیر جهت فرد BI.

1 Marginal Rate Of Substitution (MRS)

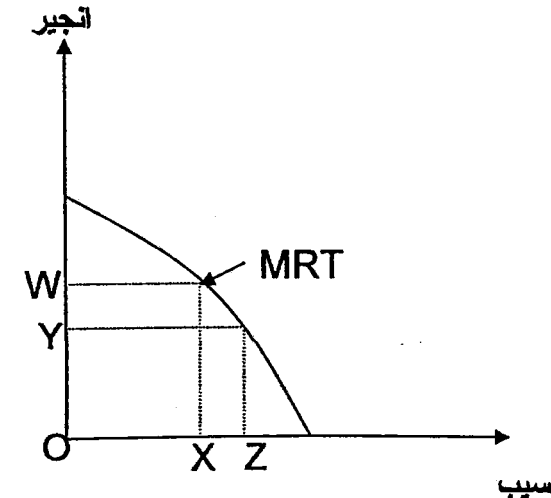


نمودار شماره ۹-۲: شروع از نقطه آغازین دیگر

همانگونه که در نمودارهای مطروحه بیان کردیم، نقطه  $g$  یک انتخاب دلخواه و اختیاری بود، می‌توانستیم کار پیدا کردن تخصیص‌های بهینه پارتو را با هر نقطه آغازین دیگری انجام دهیم. اگر نقطه  $K$  را در نمودار شماره ۹-۲ به عنوان تخصیص اولیه در نظر بگیریم، می‌توانیم ترکیبات بهینه پارتو نظیر  $P3$  و  $P4$  را در مورد کالاهای مزبور بدست آوریم.

سوال ششم اینکه آیا می‌توان مجموعه‌ای کامل از نقاط بهینه پارتو را در جعبه اجورث یافت یا نه؟ پاسخ به این سوال در "منحنی قرار داد" نهفته شده است. این منحنی در نمودار شماره ۱۰-۲ به وضوح نشان داده شده است.

شش سوال مزبور بر این فرض استوار بود که عرضه تمام کالاها ثابت است. حال اگر عرضه تغییر یابد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ به عبارت دیگر اگر داده‌ها و عوامل تولیدی را بتوان میان تولید دو کالای مزبور (سیب و انجیر) جابجا کرد، به طوریکه مقادیر هر دو کالا قابل تغییر باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ چنانچه عوامل تولید به نحو کارآ و اثربخشی مورد استفاده قرار گیرند، اگر مقدار بیشتری از سیب تولید شود تولید انجیر ضرورتاً کاهش خواهد یافت، و برعکس. یکی از ابزارهایی که برای تجزیه و تحلیل مسئله کمک می‌کند استفاده از ابزار "منحنی امکانات تولید" است. این منحنی حداکثر مقدار انجیری را که می‌توان در مقابل مقدار معینی از سیب تولید کرد، نشان می‌دهد. نمودار شماره ۱۱-۲ این منحنی را به وضوح نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۱۱-۲: منحنی امکانات تولید

همانگونه که نمودار شماره ۱۱-۲ نشان می‌دهد این امکان برای اقتصاد وجود دارد که مقدار OW انجیر و OX سیب تولید نماید. اقتصاد می‌تواند تولید سیب را از OX به OZ یعنی به اندازه XZ افزایش دهد. با انجام این کار باید تولید انجیر را افزایش و به تولید سیب اختصاص داد. اگر قرار باشد که تولید سیب به اندازه XZ افزایش یابد، باید تولید انجیر به

#### ۱. Production Possibilities Curve

اندازه WY تقلیل پیدا نماید. نسبت فاصله WY به فاصله XZ را نرخ نهایی تبدیل سیب به انجیر (MRTaf) می‌نامند، زیرا نرخ نهایی، نرخ را نشان می‌دهد که اقتصاد می‌تواند با آن، نرخ سیب را به انجیر تبدیل نماید. MRSaf ارزش مطلق شیب منحنی بی‌تفاوتی را اندازه‌گیری می‌نماید، و MRTaf ارزش مطلق شیب منحنی امکانات تولید را اندازه‌گیری می‌کند.

اگر بخواهیم نرخ نهایی تبدیل را برحسب مفهوم هزینه نهایی (MC) بیان نماییم، برای انجام این کار بایستی بخاطر آورد که جامعه می‌تواند با از دست دادن مقدار WY از انجیر تولید سیب را از OX به OZ افزایش دهد. لذا، در حقیقت فاصله WY هزینه اضافی تولید سیب را نشان می‌دهد. این نوع از هزینه را می‌توان با علامت MCa نشان داد. به همین ترتیب فاصله XZ، هزینه اضافی تولید انجیر را که با علامت MCf مشخص شده است، می‌باشد. از لحاظ تعریف ارزش مطلق شیب منحنی امکانات تولید عبارت است از فاصله WY تقسیم بر فاصله XZ یا  $\frac{MCa}{MCf}$  و نیز براساس تعریف، شیب منحنی امکانات تولید نرخ نهایی تبدیل می‌باشد. از اینرو می‌توان گفت:

$$MRTaf = \frac{MCa}{MCf} \quad \text{معادله شماره ۵-۲}$$

هنگامی که تولید سیب و انجیر متغیر است، بایستی شرح بهینه پارتو در معادله شماره ۴-۲ ادامه یابد. شرط لازم برای بهینه پارتو عبارت است از:

$$\text{معادله شماره ۶-۲}$$

$$MRTaf = MRS_{af}^{AI} = MRS_{af}^{BI}$$

فرض کنید که در یک تخصیص معینی، نرخ نهایی جانشینی فرد AI برای سیب و انجیر مساوی با  $\frac{1}{3}$  و نرخ نهایی تبدیل او برای دو کالای مزبور برابر با  $\frac{2}{3}$  باشد. از لحاظ تعریف، نرخ نهایی تبدیل دو کالا در این حد از تخصیص تولید دو واحد انجیر اضافی با از دست دادن سه واحد از سیب است. با توجه به تعریف نرخ نهایی جانشینی دو کالای مزبور، اگر فرد AI، سه واحد سیب اضافی را از دست می‌داد، فقط یک واحد انجیر لازم می‌داشت که سطح مطلوبیت اولیه را حفظ نماید. بنابراین می‌گوشد که فرد AI با از دست

دادن سه واحد سبب و تبدیل آن به دو واحد انجیر وضعیت بهتری بدست آورد، در عین حال که هیچ فرد دیگری در این فرآیند ضرر نبیند. چنین معامله‌ای معمولاً امکان‌پذیر است. مادام که نرخ نهایی جانشینی مساوی نرخ نهایی تبدیل نباشد، فقط زمانی که سبب‌های منحنی مربوط به هر یک برابر باشد، محال است که بتوان وضع کسی را بهتر کرد بدون اینکه وضع دیگری بدتر نشود. از اینرو تساوی  $MRT_{af} = MRS_{af}^{AI}$  یک شرط لازم برای بهینه پارتو است. نرخ‌ها که بتوان با آن نرخ سبب‌ها را به انجیر تبدیل کرد (MRTaf) باید معادل نرخ‌ها باشد که مصرف‌کنندگان مایلند با آن نرخ سبب‌ها را با انجیر معامله نمایند (MRSaf).

با استفاده از معادله ۲-۷ می‌توان شرایط بهینه پارتو را برحسب هزینه نهایی تجزیه و تحلیل مجدد کرد. اگر معادله شماره ۲-۵ را در معادله شماره ۲-۶ جایگزین نماییم، معادله زیر را خواهیم داشت که شرط لازم برای بهینه پارتو را برخوردار است.

$$\frac{MCa}{MCf} = MRS_{af}^{AI} = MRS_{af}^{BI}$$

معادله شماره ۲-۷

### تجزیه و تحلیل تفصیص بهینه پارتو

تخصیص بهینه پارتو زمانی اتفاق می‌افتد که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در شرایط رقابتی کامل عمل نمایند، یعنی از قیمت‌هایی که بازار به آنها می‌دهد استفاده نمایند. اگر یک اقتصاد رقابتی به طور خودکار منابع را به نحو بهینه‌ای تخصیص دهد، بدون اینکه نیازی به دست نامرئی کلاسیک‌ها داشته باشد، تخصیص بهینه پارتو پدیدار می‌گردد. به هر حال قضیه اساسی صرفاً یک شناخت و بصیرتی را رسمیت می‌بخشد که نظاره‌گران اجتماعی قبلاً آن را تشخیص داده‌اند. وقتی سیستم آزاد برای تهیه کالا و خدمات وارد میدان می‌شود به طور چشمگیری مولد می‌گردد.

اثبات قضیه تخصیص بهینه پارتو به ریاضیات نسبتاً پیچیده‌ای نیاز دارد، لیکن توجه شهودی و مبتنی بر ادراک مستقیم بیان می‌کند که اساس و جوهر هر رقابت این است که تمام مردم با قیمت‌های یکسانی مواجه می‌گردند، یعنی هر مصرف‌کننده و تولیدکننده

نسبت به بازار چنان کوچک است که اعمال و رفتار وی به تنهایی نمی‌تواند بر قیمت اثرگذار باشد. بر اساس سوال قبل، این گفته به این مفهوم است که هر دو فرد قیمت یکسانی برای انجیر و سبب می‌پردازند. نتیجه اساسی این که شرط اساسی برای فرد AI که بتواند مطلوبیت خود را به حداکثر برساند عبارت است از:

$$MRS_{af}^{AI} = \frac{Pa}{Pf}$$

معادله شماره ۲-۸

و برای اینکه فرد BI بتواند مطلوبیت خود را به حداکثر برساند باید شرط زیر صادق باشد:

$$MRS_{af}^{BI} = \frac{Pa}{Pf}$$

معادله شماره ۲-۹

معادلات شماره ۲-۸ و ۲-۹ با هم دارای این مفهوم می‌باشند که:

$$MRS_{af}^{AI} = MRS_{af}^{BI}$$

این شرط با معادله ۲-۴ برابر است و یکی از شرایط لازم برای بهینه پارتو به شمار می‌آید.

اگر بخواهیم طرف تولید را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم نتیجه اساسی که از نظریات اقتصادی به دست می‌آید این است که یک شرکت رقابت‌کننده‌ای که قصد ماکزیمایز کردن سود را دارد محصولات خود را تا نقطه‌ای تولید می‌نماید که در آن نقطه هزینه نهایی و قیمت برابر هستند. پس می‌توان گفت:

$$\frac{MCa}{MCf} = \frac{Pa}{Pf}$$

معادله شماره ۲-۱۰

ولی با توجه به معادله شماره ۲-۵ درمی‌یابیم که  $\frac{MCa}{MCf}$  دقیقاً برابر است با نرخ

نهایی تبدیل. بدین ترتیب می‌توانیم معادله شماره ۲-۱۰ را مجدداً به صورت زیر بنویسیم:

$$MRT_{af} = \frac{Pa}{Pf}$$

معادله شماره ۲-۱۱

با توجه به معادلات شماره ۲-۸، ۲-۹ و ۲-۱۰ می‌توان به این نتیجه رسید که  $\frac{Pa}{Pf}$  در سمت راست همه آنها قرار دارد. بنابراین، این سه با هم به این مفهوم است که:

$$MRS_{of}^{AI} = MRS_{of}^{BI} = MRT_{of}$$

معادله شماره ۲-۱۲

که دقیقاً شرط لازم بهینه پارتو می‌باشد. رقابت، همراه با رفتار، حداکثر کننده سود از طرف تمام افراد، منجر به نتیجه کارا و اثربخش خواهد شد.

بالاخره می‌توان از مزیت معادله ۲-۷ برای نوشتن شرایط بهینه پارتو برحسب هزینه نهایی بهره جست. معادلات ۲-۸ و ۲-۹ اگر را به طور ساده در معادله شماره ۲-۷ قرار دهیم، نتیجه زیر حاصل می‌شود.

$$\frac{Pa}{Pf} = \frac{MCa}{MCf}$$

معادله شماره ۲-۱۳

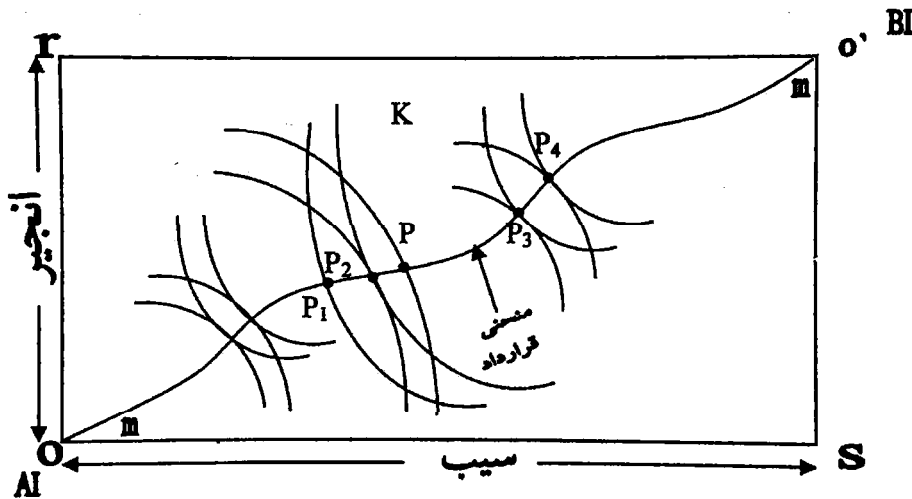
پس برای اینکه تخصیص بهینه پارتو داشته باشیم لازم است که قیمت‌ها دارای همان نسبت‌هایی باشند که هزینه‌های نهایی دارند و رقابت، تحقق این شرط را تضمین می‌کند. هزینه نهایی یک کالا، هزینه اضافی تحمیل شده بر جامعه را نشان می‌دهد. بر طبق معادله شماره ۲-۱۳ کارآیی مقرر می‌دارد که هزینه اضافی هر کالا در قیمت آن کالا انعکاس یابد.

### انتخاب از میان نقاط بهینه پارتو

سوالی که در اینجا مطرح است این است که اگر اکثر بازارهای رقابتی، منابع را به طور کارآ تخصیص دهند، دولت چه نقشی را باید در اقتصاد ایفا نماید؟ در پاسخ به این سوال باید گفت تنها یک دولت کوچک مناسب خواهد بود و وظیفه دولت برقراری شرایطی است که در آن، حقوق مالکیت به طریقی مورد حمایت قرار گیرند که سیستم رقابتی بتواند به طریق منطقی و درست کار نماید. دولت قوانین و مقررات لازم، نظم و نظام قضایی و دفاع ملی مطلوب را در کشور فراهم می‌آورد. هر چیزی اگر بیش از این مقدار باشد،

غیر ضروری و زائد است. به‌صورت، این چنین استدلالی مبتنی بر درک سطحی از قضیه محسوب می‌شود، در صورتی که قضایا پیچیده تر از این است. برای بررسی موضوعی، بطور ضمنی فرض شده است که این کار تنها معیار تشخیص خوب بودن تخصیص منابع معینی می‌باشد. به‌رحال، معلوم و مشخص نیست که بهینه پارتو فی نفسه مطلوب باشد.

برای اینکه متوجه شویم که چرا چنین وضعیتی حاکم است، به مدل ساده‌ای که در آن جمع مقدار هر یک از کالاها ثابت است برمی‌گردیم. نمودار شماره ۲-۱۲ منحنی قرارداد بدست آمده در نمودار شماره ۲-۱۰ را مجدداً معرفی می‌نماید.

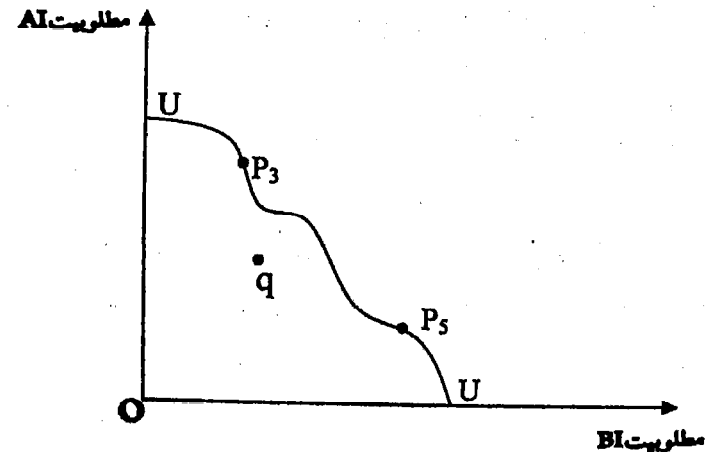


نمودار شماره ۲-۱۲: کارآیی در مقابل عدالت

همانگونه که نمودار شماره ۲-۱۲ نشان می‌دهد تخصیص P5 و q را می‌توان مورد مقایسه قرار داد. از آنجا که P5 بر منحنی قرارداد واقع است، از لحاظ تعریف، نقطه بهینه پارتو است، از سوی دیگر q غیر کارآ است.

حال سوالی که مطرح است این است که آیا تخصیص P5 بهتر است؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که منظور از بهتر بودن بستگی دارد که بهتر بودن چه باشد تا آنجا که جامعه یک توزیع نسبتاً برابر از درآمد واقعی را ترجیح می‌دهد ممکن است q نسبت به P5 دارای ارجحیت باشد، حتی با وجود اینکه بهینه پارتو نیست.

از سوی دیگر ممکن است جامعه به هیچ وجه توجهی به توزیع نداشته باشد یا اینکه توجه فرد اولی بیشتر از فرد دومی باشد، در این صورت P5 نسبت به q دارای ارجحیت خواهد بود. نکته اساسی این است که معیار بهینه پارتو فی نفسه برای تعیین مطلوبیت تخصیص منابع مختلف کافی نیست، بلکه نیاز به قضاوت‌های ارزشی صریح در مورد عادلانه بودن توزیع مطلوبیت دارد. برای کنکاش و تجزیه و تحلیل این تفکر توجه داشته باشید که منحنی قرارداد بطور ضمنی رابطه‌ای را میان حداکثر مطلوبیتی که فرد AI می‌تواند در قبال سطح مشخص از مطلوبیت فرد BI بدست آورد، تعریف می‌کند. همانگونه که نمودار شماره ۲-۱۳ نشان می‌دهد مطلوبیت فرد AI روی محور عمودی و مطلوبیت فرد BI روی محور افقی مشخص شده است. منحنی UU منحنی امکانات مطلوبیت است که از منحنی قرارداد مشتق شده است. این منحنی حداکثر مطلوبیتی را که فرد AI می‌تواند در قبال سطح مشخص از مطلوبیت یک فرد را به ازاء حصول مطلوبیت معینی برای فرد دیگر نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۲-۱۳: منحنی امکانات مطلوبیت

نقطه P5 در نمودار شماره ۲-۱۳ مطابق نقطه P5 واقع در منحنی قرارداد در شکل شماره ۲-۱۲ است. در اینجا مطلوبیت فرد BI نسبت به فرد AI نسبتاً بالاست. نقطه P3 در نمودار شماره ۲-۱۳ مطابق است با نقطه P3 در نمودار شماره ۲-۱۲. در این نقطه مطلوبیت فرد AI نسبتاً بالاست و مطلوبیت فرد BI نسبتاً پایین است. نقطه q در نمودار شماره ۲-۱۳ با نقطه q نمودار شماره ۲-۱۲ منطبق است، به دلیل اینکه q خارج از منحنی قرارداد واقع است، q باید داخل منحنی امکانات مطلوبیت باشد. این مطلب منعکس کننده این موضوع است که امکان دارد در نقطه q مطلوبیت فردی بدون اینکه مطلوبیت شخص دیگر کاهش پیدا کند، افزایش یابد.

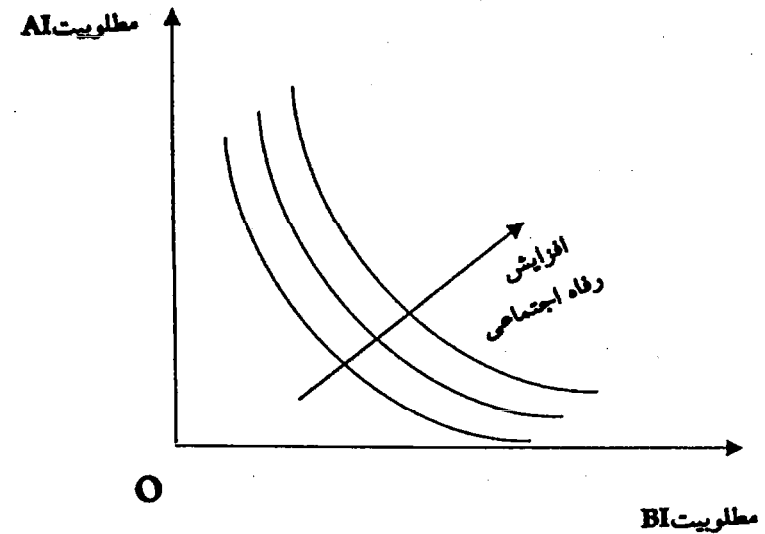
تمام نقاطی که روی منحنی امکانات مطلوبیت قرار دارد و تمام نقاطی که زیر آن قرار دارند، برای جامعه قابل دستیابی هستند، لیکن تمام نقاطی که در بالای منحنی امکانات مطلوبیت قرار دارد، غیرقابل دستیابی هستند. از لحاظ تعریف کلیه نقاطی که بر منحنی U-U قرار دارند، نقاط بهینه پارتو هستند، ولی این نقاط توزیع‌های بسیار متفاوتی از درآمد واقعی میان دو فرد AI و BI را نشان می‌دهند.

حال سوالی که مطرح است اینکه بهترین نقطه کجا قرار دارد. برای پاسخ به این سوال به بررسی "تابع رفاه اجتماعی" می‌پردازیم. فرض کنید همانگونه که رفاه یک فرد به مقدار کالاهایی که مصرف می‌کند بستگی دارد، رفاه جامعه نیز به مطلوبیت‌های هر یک از اعضایش وابسته است. از لحاظ جبری، رفاه اجتماعی (w) تابعی است از مطلوبیت هر فرد. معادله شماره ۲-۱۴ این وضعیت را نشان می‌دهد.

$$W = F(U_{AI}, U_{BI}) \quad \text{معادله شماره ۲-۱۴}$$

فرض کنیم که ارزش رفاه اجتماعی با افزایش مطلوبیت AI (UAI) یا BI (UBI) افزایش یابد. اگر وضع اعضای جامعه نیز بهتر شود، وضع جامعه نیز بهتر خواهد شد.

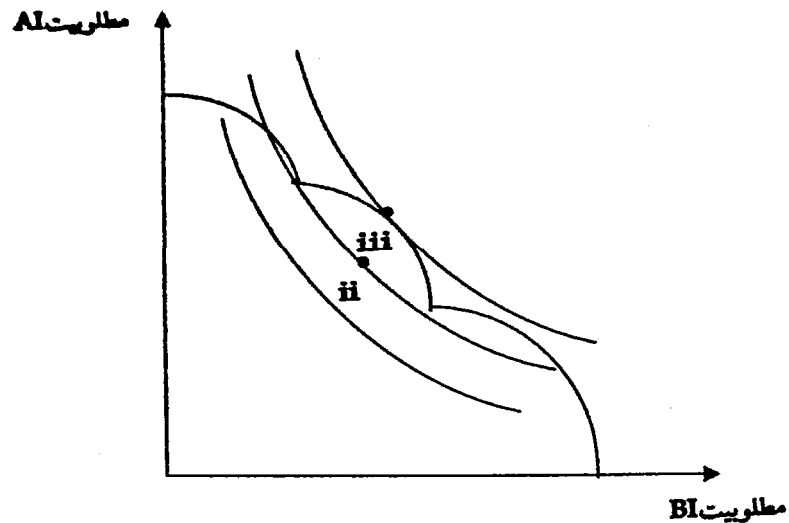
تابع رفاه اجتماعی به مجموعه‌ای از منحنی‌های بی‌تفاوتی میان مطلوبیت‌های مردم برمی‌گردد. منحنی‌های بی‌تفاوتی اجتماعی در نمودار شماره ۲-۱۴ به وضوح دیده می‌شود.



نمودار شماره ۲-۱۴: منحنی‌های بی تفاوتی اجتماعی

شیب نزولی منحنی‌ها نشان می‌دهد که اگر مطلوبیت BI کاهش یابد، تنها راه حفظ یک سطح معین از رفاه اجتماعی افزایش مطلوبیت فرد AI است و برعکس. اینکه سطح رفاه اجتماعی با حرکت به سمت بالا افزایش می‌یابد انعکاسی از این واقعیت است که افزایش در مطلوبیت هر فرد منجر به افزایش در رفاه اجتماعی می‌شود، مشروط به آنکه سایر مؤلفه‌ها ثابت می‌باشد.

در نمودار شماره ۲-۱۵ منحنی‌های بی تفاوتی اجتماعی روی منحنی امکانات مطلوبیت که از نمودار شماره ۲-۱۳ انتقال یافته است، می‌افتد. با وجود اینکه نقطه *i* بهینه پارتو است ولی نقطه *i* مانند نقطه *ii* نیست. در اینجا قضاوت‌های ارزشی حاکم بر جامعه، تجسم یافته در تابع رفاه اجتماعی، به نفع توزیع عادلانه‌تر درآمد واقعی است، اگر چه ممکن است غیر کارآ هم باشد. البته نقطه *iii* برای هر دوی آنها ترجیح دارد، زیرا هم کارآ و هم عادلانه است.



نمودار شماره ۲-۱۵: بی تفاوتی اجتماعی

اکنون قضیه اساسی اقتصاد رفاه نشان دهنده این مفهوم است که یک سیستم رقابتی که به نحو شایسته ای کار می‌کند منجر به تخصیص‌هایی بر روی منحنی امکانات مطلوبیت خواهد شد. به هر حال دلیلی وجود ندارد که تخصیص در نقطه خاصی، نقطه حداکثر رفاه اجتماعی نیز باشد. نتیجه می‌گیریم که حتی اگر اقتصاد یک تخصیص بهینه پارتو از منابع را بوجود آورد، ممکن است دخالت دولت برای نیل به یک توزیع "عادلانه" مطلوبیت، ضروری باشد.

دومین دلیلی که قضیه اساسی بطور ضمنی نیازی به دولت کوچک ندارد از این واقعیت ناشی می‌شود که شرایط خاص برای اعتبار آن لازم است و ممکن است این شرایط در بازارهای جهان واقع، تحقق نیابد.

### فلاسه و نتیجه‌گیری

ابزارهای مالیه عمومی را می‌توان در دو بخش ابزار تحلیل توصیفی با تحلیل اثباتی، و ابزار تحلیل دستوری یا تحلیل هنجاری تقسیم‌بندی نمود. هدف اصلی نظریات اقتصادی در

مالیه عمومی این است که کمک می‌نماید تا بتوانیم تجزیه و تحلیل منطقی و سیستماتیک از نقش نظریات و تجربیات داشته باشیم.

علمای مالیه عمومی دو نوع اثرات جانشینی و درآمدی را مطرح می‌نمایند. این اثرات در دو جهت مخالف هم عمل می‌کنند، لذا نمی‌توان مالیات بر درآمد را فقط از راه نظریه پردازی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و به ناچار به استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل تجربی روی می‌آوریم.

مطالعات نشان می‌دهد که تجزیه و تحلیل نظریات اقتصادی در برخی از مواقع امکان تجزیه و تحلیل تغییرات حاکم بر چنین موقعیتی را نمی‌تواند پیش فرض نماید که چگونه رفتار نیروی کار در سیستم مالیات تاثیر می‌پذیرد در این صورت است که به ناچار کار تجربی ضرورت پیدا می‌کند.

سه نوع استراتژی تجربی در این زمینه از سوی علمای مالیه عمومی مطرح می‌شود. این استراتژی‌ها عبارتند از: استراتژی تجزیه و تحلیل مبتنی بر مصاحبه‌های شخصی، استراتژی مبتنی بر آزمایشات اجتماعی، و استراتژی مبتنی بر مطالعات اقتصادسنجی.

یکی دیگر از مسائلی که در مالیه عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد استفاده از ابزار تحلیل دستوری است. مبنای اکثر کارهای دستوری در مالیه عمومی "اقتصاد رفاه" است. در سال‌های اخیر مباحثات جنجال برانگیزی را در برخی از کشورها ایجاد کرده است. اقتصاد رفاه شعبه‌ای از نظریات اقتصادی مربوط به مطلوبیت اجتماعی است که در حالات اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از مباحث مطروحه در این فصل که در ارتباط با اقتصاد رفاه است، تجزیه و تحلیل جعبه اجورث نام دارد که بطور مفصل آنرا تشریح نمودیم.

مفهوم دیگری که مطرح است ش بهینه پارتو است. این مفهوم بعنوان پایه و اساس و استاندارد برای ارزشیابی مطلوبیت تخصیص منابع مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این راستا، مفهوم پیشرفت پارتو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این مفهوم به تخصیص مجدد منابع به نحوی که وضعیت شخصی فرد را بهتر کند، بدون اینکه وضعیت شخصی فرد دیگر را بدتر نماید، اشاره دارد.

مجموعه‌ای کامل از نقاط بهینه پارتو را می‌توان در جعبه اجورث یافت که به آن منحنی قرارداد می‌گویند. این منحنی به مکان هندسی تمام نقاط بهینه پارتو اشاره دارد. برای اینکه یک تخصیص، بهینه پارتو باشد، باید نقطه‌ای باشد که در آن نقطه، منحنی‌های بی‌تفاوتی هر دو فرد با هم مماس باشند. به عبارت دیگر شیب‌های منحنی‌های بی‌تفاوتی آنها با هم مساوی باشند. ارزش مطلق شیب منحنی بی‌تفاوتی نرخی را نشان می‌دهد که در آن نرخ، هر فرد مایل است که یک کالا را با مقدار بیشتری از کالای دیگر مبادله نماید. به این نرخ "نرخ نهایی جانشینی" گفته می‌شود. بنابراین تخصیص منابع بهینه پارتو بیان می‌دارد که نرخهای جانشینی برای تمام مصرف کنندگان مساوی است.

تخصیص بهینه پارتو زمانی اتفاق می‌افتد که تولیدکنندگان و مصرف کنندگان در شرایط رقابتی کامل عمل نمایند، یعنی از قیمت‌هایی که بازار به آنها می‌دهد استفاده نمایند. اگر یک اقتصاد رقابتی به طور خودکار منابع را به نحو بهینه‌ای تخصیص دهد، بدون اینکه نیازی به دست نامرئی کلاسیک‌ها داشته باشد، تخصیص بهینه پارتو پدیدار می‌گردد. بالاخره آخرین بحثی که مطرح نمودیم تابع رفاه اجتماعی بود. این تابع به مجموعه‌ای از منحنی‌های بی‌تفاوتی میان مطلوبیت‌های مردم برمی‌گردد.

## فودآزمایی فصل ۲

- ۱- هدف اصلی نظریات اقتصادی در مالیه عمومی را نوشته و با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۲- اثرات جانشینی و درآمدی را توضیح دهید.
- ۳- سه نوع استراتژی تجربی در زمینه نقش تجزیه و تحلیل تجربی در مالیه عمومی مطرح است. این استراتژیها را نوشته و توضیح دهید.
- ۴- معیار خطای استاندارد را تشریح نمایید.
- ۵- اقتصاد رفاه را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۶- جعبه اجورث را با ترسیم آن توضیح دهید.
- ۷- منحنی‌های بی‌تفاوتی در جعبه اجورث را ترسیم و توضیح دهید.
- ۸- بهینه پارتو چه مفهومی را بیان می‌نماید، آنرا توضیح دهید.



## فصل سوم

### درآمدهای مالیاتی دولتها

#### هدف کلی

آشنایی با تعاریف، عوامل تشخیص مالیات، ظرفیت مالیاتی، اصول یک نظام مالیاتی مطلوب، عدالت مالیاتی، امتیازات مالیاتی، تعلق مالیاتی، اصابت مالیاتی، انتقال مالیات، قوانین مالیاتی، ضرائب مالیاتی، سال مالیاتی، مأموران تشخیص مالیات، انواع مالیاتها، اشخاص مشمول مالیات، انواع مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، مالیاتهای غیرمستقیم و اقتصادهای کمتر توسعه یافته.

#### هدفهای رفتاری

پس از مطالعه این فصل انتظار دارد بتوانید :

- ۱- مالیات را تعریف و نکات مهم تعریف را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۲- عوامل تشخیص مالیات را تقسیم‌بندی نمایید.
- ۳- انواع نرخ مالیات را تقسیم‌بندی کنید و توضیح دهید.
- ۴- ظرفیت مالیاتی را توضیح دهید.
- ۵- اصول یک نظام مالیاتی مطلوب را نام ببرید.
- ۶- عدالت مالیاتی را تشریح نمایید و دیدگاههای رایج برای اجرای آن را توضیح دهید.
- ۷- امتیازات مالیاتی را توضیح دهید.
- ۸- تعلق مالیاتی را توضیح دهید.
- ۹- اصابت مالیاتی را تجزیه و تحلیل نمایید.

۹- پیشرفت پارتو را توضیح دهید.

۱۰- منحنی قرارداد را با رسم نمودار توضیح دهید.

۱۱- شرط لازم برای بهینه پارتو را با ذکر معادله آن توضیح دهید.

۱۲- منحنی امکانات تولید را با رسم نمودار توضیح دهید.

۱۳- شرط لازم برای بهینه پارتو بر حسب هزینه نهایی تجزیه و تحلیل نمائید.

۱۴- تخصیص بهینه پارتو را تجزیه و تحلیل نمائید.

۱۵- کارایی در مقابل عدالت را با رسم نمودار توضیح دهید.

۱۶- تابع رفاه اجتماعی را با رسم نمودار توضیح دهید.

۱۰- انتقال مالیات را تعریف کنید.

۱۱- قرائن مالیاتی را تعریف نمایید.

۱۲- ضرائب مالیاتی را تعریف نمایید.

۱۳- سال مالیاتی چه سالی است.

۱۴- مأموران تشخیص مالیات چه کسانی هستند.

۱۵- انواع مالیاتها را تقسیم‌بندی نمایید.

۱۶- مزایای مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم را نام ببرید.

### مقدمه

یکی از با اهمیت‌ترین راههای تأمین هزینه‌های دولتها، جمع‌آوری و وصول انواع مالیاتها است. صاحب‌نظران اقتصاد و توسعه معتقدند که درآمدهای مالیاتی در راستای تأمین هزینه‌های دولتها شرایط نامطلوب اقتصادی آن جامعه را بهبود می‌بخشد. سهم درآمدهای مالیاتی دولتها از تولید ناخالص داخلی اقتصاد کشورها معمولاً قابل توجه است. البته، در اقتصاد ایران سهم مالیاتها از تولید ناخالص داخلی رقم بسیار ناچیزی است و سهم پرداخت‌های دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی، همواره بیش از سهم مالیاتها است. جدول شماره ۱-۳ روند سهم درآمدهای مالیاتی دولت ایران را در تولید ناخالص داخلی طی سالهای ۱۳۵۷-۷۵ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱-۳. روند سهم درآمدهای مالیاتی دولت ایران

سال	سهم مالیات در تولید ناخالص داخلی (درصد)	سهم هزینه‌ها در تولید ناخالص داخلی (درصد)
۵۷	۸/۴۳	۳۹/۹۳
۵۸	۵/۸۱	۳۵/۱۷
۵۹	۴/۹۲	۳۳/۱۸
۶۰	۶/۶۶	۳۲/۵۳
۶۱	۵/۷۱	۳۰/۴۴
۶۲	۵/۷۹	۲۸/۳۳
۶۳	۵/۹۸	۲۴/۱۶
۶۴	۶/۷۵	۲۳/۶۲
۶۵	۶/۳۵	۲۱/۵
۶۶	۵/۳	۲۷/۹
۶۷	۴/۹	۲۶/۷
۶۸	۲/۴	۲۶/۹
۶۹	۴/۷	۲۶/۸
۷۰	۵/۹	۳۴
۷۱	۵/۶	۳۳/۵
۷۲	۴/۳	۱۹/۵
۷۳	۴/۱۹	۱۸/۵
۷۴	۴/۱۳	۱۷/۴
۷۵	۴/۰۳	۱۶/۹

مأخذ: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، آمارهای اقتصادی ۱۳۳۸-۱۳۷۴

- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۷۵ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره

بررسیهای اقتصادی

### تعریف مالیات

\* مالیات<sup>(۱)</sup> قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به

موجب قوانین و به وسیله اهرمهای اداری و اجرایی دولت وصول می شود. عدمی از صاحب نظران مالیات را مبلغی می دانند که دولت از اشخاص، شرکتها و مؤسسات برطبق قانون برای تقویت عمومی حکومت و تأمین مخارج عامه می گیرد. (فرهنگ، ۱۳۵۴، ص ۱۲۶۴).

### نکات مهم تعریف

۱- مالیات برای پرداخت مخارج عمومی است. مخارج عمومی شامل کلیه مخارج دولت در خصوص فعالیت‌هایی است که براساس قانون در سطوح مختلف بر عهده دولت گذاشته شده است. هدف اصلی مخارج عمومی، رسیدن به اصل حد مزاج (اصل MSA)<sup>(۱)</sup> یا اصل حداکثر رفاه کل جامعه است که بعنوان اصل هادی سیاستگزاری دولت و ساخت دهنده مالیه عمومی به شمار می آید.

۲- مالیات برای اجرای سیاستگزاری مالی است. اجرای سیاستگزاری مالی دارای سه دسته اثر مهم بوده که عبارت‌اند از: آثار اقتصادی، آثار اجتماعی و آثار سیاسی. آثار اقتصادی اجرای سیاستگزاری مالی در چهارچوب محدودیت مصرف یک کالای بخصوص، حمایت از یک صنعت بخصوص، حمایت از یک منطقه بخصوص و حمایت از صنایع داخلی مطرح است. آثار اجتماعی اجرای سیاستگزاری مالی رسیدن به اهداف اجتماعی پیش‌بینی شده در قانون اساسی هر کشور منعکس در برنامه‌های میان مدت و بلندمدت توسعه اقتصادی و اجتماعی آن است.

آثار سیاسی اجرای سیاستگزاری مالی رسیدن به اهداف سیاسی پیش‌بینی شده در قانون اساسی هر کشور است.

### عوامل تشخیص مالیات

عوامل تشخیص مالیات به سه دسته زیر تقسیم‌بندی می‌گردد:

۱- مأخذ و مبنای مالیات<sup>(۲)</sup>: عین شیئی یا موضوعی است که مالیات طبق شرایطی به آن تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر مبنای مالیات، عامل، متغیر یا هر مفهوم دیگری است که

- 1- Maximum Social advantage
- 2- Tax Base

مالیات بر آن بر طبق قانون وضع می‌شود. صاحب نظر دیگری مأخذ مالیات را اینگونه بیان می‌کند: یک واحد ارزش یا امتیاز یا مالی که مالیات بر آن بسته و عایدی مالیاتی از روی آن محاسبه می‌گردد.

۲- نرخ مالیات<sup>(۱)</sup>: درصدی از مأخذ مالیات است که مبنای محاسبات مالیات مورد نظر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر نرخ مالیات در هر مبنای اندازه اخذ مالیات را با توجه به قوانین و آئین‌نامه‌های مالیاتی دولتها در مبنای مورد نظر نشان می‌دهد.

### انواع نرخ مالیات

نرخ مالیات به سه نوع تقسیم می‌شود:

- ۱- نرخ تناسبی<sup>(۲)</sup>
- ۲- نرخ تصاعدی<sup>(۳)</sup>
- ۳- نرخ تنازلی<sup>(۴)</sup>

نرخ تناسبی به نرخی اطلاق می‌شود که بدون توجه به تغییرات مبنای مالیات همیشه ثابت است. این نرخ، به یک نسبت مساوی به مقادیر متغیر مبنای مالیات تعلق می‌گیرد. نرخ تصاعدی به نرخی اطلاق می‌گردد که برعکس نرخ تناسبی، با افزایش مالیات مقدارش افزایش یابد و در حقیقت به هر قسمتی از مبنای یک نرخ مشخص مالیات تعلق می‌گیرد، افزایش نرخ مالیات لزوماً متناسب با افزایش مأخذ مالیات نیست. مالیات تصاعدی بر حقوق و دستمزد کارکنان از جمله مالیات‌هایی هستند که بر مبنای نرخ تصاعدی محاسبه می‌شود.

### انواع نرخ تصاعدی

۱- نرخ تصاعدی کلی: (در این نرخ، مبنای مالیات به چند طبقه (از پائین به بالا) تقسیم شده و هر طبقه مشمول نرخ مشخصی است که با نرخ قبلی تفاوت دارد ولی در حال افزایش است. در این نرخ به محض اینکه درآمد شخص از یک طبقه تجاوز نمود و جزء طبقه بعدی قرار گرفت، نرخ مشخص برای آن طبقه نسبت به کلیه درآمد شخص و نه

- 1- Tax Rate
- 2- Proportional Rate
- 3- Progressive Rate
- 4- Regressive Rate

مازاد آن، احتساب می‌گردد. مثلاً اگر درآمد مبنای مالیات باشد :

درآمدهای تا ۱۰۰/۰۰۰ ریال	مشمول نرخ ۱۰ درصد
درآمدهای تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال	مشمول نرخ ۱۵ درصد
درآمدهای تا ۳۰۰/۰۰۰ ریال	مشمول نرخ ۲۰ درصد
درآمدهای تا ۴۰۰/۰۰۰ ریال	مشمول نرخ ۲۵ درصد می‌گردند

در مثال فوق کسی که درآمدش ۱۰۰/۰۰۰ ریال است، ۱۰/۰۰۰ ریال خواهد پرداخت و به محض اینکه درآمدش یک ریال افزایش پیدا کرد مثلاً ۱۰۰۲۰۰ ریال شد مشمول پرداخت نرخ مالیات طبقه دوم با نرخ ۱۵ درصد خواهد شد و باید ۵۰۳۰ ریال مالیات اضافی پرداخت نماید. یعنی کل مالیات پرداختی وی ۱۵۰۳۰ ریال خواهد بود. از این نرخ کمتر در حال حاضر استفاده می‌شود، چرا که با اصل عدالت مالیاتی مغایرت دارد. در ایران، آب، برق و تلفن مشمول پرداخت مالیات از این نوع نرخ است.

۲- نرخ تصاعدی طبقه‌ای : نرخی است که برای هر یک از طبقات نسبت به مازاد طبقه قبل، نرخ طبقه مورد نظر اعمال می‌شود. به عنوان مثال داریم :

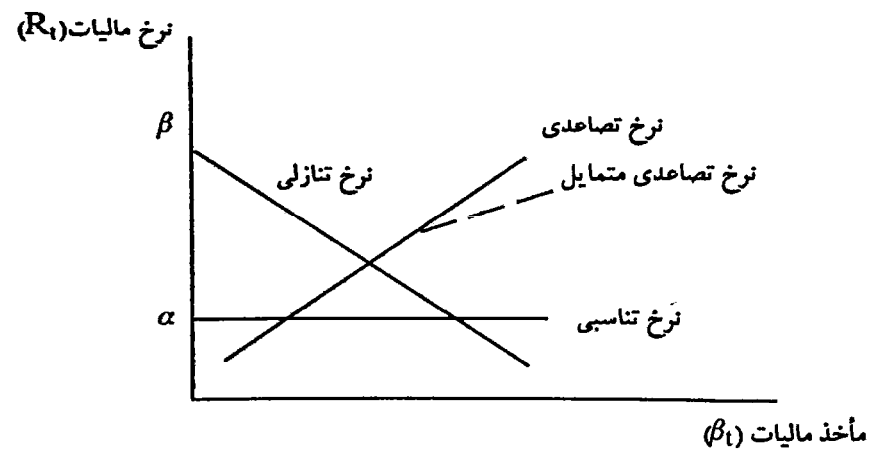
درآمدهای تا ۱۰۰/۰۰۰ ریال	مشمول نرخ ۱۰ درصد
درآمدهای تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال	نسبت به مازاد ۱۰۰/۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۱۵ درصد.
درآمدهای تا ۳۰۰/۰۰۰ ریال	نسبت به مازاد ۲۰۰/۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۲۰ درصد.
درآمدهای تا ۴۰۰/۰۰۰ ریال	نسبت به مازاد ۳۰۰/۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۲۵ درصد.

۳- نرخ تصاعدی متمایل : در این نرخ، نرخ تصاعدی حالت کاهش یابنده دارد و آن موقعی است که مبنای مالیات و نرخهای تصاعدی متعلق به هر طبقه پس از آنکه به حد معینی رسید، هرچه مبنا وسیع‌تر شود، نرخ مالیات افزایش کمتری می‌یابد. به عنوان مثال داریم :

درآمدهای تا ۱۰۰/۰۰۰ ریال	مشمول نرخ ۲۰ درصد.
درآمدهای تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال	نسبت به مازاد ۱۰۰/۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۳۰ درصد.
درآمدهای تا ۳۰۰/۰۰۰ ریال	نسبت به مازاد ۲۰۰/۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۴۰ درصد.
درآمدهای تا ۴۰۰/۰۰۰ ریال	نسبت به مازاد ۳۰۰/۰۰۰ مشمول نرخ ۴۵ درصد.

درآمدهای تا ۵۰۰/۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۲۰۰/۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۴۸ درصد. این نرخ، با اصل عدالت مالیاتی مغایرت دارد، چرا که دولت از صاحبان درآمدهای بالاتر، حمایت می‌کند.

نرخ تنازلی : در این نرخ، هرچه مبنای مالیات وسیع‌تر می‌شود، از نرخ مالیات کاسته می‌شود. برخی از مالیاتهای بر مصرف، مثال خوبی در این مورد هستند. نمودار شماره ۱-۳ و جدول شماره ۲-۳ انواع نرخهای مالیاتی و ویژگی‌های آنها را به وضوح نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۱-۳: انواع نرخهای مالیاتی و ویژگی‌های آن

جدول شماره ۲-۳: انواع نرخ مالیات و ویژگی‌های آن

انواع نرخ	موقعیت نرخ نسبت به تغییرات مبنا	ویژگی نسبت به اصل عدالت مالیاتی
تناسبی	ثابت	مغایر با اصل عدالت مالیاتی
تصاعدی	متغیر	تصاعدی کلی مغایر با اصل عدالت مالیاتی، تصاعدی طبقه‌ای موافق با اصل عدالت مالیاتی و تصاعدی متمایل مغایر با اصل عدالت مالیاتی
تنازلی	متغیر	مغایر با اصل عدالت مالیاتی

۳- مبلغ مالیات: مبلغی است که بر مآخذ مختلف مالیات تعلق می‌گیرد و از مؤدیان وصول می‌گردد. نحوه محاسبه مبلغ مالیات بصورت ضرب مآخذ مالیات در نرخ مالیات خواهد بود. یعنی:

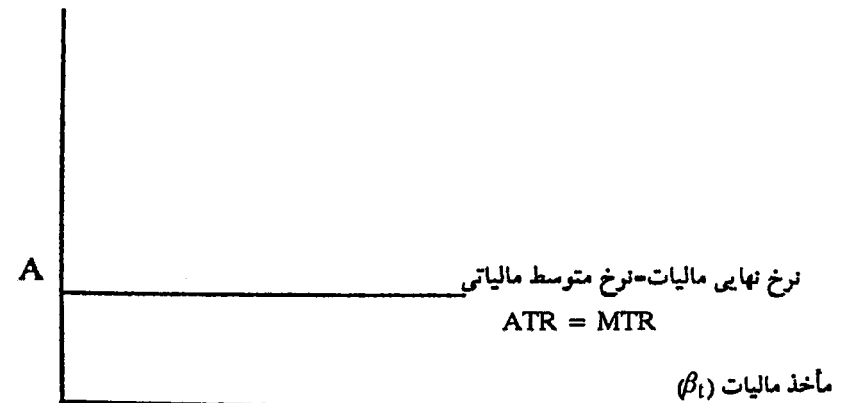
$$T_x = R_t \times B_t$$

مآخذ مالیات  $\times$  نرخ مالیات = مبلغ مالیات

بطور کلی طبقه‌بندی مآخذ مالیات و برقراری نرخهای متفاوت و بخشودگی‌های گوناگون ممکن است، ماهیت یک مالیات را از نقطه نظر نرخ مالیاتی کاملاً تغییر دهد. مثلاً یک نرخ تناسبی ممکن است بر اثر بخشودگی‌ها و معافیت‌های متعدد پیش‌بینی شده در قانون در طبقات مختلف عملاً تبدیل به یک نرخ تصاعدی شود. برای تجزیه و تحلیل بیشتر تفاوت ساختار این سه نرخ به مقایسه نرخهای متوسط و نهایی مآخذ مالیات می‌پردازیم. نرخ متوسط مالیاتی<sup>(۱)</sup> از تقسیم کل مبلغ مالیات به مآخذ مالیات به دست می‌آید و نهایی مالیات<sup>(۲)</sup> از تغییرات مقادیر مالیات به تغییرات مقادیر درآمد به دست می‌آید.

در یک ساختار مالیات تناسبی، نرخ متوسط مالیات با نرخ نهایی مالیات یکسان و برابر خواهد بود زیرا، نرخ مالیاتی با اندازه مآخذ و مبنای مالیات تغییر پیدا نمی‌کند. این ساختار در نمودار شماره ۲-۳ نشان داده شده است.

نرخ مالیات ( $R_t$ )



نمودار شماره ۲-۳ ساختار مالیات تناسبی

- 1- Average Tax Rate (ATR)
- 2- Marginal Tax Rate (MTR)

### ظرفیت مالیاتی<sup>(۱)</sup>

ظرفیت مالیاتی، ظرفیت اقتصادی یک کشور در تحمل فشار انواع مالیاتها است. عبارت دیگر میزانی که مردم می‌توانند مالیات بپردازند. تعیین ظرفیت مالیاتی کار دشوار و سختی می‌باشد. مهمترین وسیله اندازه‌گیری و سنجش ظرفیت مالیاتی، درآمد سرانه افراد یک کشور است. اقتصاددانان درآمد سرانه را از تقسیم درآمد ملی بر کل جمعیت به دست می‌آورند.

$$\text{درآمد ملی}^{(۲)} = \frac{\text{درآمد سرانه}^{(۳)}}{\text{کل جمعیت}}$$

### عوامل مؤثر در ظرفیت مالیاتی

عوامل مؤثر در ظرفیت مالیاتی را به سه گروه تقسیم‌بندی می‌نمایند:

#### ۱- عوامل انسانی

عوامل انسانی در ظرفیت مالیاتی علاوه بر میزان جمعیت یک کشور بستگی به عکس‌العمل آن جمعیت نسبت به پرداخت مالیاتها و ترکیب طبقاتی افراد کشور دارد که ریشه در فرهنگ و تاریخ هر کشور دارد.

#### ۲- عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی در ظرفیت مالیاتی، به ماهیت اقتصادی یک کشور از لحاظ صنعتی، کشاورزی و... به شرایط اقتصادی حاکم بر آن کشور، توزیع فعالیت‌های اقتصادی از لحاظ بخش خصوصی، تعاونی و دولتی، ترکیب درآمدی و توزیع ثروت بین طبقات مختلف کشور بستگی دارد.

#### ۳- عوامل سیاسی

عوامل سیاسی در ظرفیت مالیاتی، زمانی حکمفرما می‌شوند که کشور از لحاظ سیاسی با تهدیدات محیطی مختلف از جانب سایر کشورها، همچون جنگ، بحرانهای بین‌المللی، اقتصادی داخل کشور و... روبرو باشد. شکل شماره ۱-۲ عوامل فوق‌الشاره را به وضوح

- 1- Tax Capacity
- 2- National Income
- 3- Caputatio Income

نشان می دهد.

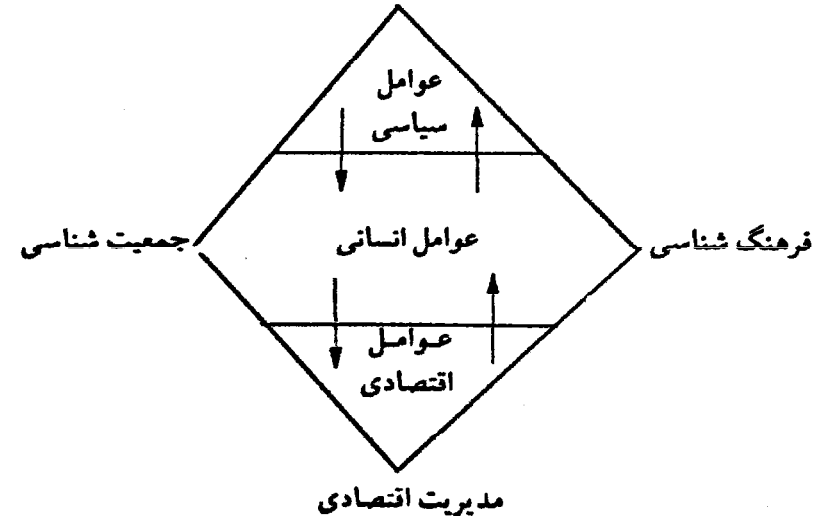
### اصول یک نظام مالیاتی مطلوب

آدام اسمیت اقتصاددان معروف مکتب کلاسیک چهار اصل عمده را به عنوان اصول یک نظام مالیاتی مطلوب بیان داشته است که عبارتند از:

#### ۱- اصل عدالت و برابری

براساس این اصل، بار مالیات باید به صورت عادلانه بین مردم تقسیم شود و به توانایی پرداخت مالیات دهنده بستگی یابد. وی مالیات تناسبی را به عنوان مالیاتی عادلانه تلقی می کند.

#### مدیریت تهدیدات محیطی



شکل شماره ۱-۳. عوامل مؤثر در ظرفیت مالیاتی

#### ۲- اصل معین و مشخص بودن

براساس این اصل، مبلغ، مأخذ مالیات، زمان پرداخت و طریقه پرداخت باید دقیقاً

مشخص و معین باشد. به نظر آدام اسمیت، عدم رعایت این اصل منجر به ایجاد زمینه برای فساد اداری و رشوه خواری می شود و اهمیت آن به مراتب بیشتر از اصل اول است.

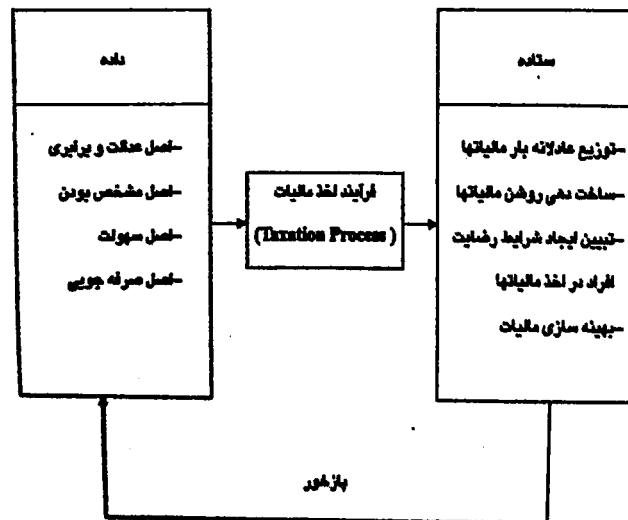
#### ۳- اصل سهولت یا سهل الوصول بودن

براساس این اصل، کسب رضایت نسبی افراد و تسهیلات مختلف برای پرداخت مالیات مدنظر است و تنظیم شرایط جهت پرداخت و طریقه پرداخت باید با توجه به حداقل فشار ممکنه باشد:

#### ۴- اصل صرفه جویی

براساس این اصل، در جمع آوری مالیات باید حداکثر صرفه جویی به عمل آید و هزینه جمع آوری آن به حداقل ممکن تقلیل یابد.

از بین اصول فوق، اصل صرفه جویی از دیدگاه وی در پائین ترین درجه اهمیت قرار دارد، لیکن از نظر اقتصادی این موضوع یکی از مهمترین مسائل یک نظام مالیاتی مطلوب است که باید به آن توجه شود. شکل شماره ۲-۳ اصول فوق الاشاره را نشان می دهد.



شکل شماره ۲-۳. اصول یک نظام مالیاتی مطلوب

## عدالت مالیاتی (۱)

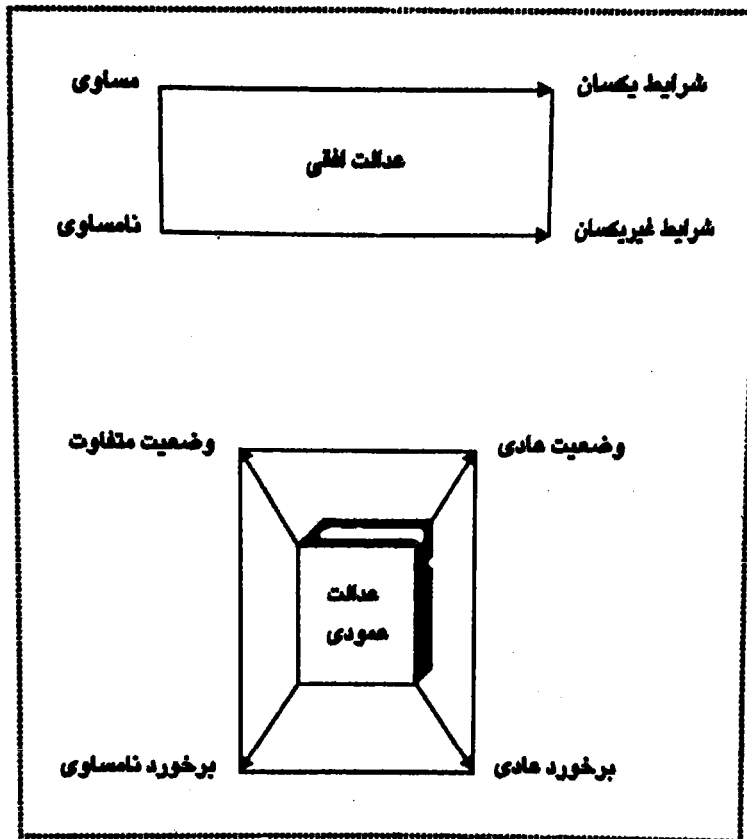
عدالت، یک مفهوم ارزشی است و براساس تفاوتها و معیارهای مختلف ارزشی، به صورتهای متفاوت تعبیر و تفسیر می‌گردد. صاحب نظران معتقدند که مفهوم عدالت نتیجه تفکر و رضایت اجتماعی است و فی‌نفسه پایه اقتصادی ندارد. دو نوع تعبیر و تفسیر از این مفهوم وجود دارد:

۱. عدالت افقی (۲)
۲. عدالت عمودی (۳)

عدالت افقی، سرشکن شدن بار مالیاتی بطور مساوی در شرایط یکسان و بطور نامساوی در شرایط غیریکسان است. برای رسیدن به عدالت افقی، باید شرایط مشابه برای افراد ایجاد نمود تا براساس آن بطور برابر مشمول پرداخت مالیات گردند. بعضی از صاحب نظران می‌گویند در عدالت افقی رفتار برابر با اشخاص در وضعیت‌های برابر است، حتی اگر درآمد خود را از راههای مختلف به دست آورده باشند. (فرهنگ، ۱۳۵۲، ص ۱۲۷۰).

عدالت عمودی که به اصل قدرت پرداخت تعبیر می‌شود، آن است که مالیاتها، باید با اشخاصی که از نظر اقتصادی در وضعیت متفاوتی هستند، به صورت نامساوی برخورد کنند. به بیان دیگر، برای تحقق عدالت عمودی، لازم است مالیاتها برای افرادی که در گروههای متفاوت درآمدی و ثروت قرار دارند، به شیوه‌ای نابرابر وضع شود. همچنین می‌توان گفت: در عدالت عمودی رفتار مختلف افراد در موقعیت‌های گوناگون نسبی می‌باشد. برای رسیدن به عدالت عمودی لازم است نرخ مالیات برای افراد با درآمدهای مختلف یکسان نباشد و با افزایش درآمد، نرخ مالیات افزایش یابد. مشکل در عدالت عمودی، اندازه‌گیری توانایی یا قدرت پرداخت افراد است. شکل شماره ۳-۳، تقسیم‌بندی فوق را به وضوح نشان می‌دهد.

- 1- Tax Equity
- 2- Horizontal Equity
- 3- Vertical Equity



شکل شماره ۳-۳: تقسیم‌بندی انواع عدالت

## دیدگاههای رایج برای اجرای عدالت مالیاتی

برای اجرای عدالت مالیاتی سه دیدگاه وجود دارد، این سه دیدگاه عبارت‌اند از:

## - نظریه قدرت پرداخت

براساس این نظریه هر کس که قدرت توانایی بیشتری در پرداخت انواع مالیات داشته باشد بایستی مالیات بپردازد.

## ۲- نظریه نفع حاصله از خدمات

براساس این نظریه پرداخت انواع مالیات متناسب با منافع حاصله از خدمات دولت می‌باشد. مشکلی که این روش دارد، عدم اندازه‌گیری درست و صحیح‌تر استفاده از خدمات برای افراد است.

## ۳- نظریه عدالت مالیاتی در راستای عدالت اجتماعی

براساس این نظریه قدرت مالیات‌بندی بر توزیع مجدد درآمد از طبقات بالاتر به طبقات پائین‌تر اجتماع است و تقریباً همه بار مالیاتی را بر دوش طبقات ثروتمند جامعه تحمیل می‌نماید.

لهیات‌ها مالیاتی<sup>(۱)</sup>

امتیازات مالیاتی از عدم شمول برخی اقلام که باید در مبنا منظور شود و تخفیف نسبت به برخی دیگر که نباید مشمول تخفیف شود، ناشی می‌گردد. به عبارت دیگر، هرگونه تخفیفات قانونی، معافیت و کاهش در مأخذ مبنای مالیاتی نشان از امتیازات مالیاتی پیش‌بینی شده در قانون مالیات‌هاست. امتیازات مالیاتی دارای تبعاتی است. از دلایل ایجاد تبعات می‌توان به این نکته اشاره کرد که برآورد دقیقی از مقررات امتیازات مالیاتی و اینکه از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است، وجود ندارد. در حقیقت می‌توان نبود معیارهای پذیرفته شده در خصوص امتیازات مالیاتی را مطرح کرد.

بعضی از صاحب‌نظران علم مالیه معتقدند که امتیازات مالیاتی نوعی «یارانه» است که به مؤدیان مالیاتی پرداخت می‌گردد، چرا که یک نوع کمک بلاعوض دولت به افراد است. امتیازات مالیاتی در کشورهای رو به رشد تابعی از مؤلفه‌های مختلف به خصوص مؤلفه سیاست است. سیاست‌های دولتمردان این کشورها بنا به صلاحدید و مقتضیات بعضی از سازمانها، وزارتخانه‌ها (اشخاص حقوقی) و بعضی از افراد و گروهها (اشخاص حقیقی) را مشمول امتیازات مالیاتی می‌کنند.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد، این است که امتیازات مالیاتی گاهی منجر به فرار

مالیاتی می‌شود و مطالعات کارشناسی گروه‌های تخصصی وزارت امور اقتصادی و دارایی باید جامع باشد به گونه‌ای که امتیازات مالیاتی سبب توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد در جامعه نشود و بی‌عدالتی‌ها را با خود همراه نداشته باشد.

تعلق مالیاتی<sup>(۱)</sup>

سؤال تعلق مالیاتی این است که: چه کسی واقعاً مالیات را می‌پردازد؟ طرح این سؤال از آنجا نشأت می‌گیرد که بار مالیاتها را همواره آنانی که مالیات را می‌پردازند، بر دوش نمی‌گیرند. بسیاری از پرداخت کنندگان اولیه، بار واقعی مالیاتها را از دوش خود برمی‌دارند و بر دوش دیگران می‌گذارند. با این توضیحات به این نتیجه می‌رسیم که تعلق به معنای ایستگاه نهایی یک بار مالیاتی است و بنابراین، متعلقین مالیاتها، آنهایی هستند که در نهایت، بار پولی مالیاتها را تحمل خواهند نمود. این تعبیر از تعلق مالیاتی، تعبیری متعارف و مرسوم است، ولی برخی از دانشمندان مثل «هیکس» و «موسکراف» مفهوم تازه و عمیق‌تری از تعلق را مطرح کرده‌اند، برپایه این مفهوم، تعلق به معنای تغییر حاصل در توزیع درآمد ناشی از تغییر در سیاست بودجه‌ای (تعبیر در مالیاتها و مخارج دولتی) می‌باشد. تفاوت میان مفهوم سنتی و جدید تعلق مالیاتی، ظریف و دقیق است، پس می‌توان گفت در مفهوم سنتی، تعلق به بار پولی مالیاتها برگشت داده می‌شود، در حالی که در مفهوم جدید، بر تغییرات توزیع ناشی از اعمال سیاست بودجه‌ای برمی‌گردد.

## لهییت تعلق مالیاتی

مطالعه مسائل مربوط به تعلق مالیاتی، حائز اهمیت است. هدف یک نظام مالیاتی مطلوب تنها این نیست که درآمد بیشتری را برای دولت تدارک نماید، بلکه هدف آن کسب درآمد از گروههایی از مردم است که بهتر می‌توانند بار آن را تحمل کنند. به عبارت روشن‌تر، هدف، توزیع مناسبی از بار مالیاتی در جامعه است، و این مگر با کوشش در جهت‌دهی بار مالیاتی بطور مناسب، ممکن نمی‌باشد.

دانستن این نکته که چه کسی بار مالیاتی را می‌پردازد، برای فهم این مسأله که آیا



جدول شماره ۳-۳: دوره‌های زمانی و مشخصه‌های آن به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده تعلق

### مالیاتی

دوره زمانی	امکان استفاده از تولیدات موجود	امکان تولید با وسایل موجود	امکان تغییر مقیاس تولید
بسیار کوتاه مدت	وجود دارد	وجود ندارد	وجود ندارد
کوتاه مدت	وجود دارد	وجود ندارد	وجود ندارد
بلندمدت	وجود دارد	وجود ندارد	وجود ندارد

بدیهی است که اثر قیمتی انتقال بار مالیاتها، موجب کاهش تقاضا خواهد شد. با توجه به جدول فوق می‌توان مطرح کرد که توان عکس‌العمل تولیدکنندگان به این تغییر تقاضا در دوره‌های زمانی مختلف، یکسان نمی‌باشد. از این‌رو در دوره بسیار کوتاه و حتی کوتاه‌مدت، تولیدکننده ممکن است بار مالیاتی را به شکل سود کمتر ناشی از تقلیل تقاضا، به‌خود تحمیل نماید ولی در دوره بلندمدت که تطابق کامل ممکن است، بار مالیاتی به مصرف‌کننده منتقل می‌شود.

#### ۴- هزینه

انتقال مالیات، قیمت را افزایش می‌دهد و افزایش قیمت از تقاضا می‌کاهد و تقاضای کاهش یافته، به کاهش تولید منجر می‌گردد و مقیاس تولید را دچار انقباض می‌سازد. اما می‌دانیم که تغییر مقیاس تولید بر هزینه، مؤثر است و این تغییر هزینه، آثار خود را، نسبت به اینکه در کدام یک از سه وضعیت افزایش‌دهی، کاهش‌دهی و یا ثبات هزینه‌ها قرار داشته باشد، در اقتصاد ظاهر می‌سازد. به عنوان مثال، اگر صنعتی در وضعیت کاهش‌دهی هزینه‌ها قرار داشته باشد، کاهش مقیاس تولید، موجب افزایش هزینه‌ها و بنابراین، قیمت‌ها خواهد شد و در نتیجه بار مالیاتی به مصرف‌کنندگان منتقل می‌گردد.

#### ۵- طبیعت مالیات

انواع گوناگونی از مالیاتها وجود دارند که از نظر گرایش تعلق مالیاتی با یکدیگر اختلاف دارند. به عنوان مثال، مالیات بر درآمدهای مازاد یا اموال باد آورده، تمایل به ماندن در محل اصابت دارد.

چنین کسی واقعاً هم آن را خواهد پرداخت و اساساً آیا قادر است آن را بپردازد، با اهمیت است. در مالیاتهای مستقیم، شناسایی محل تعلق، آسان بوده ولی در مالیاتهای غیرمستقیم این طور نیست، در یک نظام مالیاتی که هدفش توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت و بالا بردن سطح رفاه اجتماعی است، تعیین تعلق اهمیت فراوان دارد. در چنین نظامی بطور کلی باید مالیاتها را از اغنیاء گرفت و به فقرا کمک نمود.

### عوامل تعیین‌کننده تعلق مالیاتی

پدیده تعلق مثل سایر پدیده‌ها، بستگی به عوامل چند دارد که ذیلاً به توضیح آنها می‌پردازیم.

#### ۱- کشش عرضه و تقاضا

اگر تقاضا برای کالایی با کشش باشد، تعلق بیشتر به تولیدکننده و اگر تقاضا برای کالایی بی‌کشش باشد، تعلق بیشتر به مصرف‌کننده گرایش می‌یابد. در مورد عرضه، مسأله معکوس است. اگر عرضه کالایی با کشش باشد، بار مالیاتی به جانب مصرف‌کننده متمایل خواهد شد و اگر عرضه کالایی بی‌کشش باشد، بار مالیاتی به جانب تولیدکننده گرایش می‌یابد.

#### ۲- قیمت

اصلی‌ترین راه انتقال بار مالیاتی، تغییر قیمت‌هاست. اگر مالیاتها موجب تغییر قیمت‌ها نشوند، انتقال بار مالیاتی معنایی ندارد.

#### ۳- زمان

سه دوره زمانی قابل تمییز از دیدگاه تولید در اقتصاد قابل تشخیص است. جدول شماره ۳-۳، این سه دوره زمانی و مشخصه‌های هر کدام را نشان می‌دهد.

## عـ شکل بازار

از نظر اقتصادی ما طیف وسیعی از بازارها را در فاصله دو انتهای رقابت کامل و انحصار کامل می‌توانیم در نظر بگیریم. مهمترین بازارها عبارتند از: بازار رقابت کامل، بازار رقابت انحصاری، بازار انحصار چند جانبه، بازار انحصار دوجانبه و بازار انحصار کامل.

قرار گرفتن در هر یک از این بازارها، بر تعلق مالیاتها اثر می‌گذارد. به عنوان مثال، در بازارهای رقابتی کامل، از آنجا که هیچ خریدار یا فروشنده‌ای قادر به تأثیر گذاشتن بر قیمت بازار نیست، اساساً بحث از انتقال بار مالیاتی، موضوعیت ندارد. اما در وضعیت انحصار کامل، تولید کننده از آزادی فراوانی برای تغییر قیمت‌ها برخوردار است و بنابراین، امکان انتقال بار مالیاتی را دارد.

جدول شماره ۳-۴، عوامل فوق را با ویژگی‌های منحصر به فرد هر کدام از عوامل را نشان می‌دهد.

عوامل ↓ ویژگی ←	ساختاری	رفتاری
کشش عرضه و تقاضا	کشش و بی‌کششی عرضه و تقاضای کالا	نشان دهنده تغییرات بار مالیاتی
قیمت	تغییر قیمت‌ها	نشان دهنده انتقال بار مالیاتی
زمان	بسیار کوتاه مدت / کوتاه مدت و بلند مدت	نشان دهنده امکان استفاده از تولید، امکان تولید با وسایل موجود و امکان تغییر مقیاس تولید
هزینه	رابطه تمامی هزینه، قیمت، تقاضا و تولید	آثار تغییرات هزینه در سه وضعیت افزایشی، کاهش و ثبات
طبیعت مالیات	اختلاف نوع مالیاتها از نظر گرایش تعلق مالیاتی	اثرات تعلق مالیاتی بر اصابت مالیاتی
شکل بازار	رقابت کامل رقابت انحصاری انحصار چندجانبه انحصار دوجانبه انحصار کامل	اثرات نوع بازارها بر تعلق مالیاتی

اصابت مالیاتی<sup>(۱)</sup>

اصابت مالیاتی در مورد آنهایی صادق است که به ظاهر و در مرحله اول، مالیاتها را می‌پردازند. به عنوان مثال اگر دولت عوارض بر شکر ببندد، تولید کنندگان، ظاهراً این عوارض را خواهند پرداخت. به زبان مالیه عمومی می‌گوئیم که تولید کنندگان مورد اصابت قرار گرفته‌اند. ولی اینها، عوارض مذکور را بر قیمت شکر اضافه می‌کنند و از مصرف کنندگان دریافت خواهند کرد. بنابراین مصرف کنندگان، بر دارندگان واقعی بار مالیاتها خواهند بود. یعنی مصرف کنندگان مورد تعلق مالیاتی واقع شده‌اند.

لثر مالیاتی<sup>(۱)</sup>

اثر مالیاتی حکایت از نتایجی دارد که به تبع اخذ مالیات به وجود می‌آیند. در واقع اخذ مالیاتها، دنباله‌هایی را با خود دارد که کاملاً متمایز از مفاهیم تعلق و اصابت مالیاتی است و به اثر مالیاتی مرسومند. بطور مثال، در مورد عوارض شکر، به رغم اینکه چه کسی یا کسانی بار نهایی را بر دوش خواهند کشید، اثرات بستن این عوارض می‌تواند، متنوع باشد.

انتقال مالیات<sup>(۲)</sup>

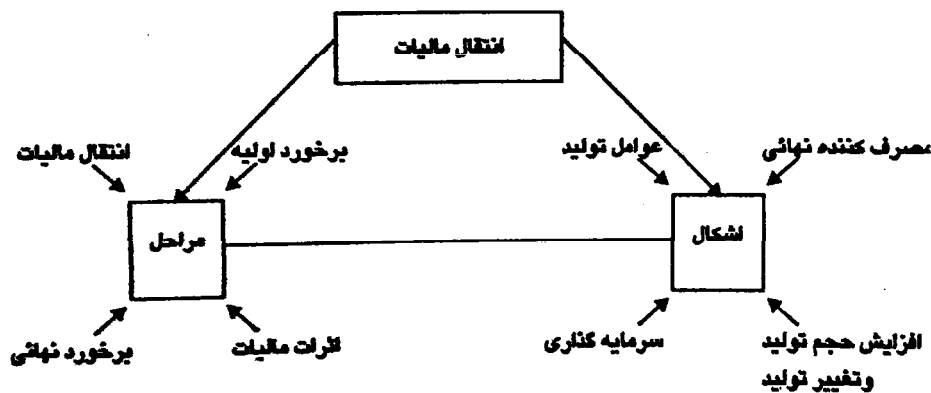
هرگاه مالیاتی قانوناً توسط شخص به دولت پرداخت، ولی به وسائلی از شخص یا اشخاص دیگر به مقدار مساوی، کمتر و یا بیشتر وصول شود، اصطلاحاً انتقال مالیات گفته

- 1- Tax Effect
- 2- Tax Shifting

می‌توان به مواد اولیه، دستمزد نیروی انسانی و ... اشاره کرد.

۳- تبدیل مالیات به سرمایه<sup>(۱)</sup> (سرمایه‌سازی): مالیات هرگاه انتقال نیابد به نرخ مفروض بهره به صورت سرمایه می‌تواند دربیاید، به این ترتیب که مالیات یا تغییر در مالیات بر نرخ بهره تقسیم و خارج قسمت از ارزش دارایی پیش از تغییر مالیات تفریق می‌شود. در این طریق نه تنها مالیات فعلی، بلکه مالیات آینده نیز انتقال می‌یابد.

۴- افزایش حجم فروش و تغییر تولید: افزایش حجم فروش و تغییر قیمت ممکن است اثرات مثبت و منفی در اشکال انتقال مالیاتی ایجاد نماید.  
شکل شماره ۳-۴، مراحل و اشکال انتقال مالیات را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۳-۴. مراحل و اشکال انتقال مالیات

می‌شود. به عبارت دیگر نقل بار مالیاتی از یکی به دیگری و ممکن است به ماقبل یا به مابعد صورت گیرد.

انتقال مالیات یکی از مهمترین مباحث مالیه عمومی است و تشخیص پرداخت‌کننده نهایی یکی از پیچیده‌ترین مسائل مالیاتی است.

### مراحل انتقال مالیات

فرآیند انتقال مالیات را صاحب‌نظران در چهار مرحله تقسیم‌بندی می‌نمایند:

۱- برخورد اولیه: نقطه‌ای که فشار مالیات بر آن وارد می‌شود و در آن نقطه شخص یا مؤسسه مالیات قانونی دولت را پرداخت و فشار مالیاتی را تحمل می‌نماید.

۲- انتقال مالیات: مرحله‌ای که مالیات دهنده، مالیات پرداختی خود را به فرد یا مؤسسه دیگری انتقال می‌دهد.

۳- برخورد نهایی: نقطه‌ای که فشار حقیقی مالیات بر آن وارد می‌شود.

۴- اثرات انتقال مالیات: منظور از اثرات علاوه بر اثرات روی پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و سطح اشتغال، اثرات جانشین‌سازی ناشی از انتقال مالیات نیز می‌باشد. مثلاً مالیات بر روی گاز و نفت موجب ترجیح دادن مصرف‌کنندگان به استفاده از برق به جای گاز و نفت می‌شود که پیامد آن با افزایش قیمت برق روبرو می‌شویم.

### اشکال انتقال مالیات

اشکال انتقال مالیات را صاحب‌نظران به چهار دسته زیر تقسیم‌بندی می‌نمایند:

۱- انتقال به مصرف‌کنندگان نهایی: در صورتی که مالیات دهنده اصلی در نقطه برخورد اولیه قادر باشد، مالیات پرداختی را به وسیله تغییر قیمت‌ها به مصرف‌کنندگان نهایی انتقال دهد.

۲- انتقال به عوامل تولید: در این طریق، مالیات فعلی انتقال می‌یابد. از عوامل تولید

## قرائن مالیاتی

قرائن مالیاتی عبارت است از عواملی که در هر رشته از مشاغل با توجه به موقعیت شغل برای تشخیص درآمد مشمول مالیات بطور علی‌الرأس بکار می‌رود و فهرست آن به شرح زیر است.

۱- خرید سالانه

۲- فروش سالانه

۳- درآمد ناویژه

۴- میزان تولید در کارخانجات

۵- جمع کل وجوهی که بابت حق‌التحریر، حق‌الزحمه وصول عوارض و مصرف تمبر عاید دفترخانه اسناد رسمی می‌شود یا میزان تمبر مصرفی آنها.

۶- سایر عوامل به تشخیص کمیسیون تعیین ضرائب.

## ضرائب مالیاتی

ضرائب مالیاتی عبارت است از ارقام مشخصه‌ای که حاصل ضرب آنها در قرینه مالیاتی در موارد تشخیص علی‌الرأس، درآمد مشمول مالیات تلقی می‌گردد. در صورتی که به چند قرینه اعمال ضریب شود، معدلی که از نتایج اعمال ضرائب به دست می‌آید، درآمد مشمول مالیات خواهد بود.

سال مالیاتی<sup>(۱)</sup>

سال مالیاتی<sup>(۲)</sup> عبارت است از یک سال شمسی که از اول فروردین ماه هر سال شروع و به آخر اسفند ماه همان سال ختم می‌شود لکن در مورد اشخاص حقوقی مشمول مالیات که سال مالی آنها به موجب اساسنامه با سال مالیاتی تطبیق نمی‌کند، درآمد سال مالی آنها، به جای سال مالیاتی مبنای تشخیص مالیات قرار می‌گیرد و موعده تسلیم اظهارنامه، ترازنامه، حساب سود و زیان و سررسید پرداخت مالیات آنها چهار ماه شمسی پس از سال مالی می‌باشد.

## 1- Fiscal Year

۲- مجموعه قوانین مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه قانون مورخ ۱۳۷۱/۳/۷.

## مأموران تشخیص مالیات

مأموران تشخیص مالیات عبارتند از کمک ممیز مالیاتی، ممیز مالیاتی، سرممیز مالیاتی و ممیز کل مالیاتی.

انواع مالیات<sup>(۱)</sup>

مالیاتها را به دو دسته تقسیم‌بندی می‌نمایند این دو دسته عبارتند از: مالیاتهای مستقیم<sup>(۲)</sup> و مالیاتهای غیرمستقیم<sup>(۳)</sup>.

## مالیاتهای مستقیم

مالیاتهای مستقیم، مالیاتهایی هستند که مستقیماً بر منبع درآمد وضع می‌شوند این نوع از مالیاتها مستقیماً و متناسب با درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی وصول می‌شود.

## اشخاص مشمول مالیات

از نظر کلی، اشخاص مشمول مالیات، کسانی (حقوقی، حقیقی) هستند که به نص قانون ملزم به پرداخت مالیات می‌باشند.

ماده یک قانون مالیاتهای مستقیم اشخاص زیر را مشمول پرداخت مالیات می‌داند.

۱- کلیه مالکین اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به اموال یا املاک خود واقع در ایران طبق مقررات.

۲- هر شخص حقیقی ایرانی مقیم ایران نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌نماید.

۳- هر شخص حقیقی ایرانی مقیم خارج از ایران نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران تحصیل می‌کند.

۴- هر شخص حقوقی ایرانی نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌نماید.

## 1- Types of Tax

## 2- Direct Tax

## 3- Excess Tax

۵- هر شخص غیر ایرانی (اعم از حقیقی یا حقوقی) نسبت به درآمدهائی که در ایران تحصیل می‌نماید و همچنین نسبت به درآمدهائی که بابت واگذاری امتیازات یا سایر حقوق خود و یا دادن تعلیمات و کمک‌های فنی و یا واگذاری فیلم‌های سینمایی از ایران تحصیل می‌کند.

ماده دو قانون مزبور اشخاص زیر را مشمول پرداخت مالیاتهای موضوع این قانون نمی‌داند:

۱- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و دستگاههایی که بودجه آنها به وسیله دولت تأمین می‌شود، شهرداریها و مؤسسات وابسته به دولت.

۲- جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، سازمان تأمین اجتماعی، صندوقهای پس‌انداز بازنشستگی، مدارس علوم اسلامی و نهادهای انقلاب اسلامی و صندوق عمران موقوفات کشور مادام که درآمد صندوق مزبور صرف امور عمران موقوفات و تأمین هزینه‌های سازمان اوقاف و امور خیریه شود و آن قسمت از درآمد اشخاص که از محل وجوه بریه ولی‌فقیه، خمس و زکات عاید آنها می‌شود. تشخیص مدارس علوم اسلامی به عهده شورای مدیریت حوزه علمیه قم و تشخیص نهادهای انقلاب اسلامی با هیأت وزیران است.

۳- موقوفات عام که درآمد آنها طبق موازین شرعی به مصرف اموری از قبیل تبلیغات اسلامی، تحقیقات فرهنگی، علمی، دینی، فنی، تحقیقاتی، اختراعات، اکتشافات، تعلیم و تربیت، بهداشت، بنا و تعمیر و نگهداری مساجد، مصلی‌ها و مدارس علوم اسلامی، مراسم تعزیه و اطعام، تعمیر آثار باستانی، امور عمرانی و آبادانی، هزینه یا وام تحصیلی دانشجویان و دانش‌آموزان، کمک به مستضعفین و آسیب‌دیدگان حوادث ناشی از سیل، زلزله، آتش‌سوزی، جنگ و حوادث غیرمترقبه دیگر و نذورات بقاع متبرکه می‌رسند مشروط بر اینکه درآمد و هزینه مزبور مورد گواهی سازمان اوقاف و امور خیریه باشد.

۴- مؤسسات عام‌المنفعه که به ثبت رسیده و درآمد آنها به موجب اساسنامه به مصرف امور مذکور در بند ۳ فوق برسد و همچنین مجامع حرفه‌ای که به موجب قوانین خاص تشکیل شده‌اند به تشخیص هیأت وزیران مشروط بر اینکه درآمد و هزینه‌های مؤسسات و مجامع مذکور از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی نظارت شود.

۵- انجمن‌ها یا هیأت‌های مذهبی مربوط به اقلیت‌های دینی مذکور در قانون اساسی.

مشروط بر اینکه رسمیت آنها به تصویب وزارت کشور رسیده و هزینه آنها توسط سازمان اوقاف و امور خیریه تأیید شده باشد.

تبصره ۱- شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به اشخاص و مؤسسات مذکور در بندهای فوق باشند، سهم درآمد یا سود آنها مشمول حکم این ماده نخواهند بود. حکم این تبصره مانع استفاده شرکت‌های مزبور از معافیت‌های مقرر در این قانون حسب مورد نمی‌باشد.

۲- درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی از قبیل فعالیت‌های تولیدی، صنعتی، معدنی، تجاری، حق‌واگذاری محل، مستغلات و نقل و انتقالات قطعی املاک اشخاص موضوع بندهای ۲ و ۴ این ماده که به نحوی غیر از طریق شرکت نیز تحصیل می‌شود بدون رعایت معافیت‌های مقرر در این قانون در هر مورد به نرخهای مقرر مربوط مشمول مالیات خواهد بود. مسئولین اداره امور در اینگونه موارد نسبت به سهم فعالیت مذکور مکلف به انجام تکالیف مربوط طبق مقررات این قانون خواهند بود و در غیر این صورت نسبت به پرداخت مالیات متعلق به مؤدی مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

تبصره ۲- آن قسمت از درآمد موقوفات مذکور در بند ۳ این ماده که عاید اشخاص می‌گردد مشمول معافیت مربوط به موقوفات نخواهد بود.

تبصره ۳- آن قسمت از درآمد موقوفات و مؤسسات عام‌المنفعه و انجمن‌های مذکور در بندهای ۳، ۴ و ۵ این ماده که تا سه سال پس از انقضای سال مالی به مصارف مقرر در بندهای مذکور نرسد طبق مقررات مربوط مشمول مالیات خواهد بود، مگر اینکه لزوم نگهداری بیش از مدت مذکور به تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه و یا سایر مراجع ناظر حسب مورد رسیده باشد.

تبصره ۴- آیین‌نامه اجرایی مربوط به این ماده و نحوه نظارت وزارت امور اقتصادی و دارایی توسط وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، کشور و ارشاد اسلامی تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

تبصره ۵- در هر سال مالی که شرایط و ترتیبات مقرر در این ماده و آیین‌نامه اجرایی آن رعایت نشود، معافیت مالیاتی مقرر نسبت به اشخاص مذکور در بندهای ۳، ۴ و ۵ این ماده برای آن سال جاری نبوده و درآمدهای سال مزبور آنها طبق مقررات مربوط مشمول مالیات خواهد بود.

## انواع مالیاتهای مستقیم

مالیاتهای مستقیم شامل موارد ذیل است :

□ الف - مالیات بر درآمد<sup>(۱)</sup>

اولین قانون مالیات بر درآمد در ایران تحت عنوان «قانون مالیات بر شرکتها و تجارت» در ۱۲ فروردین ماه ۱۳۰۹ به تصویب رسید و درآمد ویژه شرکتها و بازرگانان و مشاغل آزاد و حقوق‌بگیران را مشمول مالیات قرار داد.

درآمد مستغلات تابع قانون مستغلات مصوب سنبله ۱۲۹۴ بوده که به موجب آن از مستغلات، اعم از اینکه به اجاره واگذار شده و یا مورد استفاده شخص مالک بوده، مالیات وصول می‌شده است.

دومین قانون مالیات بر درآمد در آبان ماه ۱۳۱۲ به تصویب رسید و از اول فروردین سال ۱۳۱۳ اجرا شد که از قانون سال ۱۳۰۹ کامل‌تر بود. این قانون در سال ۱۳۱۷ اصلاح و نرخهای مالیاتی در آن سال افزایش یافت.

سومین قانون مالیات بر درآمد، قانون مصوب ۱۹ آبان ماه ۱۳۲۲ است که توسط دکتر میلیسپوتنظیم و به مجلس شورای ملی پیشنهاد گردید. تاریخ اجرای آن ۱۳۲۳ و تاریخ ملغی آن ۱۳۲۵ بود. به موجب این قانون، قوانین مستغلات و مالیات صدی سه، و مالیات بردرآمد ملغی شده و برای اولین بار در تاریخ ایران مجموع انواع مختلف درآمد یک شخص پس از کسر حداقل بخشودگی تابع یک نرخ مالیات قرار داده شد.

قانون مزبور در دوره فترت (۱۳۲۵) ملغی شد و از اول فروردین ماه سال مزبور، مالیات بردرآمد طبق قانون مالیات بر درآمد سال ۱۳۱۲ و قوانین اصلاحی آن و مالیات مستغلات طبق قانون سنبله ۱۲۹۴ با افزایش نرخ مالیاتی مجدداً به وضع قبل از میلیسپو اعاده گردید.

چهارمین قانون مالیات بر درآمد، قانون مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ است که تا مرداد ماه ۱۳۳۴ مورد اجرا بوده است. این قانون در سال ۱۳۲۸ به تصویب کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی رسیده بود که بعداً در سال ۱۳۳۱ اصلاحاتی در آن به عمل آمد. اصلاحات

بعدی در سالهای ۱۳۳۴، ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ و قانون ایجاد تسهیلات مالیات مصوب اسفند ماه ۱۳۳۸ و قانون اصلاح مالیات بر درآمد مصوب خرداد ماه، ۱۳۳۹ می‌باشد.

پنجمین قانون مالیات بر درآمد، قانون مالیات مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه بعدی مصوب ۱۳۴۸۵۲ می‌باشد.

ششمین قانون مالیات بر درآمد، قانون مالیاتهای مستقیم بود که در سوم اسفند ماه سال ۱۳۶۶ به تصویب رسید و هم‌اکنون نیز مورد عمل می‌باشد.

نظامهای مالیات بر درآمد<sup>(۱)</sup>

نظامهای حاکم بر مالیات بر درآمد به سه دسته تقسیم می‌شوند. این سه دسته عبارت‌اند از :

۱- نظام نرخ واحد : در این نظام، درآمدهای حاصل از تمام منابع فرد جمع می‌شود و بر تمام آنها نرخ مالیاتی واحدی اعمال می‌گردد.

۲- نظام نرخ جدولی : در این نظام، هر یک از اقلام مشخص درآمدمی، مشمول نرخ متفاوت مالیاتی می‌گردد.

۳- نظام نرخ مختلط : در این نظام، ترکیبی از خصوصیات نظام نرخ واحد و نظام نرخ جدولی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در دنیای کنونی، نظامهای کامل نرخ واحد و نرخ جدولی چندان رایج نمی‌باشد. در نظامهای نرخ واحد موجود معمولاً نرخ مؤثر در مورد سود حاصل از سرمایه و درآمدهای حاصل از فعالیت‌های شخصی افراد کمتر از سایر اقلام اعمال می‌شود. نظامهای مختلط، در اصل همان نظامهای نرخ جدولی هستند که به آن نرخهای مکملی اضافه شده است.

غالب مالیاتهای بر درآمد، براساس نظام نرخ جدولی هستند، یکی از مزیت‌های این نظام، اجرای نسبتاً آسان آن است. همچنین در این نظام، نرخ‌ها را می‌توان در مقابل اظهارنظر کمتر از واقع یا فرار مالیاتی مؤدیان تعدیل نمود. (گردبچه، ۱۳۷۵).

## انواع مالیات بر درآمد

مالیات بر درآمد به هفت نوع تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از :

## ۱- الف - مالیات بر درآمد شرکتها (درآمد اشخاص حقوقی)

این مالیات برای نخستین بار در سال ۱۳۰۹ به موجب قانون مالیات بر شرکتها و تجارت در ایران مرسوم گردید و به تدریج در قوانین و مقررات مربوط با توجه به مقتضیات زمان و شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور تغییراتی داده شد. قانونی که در حال حاضر مورد عمل می‌باشد، قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ۱۳۴۵ و اصلاحات بعدی آن می‌باشد. بر طبق این قانون جمع درآمد شرکتها و درآمدهای انتفاعی سایر اشخاص حقوقی از منابع مختلف در ایران یا خارج تحصیل می‌گردد، مشمول این نوع از مالیات است.

درآمد مشمول مالیات اشخاص حقوقی از طریق حوزه‌های مالیاتی به یکی از دو طریق زیر مشخص می‌گردد :

۱- تشخیص درآمد مشمول مالیات از طریق رسیدگی به دفاتر، اسناد و مدارک

۲- تشخیص درآمد مشمول مالیات از طریق علی‌الرأس

اشخاص حقوقی از لحاظ مقررات مالیاتی به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند :

الف - شرکت‌هایی که ۱۰۰ درصد سرمایه آن متعلق به بخش خصوصی است.

ب - شرکت‌هایی که ۱۰۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات و شرکت‌های دولتی می‌باشد.

ج - شرکت‌هایی که قسمتی از سرمایه آنها به دولت یا مؤسسات و شرکت‌های دولتی تعلق دارد.

د - شرکت‌هایی که تمام سرمایه آنها به شهرداریها تعلق دارد.

ه - شرکت‌هایی که قسمتی از سرمایه آنها به شهرداریها تعلق دارد.

و - اشخاص حقوقی ایرانی غیر تجاری که به منظور تقسیم سود بین شرکاء، تشکیل شده‌اند، لیکن دارای فعالیت انتفاعی هستند.

ز - شرکتها و اشخاص حقوقی خارجی

در اصلاحاتی که اخیراً در قانون مالیاتهای مستقیم به عمل آمده، معافیت‌های اعطائی

در مالیات بر شرکتها در ایران به میزان چشم‌گیری افزایش یافته است، بطوری که درآمد واحدهای تولیدی و معدنی که پروانه بهره‌برداری آنها را وزارتخانه‌های صنایع و معادن و فلزات و جهادسازندگی صادر می‌کنند از تاریخ بهره‌برداری از ۴ تا ۸ سال از پرداخت مالیات معاف شده است و در صورتی که واحدهای مزبور در مناطق محروم بوده باشند، معافیت مزبور به میزان ۵۰ درصد قابل افزایش است.

همچنین مراکز فرهنگی و هنری که دارای پروانه فعالیت یا تأسیس از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند، از تاریخ شروع فعالیت برای مدت ۵ سال و در صورت استقرار در مناطق محروم به مدت ۸ سال از پرداخت مالیات معاف هستند.

صد در صد درآمد شرکت‌های تعاونی روستایی، عشایری، کشاورزی، کارمندی، دانشجویان و دانش‌آموزان کارگری و اتحادیه‌های آنها از پرداخت مالیات معاف می‌باشند. در ایران مالیات بر شرکتها به دو شکل مالیات بر شرکت‌های دولتی و مالیات بر شرکت‌های خصوصی (غیردولتی) وصول می‌شود. جدول شماره ۵ به تفکیک انواع مالیات بر شرکتها را در طی سالهای ۱۳۵۷-۷۵ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵-۳ نشان می‌دهد که درآمد حاصل از مالیات بر شرکتها در ایران همواره سهم عمده‌ای از درآمدهای مالیاتی را تشکیل داده است. سهم مزبور در سالهای اخیر حدود ۴۵ درصد کل درآمدهای مالیاتی و ۵۰ تا ۶۰ درصد درآمد مالیاتهای مستقیم بوده است، تا سال ۱۳۶۳، مالیات بر شرکت‌های دولتی، سهم عمده را در مالیات بر شرکتها داشته است که از سال مزبور با فعال‌تر شدن بخش غیردولتی (خصوصی)، سهم مالیات بر شرکت‌های غیردولتی بیشتر شده است.

طی سالهای ۱۳۶۸-۷۲ ارقام مالیات بر شرکتها نشانگر موفقیت برنامه‌های مالیاتی دولت ایران در اخذ مالیات شرکت‌های دولتی و خصوصی بوده است.

## جدول شماره ۵-۳ انواع مالیات بر شرکتها لرقام به میلیون ریال

سال	مالیات بر شرکتهای دولتی	مالیات بر شرکتهای غیردولتی	مالیات مراکز تهیه و توزیع کالا	جمع
۵۷	۱۲۵۲۲۸	۵۲۸۶۹	-	۲۰۰۰۹۷
۵۸	۱۰۱۲۷۶	۲۱۷۰۱	-	۱۴۲۹۷۷
۵۹	۱۰۶۲۲	۲۵۳۳۲	-	۲۵۹۷۵
۶۰	۱۸۲۵۸۱	۲۳۰۲۶	-	۲۰۷۶۰۷
۶۱	۱۱۳۲۹۵۲	۵۹۹۲۵	-	۱۷۳۸۷۷
۶۲	۱۲۳۱۳۸	۸۵۱۲۴	-	۲۰۸۲۶۲
۶۳	۱۱۱۹۸۰	۱۳۲۵۲۱	۱۳۱۶۱	۲۵۷۶۶۲
۶۴	۱۶۲۰۵۱	۱۶۷۲۱۲	۲۸۴۱۶	۳۵۷۶۷۹
۶۵	۱۸۶۴۰۹	۱۶۸۱۵۸	۱۸۹۲۳	۳۷۳۵۰۰
۶۶	۱۷۹۳۰۶	۱۸۴۱۷۴	۱۰۹۲۹	۳۷۴۴۰۹
۶۷	۱۹۱۵۲۶	۱۹۴۴۷۵	۶۵۳۰	۳۹۲۵۵۱
۶۸	۱۱۹۴۲۴	۲۱۳۳۲۸	۷۳۳۳	۲۳۰۰۹۵
۶۹	۱۴۸۹۵۹	۲۳۳۳۲۵	۱۳۲۷۶	۴۹۵۵۶۰
۷۰	۲۲۲۳۳۷	۵۳۰۰۱۸	۲۲۲۷۱	۷۷۴۶۲۶
۷۱	۲۴۱۲۵۰	۸۳۴۰۹۸	۲۲۷۴۳	۱۲۹۷۲۹۱
۷۲	۲۵۰۹۰۰	۱۱۳۰۶۹۴	۱۹۴۶۲	۱۶۰۱۰۵۶
۷۳	۸۰۱۱۶۷	۱۵۶۹۸۰۰	۲۷۲۸۴	۲۳۹۸۲۵۱
۷۴	۱۰۴۵۳۷۳	۲۲۳۰۵۵۳	۲۰۱۹۹	۳۲۹۶۱۲۵
۷۵	۱۶۸۲۸۵۸	۲۵۹۳۰۰۰	۲۰۰۰۰	۴۲۹۷۸۵۸

مأخذ: قوانین بودجه کل کشور (۷۴-۱۳۵۷) و لایحه بودجه سال ۱۳۷۵.

همچنین جدول شماره ۵-۳ نشان می‌دهد وصولی مالیات از شرکتهای دولتی کمتر از مصوبات دولت بوده است و علت آن ضعف برنامه‌ریزی، ساختار نامناسب و قیمت‌گذاری کنترل شده در خصوص برخی از کالاها می‌باشد، لیکن مالیات بر شرکتهای خصوصی با غیردولتی رشد فزاینده‌ای داشته و وصولی بیشتر از مصوبات بودجه تحقق یافته است و

دلیل عمده افزایش فزاینده آن، فعال‌تر شدن اقتصاد ایران و کاسته شدن از ظرفیتهای خالی در اقتصاد است و در سال ۱۳۷۴، بیش از ۶۸ درصد از کل مالیات بر شرکتهای را مالیات بر شرکتهای غیردولتی تشکیل می‌داده است.

۲- الف- مالیات بر درآمد حقوق<sup>(۱)</sup>

به استناد ماده ۸۲ قانون مالیاتهای مستقیم، درآمدی که شخص حقیقی در خدمت شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) در قبال تسلیم نیروی کار خود بابت اشتغال در ایران برحسب مدت یا کارانجام یافته بطور نقد یا غیرنقد تحصیل می‌کند، مشمول مالیات بر درآمد حقوق است.

همچنین به استناد تبصره ماده مزبور، درآمد حقوقی که در مدت مأموریت خارج از کشور (از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران یا اشخاص مقیم ایران) از منابع ایرانی عاید شخص می‌شود مشمول مالیات بر درآمد حقوق است.

درآمد مشمول مالیات حقوق از دو گروه الف- حقوق (مقرری یا مزد یا حقوق اصلی) و ب- مزایای مربوط به شغل اعم از مستمر و یا غیرمستمر قبل از وضع کسور و پس از کسر معافیت‌های مقرر در قانون تشکیل یافته است. (دوایی، ۱۳۷۴).

۳- الف- مالیات بر درآمد مشاغل<sup>(۲)</sup>

به استناد ماده ۹۳ قانون مالیاتهای مستقیم درآمدی که شخص حقیقی از طریق اشتغال به مشاغل یا به عناوین دیگر غیر از موارد مذکور در سایر فصلهای این قانون در ایران تحصیل کند پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون مشمول مالیات بر درآمد مشاغل می‌باشد.

تبصره: درآمد شرکتهای مدنی (اعم از اختیاری یا فهری) و همچنین درآمدهای ناشی از فعالیتهای مضاربه‌ای در صورتی که عامل (مضارب) شخص حقیقی باشد تابع مقررات این فصل می‌باشد.

درآمد مشمول مالیات مؤدیان موضوع این فصل که دارای دفاتر قانونی هستند به

- 1- Payroll Income Tax
- 2- Income Business Tax



استناد ماده ۹۴ قانون مزبور عبارت است از کل فروش کالا و خدمات به اضافه سایر درآمدهای آنان که مشمول مالیات فصول دیگر شناخته نشده پس از کسر هزینه‌ها و استهلاکات مربوط طبق مقررات فصل هزینه‌های قابل قبول و استهلاکات.

### هولرد تشخیص علی‌الرأس درآمدهای مشمول مالیات

۱- عدم تسلیم ترازنامه و حساب سود و زیان یا حساب درآمد و هزینه و حساب سود و زیان حسب مورد تا موعد مقرر قانونی برای دارندگان دفاتر قانونی تا پایان تیر ماه سال بعد و برای سایر مشمولان این فصل تا پایان اردیبهشت ماه سال بعد (بند یک ماده ۹۷ قانون مالیاتهای مستقیم).

۲- خودداری از ارائه دفاتر یا مدارک حساب در محل کار توسط مؤدی. چنانچه مؤدی از ارائه قسمتی از مدارک حساب خودداری نماید، اگر این اسناد مربوط به هزینه باشد از احتساب آن جزء هزینه‌های قابل قبول خودداری می‌شود و در صورتی که مربوط به درآمد باشد، درآمد مشمول مالیات این قسمت از طریق علی‌الرأس تعیین خواهد شد. (تبصره ۲ ماده ۹۷ قانون مالیاتهای مستقیم).

۳- غیرقابل رسیدگی بودن دفاتر اسناد و مدارک به نظر ممیز و تأیید سرممیز مالیاتی.

۴- قابل قبول نبودن دفاتر و اسناد و مدارک به علت عدم رعایت موازین قانونی و آیین‌نامه‌های مربوط به تأیید هیأت سه نفره.

### معافیت‌ها و هینای نرخ مالیات بر درآمد مشاغل

به استناد ماده ۱۰۱ قانون مالیاتهای مستقیم تا میزان یک میلیون و پانصد هزار ریال از درآمد سالانه مشمول مالیات این فصل از یک یا چند منبع از پرداخت مالیات معاف و مازاد آن طبق نرخهای مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون مشمول مالیات خواهد بود.

در شرکت‌های مدنی اعم از اختیاری یا قهری شرکاء حداکثر از دو معافیت استفاده خواهند کرد و مبلغ معافیت بطور مساوی بین آنان تقسیم و باقی‌مانده سهم هر یک از شرکاء جداگانه مشمول مالیات خواهد بود. شرکائی که با هم رابطه زوجیت دارند از لحاظ استفاده از معافیت در حکم یک شریک تلقی و معافیت به زوج اعطاء می‌گردد. در صورت فوت هر یک از شرکاء وراث وی به عنوان قائم‌مقام قانونی از معافیت مالیاتی سهم متوفی

در مشارکت به شرح فوق استفاده نموده و این معافیت بطور مساوی بین آنان تقسیم و از درآمد سهم هر کدام کسر خواهد شد.

### ۴- الف- مالیات بر درآمد کشاورزی

درآمدی که شخص حقیقی از طریق اشتغال به فعالیت‌های کشاورزی تحصیل می‌نماید می‌بایستی مشمول مالیات بر درآمد کشاورزی گردد. لیکن ماده ۸۱ قانون مالیاتهای مستقیم اصلاحی ۱۳۷۱/۲/۷ درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی را از پرداخت مالیات معاف نموده است.

### ۵- الف- مالیات بر درآمد اجاره املاک (مستغلات) (۱)

به استناد ماده ۵۲ قانون مالیاتهای مستقیم درآمد شخص حقیقی یا حقوقی ناشی از واگذاری حقوق خود نسبت به املاک واقع در ایران پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون مشمول مالیات بر درآمد املاک می‌باشد.

درآمد مشمول مالیات اجاره املاک به استناد ماده ۵۳ قانون مزبور عبارت است از کل مال الاجاره اعم از نقدی و غیرنقدی پس از کسر بیست و پنج درصد بابت هزینه‌ها و استهلاکات و تعهدات مالک نسبت به مورد اجاره.

مال الاجاره به استناد ماده ۵۴ قانون مزبور از روی سند رسمی که در دفترخانه و در محاضر رسمی و یا در محاکم دادگستری تنظیم و امضاء می‌شود، تعیین می‌گردد و در صورتی که اجاره‌نامه رسمی وجود نداشته باشد یا از تسلیم سند یا رونوشت آن خودداری گردد و یا مؤجر علاوه بر اجاره بهاء وجهی به عنوان ودیعه یا هر عنوان دیگر از مستأجر دریافت نموده باشد، میزان اجاره بهاء براساس املاک مشابه تعیین خواهد شد. به استناد مفاد ماده ۱۲۹ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۳ و اصلاحیه مورخ ۱۳۷۱/۲/۷، نرخ محاسبه مالیات بر درآمد اجاره املاک براساس نرخهای مقرر در ماده ۱۳۱ قانون مزبور صورت می‌پذیرد.

جدول شماره ۳-۶ مالیات بر درآمد موضوع ماده ۱۳۱ قانون مالیاتها را نشان می‌دهد.

## جدول شماره ۳۶: مالیات بر درآمد موضوع ماده ۱۳۱ قانون مالیاتها

شرح	نرخ مالیات	مالیات جمع شوند. (ریال)
- تا میزان ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه	۶٪	۱۲۰/۰۰۰
- تا میزان ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۱۸٪	۳۹۰/۰۰۰
- تا میزان ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال	۲۵٪	۷۶۵/۰۰۰
- تا میزان ۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۳۵٪	۲/۵۱۵/۰۰۰
- تا میزان ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۴۰٪	۸/۹۱۵/۰۰۰
- تا میزان ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۴۵٪	۲۰/۱۶۵/۰۰۰
- تا میزان ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۵۰٪	۴۵/۱۶۵/۰۰۰
- تا میزان ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۵۲٪	۱۴۹/۱۶۵/۰۰۰
- نسبت به مازاد ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۵۴٪	

مأخذ: مجموعه قوانین مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه قانون مورخ

۱۳۷۱/۲/۷.

نرخهای جدول فوق در مورد مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی که سال مالی آنها از اول سال ۱۳۷۰ به بعد خاتمه می‌یابد، جاری بوده و در سایر موارد از ابتدای سال ۱۳۷۱ اعمال می‌شود.

## معافیت‌های مالیات بر درآمد اجاره املاک (مستغلات)

این معافیت‌ها به شرح موارد زیر است:

- محل سکونت پدر و مادر یا همسر یا فرزند یا اجداد و همچنین محل سکونت افراد تحت تکفل مالک به استناد تبصره یک ماده ۵۲ قانون مالیاتهای مستقیم، اجاری تلقی نمی‌شود، مگر به موجب اسناد و مدارک ثابت گردد که اجاره پرداخت می‌شود.
- هرگاه مالک خانه یا آپارتمان مسکونی، را به اجاره واگذار نماید و خود محل دیگری برای سکونت خویش اجاره نماید یا از خانه سازمانی که کارفرما در اختیار او می‌گذارد استفاده کند به استناد ماده ۵۵ قانون مزبور در احتساب درآمد مشمول مالیات، میزان مال الاجاره‌ای که به موجب سند رسمی یا قرارداد می‌پردازد یا توسط کارفرما از حقوق وی کسر و یا برای محاسبه مالیات حقوق تقدیم می‌گردد از کل مال الاجاره دریافتی کسر خواهد شد.
- در صورتی که مالک قسمتی از محلی را که در آن سکونت دارد جهت سکونت به اجاره واگذار نماید به استناد ماده ۵۶ قانون مزبور تا سی هزار ریال مال الاجاره ماهانه دریافتی مالک از این بابت معاف خواهد بود.
- اشخاص حقیقی که هیچگونه درآمدی ندارند، تا مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار ریال از درآمد ماهیانه مشمول مالیات درآمد اجاره املاک (مستغلات) به استناد ماده ۵۷ قانون مزبور از مالیات معاف می‌باشد و چنانچه درآمد اجاره املاک آنان بیش از مبلغ فوق باشد مالیات بر درآمد اجاره نباید درآمد آنان را از مبلغ فوق تقلیل دهد.
- چنانچه مالک دارای فرزند معلول یا عقب‌مانده‌ای که قادر به کار نباشد در تکفل خود داشته باشد، علاوه بر معافیت‌های فوق که حسب مورد از آن استفاده خواهند نمود به استناد تبصره ۳ ماده ۵۷ قانون مزبور ماهانه تا ده هزار ریال از درآمد مشمول مالیات اجاری املاک آنها به ازاء هر یک از پرداخت مالیات معاف می‌شود.
- در صورتی که سهم مال الاجاره هر یک از مالکین مشاع بیش از پنج هزار ریال در ماه نباشد به استناد ماده ۵۸ قانون مزبور از پرداخت مالیات بر درآمد اجاره املاک معاف خواهد بود.

### چگونگی پرداخته مالیات بر درآمد اجاره املاک (مستغلات)

به استناد ماده ۸۰ قانون مالیاتهای مستقیم مالک یا مالکین مکلفند اظهارنامه مالیاتی هر سال درآمد اجاره خود را تا پایان تیر ماه بعد به حوزه مالیاتی مربوطه تسلیم و مالیات متعلقه را نیز پرداخت کنند. در صورتی که مستأجر اشخاص حقوقی (اعم از دولتی یا خصوصی یا نهادهای عمومی غیردولتی) باشند به استناد تبصره ۹ ماده ۵۳ قانون مزبور هنگام پرداخت اجاره بهاء مکلفند مالیات متعلقه را براساس قانون محاسبه کسر و ظرف مدت ده روز پس از کسر و به اداره امور اقتصادی و دارایی محل وقوع ملک پرداخت و رسید آن را به مؤجر تسلیم نمایند.

### چگونگی محاسبه و کسر مالیات بر درآمد اجاره املاک (مستغلات)

به استناد تبصره ۹ ماده ۵۳ قانون مالیاتهای مستقیم کلیه اشخاص حقوقی (اعم از دولتی یا خصوصی یا نهادهای غیردولتی) مکلفند هنگام پرداخت اجاره بهاء مالیات متعلق را به شرح ماده ۱۳۱ قانون مزبور محاسبه و کسر و ظرف مدت ده روز به حساب تعیین شده از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی واریز و رسید پرداخت را به مالک تسلیم کنند. نکات مورد توجه در محاسبه مالیات بر درآمد اجاره املاک (مستغلات):

- ۱- در صورتی که مدت اجاره املاک طی سال شروع شود برای محاسبه مالیات بایستی مجموعه درآمد اجاری ماه شروع قرارداد اجاره تا پایان همان سال به دست آورده و به نرخ ماده ۱۳۱ قانون مزبور، مالیات متعلقه را محاسبه کنیم.
- ۲- در صورتی که مالک مورد اجاره (املاک و مستغلات) بیش از یک نفر باشند، نخست باید درآمد اجاره به نسبت مالکیت مالکان مشخص شده و سپس براساس سهم هر یک از مالکین مالیات متعلقه محاسبه و کسر گردد.
- ۳- در مورد محاسبه مالیات درآمد اجاری اشخاص حقیقی میبایستی اول کلیه معافیت‌های پیش‌بینی شده در قانون از سهم درآمد اجاری ماهیانه یا سالیانه مالک کسر، سپس مالیات مابقی تفاوت حاصله محاسبه و پرداخت گردد.
- ۴- در صورتی که مالک یکی از اشخاص حقوقی بوده باشد که صد در صد سرمایه آن بطور مستقیم یا غیرمستقیم متعلق به دولت باشد، چون اینگونه شرکت‌ها به استناد مفاد تبصره ماده ۵۲ قانون مالیاتها از مقررات این نوع از مالیاتها مستثنی هستند، مستأجرین

مکلف به کسر مالیات اجاره نمی‌باشند.

### ۴- الف- مالیات بر درآمد اتفاقی

به استناد ماده ۱۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم درآمد نقدی و یا غیرنقدی که شخص حقیقی یا حقوقی به صورت بلاعوض و یا از طریق معاملات و یا بعنوان جایزه یا هر عنوان دیگر از این قبیل تحصیل می‌نماید مشمول مالیات اتفاقی به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون خواهد بود.

درآمد مشمول مالیات موضوع این فصل به استناد ماده ۱۲۰ قانون مزبور عبارت است از صد در صد درآمد حاصله و در صورتی که غیرنقدی باشد به بهای روز تحقق درآمد طبق مقررات این قانون تقدیم می‌شود، مگر در مورد املاکی که در اجرای مفاد ماده ۶۴ این قانون برای آنها ارزش معاملاتی تعیین شده است که در این صورت ارزش معاملاتی مأخذ محاسبه مالیات قرار خواهد گرفت.

تبصره: در مورد صلح معوض و هبه معوض به استثنای مواردی که مشمول ماده ۶۳ این قانون می‌باشد درآمد مشمول موضوع این فصل عبارت خواهد بود از ما به التفاوت ارزش عوضیین که براساس مقررات این ماده تعیین می‌شود نسبت به طرف معامله‌ای که از آن منتفع شده است.

### معافیت‌های مالیاتی مالیات بر درآمد اتفاقی

به استناد ماده ۱۲۷ قانون مزبور موارد زیر مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود:

- ۱- کمک‌های نقدی و غیرنقدی بلاعوض سازمانهای خیریه یا عام‌المنفعه یا وزارتخانهها یا مؤسسات دولتی و شهرداریها یا نهادهای انقلاب اسلامی به اشخاص حقیقی غیر از مواردی که مشمول مالیات فصل حقوق است.
- ۲- وجوه یا کمک‌های مالی اهدائی به خسارت دیدگان جنگ، زلزله، سیل، آتش‌سوزی و یا حوادث غیرمترقبه دیگر.
- ۳- جوایزی که دولت برای تشویق صادرات، تولید و خرید محصولات کشاورزی پرداخت می‌نماید.

## نحوه رسیدگی به مالیات بر درآمد اتفاقی

به استناد ماده ۱۲۸ قانون مزبور، درآمد مشمول مالیات اشخاص حقوقی ناشی از درآمدهای اتفاقی از طریق رسیدگی به دفاتر تشخیص خواهند شد و مالیاتهایی که طبق مقررات این فصل در منبع پرداخت می‌شود به عنوان پیش پرداخت مالیات آنها منظور خواهد شد.

## ۷- الف- مالیات بر جمع درآمدهای ناشی از منابع مختلف

به استناد ماده ۱۲۹ قانون مالیاتهای مستقیم، اشخاص حقیقی که در یک سال مالیاتی نسبت به جمع درآمد مشمول مالیات خود از یک یا چند منبع از منابع باب سوم این قانون (درآمد املاک و کشاورزی، حقوق، مشاغل اشخاص حقوقی، درآمد اتفاقی) کمتر از نرخهای مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون مالیات پرداخت نموده و یا بیش از یک بار از معافیت موضوع مواد ۸۴ و ۱۰۱ این قانون معافیت‌های حقوق و مشاغل استفاده کرده باشند، مکلفند یک اظهارنامه تکمیلی حاوی جمع کل درآمدهای مشمول مالیات مذکور در این ماده را به تفکیک هر یک از منابع و محل تحصیل تنظیم و تا آخر تیرماه سال بعد به حوزه مالیاتی محل سکونت خود تسلیم و نسبت به مجموع درآمد خود مالیات متعلق را با رعایت معافیت مقرر در مواد ۸۴ و ۱۰۱ این قانون طبق نرخهای مذکور در ماده ۱۳۱ قانون مزبور محاسبه و پس از کسر وجوهی که بعنوان مالیات بر درآمد منابع درآمدهای مذکور در اظهارنامه تقدأ یا از طریق ابطال تمبر پرداخت کرده‌اند یا به موجب قانون وسیله اشخاص دیگر از درآمد آنان کسر شده باشد تأدیه نمایند.

ب- مالیات بر دارایی<sup>(۱)</sup>

مالیات بر دارایی یا ثروت، مالیاتهایی هستند که از مایملک اشخاص حقیقی وصول می‌شود و ممکن است از دو منبع خاص یعنی دارایی و سرمایه وصول گردد. دارایی مجموعه اموال و حقوقی است که به صاحبان مؤسسه یا اشخاص ثابت تعلق دارد، در حالیکه سرمایه حق و علائق مادی صاحب و صاحبان مؤسسه نسبت به

دارایی‌های مؤسسه است. بنابراین چنانچه مالیات بر دارایی وضع شود، ممکن است این دارایی تماماً به خودشخص تعلق نداشته باشد و بخشی از آن، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم به دیگر اشخاص تعلق داشته باشد. مالیات بردارایی در قانون مالیاتهای مستقیم طی مواد ۲ تا ۱۶ اشاره شده است که این مواد را در قالب انواع مالیات بر دارایی تشریح می‌نماییم.

انواع مالیات بر دارایی<sup>(۱)</sup>

مالیات بردارایی یا ثروت به پنج نوع تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

## ۱- ب- مالیات سالیانه املاک

به استناد ماده ۳ قانون مالیاتهای مستقیم، کلیه مالکین (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) نسبت به جمع ارزش املاک خود و حسب مورد املاک فرزندان تحت تکفل خود اعم از مسکونی و سایر املاک واقع در محدوده شهرها و شهرکها (به استثنای یک واحد مسکونی شخص حقیقی اعم از خانه یا آپارتمان به انتخاب او) به شرح ذیل مشمول مالیات سالیانه می‌باشند.

تا مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معاف

تا مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به نرخ ۲ درصد

تا مبلغ ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به نرخ ۳ درصد

تا مبلغ ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به نرخ ۴ درصد

تا مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به نرخ ۶ درصد

نسبت به مازاد ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به نرخ ۸ درصد.

## معافیت‌های مالیاتی مالیات سالیانه املاک

معافیت‌های مالیاتی در این نوع از مالیات به شرح موارد ذیل است:

۱- املاک متعلق به شرکتهایی که به استناد تبصره ۲ ماده ۳ قانون مزبور تمام یا

قسمتی از سرمایه آنها به دولت تعلق دارد به نسبت سهم مالکیت دولت.

۲- املاک متعلق به شرکت‌های تعاونی مسکن اختصاص یافته برای مسکن اعضاء.

۳- املاک متعلق به سفارتخانه‌ها به شرط معامله متقابل.

۴- بدهی مستهلک نشده مالک به بانک یا صندوقهای قرض الحسنه بابت وام دریافتی جهت احداث یا خرید ملک به استناد تبصره ۳ ماده ۴ قانون مزبور حداکثر تا معادل ارزش معاملاتی ملک.

۵- املاکی که برای تولیدات صنعتی و کشاورزی و دامی و امور فرهنگی، آموزشی، ورزشی، بهداشتی و درمانی، نگهداری معلولین، هتل، متل، مسافرخانه، مهمانسرا، مهانپذیر، سینما، تماشاخانه و مؤسسات دوبلاژ مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۶- خانه‌های سازمانی کارگری و کارمندی و سردخانه‌ها و املاکی که مالک در آنها به موجب احکام مراجع قضائی ممنوع معامله گردیده‌اند و یا بنا به عللی به گواهی مراجع ذیصلاح دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی بهره‌برداری از آنها از عهده مالک خارج و یا حق استفاده از آنها بطور رایگان در اختیار اشخاص و مؤسسات موضوع ماده ۴ قانون مزبور قرار گیرد.

۷- در مواردی که مالکیت ملک انتقال می‌یابد، ملک مورد انتقال بطور کلی در سال انتقال.

۸- املاکی که به استناد ماده ۶ قانون مزبور از تاریخ ۱۳۶۸/۱/۱ به بعد برای آنها پروانه ساختمانی صادر شده تا مدت تعیین شده در پروانه و یا دو سال پس از خاتمه بنا، طبق گواهی مراجع ذیصلاح.

۹- املاکی که به استناد ماده ۶ قانون مزبور تاریخ صدور پروانه ساختمانی آنها قبل از ۱۳۶۸/۱/۱ و تاریخ خاتمه بنا تا ۱۳۶۸/۱۲/۲۹ و یا مهلت مقرر در پروانه ساختمانی هر کدام که بیشتر باشد.

۱۰- واحدهای مسکونی که به استناد ماده ۶ قانون مزبور طبق ضوابط تعیین شده دولت و با تنظیم سند رسمی برای سکونت به اجاره داده می‌شود طی مدت اجاره.

۲-ب- مالیات مستغلات مسکونی خالی

به استناد ماده ۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم، هرگاه مستغلات واقع در مراکز استانها و

شهرهای با جمعیت بیش از یکصد هزار نفر آماده برای اجاره باشند و بدون داشتن موانع قانونی بیش از مدت شش ماه متوالی خالی و بلااستفاده نگه داشته شوند نسبت به بعد از شش ماه مذکور مشمول مالیات به شرح ذیل خواهند بود:

- تا یک سال معادل ۲ در هزار ارزش معاملاتی مستغل به ازای هر ماه

- در صورت تجاوز از یک سال معادل ۴ در هزار ارزش معاملاتی مستغل به ازای هر ماه  
مازاد بر یک سال مزبور.

لازم به یادآوری است چنانچه خالی ماندن ملک خارج از اختیارات مالک ملک باشد، در این صورت، در این مدت از پرداخت این نوع مالیات معاف می‌باشد، در غیر این صورت مالکین موظفند تا آخر اردیبهشت ماه سال بعد اظهارنامه مالیاتی مخصوص را تکمیل و به حوزه مالیاتی که ملک یا مستغل در محدوده آن حوزه واقع است تسلیم و مالیات متعلقه را پرداخت نمایند و در صورتی که مالک محل سکونت خود را خالی نگهدارد، نسبت به این محل مشمول مالیات نخواهد بود.

۳-ب- مالیات بر اراضی بایر

به استناد ماده ۱۲ قانون مالیاتهای مستقیم، کلیه اراضی بایر واقع در محدوده شهرها که بدون عذر موجه بایر باقی بمانند مشمول مالیات سالانه به شرح زیر می‌باشند:

۱- اراضی که تا دو سال از تاریخ اجرای این قانون بایر نگه داشته شوند، معادل دو درصد ارزش آن به ازای هر سال.

۲- اراضی که تا چهار سال از تاریخ اجرای این قانون بایر نگه داشته شوند، معادل چهار درصد ارزش آن به ازای هر سال مازاد بر دو سال مذکور.

۳- اراضی که بیش از چهار سال از تاریخ اجرای این قانون بایر نگه داشته شوند، معادل ۵ درصد ارزش آن به ازای هر سال مازاد بر چهار سال مذکور.

چگونگی تعیین ارزش اراضی بایر

ارزش اراضی بایر براساس ارزش معاملاتی موضوع ماده ۶۴ قانون مزبور تعیین و مأخذ محاسبه مالیات خواهد بود.

**معافیت‌های مالیاتی مالیات بر اراضی بایر**

معافیت‌های مالیاتی این نوع از مالیات به یازده بخش به شرح زیر خواهد بود.

- ۱- در صورت خروج اراضی بایر برحسب گواهی مراجع ذیصلاح از شمول عنوان مذکور از سال خروج، مشمول مالیات بر اراضی بایر نخواهد بود.
- ۲- چنانچه برای اراضی بایر از سوی مراجع ذیربط مجوز احداث بنا یا عمران صادر شود، از تاریخ صدور مجوز تا پایان مهلت یا تمدید مهلت در صورتی که تا خاتمه مهلت، احداث بنا یا عمران شده باشد.
- ۳- در صورتی که پس از درخواست مجوز احداث بنا و عمران صدور مجوز بنا به علل خارج از اراده مالک امکان‌پذیر نباشد، به استثنای مواردی که صدور مجوز قانوناً ممنوع باشد، از تاریخ درخواست تا رفع علل مذکور، مالک از پرداخت مالیات متعلق معاف است.
- ۴- در صورت اعلام آمادگی مالکان اراضی بایر برای فروش این اراضی به وزارت مسکن و شهرسازی و انجام اقدامات لازم در این ارتباط بنا به گواهی وزارت مذکور، از تاریخ اعلام آمادگی مالکین این اراضی، به استناد تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون مزبور مشمول مالیات نخواهند بود و این حکم حتی در صورت عدم تمایل وزارت مزبور به خرید اینگونه اراضی جاری خواهد بود.
- ۵- مالکینی که خود یا افراد تحت تکفل آنها فاقد محل مسکونی مناسب بوده و دارای یک یا چند قطعه اراضی بایر باشند تا حد نصاب مقرر در قانون زمین شهری مصوب ۱۳۴۶/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی به استناد تبصره ۳ ماده ۱۶ قانون مزبور از پرداخت مالیات معاف و نسبت به مازاد آن مشمول مالیات می‌باشند.
- ۶- اراضی بایر متعلق به شرکتهائی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها به دولت تعلق دارد، نسبت به سهم دولت به استناد تبصره ۴ ماده ۱۶ قانون مزبور از معافیت برخوردارند.
- ۷- اراضی بایر متعلق به شرکت‌های تعاونی مسکن که جهت اختصاص یافته است.
- ۸- اراضی بایر متعلق به سفارتخانه‌ها به شرط معامله متقابل به استناد تبصره ۴ ماده ۱۶ قانون مزبور.
- ۹- در مواردی که انتقال اراضی بایر به صورت قهری باشد، انتقال‌گیرنده اراضی بایر تا پایان سن ۲۰ سالگی به استناد تبصره ۵ ماده ۱۶ قانون مزبور مشمول معافیت مالیات بر اراضی بایر خواهد بود.
- ۱۰- آن قسمت از اراضی بایری که مالک در آنها ممنوع معامله گردیده و یا بنا به علی

به گواهی مراجع ذیصلاح دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی بهره‌برداری از آنها از عهده مالک خارج باشد به استناد تبصره ۶ ماده ۱۶ قانون مزبور از معافیت مالیاتی برخوردار است.

۱۱- اراضی بایری که در طرح شهرداریها قرار گرفته و یا به علت دعوی مالکیت از طرف سازمان اوقاف و امور خیریه یا دولت یا شهرداریها یا مؤسسات وابسته به دولت، مالکان آنها به موجب گواهی مراجع صلاحیت‌دار مربوط ممنوع‌المداخله شده‌اند به استناد تبصره ۶ ماده ۱۶ قانون مزبور از معافیت مالیاتی برخوردارند.

**۴- ب- مالیات بر ارث (۱)**

به موجب ماده ۱۷ قانون مالیاتهای مستقیم، هرگاه در نتیجه فوت شخصی اعم از فوت واقعی یا فرضی اموالی از متوفی باقی بماند، مشمول مالیات بر ارث است. وصول این نوع از مالیات در ایران برای اولین بار به موجب قانون مالیات بر ارث مصوب آبان ماه ۱۳۱۶ اجازت داده شد. علمای مالیه، مالیات بر ارث را به دو نوع تقسیم کرده‌اند:

۱- مالیات بر ماترک

۲- مالیات بر سهم‌الارث

در مالیات بر ماترک کلیه اموال و دارایی‌های متوفی پس از وضع بدهی‌های محققه وی و قبل از تقسیم بین وراث مشمول مالیات قرار می‌گیرد. در مالیات بر سهم‌الارث از سهم‌الارث هر طبقه با نرخهای خاص مالیات وصول می‌شود.

در ایران مالیات بر ارث ممکن است از ماترک یا سهم‌الارث و یا هر دو وصول شود. میزان سهم‌الارث به درجه قرابت و مبلغ ارثیه بستگی دارد.

**اموال مشمول مالیات بر ارث**

به استناد ماده ۱۹ قانون مزبور اموال مشمول مالیات بر ارث عبارت‌اند از کلیه ماترک متوفی واقع در ایران یا خارج از ایران اعم از منقول و غیرمنقول و مطالبات قابل وصول و حقوق مالی پس از کسر هزینه کفن و دفن در حدود عرف و عادت و واجبات مالی و عبادی در حدود و قواعد شرعی و دیون محقق متوفی.

**تعریف هاترک متوفی و قیمت حین الفوت**

آنچه که متوفی حین فوت باقی می ماند، ماترک متوفی نام دارد که ارزیابی آن در زمان فوت اصطلاحاً قیمت حین الفوت می گویند.

**چگونگی ارزیابی هاترک متوفی**

مبنای محاسبه قیمت املاک متوفی ارزش معاملاتی آنها حین الفوت متوفی می باشد. زوجه فقط از اموال منقول و ابنیه و اشجار (اعیانی ملک) ارث می برد. چنانچه اموال متوفی دارای قیمت رسمی باشد، قیمت رسمی زمان فوت مورد محاسبه قرار خواهد گرفت.

**خصوصیات مالیات بر ارث**

مالیات بر ارث از پنج خصیصه زیر برخوردار است:

- ۱- مالیات بر ارث با اصل توانایی پرداخت مطابقت دارد.
- ۲- مالیات بر ارث منبع مهم برای درآمد دولتها با کمترین هزینه است.
- ۳- مالیات بر ارث بر اصل عدالت اقتصادی استوار است.
- ۴- مالیات بر ارث بر اصل عدالت اجتماعی استوار است.
- ۵- این نوع مالیات از بیکاری و تن پروری اشخاص تا حدودی جلوگیری می نماید.

**طبقه بندی وراث**

به استناد ماده ۱۸ قانون مالیاتهای مستقیم وراث به سه دسته تقسیم می شوند :

- ۱- وراث طبقه اول که عبارتند از : پدر، مادر، زن، شوهر، اولاد و اولاد اولاد.
- ۲- وراث طبقه دوم که عبارتند از : اجداد، برادر، خواهر و اولاد آنها.
- ۳- وراث طبقه سوم که عبارتند از : عمو، عمه، دایی و خاله و اولاد آنها.

**معافیت های مالیاتی مالیات بر ارث**

معافیت های مالیاتی این نوع از مالیاتها به ده بخش به شرح زیر تقسیم می شود :

- ۱- بدهی متوفی به وراث طبقه اول مستند به مدارک قانونی که اصالت مدارک مورد تأیید هیأت حل اختلاف مالیاتی قرار گیرد به استناد تبصره ماده ۱۹ قانون مالیاتهای

مستقیم قابل کسر از ماترک خواهد بود. در مورد مهر به نفقه ایام عده تأیید هیات مذکور لازم نیست.

۲- کسر دیون متوفی به وراث طبقه دوم و سوم علاوه بر تأیید هیأت فوق منوط به آن است که متوفی تا تاریخ فوت خود دارای وراث از طبقه ماقبل حسب مورد بوده باشد.

۳- از سهم الارث هر یک از وراث طبقه اول مبلغ دو میلیون ریال به عنوان معافیت کسر و مازاد بر نرخ ماده ۲۰ قانون مزبور مشمول مالیات خواهد بود.

۴- معافیت سهم الارث هر یک از وراث طبقه اول که کمتر از بیست سال سن داشته باشند و همچنین فرزندان اناث متوفی که تا حین الفوت متوفی شوهر اختیار نکرده اند به استناد تبصره یک ماده ۲۰ قانون مزبور به سه میلیون ریال افزایش خواهد یافت.

۵- در صورتی که وراث طبقه دوم کمتر از ۲۰ سال سن یا محجور یا معلول از کار افتاده و یا صرفاً به تحصیل اشتغال داشته و کمتر از ۲۵ سال تمام سن داشته باشد سهم الارث آنها به استناد تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون مزبور تا یک میلیون و پانصد هزار ریال معاف و مازاد به نرخ ماده ۲۰ مشمول مالیات خواهد بود.

۶- هرگاه کلیه وراث از طبقه اول بوده و بین آنها عیال یا حداقل یک فرزند کمتر از ۲۰ سال یا محجور و یا معلول از کار افتاده و یا فرزند کمتر از ۲۵ سال سن و صرفاً مشغول تحصیل داشته باشد و اموال غیر منقول متوفی منحصر به یک خانه یا آپارتمان مسکونی باشد جمع معافیت های سهم الارث وراث به استناد تبصره ۳ ماده ۲۰ قانون مزبور معادل ارزش خانه یا آپارتمان یا مبلغ بیست میلیون ریال هر کدام کمتر است افزایش می یابد و در صورتی که جمع معافیت های سهم الارث معادل یا بیشتر از حد نصاب مذکور باشد این معافیت تعلق نخواهد گرفت.

۷- وجوه بازنشستگی و وظیفه و پس انداز خدمت و بیمه های اجتماعی و نیز وجوه پرداختی توسط مؤسسات بیمه یا بیمه گزار و یا کارفرما از قبیل بیمه عمر، خسارت فوت و همچنین دیه و مانند آنها حسب مورد که یک ماه و یا بطور مستمر به ورثه متوفی پرداخت می گردد به استناد بند یک ماده ۲۴ قانون مزبور از معافیت مالیاتی برخوردار است.

۸- اموالی که برای سازمانها و مؤسسات دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات عام المنفعه و موقوفات عام (بندهای ۱، ۲ و ۴ امور مربوط به بند ۳ ماده ۲ قانون مزبور) مورد وقف یا نذر یا حبس یا وصیت واقع گردد بشرط تأیید سازمانها و مؤسسات مذکور و در مورد انجام امور مذکور در بند ۳ ماده ۲ این قانون به شرط آنکه دولت یا نهادارها یا

مراجعی که مورد قبول دولت باشد در اجرای آن حق نظارت داشته باشند به استناد بند ۳ ماده ۲۴ قانون از معافیت مالیاتی برخوردار است.

۹- صد در صد سپرده‌های متوفی نزد بانکهای کشور و ثبت آنها در خارج از کشور و همچنین ۵۰ درصد ارزش سهام متوفی در شرکت‌هایی که سهام آنها طبق قانون مربوط از طرف هیأت پذیرش برای معامله در بورس اوراق بهادار قبول شده باشد و ۴۰ درصد ارزش سهام متوفی در شرکت‌های سهامی عام تولیدی، صنعتی و معدنی و شرکت‌های تعاونی تولیدی و صنعتی و معدنی به استناد بند ۴ ماده ۲۴ قانون مزبور از معافیت مالیاتی برخوردار است.

۱۰- وراثت طبقه اول و دوم نسبت به اموال شهدای انقلاب اسلامی مشمول مالیات بر ارث موضوع این فصل نخواهند بود به شرط آنکه شهادت به تأیید یکی از نیروهای مسلح ج.ا. و یا بنیاد شهید انقلاب اسلامی حسب مورد صورت گیرد. (ماده ۲۵ قانون م.م).

### جرایم مالیاتی مالیات بر لطف

چنانچه وراثت یا یکی از آنها ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ فوت متوفی اظهارنامه مخصوص را تسلیم حوزه مالیاتی ذیربط ننماید مشمول جریمه‌ای معادل ۵ درصد مالیات متعلق خواهند بود و در صورتی که بانکها، شرکتها، مؤسسات و اشخاصی که مالی از متوفی نزد خود دارند از اظهار آن خودداری نمایند یا بدون موافقت وزارت امور اقتصادی و دارایی آن را به ورثه تسلیم نمایند، علاوه بر مسئولیت تضامنی با وراثت تا معادل ارزش آن مشمول پرداخت جریمه‌ای برابر ۵ درصد ارزش مال خواهند بود.

### ۵-ب- حق تجبر

به استناد مواد ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ و ۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم از هر برگ چک که از طرف بانکها چاپ می‌شود در موقع چاپ دو ریال و از اوراق برات و سفته و نظائر آن نسبت به مبلغ آنها معادل پنج در هزار و از کلیه اسناد تجاری قابل انتقال که در ایران صادر و یا معامله و مورد استفاده قرار داده می‌شود به استثنای اوراق مذکور در مواد ۴۵ و ۴۸ این قانون و اسناد کاشف از حقوق مالکیت نسبت به مال التجاره از قبیل بارنامه دریایی و هوایی و همچنین اوراق بیمه مال التجاره صد ریال و از بارنامه زمینی جهل ریال و از کلیه قراردادهای و اسناد مشابه آنها که بین بانکها و مشتریان آنها مبادله یا از طرف مشتریان

تعهد می‌شود در صورتی که دفاتر اسناد رسمی ثبت نشود معادل پنجاه ریال حق تمبیر دریافت خواهد شد.

همچنین سهام شرکت‌های سهامی و مختلط سهامی ایرانی، خواه طبع و منتشر شده و یا نشده باشد براساس ارزش اسمی سهام به قرار دو در هزار مشمول حق تمبیر خواهد بود. کسور صد ریال هم صد ریال محسوب می‌گردد.

### مزایای مالیاتهای مستقیم

پنج مزیت اصلی‌رامی‌توان برای مالیاتهای مستقیم در نظر گرفت. این مزایا عبارت‌اند از:

۱- عادلانه بودن: از آنجا که مالیاتهای مستقیم تصاعدی بر پایه قدرت پرداخت استوارند، برابری و عدالت را بهتر تدارک می‌نمایند.

۲- اقتصادی بودن: هزینه جمع‌آوری مالیاتهای مستقیم کمتر است و بنابراین اقتصادی‌ترند.

۳- معین بودن: مالیاتهای مستقیم را با دقت بیشتری می‌توان اندازه‌گیری نمود و پرداخت کنندگان از میزان پرداخت خود خاطر جمع هستند.

۴- پاک‌کش بودن: ضریب‌کشش مالیاتهای مستقیم بالا است. بطور مثال مالیات بر درآمد بطور قابل ملاحظه‌ای متأثر از نیازهای دفاعی و توسعه‌ای است که بطور غیرعادی افزایش یافته‌اند.

۵- هوشیار سازی: این نوع مالیاتها، آفریننده آگاهی اجتماعی در مؤدیان هستند پرداخت‌کننده مالیات، همواره احساس داشتن سهم در مخارج دولت را دارد و بنابراین، چشم‌انتظار و امیدوار است که بهره‌ای و نصیبی از راه مخارج و فعالیت‌های دولت نصیبش گردد.

### معایب مالیاتهای مستقیم

بطور کلی، چهار عیب اساسی را می‌توان در رابطه با مالیاتهای مستقیم مطرح نمود که این عیوب عبارت‌اند از:

۱- درد آفرینی: این نوع مالیاتها، از آنجا که مستقیم هستند برای پرداخت کنندگان درد فراوان به همراه دارند.

۲- پذیرفتنی نبودن: این نوع مالیاتها، غیرقابل درکند بنابراین هیچ کس دوست ندارد



آنها را بپردازد.

۳- گریزپذیری: طفره رفتن و گریختن از مالیاتهای مستقیم بسیار میسر است و به راحتی می توان دولت را در این خصوص فریب داد. علت این است که مالیات مستقیم مبتنی بر اصل صداقت است.

۴- دلبخواه بودن: گفته اند که این نوع مالیاتها، استبدادی و دلبخواه هستند، زیرا نرخ آنها را دولت خود، مستقیماً تعیین می نماید.

### مالیاتهای غیرمستقیم

مالیاتهایی که پرداخت کننده آن مشخص و معین نبوده و تحقق مالیات بستگی به یک قسمت از فعالیتهای اقتصادی و عملیات افراد داشته و قابلیت انتقال آنها بسیار زیاد باشد، مالیاتهای غیرمستقیم نامیده می شود. به عبارت دیگر، مالیاتهایی که بطور غیرمستقیم بر کالاهای مصرفی اشخاص وضع شده و از مصرف کنندگان وصول می شود.

### انواع مالیاتهای غیرمستقیم

مالیاتهای غیرمستقیم را به دو دسته تقسیم بندی می نمایند که عبارتند از:

الف - مالیات بر واردات

ب - مالیات بر معاملات (فروش و مصرف)

### الف - مالیات بر واردات

یکی از اقلام مهم درآمدهای مالیاتی کشورها، مالیات بر واردات است. دلایلی که اخذ مالیات بر واردات را به عنوان مهمترین درآمدهای مالیاتی کشورها محسوب می نمایند عبارتند از:

- حمایت از محصولات داخلی کشورها

- جلوگیری از ورود کالاهای غیرضروری و تجملی

- کسب درآمد برای دولت

- مسائل اداری و اجرایی

صاحب نظران معتقدند که کشورهایی که از طریق اعمال سیاستهای جایگزینی واردات

به مرحله صنعتی شدن رسیده اند، غالباً مالیات بر واردات را به عنوان تشویق محصولات داخلی بکار گرفته اند، و وضع حقوق گمرکی سنگین بر کالاهای تجملی و غیرضروری در حقیقت به اجرای عدالت و اصل توان پرداخت مالیات دهندگان توجه بسزایی داشته و از طرفی، بعنوان کسب درآمد برای دولت محسوب می گردد و مقبولیت این نوع از مالیات، سهولت اجرای آن نسبت به سایر اقلام مالیاتی می باشد. (کردبچه، ۱۳۷۵ ص ۵۳-۵۲).

### انواع مالیات بر واردات در ایران

مالیات بر واردات در ایران، یکی از قدیمی ترین و متداولترین اقسام مالیات است. درآمد حاصل از مالیات بر واردات در بودجه عمومی فعلی دولت شامل حقوق گمرکی، سود بازرگانی، عوارض اتومبیل های وارداتی، حق الثبت سفارش کالا و عواید جایگزین دروازه های است. براساس قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰، میزان حقوق گمرکی به موجب جداول تعرفه گمرکی مشخص شده در قانون مزبور تعیین و دریافت می گردد، لیکن تعرفه های سود بازرگانی همه ساله همراه مقررات صادرات و واردات مورد تجدیدنظر و اصلاحات لازم قرار می گیرد.

عوارض اتومبیل های وارداتی، در تبصره ۶۲ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ از ده درصد نرخ قانون متمم بودجه سال ۱۳۶۴ به ۲۰ درصد افزایش یافت و در ماده ۶ قانون وصول مالیات مقطوع از بعضی از کالاها و خدمات به ۳۰ درصد افزایش یافت که ملاک عمل اخذ این درآمد است. درآمد حق الثبت سفارش کالا از سال ۱۳۴۶ به موجب تبصره ۱۶ قانون متمم بودجه سال مزبور به میزان ۲ درصد تعیین گردید. به موجب تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۶۵، رقم فوق به ۳ درصد افزایش یافت، که تعرفه جدید نیز براساس ماده ۵ قانون وصول مالیات مقطوع از بعضی از کالاها و خدمات مصوب ۱۳۶۶/۳/۲۶ مجلس شورای اسلامی به ۵ درصد و به موجب تبصره ۴۶ قانون بودجه سال ۱۳۶۸ به ۵ درصد برای کالاهای اساسی و ۱۵ درصد برای کالاهای دیگر تغییر یافت. از سال ۱۳۷۱، به موجب تبصره ۱۴ قانون بودجه، تعرفه مزبور به مآخذ ۵ ریال به ازای هر دلار برای کالاهای اساسی و ۲۰ ریال به ازای هر دلار برای کالاهای دیگر دریافت می گردد.

دریافت عواید جایگزین دروازه های نیز به استناد بند الف ماده ۳ قانون لغو عوارض دروازه های است که به موجب آن براساس حقوق گمرکی و سود بازرگانی تمام واردات کشور

که به وسیله گمرک وصول می شود صدی شش اضافه می گردد که شش درصد آن به موجب تبصره ۲۰ قانون بودجه سال ۱۳۴۴ ضمن ردیف خاصی در بودجه منظور می گردد با توجه به کاهش درآمدهای لرزی و واردات کشور، سهم مالیات بر واردات به تدریج کاهش یافته است، به نحوی که در سال ۱۳۶۷ به کمترین سطح خود یعنی ۱۴/۸ درصد رسیده است. طی دوره ۱۳۶۸-۷۲ روند مزبور دوباره افزایش یافته است بطوریکه عملکرد آن در سال ۱۳۷۲ حاکی از سهم حدود ۲۸ درصدی این مالیات است سهم مزبور در سال ۱۳۷۲، به حدود ۱۷/۱ درصد کاهش یافته است.

از میان انواع مالیات بر واردات سود بازرگانی با حدود ۶۲ درصد بالاترین سهم را داشته که پس از آن به ترتیب حق الثبت سفارش کالا (۳۲ درصد) و عوارض اتومبیلهای وارداتی (۵ درصد) بوده است.

جدول شماره ۷-۲ به تفکیک انواع مالیات بر واردات در ایران را طی سالهای ۱۳۵۷-۷۵

نشان می دهد.

جدول شماره ۷-۳ انواع مالیات بر واردات در ایران ارقام به میلیون ریال

سال	مالیات بر حقوق گمرکی	مالیات بر سود بازرگانی	حقوق و سود دستگانههای اجبرایی	مواد پلاگازین دروزهای	۷۴٪ لوزش اتومبیل وارداتی	حق الثبت سفارش کالا	مالیات خودرو وارداتی	جمع
۵۷	۶۷۱۵۱	۲۶۲۸۹	۲۶۲۲۶	-	۳۹۶۲	-	-	۱۴۳۷۵۰
۵۸	۶۲۴۲۸	۲۳۳۱۰	۶۰۰	۲۲۴	۱۵۲۸	۲۳۲۲	-	۱۰۰۹۲۲
۵۹	۹۹۹۶۲	۵۷۱۳۲	۳۹۶	۷۹۶	۹۱۰	۷۱۰۱	-	۱۶۱۲۱۷
۶۰	۱۰۱۱۶۲	۵۲۴۸۲	۷۷۲۶	۲۰۰	۲۸۲	۵۸۲۵	-	۱۶۹۷۲۲
۶۱	۷۲۵۲۵	۸۰۶۷۲	۲۳۳۵۲	۷۲۰	۹۵۳	۲۷۱۷۹	-	۲۱۷۵۲۳
۶۲	۱۱۵۹۲۰	۱۳۳۵۰۳	۲۰۷۵۷	۱۳۲۲	۵۲۰۰	۵۰۲۲۲	-	۲۴۶۲۷۲
۶۳	۱۳۹۰۵۲	۱۳۳۵۲۲	۳۱۷۷۰	۲۶۱۲	۵۵۶۲	۲۰۱۹۶	-	۲۳۵۷۱۷
۶۴	۱۰۹۰۵۲	۱۱۵۲۶۸	۱۲۱۷۸	۲۹۶۱	۷۲۸۳	۲۶۹۵۸	-	۲۲۳۷۸۲
۶۵	۷۵۹۹۲	۱۸۱۹۶۲	۳۶۵۵	۱۷۷۷	۳۷۱۲	۲۰۲۲۹	-	۲۲۴۷۷۲
۶۶	۶۶۱۲۰	۸۶۷۵۵	۱۲۲۲	۲۸۲	۱۸۹۳	۲۴۶۸۷	-	۲۰۱۲۰۳
۶۷	۳۹۷۷۸	۵۷۳۷۸	۱۷۳۱	۳۹۶	۱۰۵۶	۳۵۲۱۶	-	۱۲۵۷۵۵
۶۸	۷۰۲۹۲	۹۰۶۲۹	۲۵۰۱	۵۹۹	۱۲۰۵	۱۸۲۳۷۲	-	۲۳۹۷۰۲
۶۹	۱۱۲۸۲۶	۱۶۱۲۱۹	۲۸۲۹	۹۱۷	۷۵۲۶	۲۱۸۸۰۷	-	۵۰۳۳۶۲
۷۰	۱۸۰۳۳۷	۲۸۸۷۲۲	۲۶۲۸	۲۰۶۱	۷۱۷۳	۳۰۶۲۳۲	-	۹۵۱۷۱۰
۷۱	۲۱۳۰۱۶	۲۸۹۱۷۵	۸۰۹۲	۲۱۲۸	۱۲۱۳۲	۲۰۹۷۲۹	-	۱۲۳۵۲۵۲
۷۲	۳۳۷۰۷۳	۲۱۶۹۰۲	۲۲۳۷	۵۵۲۸	۲۰۲۹۱۶	۲۵۲۳۲۹	-	۱۱۳۳۳۲۷
۷۳	۱۲۱۲۹۹	۵۹۵۳۶	-	-	۱۴۵۵۸۷	۳۱۱۲۷۱	۱۳۳۵۲	۱۲۸۴۳۶۵
۷۴	۲۶۶۶	۷۸۹۷۵۶	-	-	۳۳۷۶۵	۲۰۲۷۷۷	۸۱۴۱	۱۲۳۹۸۸۵
۷۵	-	۲۲۱۰۰۰	۱۶۰۰۰	-	۱۵۰۰۰۰	۱۲۴۴۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۳۴۰۰۰۰

مأخذ: قوانین بودجه کل کشور (۱۳۵۷-۷۴) و لایحه بودجه سال ۱۳۷۵.

□ ب - مالیات بر معاملات (فروش و مصرف)<sup>(۱)</sup>

مالیاتی که بیشتر بر مصرف و فروش کالاهایی که مصرف عام دارند، وضع شوند، مالیات بر معاملات نام دارد. این مالیات معمولاً بر تمام مراحل تولید و توزیع اعمال می‌شود.

## انواع مالیات بر معاملات

انواع متداول مالیات بر معاملات به چهار دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱- مالیات عمومی فروش<sup>(۲)</sup>

۲- مالیات بر واردکنندگان و صاحبان صنایع

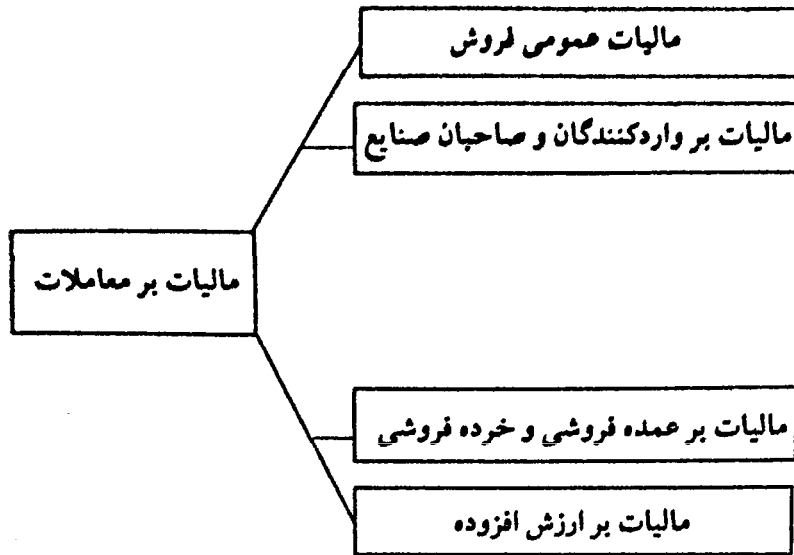
۳- مالیات بر عمده فروشی و خرده فروشی

۴- مالیات بر ارزش افزوده (کردبچه، ۱۳۷۵، ص ص ۵۸-۵۹).

شکل شماره ۳-۵ انواع متداول مالیات بر معاملات را نشان می‌دهد.

## ۱- ب - مالیات عمومی فروش

از ساده‌ترین و قدیمی‌ترین انواع مالیات بر مصرف، مالیات عمومی فروش است. این مالیات معمولاً با نرخ یکسان برای فروشهای انجام شده در تمام مراحل تولید اخذ می‌شود. از مزیت این نوع مالیات، سهل و آسان بودن آن و از معایب آن می‌توان به ماهیت تجمعی آن اشاره کرد.



شکل شماره ۳-۵: انواع متداول مالیات بر معاملات

## مراحل مالیات عمومی فروش

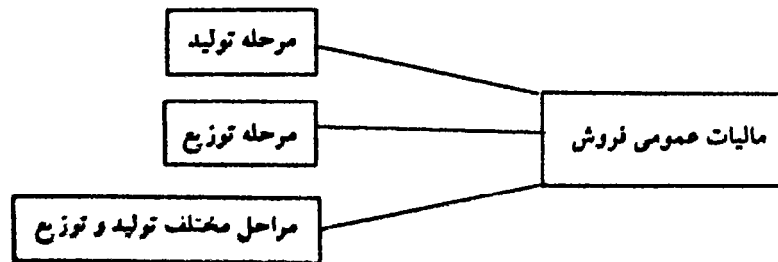
از مراحل مالیات عمومی فروش می‌توان به سه مرحله زیر اشاره کرد:

۱- مالیات بر فروش در مرحله تولید

۲- مالیات بر فروش در مرحله توزیع

۳- مالیات بر فروش در مراحل مختلف تولید و توزیع

شکل شماره ۳-۶ مراحل فوق را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۳-۶: مراحل مالیات عمومی فروش

## ۲-ب- مالیات بر واردکنندگان و صاحبان صنایع

این نوع از مالیات به یک مرحله‌ای بودن مالیاتهای فروش معروف است و بخشهای اقتصادی در حال رشد را تشویق می‌کند و با حذف مالیات بر تولید مواد غذایی، از تحمل بار مالیات بر طبقات و اقشار آسیب‌پذیر جامعه جلوگیری می‌نماید.

## ۳-ب- مالیات بر عمده‌فروشی و خرده‌فروشی

این نوع از مالیات براساس فروش‌های انجام شده به خرده‌فروشان وضع می‌گردد و بر آخرین مرحله نظام توزیع، یعنی بر مصرف‌کنندگان وضع می‌شود و در نتیجه، تمام ارزش افزوده مراحل متوالی تولید و توزیع را شامل می‌گردد.

## ۴-ب- مالیات بر ارزش افزوده

مهمترین نوآوری در نیمه دوم قرن بیستم، مالیات بر ارزش افزوده است. مالیات بر ارزش افزوده (عواید فروش منهای هزینه خرید مواد اولیه و نهاده‌ها و خدمات خاص) در مراحل متوالی تولید و توزیع وضع می‌گردد. از سوی دیگر ارزش افزوده برابر است با جمع دستمزدها، اجاره، بهره و سود. بنابراین، در اصل، پایه این مالیات را می‌توان از دو طریق کسر خریدها از فروش یا جمع درآمد عوامل تولید محاسبه کرد. مهمترین مشکلی که در خصوص بکار گرفتن این نوع از مالیات وجود دارد، پرهزینه بودن و مشکلات اداری و اجرایی و تشکیلاتی آن است.

## انواع مالیات بر معاملات در ایران

انواع مالیات بر معاملات در ایران شامل مالیات بر فرآورده‌های نفتی، مالیات بر تولید الکل صنعتی و طبی، مالیات نوشابه‌های غیرالکلی، مالیات بر فروش سیگار، مالیات اتومبیل، نقل و انتقال شناورها، عوارض خروج از کشور، ۱۵ درصد اتومبیل‌های داخلی، مالیات نقل و انتقال اتومبیل، مالیات حق اشتراک تلفن‌های خودکار، مالیات نوار ضبط صوت و تصویر، مالیات فروش خاویار و موارد متفرقه.

آخرین مصوبه قانون مالیات بر فرآورده‌های نفتی مربوط به مصوبه مورخ ۱۳۴۴/۳/۱۹ هیأت وزیران است که به موجب این مصوبه ۲ ریال برای هر لیتر به عنوان مالیات غیرمستقیم به خزانه واریز می‌گردد. پرداخت مالیات مواد الکلی برای نخستین بار در سال ۱۳۲۷ هجری قمری مرسوم گشت ولی اکنون فقط فرآورده‌های الکلی صنعتی و طبی را

شامل می‌گردد. به موجب تبصره ۸۵ قانون بودجه سال ۱۳۶۱، قانون قبلی مالیات نوشابه‌های غیرالکلی ملغی و براساس اندازه‌گیری حجم از قرار هر لیتر ۱۴ ریال تعیین گردید. در سال ۱۳۶۸ به موجب تبصره ۳۰ قانون بودجه سال ۱۳۶۸، نرخ مالیات بر نوشابه‌های غیرالکلی به لیتری ۷۰ ریال افزایش یافت که هم‌اکنون نیز مورد عمل می‌باشد. مالیات اتومبیل برای نخستین بار براساس قانون مصوب ۲۸ اسفند ماه سال ۱۳۴۵ برقرار گردید. که در مصوبه مورخ ۱۳۵۹/۳/۱ شورای انقلاب لایحه قانونی اصلاح قانون اخذ مالیات از اتومبیل‌های سواری و صفحات گرامافون مورد اصلاح قرار گرفت. آخرین مجوز قانون وصول این درآمد ماده ۳ قانون وصول مالیات مقطوع از بعضی از کالاها و خدمات است. همچنین مالیات صدی ۱۵ ارزش اتومبیل‌های داخلی به موجب مجوز قانونی وصول مالیات مقطوع بوده است که براساس ماده ۱۳ این قانون عمل می‌گردد.

مالیات بر نوار ضبط صوت و تصویر از سال ۱۳۵۹ به موجب لایحه قانونی اخذ مالیات از نوارهای ضبط صوت و تصویر، مصوب اول خرداد ماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب اخذ می‌گردد. براساس همین لایحه قانونی، نوارهای مزبور جزو اموال دولت محسوب شده و جریمه قاچاق برای آن تعیین شده است.

مالیات بر فروش سیگار از عمده‌ترین اقلام مالیات بر معاملات در ایران به شمار می‌آید. این نوع مالیات براساس مصوبات سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب، تبصره ۷ قانون بودجه سال ۱۳۶۰، تبصره ۸۹ قانون بودجه سال ۱۳۶۲، تبصره ۵۵ قانون بودجه سال ۱۳۶۳، تبصره ۵۷ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ و ماده ۹ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن مورد اصلاح واقع شده است. مالیات بر نقل و انتقالات اتومبیل مربوط به ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح بعضی از مواد قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب می‌باشد، که براساس آن (ماده یک قانون) وصول مالیات از اتومبیل‌های غیرسواری و اصلاح بعضی از مواد قانون مالیاتهای مستقیم و اصلاحیه‌های بعدی مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲۰ مجلس شورای اسلامی و همچنین ماده ۲ قانون وصول مالیات مقطوع از بعضی از کالاها و خدمات می‌باشد.

مالیات غیرمستقیم بر فروش خاویار نیز از سال ۱۳۶۳ به موجب تبصره ۶۲ قانون بودجه سال مزبور مشخص شد، که در سال ۱۳۶۴ به موجب تبصره ۵۶ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ از ۱۵ درصد سال ۱۳۶۳ به ۲۰ درصد در سال ۱۳۶۴ افزایش یافت.

مالیات حق اشتراک تلفن‌های خودکار، به موجب تبصره ۸۴ قانون بودجه سال ۱۳۶۱، تبصره ۴۷ قانون بودجه سال ۱۳۶۸ و ماده ۲ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت

تغییراتی نسبت به تبصره‌های ۲۶ قانون بودجه سال ۱۳۳۸ و تبصره ۲۲ قانون متمم بودجه سال ۱۳۴۶ داده شد.

مالیات بر عوارض گذرنامه خروج از کشور از سال ۱۳۷۲ منظور شد که از سال ۱۳۷۲ از درآمدهای متفرقه به درآمدهای مالیاتی منتقل شده است.

جدول شماره ۸-۳ انواع مالیات بر معاملات (مصرف و فروش) را به تفکیک بین سالهای ۱۳۵۷-۷۵ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸-۳: انواع مالیات بر معاملات (مصرف و فروش) (ارقام به میلیون ریال)

سال	فراورده‌های نفسی	فراورده‌های الکلی	فراورده‌های غیرالکلی	اتومبیل	۱۵ درصد ارزش اتومبیل داخلی	نوارهای ضبط صوت و تصویر	فروش سیگار
۵۷	۲۲۸۷۹	۱۹۳۱	۹۰۹	۲۶۷۱	۳۸۱۶	-	-
۵۸	۳۳۱۷۲	۲۳۹	۱۰۴۱	۱۸۸۵	۲۲۷۶	۲	-
۵۹	۲۸۵۷۷	۱۲۲	۱۰۵۵	۶۹۱۹	۳۵۸۶	۶۴۶	۷۹۰۰
۶۰	۲۵۰۷۱	۱۹۹	۱۲۵۸	۷۱۲۶	۳۲۲۳	۳۲۲	۱۶۰۰۰
۶۱	۲۷۲۳۲	۲۹۲	۷۲۱۳	۸۲۷۱	۵۲۳۱	۲۹۲	۴۱۷۱۸
۶۲	۲۵۲۰۶	۳۳۵	۱۰۰۰۴	۱۱۴۱۳	۶۲۳۷	۳۶۲	۲۳۳۰۰
۶۳	۲۳۵۱۵	۶۶۳	۹۷۱۸	۱۱۴۶۵	۷۹۲۳	۷۶۵	۵۳۱۰۰
۶۴	۵۵۷۲۳	۷۳۸	۱۱۱۸۱	۸۱۱۱	۱۲۵۸۹	۶۲۷	۱۱۹۲۰۰
۶۵	۳۸۹۶۹	۸۶۲	۸۵۶۷	۳۰۹۳	۱۳۲۲۸	۶۲۸	۱۳۵۶۰۰
۶۶	۴۸۲۲۰	۳۷۱	۱۹۹۲۸	۵۳۳۱	۹۷۰۲	۲۰۴	۱۰۹۰۰۰
۶۷	۳۲۶۸۸	۱۲۶۲	۲۹۱۲۳	۶۲۲۳	۸۲۰۰	۹۷	۹۲۸۰۰
۶۸	۳۹۲۹۹	۱۵۳۸	۲۹۱۸۰	۵۳۹۲	۷۲۱۱	۲۶	۷۱۳۳۰
۶۹	۵۳۶۸۷	۲۸۹۱	۳۶۰۱۷	۱۶۶۷۶	۲۰۱۹۷	۹۰	۱۱۹۶۷۰
۷۰	۳۲۲۶۶	۳۶۰۹	۲۱۲۹۱	۶۷۵۹۱	۶۰۲۰۰	۱۷۸۷	۱۲۲۳۲۲
۷۱	۲۹۵۴۱	۲۲۲۶	۲۸۷۲۸	۱۲۸۲۱۷	۱۲۹۵۲۳	۲۳۱۱	۷۶۱۳۲
۷۲	۶۰۸۲۰	۲۸۹۲	۳۹۱۲۲	۵۷۲۹۶	-	-	۴۶۰۷۹
۷۳	۷۰۵۶۲	۲۳۲۲	۵۲۷۳۰	۵۲۸۲۲	-	۱۰۸۲	۴۶۲۷۸
۷۴	۶۰۲۵۰	۲۲۸۱	۷۲۱۱۳	۵۹۶۲۰	-	۱۳۱	۳۷۶۰۰
۷۵	۶۵۹۳۳	۶۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۹۰۰۰	-	۲۰۰۰	۱۰۱۲۳۳

ادامه جدول شماره ۸-۳

ارقام به میلیون ریال

سال	حق اشتراک تلفن‌های خودکار	فروش خاویار	عوارض خروج از کشور	نقل و انتقال شناورها	نقل و انتقالات اتومبیل	مترقه	جمع
۵۷	۱۱۱	-	-	-	-	۳۳۹	۵۲۶۶۶
۵۸	۳۷	-	-	-	-	۶۲۵	۳۹۳۹۷
۵۹	۳۸	-	-	-	۶۲۸	۴۵۳	۴۹۹۶۴
۶۰	۲۰۷	-	-	-	۸۳۳۶	۵۲۲	۶۲۳۸۲
۶۱	۷۰۶	-	-	-	۹۲۰۲	۶۲۰	۱۰۰۹۲۵
۶۲	۳۲۴۶	-	-	-	۱۳۷۸۱	۷۵۹	۱۱۸۲۵۳
۶۳	۵۱۷۴	۵۰۰	-	-	۱۳۱۲۹	۲۳۳۲	۱۲۸۲۰۲
۶۴	۷۳۵۱	۵۰۲	-	-	۱۱۲۳۳	۹۲۶	۲۳۰۲۸۱
۶۵	۳۳۳۸	۷۰۰	-	-	۱۳۵۲۷	۳۶۲	۲۲۰۰۰۹
۶۶	۵۴۱۱	۵۷۸	-	-	۱۷۶۲۱	۲۶۵	۲۱۶۶۶۲
۶۷	۸۲۲۳	۳۳۰	-	-	۱۲۲۳۳	۷۴۱	۱۹۲۷۲۲
۶۸	۱۲۵۴۹	۱۰۰۳	-	-	۱۰۸۷۷	-	۱۷۸۴۲۰
۶۹	۸۰۸۳	۹۰۱	-	-	۱۰۵۸۸	۲۷۹	۲۶۹۰۴۹
۷۰	۱۳۷۱۷	۱۳۸۵	-	-	۱۲۵۶۲	۶۷۵	۳۷۱۶۱۲
۷۱	۱۹۶۰۳	۲۶۰۰	-	-	۱۷۳۷۸	۱۰۶۸	۲۶۹۵۲۸
۷۲	۵۰۰۰۰	۹۶۲	۳۳۳۷۹	-	۱۹۳۶۳	۷۵۴	۳۲۲۲۲۶
۷۳	۵۸۲۳۸	۶۳۵۲	۲۵۹۰۷	-	۲۱۲۹۲	۱۸۰۸	۳۵۲۴۱۴
۷۴	۸۶۲۵۶	۱۲۲۶۷	۵۸۵۳۰	-	۲۰۸۹۳	۱۹۹۸	۴۱۴۳۳۹
۷۵	۱۲۰۰۰۰	۲۵۸۲۲	۶۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰۰	۶۳۶۰۰۰

مأخذ: قوانین مالیاتی کل کشور (۱۳۵۷-۷۴) و لایحه بودجه سال ۱۳۷۵.

جدول ۸-۳ نشان می‌دهد که سهم مالیات بر مصرف و فروش در کل درآمدهای مالیاتی، روندی صعودی داشته است، بطوریکه در سال ۱۳۶۶ به ۲۱ درصد رسیده است. از سال ۱۳۶۸، به دلیل عدم تحقق چشم‌گیر پاره‌ای از اقلام، به خصوص مالیات بر فروش سیگار، سهم مالیات بر مصرف و فروش در کل درآمدهای مالیاتی کاهش یافته است، بطوریکه در سال ۱۳۷۴ به ۵۷ درصد رسید. در بین این اقلام، حق اشتراک تلفن‌های خودکار در سال

۱۳۷۴ بیشترین سهم را داشته است که بعد از آن به ترتیب مالیات نوشابه‌های غیرالکلی، مالیات فرآورده‌های نفتی و مالیات اتومبیل قرار دارد.

### هزایای مالیاتهای غیرمستقیم

در رابطه با مالیاتهای غیرمستقیم می‌توان به ده مزیت زیر اشاره کرد:

- ۱- راحتی: ما وقتی که کالایی را می‌خریم، مالیاتی را هم می‌پردازیم، ضمناً آن را نه یکجا، بلکه اندک اندک تأدیه می‌کنیم، بنابراین درد آن را احساس نمی‌کنیم.
- ۲- گریزناپذیری: گریزناپذیری جزو درون ذاتی مالیاتهای غیرمستقیم است و طفره رفتن مشکل است، زیرا مالیاتها با قیمت‌ها عجین و یک کاسه شده‌اند.
- ۳- عادلانه بودن: اگر این مالیاتها را بر کالاهای مورد مصرف ثروتمندان (کالاهای تجملی) متمرکز نماییم، می‌توانند ابزار عدالت شوند.
- ۴- پاکشش بودن: اگر این مالیاتها را بر کالاهای ضروری یا کالاهایی که تقاضا برایشان بی‌کشش است، سرشکن نماییم، پاکشش خواهند بود.
- ۵- اثرات اجتماعی سودمند: با ابزار مالیاتهای غیرمستقیم می‌توان مصرف کالاهای مضر و مسکرات را تحدید نمود.
- ۶- تشکیل سرمایه: این مالیاتها، سهم مصرف را در ترکیب درآمد قابل تصرف کاهش و بنابراین، سهم پس‌انداز را افزایش می‌دهند. این پس‌اندازها را می‌توان در فرآیند تولید به کار گرفت.
- ۷- بازجایابی عوامل تولید: مالیات بر برخی از کالاها، تولید آنها را محدود می‌سازد و بنابراین، منابع درگیر آنها را به سوی تولیدات دیگری سوق می‌دهد.
- ۸- شمول وسیع: این مالیاتها را می‌توان بر دامنه وسیعی شامل کرد و بنابراین، ابزار درآمدی کارآمد برای پر کردن خزانه دولت هستند.
- ۹- مولد بودن: از آنجا که دامنه شمول این نوع مالیاتها، زیاد است، درآمد فراوانی تدارک می‌نمایند که می‌تواند توسط دولت در امور تولید و فرآیند رشد و توسعه جامعه مورد استفاده قرار گیرد.
- ۱۰- جانشینی برای مالیاتهای مستقیم: با تکیه بر مزیت نهم، مالیاتهای غیرمستقیم می‌توانند جانشین مناسبی برای مالیاتهای مستقیم تصاعدی با شیب تند باشند و بنابراین از اثرات منفی آنها بر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، جلوگیری کنند.

### معایب مالیاتهای غیرمستقیم

در رابطه با مالیاتهای غیرمستقیم می‌توان به هفت عیب یا نارسایی اشاره کرد که عبارت‌اند از:

- ۱- نامعین بودن: میزان مالیات غیرمستقیم تحمیلی بر یک کالا را همواره نمی‌توان پیش‌بینی کرد و بنابراین، دولت در پیش‌بینی درآمدی حاصل از مالیاتهای غیرمستقیم دچار مشکل می‌شود.
- ۲- تنازلی بودن: این نوع مالیات را فقیر و ثروتمند به نحو یکسان می‌پردازند و به همین جهت مالیاتهای غیرمستقیم، ذاتاً تنازلی هستند و بار واقعی آنها بر فقرا در قیاس با اغنیا بیشتر است. علاوه بر این، هنگامی که مالیاتهای غیرمستقیم در مورد کالاهای ضروری اعمال شوند، خاصیت تنازلی بودن آنها بیشتر می‌شود، زیرا، بخش عمده درآمد فقرا به مصرف ضروریات می‌رسد.
- ۳- هوشیار ناسازی: از آنجا که این نوع مالیاتها احساس نمی‌شوند، آگاهی بخش هم نخواهند بود.
- ۴- غیراقتصادی بودن: هرچند ظاهر این است که در گرفتن مالیاتهای غیرمستقیم، فروشندگان، عاملین بدون دستمزدی هستند، ولی در واقع هزینه جمع‌آوری در اینجا هم سنگین است. برخی از این مالیاتها (مثل عوارض گمرکی) به خدم و حشم زیادی محتاجند، ضمناً گذر کالا از میان واسطه‌های متعدد، ذره ذره مبالغی را بر مالیات تعیین شده توسط دولت می‌افزاید. به عبارت دیگر، مصرف‌کنندگان نهایی، زیاد می‌پردازند، ولی دولت کم دریافت می‌کند و این بر مبنای هزینه بالای واقعی در مالیاتهای غیرمستقیم است.
- ۵- تورم‌زا بودن: این خطر بویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته وجود دارد که اخذ مالیاتهای غیرمستقیم به تورم دامن زند. این مسأله به خصوص زمانی بیشتر رخ می‌نماید که جامعه در دام شرایط روانی مساعد تورم قرار داشته باشد.
- ۶- گریزپذیری: بخش عمده‌ای از مالیاتهای غیرمستقیم اسیر گریز مالیاتی (طفره روی) می‌شوند. آیا کالاهای مشمول این مالیاتها، درست شمارش می‌شوند؟ بخش خود مصرف تولیدات را چگونه باید در شمول این مالیاتها قرار داد؟ و امثال اینها، سئوالاتی هستند که ماهیت این گریز را بهتر نشان می‌دهند.
- ۷- رفاه زدایی: اگر جامعه در شرایط بازدهی صعودی نسبت به مقیاس قرار داشته باشد، تحمل مالیاتهای غیرمستقیم یا افزایش آنها، موجب افزایش قیمتی بیش از افزایش

هزینه خواهد شد و این به معنای کاستن از رفاه اجتماعی مصرف‌کنندگان است.

### مالیاتهای غیرمستقیم و اقتصادهای کمتر توسعه یافته

نقش مالیاتهای غیرمستقیم در جوامع و اقتصادهای کمتر توسعه یافته در مقایسه با کشورهای بیشتر توسعه یافته مهم‌تر است. این اهمیت از واقعیت حیات فقیرانه‌های ناشی می‌شود که عملاً پایگاه مالیاتهای مستقیم را تضعیف نموده است. این مالیاتها، نرخ سرمایه‌گذاری را از راه تقلیل مصرف، بالا می‌برند و ضریب افزایشنده پس‌انداز را رشد می‌دهند. به هر حال، روی آوری به مالیاتهای غیرمستقیم در این کشورها به دلایل زیر قابل توصیه است:

۱- پایین بودن امکان اخذ مالیاتهای مستقیم.

۲- نقش مؤثر مالیاتهای غیرمستقیم در تمهید و تشویق رشد اقتصادی.

۳- مالیاتهای غیرمستقیم مازاد کشاورزی در حال رشد را از بخش روستایی به بخش شهری منتقل می‌سازد. این فرآیند از راه اخذ مالیات از مزارع و کنترل مصرف کشاورزان تحقق می‌یابد.

۴- مالیاتهای غیرمستقیم، هدف تأمین درآمد برای دولت را به آسانی تحقق می‌بخشند.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

راههای تأمین هزینه‌های دولتها، جمع‌آوری و وصول انواع مالیاتها و روی آوردن دولتها به جمع‌آوری درآمدها از طریق مالیاتها در دهه‌های اخیر منجر به مطالعات دامنه‌دار و وسیع در خصوص مالیه عمومی گردیده است. تأمین درآمدهای دولتها از طریق مالیاتها به دلیل افزایش خلق‌الساعه و آنی سالانه آن منجر به کاهش آثار نامطلوب اقتصادی در جامعه خواهد شد و از طرف دیگر، دولتها و دولتمردان سعی در افزایش میزان درآمدهای مالیاتی جهت پوشش دادن تولید ناخالص داخلی دارند.

گفتیم مالیات قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور (اجرای سیاست‌گذاری مالی) به موجب قوانین بوسیله اهرمهای اداری و اجرایی دولت وصول می‌شود.

بحث بعدی به عوامل تشخیص مالیات، انواع نرخ مالیات، مبلغ مالیات و ساختار حاکم

بر آنها اختصاص داشت که مطرح کردیم نرخ تناسبی، تصاعدی کلی، تصاعدی متمایل و تنازلی مغایر با اصل عدالت مالیاتی و نرخ تصاعدی طبقه‌ای موافق با اصل عدالت مالیاتی است.

سومین بحث کلی فصل، اصول یک نظام مالیاتی مطلوب از دیدگاه آدام اسمیت بود که در چهار اصل عدالت، معین و مشخص بودن، اصل صرفه‌جویی و اصل سهولت خلاصه گردید و آدام اسمیت اصل صرفه‌جویی را در پائین‌ترین درجه اهمیت بازگو نمود.

چهارمین بحث فصل در ارتباط با امتیازات مالیاتی، تعلق مالیاتی، اهمیت تعلق مالیاتی و عوامل تعیین‌کننده تعلق مالیاتی بود، اشاره کردیم که ویژگی‌های ساختاری و رفتاری، عوامل تعیین‌کننده تعلق مالیاتی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند.

پنجمین بحث فصل در ارتباط با اصالت مالیاتی و اثرات مالیاتی و تفاوت بین آن دو مفهوم، انتقال مالیات، مراحل و اشکال انتقال مالیات بود که در قالب شکل شماره ۳ آن را ارائه نمودیم.

ششمین بحث فصل در ارتباط با قرائن مالیاتی، ضرایب مالیاتی، سال مالیاتی و مأموران تشخیص مالیات بود که کمک‌میزین مالیاتی، ممیزین مالیاتی، سرممیزین مالیاتی و ممیزین کل مالیاتی را به عنوان، مأموران تشخیص مالیات براساس قانون مالیاتهای مستقیم معرفی نمودیم.

هفتمین بحث فصل در ارتباط با انواع مالیاتها بود که مالیاتهای مستقیم را مالیاتهایی دانستیم که مستقیماً بر منبع درآمد وضع می‌شوند. این نوع از مالیات مستقیماً و متناسب با درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی وصول می‌شود. همچنین اشخاص مشمول مالیات را براساس ماده یک قانون مالیاتهای مستقیم، معرفی و انواع مالیاتهای مستقیم را تحت عنوان مالیات بر درآمد، مالیات ثروت یا دارایی تقسیم‌بندی نمودیم و در طول بحث اشاره به نظامهای مالیات بر درآمد و انواع مالیات بر درآمد در ایران گردید و پس از تقسیم‌بندی جامع، به تجزیه و تحلیل آن پرداختیم.

هشتمین بحث فصل در ارتباط با مالیاتهای غیرمستقیم بود. مالیاتهایی که پرداخت‌کننده آن مشخص و معین نیست و تحقق مالیات بستگی به یک قسمت از فعالیت‌های اقتصادی و عملیات افراد دارد و قابلیت انتقال آنها بسیار زیاد باشد. همچنین اشاره‌ای به انواع مالیاتهای غیرمستقیم تحت دو عنوان مالیات بر واردات و مالیات بر معاملات گردید و در طول بحث ضمن تقسیم‌بندی انواع متداول مالیات بر معاملات به انواع مزایا و معایب مالیاتهای مزبور پرداخته شد.

## خودآزمایی فصل ۳

- ۱- مالیات را تعریف کرده و نکات مهم تعریف را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۲- اثرات اجرایی سیاستگذاری مالی مالیات را تقسیم بندی نموده و توضیح دهید.
- ۳- اهداف خرد و کلان آثار اجرای سیاستگذاری مالی مالیات را نام ببرید.
- ۴- عوامل تشخیص مالیات را تقسیم بندی نمایید و توضیح دهید.
- ۵- مآخذ و مبنای مالیات را تعریف نمایید.
- ۶- نرخ مالیات چیست و انواع نرخ مالیات را تقسیم بندی نمایید.
- ۷- نرخهای تناسبی، تصاعدی و تنازلی مالیات را تعریف نمایید.
- ۸- انواع نرخ تصاعدی مالیات را تقسیم بندی نمایید و توضیح دهید کدام یک از آنها با اصل عدالت مالیاتی موافق و مغایر است.
- ۹- مبلغ مالیات را تعریف نموده و به محاسبه آن اشاره نمایید.
- ۱۰- ظرفیت مالیاتی را توضیح داده و عوامل مؤثر در ظرفیت مالیاتی را تقسیم بندی نمایید.
- ۱۱- اصول یک نظام مالیاتی مطلوب را از دیدگاه آدام اسمیت نام برده و توضیح دهید.
- ۱۲- عدالت مالیاتی چیست و تعابیر مفهوم عدالت مالیاتی را بازگو نمایید.
- ۱۳- دیدگاههای رایج برای اجرای عدالت مالیاتی را توضیح دهید.
- ۱۴- امتیازات مالیاتی چیست و شامل چه کسانی می باشد.
- ۱۵- تعلق مالیاتی چیست و اهمیت آن را از دیدگاه علمای مالیه توضیح دهید.
- ۱۶- عوامل تعیین کننده تعلق مالیاتی را نام برده و توضیح دهید.
- ۱۷- اصابت مالیاتی را توضیح دهید.
- ۱۸- اثر مالیاتی چیست و چه تفاوتی با اصابت مالیاتی دارد.
- ۱۹- انتقال مالیات را توضیح داده، مراحل و اشکال آن را تقسیم بندی نمایید.
- ۲۰- قرآن مالیاتی چیست، توضیح دهید.
- ۲۱- ضرائب مالیاتی را توضیح دهید.
- ۲۲- سال مالیاتی چه سالی است تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۲۳- مأموران تشخیص مالیات چه کسانی هستند.
- ۲۴- انواع مالیاتها را تقسیم بندی نموده و هرکدام را تعریف نمایید.
- ۲۵- اشخاص مشمول مالیات براساس ماده یک قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۶۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی چه کسانی هستند.

- ۲۶- انواع مالیاتهای مستقیم را تقسیم بندی نموده و هرکدام را توضیح دهید.
- ۲۷- طرق تشخیص درآمد مشمول مالیات اشخاص حقوقی از طریق حوزه های مالیاتی را نام ببرید.
- ۲۸- طبقه بندی اشخاص حقوقی از لحاظ مقررات مالیاتی مالیات بر شرکتها را بنویسید.
- ۲۹- تاریخچه روند قانون گذاری در خصوص انواع مالیاتهای مستقیم را بنویسید.
- ۳۰- نظامهای حاکم بر مالیات بر درآمد را تقسیم بندی نموده و تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۳۱- انواع مالیات بر درآمد در ایران به چند شکل دیده می شود، تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۳۲- مستندات قانونی انواع مالیات بر درآمد در ایران را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۳۳- مالیات بر ثروت چه نوع مالیاتی است و انواع مالیات را بر ثروت را نام برده و هرکدام را توضیح دهید.
- ۳۴- خصوصیات مالیات بر ارث را بنویسید.
- ۳۵- مزایا و معایب مالیاتهای مستقیم را نام برده و توضیح دهید.
- ۳۶- تقسیم بندی مالیاتهای غیرمستقیم را نوشته و هرکدام را توضیح دهید.
- ۳۷- مالیات بر معاملات (فروش و مصرف) را تعریف و به انواع متداول آن اشاره نمایید.
- ۳۸- مراحل مالیات عمومی فروش را بنویسید.
- ۳۹- مزایا و معایب مالیاتهای غیرمستقیم را نام برده و توضیح دهید.
- ۴۰- نقش مالیاتهای غیرمستقیم در جوامع و اقتصادهای کمتر توسعه یافته را بنویسید.



## انواع درآمدهای غیرمالیاتی دولتها

درآمدهای غیرمالیاتی دولتها به چهار نوع تقسیم می‌شوند:

### ۱- درآمدهای ناشی از اعمال تصدی دولت

این درآمدها معمولاً به صورت قیمت کالاها و خدمات تولیدی است که دولتها مستقیماً از مردم (مصرف کننده) دریافت می‌نمایند و شامل درآمدهایی هستند که حالت انحصاری برای دولتها دارند: مثل درآمدهای ناشی از آب، برق، تلفن، گاز، درآمدهای مؤسسات فرهنگی دولتی و ...

### ۲- درآمدهای حاصل از فروش، اجاره اموال دولتی و منابع طبیعی

درآمدهایی هستند که از راه فروش، اجاره، بهره‌برداری، حق امتیاز و یا هر عنوان دیگر عاید دولتها می‌شود.

### ۳- درآمدهای اداری و اجرایی

درآمدهایی که دولتها، حین اجرای وظایف قانونی خود به عنوان کارمزد انجام خدمات خاص و یا مراقبت و مهار برخی فعالیتها، حمایت از اقشار جامعه و اموال آنان و همچنین جرائم قانونی کسب می‌نمایند. درآمد دولت از محل طرح دعاوی در دادگستری، صدور گذرنامه، صدور شناسنامه، صدور سند مالکیت، صدور گواهی نامه رانندگی و ... را می‌توان جزء درآمدهای اداری و اجرایی دولتها تلقی نمود.

### ۴- هدایا و کمک‌های بلاعوض

اعانه‌های ارادی افراد به دولت در زمان حیات یا پس از مرگ به صورت واگذاری پول نقد، اموال و یا منافع اموال به منظور انجام خدمات خاص اجتماعی و بدون انتظار پاداش و یا ارزش معین و کمک‌های مالی دولتها مرکز به حکومت‌های محلی می‌باشد. جدول شماره ۱-۴، انواع درآمدهای غیرمالیاتی دولتها را با ویژگی‌ها و مشخصات آنها نشان می‌دهد.

## فصل چهارم

## درآمدهای غیرمالیاتی دولتها

### هدف کلی

آشنایی با تعاریف، انواع درآمدهای غیرمالیاتی دولتها، ترکیب درآمدهای دولت ایران، ارزیابی عملکرد درآمدهای نفتی و سایر منابع درآمدها.

### هدفهای رفتاری

پس از مطالعه این فصل انتظار دارد بتوانید:

- ۱- درآمدهای غیرمالیاتی دولتها را تعریف نمایید.
- ۲- انواع درآمدهای غیرمالیاتی دولتها را تقسیم‌بندی نمایید.
- ۳- ترکیب درآمدهای دولت ایران را تقسیم‌بندی نمایید.
- ۴- عملکرد درآمدهای نفتی را ارزیابی نمایید.
- ۵- عملکرد سایر منابع درآمدها را ارزیابی نمایید.

### مقدمه

درآمدهای غیرمالیاتی دولتها، عمدتاً شامل جوهی هستند که دولتها از فعالیتهای اقتصادی جمع‌آوری می‌نمایند. این درآمدها ناشی از سرمایه‌گذاریهای کلان دولتها است و در عین حال می‌تواند سرمایه‌گذاریهای توسط خود دولت و دولتهای دیگر نیز بوده باشد. این درآمدها برخلاف درآمدهای مالیاتی حالت اختیاری دارند بدین جهت دولتها بیشتر این نوع از درآمدها را تکیه‌گاه خوبی برای خود نمی‌دانند.

## جدول شماره ۴-۱. انواع درآمدهای غیرمالیاتی دولتها و ویژگیها و مشخصات آنها

انواع	ویژگیها و مشخصات
درآمدهای ناشی از اعمال تصدی دولت	دریافت مستقیم از مصرف‌کننده و حالت انحصاری داشتن برای دولتها
درآمد حاصل از فروش، اجاره اموال دولتی و منابع طبیعی	حالت عمومی داشتن از نظر کسب درآمد برای دولتها
درآمدهای اداری و اجرایی	درآمدهای ناشی از اجرای وظایف قانونی پیش‌بینی شده در قانون، کنترل فعالیتها، حمایت از ائتلاف جامعه و جرائم قانونی
هدایا و کمک‌های بلاعوض	ارادی بودن پرداختها توسط افراد

## ترکیب درآمدهای دولت ایران

در بودجه عمومی دولت، ترکیب درآمدهای دولت برای پرداخت هزینه‌های عمومی در شش بخش زیر تقسیم‌بندی شده است:

بخش اول: درآمدهای مالیاتی

بخش دوم: درآمد نفت و گاز

بخش سوم: درآمدهای حاصل از انحصارات و مالکیت دولت

بخش چهارم: درآمدهای حاصل از خدمات و فروش کالا

بخش پنجم: حق بیمه، کمک‌های دریافتی، دریافت‌های انتقالی و متفرقه

بخش ششم: اصل و سود وامها و سود حاصل از سرمایه‌گذاریها در خارج از کشور

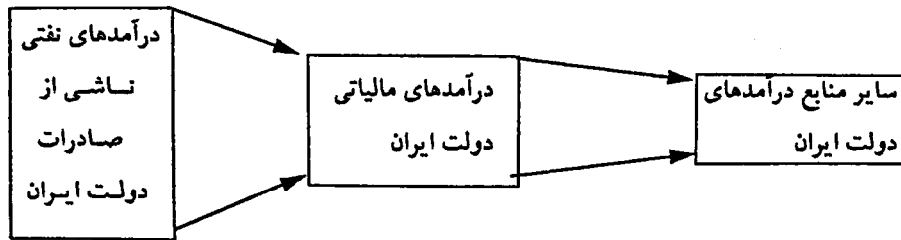
در یک تقسیم‌بندی دیگر، ترکیب درآمدهای دولت ایران برای پرداخت هزینه‌های عمومی را در سه بخش زیر طبقه‌بندی نموده است<sup>(۱)</sup>:

بخش اول: درآمدهای نفتی ناشی از صادرات

بخش دوم: درآمدهای مالیاتی

بخش سوم: سایر منابع درآمدها

جدول شماره ۴-۲ و شکل شماره ۴-۱ ترکیب درآمدهای دولت ایران را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۴-۱: شکل استقرانی ترکیب درآمدهای دولت ایران

## جدول شماره ۴-۲. ترکیب درآمدهای دولت ایران

انواع	ویژگی
درآمدهای نفتی ناشی از صادرات	- داشتن سهم عمده در تولید ناخالص داخلی - وابستگی دولت به درآمد ارزی نفت
درآمدهای مالیاتی	- داشتن ویژگی‌های ساختاری - داشتن ویژگی‌های رفتاری
سایر منابع درآمدها	- ناچیز بودن آن در تولید ناخالص داخلی اقتصاد ایران - پیش‌بینی ناپذیر بودن آن

## بخش اول: درآمدهای نفتی ناشی از صادرات

صنعت نفت در ایران دارای سابقه ۸۵ ساله بوده و درآمدهای نفتی در ایران همیشه تحت الشعاع بحرانهای سیاسی حاکم بر جهان است. بررسی دو عامل مهم به فهم این مطلب کمک می‌نماید:

## عامل اول: سهم بخش نفت در تولید ناخالص داخلی

نوسان سهم نفت در تولید ناخالص داخلی تابعی از نوسان قیمت در بازارهای جهان (بحرانهای سیاسی حاکم بر جهان) است. در هنگام افزایش قیمت نفت و بالا رفتن

۱- تحلیلی بر تحولات نظام بانکی و سیاستهای پولی (۱۳۶۱، ۱۳۷۰)، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، مجلس چهارم، برنامه دوم، شماره ۵، اردیبهشت ۱۳۷۲

## □ الف - درآمد ارزی دولت

## ۱- الف - درآمد ارزی دولت حاصل از صادرات نفت و گاز

دولت از نظر درآمد ارزی مورد نیاز به شدت به درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت وابسته است. دولت ایران برای اجرای پروژه‌های بزرگ تولیدی و زیربنایی و همچنین تأمین نیازمندیهای کالایی مردم و یا خدمات خارجی خود نیاز گسترده‌ای به ارز دارد و بزرگترین منبع درآمد ارزی همان صادرات نفت و گاز است.

## ۲- الف - درآمد ارزی دولت حاصل از صادرات غیرنفتی

صادرات غیرنفتی ایران را می‌توان به سه گروه عمده صادرات کالاهای کشاورزی، صنایع دستی و کالاهای صنعتی و معدنی تقسیم کرد. در ایران بیشترین درآمد ارزی از صادرات غیرنفتی به فرش و صنایع دستی اختصاص دارد. فرش یکی از رشته‌های صنایع دستی است که می‌تواند بدون نیاز به تشکیلات وسیع اداری یا مؤسسات بزرگ مالی، جمعیت زیادی را مشغول بکار نماید و یکی از دلایل موفقیت فرشهای ایرانی در سطح بین‌المللی، شانس رقابت فرشهای ایرانی در بازار جهانی در بعد هنری آن است، لیکن در حال حاضر موانع و مشکلات برای صادرات فرش وجود دارد که اهم آنها عبارتند از:

- بالا رفتن قیمت‌ها اعم از مواد اولیه و دستمزد و در نتیجه بالا رفتن قیمت تمام شده

## فرش

- تهیه مواد، فروش و صدور فرش
- وجود واسطه‌های متعدد در امر صدور و تولید فرش
- عدم وجود سامانه و سازمان کارآمد در ارتباط با تولید فرش
- فقر کارگران قالبباف که ناچار به پیش فروش قالی به واسطه‌ها می‌نمایند.
- عدم دقت و مراقبت در بافت فرش
- استفاده از مواد اولیه نامناسب
- وجود رقبای متعدد با قیمت‌های نازلتر
- سیستم‌های تعرفه‌های ترجیحی

درآمدهای حاصل از آن، سهم سایر بخشها نسبت به آن کاهش و در هنگام پائین بودن قیمت یا تولید نفت، سهم سایر بخشها به طور نسبی افزایش یافته است. توضیح اینکه سایر بخشها، بخش‌های کشاورزی، صنایع و معادن و خدمات می‌باشند.

جدول شماره ۳-۴، سهم گروههای مختلف اقتصاد در تولید ناخالص داخلی را در طی سالهای ۱۳۵۷-۷۵ نشان می‌دهد:

جدول شماره ۳-۴: سهم گروههای اقتصادی در تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های جاری) ارقام به میلیارد ریال

بخش ↓ سال ←	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶
نفت	۲۳	۲۶/۱	۱۳	۱۲/۶	۱۸/۸	۱۵/۳	۱۱/۷	۹/۸	۴/۱	۴/۶
کشاورزی	۱۳/۱	۱۴/۳	۱۸	۲۱/۵	۲۰/۲	۱۸/۱	۱۹/۸	۲۰/۵	۲۴	۲۵/۴
صنایع و معادن	۲۰/۱	۱۶/۳	۱۹/۵	۱۸/۸	۱۸/۲	۱۹/۶	۱۹/۶	۱۷/۹	۱۷/۸	۱۷/۲
خدمات	۴۷/۶	۴۵/۹	۵۲/۵	۴۹/۱	۴۴	۴۷/۶	۴۹/۶	۵۲/۳	۵۴/۶	۵۲/۸

بخش ↓ سال ←	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
نفت	۴/۶	۶/۳	۱۰/۶	۸/۲	۹/۱	۱۷/۶	۱۸/۹	۱۵/۶	۱۵/۵
کشاورزی	۲۳/۹	۲۴/۷	۲۳/۵	۲۳/۱	۲۳/۹	۲۰/۸	۲۱/۱	۲۵/۲	۲۰/۹
صنایع و معادن	۱۷/۳	۱۷/۱	۱۸	۲۰/۱	۲۰/۱	۱۸/۶	۱۸/۶	۱۸/۸	۲۱
خدمات	۵۴/۸	۵۲/۴	۴۸/۷	۴۹/۷	۴۸	۴۴	۴۲/۲	۴۰/۸	۴۲/۹

مأخذ: - معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، آمارهای اقتصادی

۱۳۳۸-۱۳۷۴

- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۷۵ بانک مرکزی ج.ا. اداره بررسیهای اقتصادی

عامل دوم: وابستگی به درآمد ارزی نفت

وابستگی به درآمد ارزی نفت، وابستگی شدیدی را در اقتصاد کلان ایجاد می‌کند این وابستگی به درآمد ارزی حاصل از نفت از دو نظر بسیار مهم و شدید است:

- عدم وجود سامانه بازاریابی دقیق و منظم

بعد از فرش، صدور محصولات کشاورزی، بیشترین درآمد ارزی را تا اواخر سالهای ۱۳۷۱ داشته است، لیکن از سالهای ۱۳۷۱ به بعد صدور محصولات صنعتی، روند صعودی نسبت به محصولات کشاورزی داشته است.

□ ب - درآمد ارزی کشور از دیدگاه تراز پرداختها

مهمترین وابستگی دریافت‌های ارزی، در تراز پرداخت‌های کشور می‌باشد. دریافت‌های ارزی کشور برای مصارف بخش عمومی و بخش خصوصی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مجموع وجوه ارزی که به هر نحوی وارد کشور می‌گردد و با آن واردات صورت می‌پذیرد، اعم از اینکه در سامانه دولتی و بانک‌های کشور و یا خارج از آن عمل کند، در تراز پرداختها نشان داده می‌شود. بنابراین کلیه فعالیت‌های اقتصادی دولت و بخش خصوصی و همچنین کلیه فعالیت‌هایی که دارای محتوای ارزی است را شامل می‌شود.

### ارزیابی عملکرد درآمدهای نفتی

درآمدهای دولت به علت اتکا به درآمدهای نفت که متأثر از نوسانات جهانی است و نیز به علت تأثیر غیرمستقیم درآمدهای ارزی حاصل از نفت بر درآمدهای مالیاتی، دچار بی‌ثباتی زیادی در سالهای اخیر بوده است، جدول شماره ۴-۴، این روند را طی سالهای ۱۳۵۷-۷۵ نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴-۴: روند عملکرد درآمدهای نفتی ارقام به میلیارد ریال

سال	شرح	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶
درآمد نفت		۱۰۱۳/۲	۱۲۱۹/۷	۸۸۷/۸	۹۳۷/۹	۱۵۶۳/۵	۱۵۸۵/۳	۱۳۳۳/۲	۱۱۸۸/۷	۲۱۶/۸	۷۶۶

سال	شرح	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
درآمد نفت		۶۶۷/۹	۷۷۱	۱۱۱۸	۱۰۳۸/۷	۱۰۶۸/۲	۱۲۶۸/۲	۲۱۲۸/۰	۲۶۶۶/۲	۳۳۳۲/۷

مأخذ: نماگرهای اقتصادی اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

### بخش دوم: درآمدهای مالیاتی

توضیح این بخش در فصل دوم آمده است.

### بخش سوم: سایر منابع درآمدها

این بخش در ایران شامل درآمد حاصل از فروش ارز برای مصارف ضروری دستگاهها و خدمات دولتی، درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت دولت، درآمد حاصل از خدمات و فروش کالا، حق بیمه و کمک‌های دریافتی، اصل و بهره وامها و سود حاصل از سرمایه‌گذاری دولت در داخل و خارج از کشور و درآمد حاصل از فروش سیگار وارداتی است.

جدول شماره ۵-۴، روند این بخش را در طی سالهای ۱۳۵۷-۷۵ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵-۴: روند سایر منابع درآمدها ارقام به میلیارد ریال

سال	شرح	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶
سایر منابع درآمدها		۱۱۹/۸	۱۱۶/۶	۹۶/۷	۱۵۹/۶	۱۹۸/۵	۱۹۷/۸	۴۲۲/۹	۲۲۳/۸	۲۶۵/۶	۳۳۲/۶

سال	شرح	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
سایر منابع درآمدها		۴۲۴/۵	۱۲۲۲/۷	۲۸۲۵/۲	۳۱۹۷/۲	۵۰۵۵/۲	۱۶۱۴	۳۳۵۸	۷۸۷۱/۴	۱۱۹۶۷/۷

مأخذ: نماگرهای اقتصادی اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی

ایران

همانطور که جدول شماره ۵-۴ نشان می‌دهد، آهنگ سایر منابع درآمدها طی سالهای ۱۳۵۷-۶۲، کند بوده، لیکن در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ روندی جهشی داشته و از سال ۱۳۶۵ لغایت ۱۳۶۷، آهنگ متعادل را پیموده است.

روند سایر منابع درآمدها از سالهای ۱۳۶۸-۷۱ حالت صعودی داشته، لیکن در سالهای ۱۳۷۲ شاهد افت بسیار شدید بود و بالاخره در سال ۱۳۷۵ با آهنگ بسیار شدید سایر منابع درآمدها در ایران مواجه هستیم.

## خلاصه و نتیجه گیری

درآمدهای غیرمالیاتی دولتها، عمدتاً شامل وجوهی هستند که دولتها از فعالیت‌های اقتصادی خود جمع‌آوری می‌نمایند. این درآمدها به چهار نوع قابل تقسیم است: درآمدهای ناشی از اعمال تصدی دولت، درآمد حاصل از فروش، اجاره اموال دولتی و منابع طبیعی، درآمدهای اداری و اجرایی و هدایا و کمک‌های بلاعوض.

ترکیب درآمدهای دولت ایران برای پرداخت هزینه‌های عمومی نشان دهنده آن است که درآمدهای نفتی ناشی از صادرات، سهم عمده‌ای در تولید ناخالص داخلی کشور دارد و وابستگی به درآمد ارزی نفت از دونظر بسیار مهم و شدید است: یکی از نظر درآمد ارزی دولت و دیگری از نظر تراز پرداخت‌های کشور. اگر دو عامل فوق مورد کنکاش قرار گیرد، می‌توان به ارزیابی عملکرد درآمدهای نفتی و سایر منابع درآمدها پرداخت، هرچند درآمدهای دولت ایران به علت اتکاء بیش از حد به درآمدهای نفتی متأثر از نوسانات جهانی قابل تأمل ویژه‌ای است.

## خودآزمایی فصل ۴

۱- درآمدهای غیرمالیاتی دولتها را تعریف نمایید.

۲- انواع درآمدهای غیرمالیاتی دولتها را تقسیم‌بندی نموده و هرکدام را تجزیه و تحلیل نمایید.

۳- ترکیب درآمدهای دولت ایران برای پرداخت هزینه‌های عمومی را تقسیم‌بندی نمایید.

۴- عوامل محاط بر محیط درآمدهای نفتی ناشی از صادرات را تجزیه و تحلیل نمایید.

۵- دلایل مهم بودن دومین عامل محاط بر محیط درآمدهای نفتی ناشی از صادرات را تجزیه و تحلیل نمایید.

۶- عملکرد درآمدهای نفتی را در طی سالهای ۱۳۵۷-۷۵ تجزیه و تحلیل نمایید.

۷- عملکرد سایر منابع درآمدها را در طی سالهای ۱۳۵۷-۷۵ تجزیه و تحلیل نمایید.

نویسندگان کتب مالیه عمومی، طبقه‌بندی وجود دارد.  
این نویسندگان در مورد طبقه‌بندی ذیل اتفاق نظر دارند :

- ۱- هزینه‌های عمومی اداری و اجرایی
- ۲- هزینه‌های عمومی اقتصادی

### هزینه‌های عمومی اداری و اجرایی

منظور آن دسته از هزینه‌هایی است که برای نگهداری از اموال منقول و غیرمنقول و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای اجرای عملیات یا نظارت را فراهم می‌آورند و غالباً ۱۵-۲۵ درصد کل بودجه جاری دستگاههای اجرایی را شامل می‌شود و در طرحهای عمرانی حسب مورد ۵-۱۰ درصد از کل اعتبار طرح می‌باشد.

### انواع هزینه‌های عمومی اداری و اجرایی

#### ۱- مأموریت، حمل و نقل و ارتباطات

مأموریت و نقل و انتقال افراد شامل هزینه‌های نقل و انتقال کارکنان شاغل که به علت تغییر شرایط کار آنان در داخل یا خارج از کشور به طور مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت می‌نمایند. هزینه سفر نیز جزئی از این بخش می‌باشد که چنانچه مأموری برای انجام مأموریت اداری شب را در محل مأموریت بگذرانند، براساس مصوبات و دستورالعملهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌بایستی فوق‌العاده روزانه پرداخت گردد. همچنین کلیه هزینه‌های پستی، تلگراف و تلکس و فاکس، هزینه‌های تلفنی دستگاهها و سایر هزینه‌های مخابراتی که از طریق اجاره کانالهای ماکروویو یا از طریق ماهواره عکسهای رادیویی مخابره می‌گردد، مشمول هزینه‌های این بخش می‌باشد.

#### ۲- اجاره<sup>(۱)</sup>

اجاره عبارت است از بهره‌ای که از زمین یا ساختمان و تأسیسات و خلاصه از یک

## فصل پنجم

### هزینه‌های عمومی دولتها

#### هدف کلی

آشنایی با تعاریف، تقسیم‌بندی انواع هزینه‌ها، طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی از دیدگاه اقتصاد توسعه، اصول هزینه‌های عمومی مطلوب، علل افزایش هزینه‌های عمومی و اثرات هزینه‌های عمومی.

#### هدفهای رفتاری

پس از مطالعه این فصل، انتظار دارد بتوانید :

- ۱- هزینه‌های عمومی را تعریف نمایید.
- ۲- تقسیم‌بندی هزینه‌های عمومی را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۳- انواع هزینه‌های عمومی اقتصادی را تقسیم‌بندی نمایید.
- ۴- هزینه‌های عمومی را از نظر تأثیر اقتصادی تقسیم‌بندی نمایید.
- ۵- طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی را از دیدگاه اقتصاد توسعه تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۶- اصول هزینه‌های عمومی مطلوب را نام ببرید.
- ۷- علل افزایش هزینه‌های عمومی را بنویسید.
- ۸- اثرات هزینه‌های عمومی را بنویسید.

#### مقدمه

هزینه‌های عمومی دولت عبارت است از بهای کالاها و خدماتی که در حدود فعالیت دولت پرداخت می‌شود. طبقه‌بندی این هزینه‌ها متفاوت است و تقریباً به تعداد

دارایی ثابت عاید ذینفع می‌شود. پرداخت حق استفاده از این دارایی‌های ثابت تحت عنوان اجاره تفسیر می‌شود.

این بخش شامل اجاره ساختمان، ابنیه و اراضی به صورت ساختمان اداری، پارکینگ انبار و ...، کرایه ماشین‌آلات و وسائل ثابت (ماشینهای محاسباتی، دستگاه زیراکس و ماشین‌آلات سنگین ثابت و متحرک) و کرایه سایر لوازم می‌باشد که تحت عنوان هزینه اجاره قلمداد می‌شود.

### ۳- خدمات قراردادی عام

عبارت است از مجموع هزینه‌های خدماتی دولتی که یک دستگاه اجرایی از بخش خصوصی یا دولتی دیگر تقاضا می‌نماید. این بخش شامل هزینه نگهداری ساختمان و تأسیسات آن، نگهداری وسائل نقلیه، نگهداری ماشین‌آلات، هزینه تعمیرات و تغییرات جزئی و نگهداری وسائل اداری، هزینه مطبوعات و انتشارات، هزینه‌های خدمات تبلیغاتی، هزینه پذیرایی (تشریفات)، هزینه‌های مطالعاتی، تحقیقاتی و بررسی و سایر خدمات می‌باشد که تحت عنوان هزینه خدمات قراردادی قلمداد می‌شود.

### ۴- خدمات قراردادی خاص

این بخش شامل سوخت حرارتی و برودتی، سوخت وسائط نقلیه موتوری و سایر مواد مصرف شدنی آنها، سوخت ماشین‌آلات ثابت و سنگین، هزینه بهای برق مصرفی و آب آشامیدنی می‌باشد.

### ۵- مواد و لوازم مصرف شدنی

این بخش بیانگر هزینه‌های کالاهای مصرفی بی‌داوام و یا کم‌داوام است و به سهولت استهلاک پذیر است. هزینه‌های این بخش شامل کالاهای مصرفی برای نگهداری ساختمان و تأسیسات، وسائل نقلیه و ماشین‌آلات می‌باشد.

### ۶- هزینه‌های سری

به موجب ماده ۵۷ قانون محاسبات عمومی، این هزینه‌ها به تشخیص وزیر یا مقامات مجاز از طرف آن و امضای ذی‌حساب به هزینه قطعی منظور می‌شود.

### انواع هزینه‌های عمومی اقتصادی

این نوع هزینه‌ها به سه گروه به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

۱- هزینه‌های جاری

۲- هزینه‌های سرمایه‌ای

۳- هزینه‌های انتقالی

### هزینه‌های جاری

هزینه‌های جاری دولت، در حقیقت هزینه‌هایی هستند که در زمان حال، منافعی را ایجاد نمایند و دارای منافع مستقیم در بلند مدت و آینده نیستند. صاحب‌نظران این نوع هزینه‌ها را، هزینه‌های مصرفی تلقی می‌نمایند. این هزینه‌ها باعث افزایش فوری در تقاضای کل بدون تغییر در طرف عرضه می‌باشد. این هزینه‌ها در بودجه دولتی ایران در فصل اول تحت عنوان هزینه‌های پرسنلی مشخص شده است. هزینه‌های پرسنلی در برابر انجام دادن خدمت یا به واسطه آن بطور مستقیم و یا غیرمستقیم به صورت حقوق و دستمزد، مزایا و کمک‌ها منحصرأ به کارکنان شاغل که خدمت مستمر ارائه می‌نمایند، پرداخت می‌گردد و غالباً بیش از ۷۵٪ درصد از کل بودجه جاری دستگاه اجرایی را شامل می‌شود و در طرح‌های عمرانی به علت عدم سازمان و تشکیلات مصوبه اعتباری برای این منظور مشخص نمی‌گردد. این هزینه‌ها عبارت‌اند از:

#### ۱- حقوق و دستمزد

این هزینه‌ها در برابر خدمت مستمر به شاغلین پرداخت می‌شود و غالباً دریافت‌کنندگان آن عبارت‌اند از کارکنان رسمی دولت که مشمول قانون استخدام کشوری هستند، کارکنان غیررسمی و موقت و غیردائم که در مورد مشمولین قانون استخدام کشوری به صورت پیمانی و در سالهای اخیر به صورت خرید خدمت قراردادی و روزمزد،

بدون اینکه در قانون استخدام کشوری و آئین‌نامه‌های مربوط از آنها ذکری به عمل آمده باشد، پدید آمده‌اند، همچنین کارکنان موقت دستگاههای مشمول قانون خاص، کارگران تابع قوانین کار و تأمین اجتماعی و سایر کارکنان که هیچ کدام از موارد فوق مطابقت ندارند.

## ۲- مزایا و کمک‌ها

هر شغلی به‌موجب قانون استخدام کشوری دارای مزایایی است، همچنین قوانین استخدامی خاص دستگاههای اجرایی نیز برای مشاغل خود مزایایی تعیین شده است و هر مزایایی در دستگاههای مربوط به خود مصداق دارد که اهم آنها عبارت‌اند از:

- فوق‌العاده یا مزایای شغل شاغلین

- پاداش

- فوق‌العاده اضافه کار و کشیک

- فوق‌العاده بدی آب و هوا، محرومیت از تسهیلات زندگی و محل خدمت و اشتغال

خارج از کشور.

- سایر مزایا و فوق‌العاده‌ها

## هزینه‌های سرمایه‌ای

منظور، هزینه‌هایی هستند که در آینده کسب درآمد می‌کند و از تجمع هزینه کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی ایجاد، یا امکانات ایجاد آن به صورت سرمایه‌گذاری ثابت فراهم می‌آورد و در بودجه جاری معمولاً به صورت وسائل و تجهیزات اداری و در طرحهای عمرانی به صورت دارایی‌های ثابت ظاهر می‌شوند و غالباً در بودجه جاری ۳۵ درصد از کل بودجه جاری و در طرحهای عمرانی بیش از ۹۵ درصد از کل اعتبارات طرح را تشکیل می‌دهد. این نوع هزینه‌ها در قالب فعالیت‌های اقتصادی کشورها، برای انجام وظایف بلندمدت و آینده‌نگری آنان صورت می‌پذیرد. افزایش در هزینه‌های سرمایه‌ای موجب افزایش در تقاضای کل و در تغییر عرضه کل در اقتصاد تأثیر خواهد داشت.

این نوع هزینه‌ها در بودجه دولتی ایران در فصل سوم هزینه‌ها تحت عنوان هزینه‌های سرمایه‌ای مشخص شده است، این هزینه‌ها عبارت‌اند از:

## ۱- مطالعه برای ساختمان و تأسیسات

هر نوع مطالعه و تحقیق و طراحی قبل یا حین اجرا به منظور ایجاد و یا احداث ساختمان و تأسیسات براساس عقد قرارداد با اشخاص حقیقی یا حقوقی جزء این بند منظور می‌شود.

## ۲- خرید ساختمان، زمین و حقوق انتفاعی

اشاره به انتقال مالکیت یا حقوق انتفاعی می‌نماید، بدون اینکه در آن ایجاد ارزش افزوده‌ای بوجود آمده باشد.

## ۳- ساختمان

آن قسمت از هزینه‌های سرمایه‌ای که به صورت سرمایه‌های ثابت اقتصادی و اجتماعی که به صورت کالا و خدمات موجبات ارزش افزوده و تشکیل سرمایه را فراهم آورند، در صورتی که بطور اعم به صورت ساختمان باشد در این قسمت منظور می‌شود. هزینه‌های این بند شامل هزینه‌های ثابت خرید خدمات و کالاها برای ایجاد و احداث ساختمان و تجهیزات جزئی، تعمیرات اساسی در ساختمان و تجهیزات و هزینه آماده‌سازی زمین می‌باشد.

## ۴- ماشین آلات و تجهیزات عمده

هزینه‌های مربوط به بهای کالا و خدمات مربوط به نصب و راه‌اندازی، حمل و مانند آن برای بار اول در این بند منظور می‌شود.

## ۵- سایر کالاهای مصرف نشدنی

کلیه کالاهای سرمایه‌ای بادوام که در دفاتر اموال ثبت و به پلاک اموال مزین می‌گردند در این بند منظور می‌شوند.

## ۶- وام، مشارکت و کمک برای سرمایه‌گذاری بخش عمومی

بخش عمومی در برگیرنده بخش دولتی نیز می‌شود، آن قسمت از بخشهایی که سرما



نیمه دولتی، وابسته به دولت و سایر عناوین مشابه را شامل می‌گردد، جزء بخش عمومی محسوب می‌شوند.

اصل ۸۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت را با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز دانسته است.

#### ۷- وام، مشارکت و کمک برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

اصل ۸۰ قانون اساسی پرداخت آن را با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز دانسته است. در حقیقت آن قسمت از سرمایه‌گذاری که از محل بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود به منظور افزایش ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه به بخش خصوصی صورت می‌پذیرد، لیکن در شرایط فعلی ایران مصداق ندارد و مکانیزم پرداخت آن از طریق تبصره‌های قانون بودجه هر سال اعمال می‌گردد.

#### هزینه‌های انتقالی

هزینه‌های انتقالی در حقیقت هزینه‌هایی هستند که به صورت یک طرفه از سوی دولت‌ها به اقشار آسیب‌پذیر و واحدهای مشخص شده در قانون پرداخت می‌گردد و در قبال پرداخت این هزینه‌ها، کالا یا خدماتی دریافت نمی‌شود. به عبارت دیگر، انتقال درآمد یا قدرت خرید از یک واحد به واحد دیگر است.

این هزینه‌ها در تولید ناخالص ملی، منظور نمی‌گردد، ولی در محاسبه درآمد قابل تصرف افراد به حساب می‌آیند. یکی از اثرات فوری این نوع هزینه‌ها در جامعه، افزایش تقاضا و مصرف در سطح جامعه است و به عنوان وظیفه توزیعی دولت‌ها محسوب می‌گردد. این نوع هزینه‌ها در بودجه دولتی ایران در فصل چهارم هزینه‌ها، تحت عنوان پرداخت‌های انتقالی مشخص شده است، این هزینه‌ها عبارت‌اند از:

#### ۱- کمک و اعانه بخش عمومی

پرداخت‌هایی که یک دستگاه دولتی به دستگاه دولتی دیگر یا یک دستگاه دولتی به یک شرکت دولتی یا مؤسسه انتفاعی وابسته به دولت، در بخش عمومی پرداخت می‌نماید

در این بند منظور می‌شود.

این هزینه بنا به تشخیص بالاترین مقام دستگاه اجرایی و تأمین آن از طرف ذیحساب به هزینه قطعی منظور می‌گردد.

#### ۲- کمک و اعانه بخش خصوصی

پرداخت‌هایی که یک دستگاه دولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی در بخش خصوصی پرداخت می‌نماید. این هزینه بنا به تشخیص بالاترین مقام دستگاه اجرایی و تأمین آن از طرف ذیحساب طبق مقررات مصوب به هزینه قطعی منظور می‌گردد. اشخاص حقیقی و حقوقی نباید هیچگونه رابطه استخدامی دولتی با دستگاه کمک‌کننده داشته باشند.

#### ۳- بازپرداخت وام و پرداخت بهره

وام‌های داخلی و خارجی از سیستم بانکی طبق قانون دریافت و به عنوان سایر منابع تأمین اعتبار در بودجه عمومی دولت منظور و به مصرف اعتبارات جاری و عمرانی می‌رسد و به موجب قانون اصل و فرع آن پرداخت می‌شود.

#### ۴- پرداخت‌های انتقالی به کارکنان

پرداخت‌های انتقالی به منظور برقراری تعادل‌های اجتماعی در جامعه صورت می‌گیرد و بدون آنکه این پرداخت‌ها در برابر ارائه کالاها یا خدمات باشد، به صورت یک جانبه طبق مقررات پرداخت می‌گردد. این پرداخت‌ها به کارکنان غیرشاغل، بازنشستگان، پاداش پایان خدمات و سایر کمک‌ها می‌باشد.

#### ۵- دیون

بدهی‌هایی که بر ذمه دولت بر اثر تحویل کالا یا انجام خدمات یا عقد قرارداد با رأی مراجع قضائی صلاحیت‌دار اعتبار آن تأمین نشده باشد دیون می‌گویند.

## انواع دیون

دیون به دو دسته قابل تقسیم است :

### ۵-۱ دیون بامحل

هرگاه علل عدم تأمین اعتبار ناشی از پایان سال مالی باشد، دیون بامحل گویند و از محل ردیف‌های بودجه در سال بعد حسب مورد قابل تأمین است.

### ۵-۲ دیون بلامحل

هرگاه علل ایجاد دین خارج از قدرت و توان مسئولان دستگاه اجرایی باشد که بر اثر مجوزهای قانونی و یا بدهی‌هایی که با رعایت مقررات برای دستگاههای اجرایی علاوه بر موارد فوق‌الاشاره ایجاد شده باشد، دیون بلامحل گفته می‌شود.

## طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی از نگاهی دیگر

این نوع طبقه‌بندی، هزینه‌های عمومی دولتها را در چهار دسته به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌نماید :

### ۱- تقسیم‌بندی براساس وظایف دولتها

اولین اقتصاددانی که بر مبنای وظایف دولتها، هزینه‌های عمومی را تقسیم‌بندی نمود، آدام اسمیت است. وی این هزینه را در قالب چهار وظیفه مهم و اساسی دولتها ذکر می‌نماید که عبارت‌اند از :

- اجرای نظم و قانون

- عدالت

- ایجاد تسهیلات عمومی

- اعمال حاکمیت دولتها

### ۲- تقسیم‌بندی براساس سازمانهای مختلف

از آنجایی که دولتها، مسئولیت اداره امور سازمانهای مختلف تحت پوشش خود را

برعهده دارند، هزینه‌های عمومی این سازمانها را بایستی بپردازند، از آن جمله سازمانهای مختلف که تحت عنوان وزارتخانه‌های مختلف در ایران مطرح می‌باشد.

### ۳- تقسیم‌بندی براساس اولیه و ثانویه بودن هزینه‌ها

به این نوع هزینه‌ها، هزینه‌های اجباری و اختیاری نیز می‌گویند. برای مثال هزینه‌های امور دفاعی، امور قضائی، امور انتظامی و ... اجباری بوده و هزینه‌های مربوط به امور اجتماعی، امور اقتصادی و امور عمومی تقریباً اختیاری هستند.

### ۴- تقسیم‌بندی براساس هزینه‌های انتقالی و غیرانتقالی

هزینه‌های انتقالی، هزینه‌هایی هستند که در قبال آنها، خرید کالاها و خدمات صورت می‌پذیرد، لیکن هزینه‌های غیرانتقالی، هزینه‌هایی هستند که در قبال آنها، خرید کالاها و خدمات صورت نمی‌پذیرد و بلاعوض می‌باشد.

## طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی از نظر تأثیر اقتصادی

تأثیر اقتصادی هزینه‌های عمومی با ذات و طبیعت هزینه‌ها مرتبط است و از این نظر به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند :

### ۱- هزینه‌های خرید عوامل تولید و کالاهای مصرفی

هزینه‌های خرید عوامل تولید و کالاهای مصرفی، هزینه‌هایی هستند که صرف خرید کالاها و خدماتی می‌شوند که بصورت مواد اولیه و عوامل تولید و یا به صورت کالاهای ساخته شده در بخش خصوصی بوده باشد.

### ۲- هزینه‌ها یا پرداخت‌های انتقالی

هزینه‌های انتقالی، هزینه‌هایی هستند که مستقیماً در مقابل کالا و خدماتی پرداخت نمی‌شود، بلکه بصورت یک طرفه از سوی دولتها به اقشار آسیب‌پذیر و واحدهای مشخص شده در قانون پرداخت می‌گردد. این نوع هزینه به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند

انواع هزینه‌ها یا پرداخت‌های انتقالی

۲-۱- هزینه‌های انتقالی اجتماعی

هزینه‌های انتقالی اجتماعی ناشی از عواملی چون انقلابات، کودتاها و ... هستند که دولتها نمی‌توانند عملاً در قبال آنها بی‌اعتنا باشند و ناچار به پرداخت این نوع هزینه‌ها هستند، از جمله این هزینه‌ها می‌توان به بیمه‌های بیکاری دولتها و کمک به افسار آسیب‌پذیر جامعه اشاره نمود.

۲-۲- هزینه‌های انتقالی مالی

این نوع هزینه‌ها ناشی از عدم ثبات اقتصادی کشورها بعد از انقلابات، کودتاها و ... و یا بی‌کفایتی نظامهای حکومتی و یا در بعضی از مواقع، جهت توسعه کشورها ناشی می‌شود. از جمله این هزینه‌ها می‌توان به بازپرداخت اصل و فرع بهره‌های وامهای دریافتی دولتها اشاره نمود.

۲-۳- هزینه‌های انتقالی اقتصادی

این نوع هزینه‌ها ناشی از ثبات اقتصادی کشورها بعد از انقلابات، کودتاها و ... است که دولتها پس از طی سالهای بحران، به تثبیت پایه‌های اقتصادی خود با پرداخت چنین هزینه‌هایی کمر همت می‌بندند.

طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی از دیدگاه اقتصاد توسعه

مجموع هزینه‌های عمومی را از یک نظر می‌توان به هزینه‌های درآمدی و هزینه‌های سرمایه‌ای و از یک نظر دیگر می‌توان به هزینه‌های توسعه‌ای و هزینه‌های غیر توسعه‌ای تقسیم نمود.

۱- هزینه‌های درآمدی

به هزینه‌های جاری نظیر هزینه‌های اداری و نگهداری اطلاق می‌شود و می‌توان بطور

خلاصه آنها را با  $RE^{(1)}$  نشان داد.

۲- هزینه‌های سرمایه‌ای

این هزینه‌ها، طبیعت سرمایه را دارند و یک بار برای همیشه انجام می‌شوند. طرحهای چند منظوره، طرحهای بزرگ ملی و ... از این قبیل اند. این گونه هزینه‌ها، ماهیتاً تکرارناپذیر هستند و می‌توان بطور خلاصه آنها را با  $CE^{(2)}$  نشان داد.

۳- هزینه‌های توسعه‌ای

هزینه‌های دولت در خصوص تأمین طرحهای حمل و نقل، کشاورزی و صنعتی و امثال اینها را می‌گویند. هزینه‌های آموزشی و پژوهشی نیز جزو هزینه‌های توسعه‌ای است و می‌توان بطور خلاصه آنها را با  $DE^{(3)}$  نشان داد.

۴- هزینه‌های غیر توسعه‌ای

به هزینه‌های می‌گویند که برای تأمین امنیت داخلی و اجرای قوانین و مقررات و تأمین امنیت خارجی و حراست از مرزهای ملی ضرورت دارد و می‌توان بطور خلاصه آنها را با  $NE^{(4)}$  نشان داد.

جدول شماره ۱-۵: مشخصات طبقه‌بندی فوق را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱-۵: طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی از دیدگاه اقتصاد توسعه

نوع هزینه‌ها	مشخصات	علامت اختصاری
درآمدی	داشتن طبیعت جاری برای دولتها	RE
سرمایه‌ای	داشتن طبیعت سرمایه برای دولتها	CE
توسعه‌ای	داشتن طبیعت زیربنایی برای دولتها	DE
غیر توسعه‌ای	داشتن طبیعت استراتژیک برای دولتها	NE

- 1- Revenue Expenditure
- 2- Capital Expenditure
- 3- Development Expenditure
- 4- Non-Development Expenditure

## اصول هزینه‌های عمومی مطلوب

در رابطه با هزینه‌ها، اصولی یا بهتر بگوییم قوانین کلی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند، به عبارت روشن‌تر، یک هزینه عمومی، هزینه‌ای است که مطابق ضوابط قوانین کلی زیر انجام بگیرد:

## ۱- اصل حداکثر سود اجتماعی

مطابق این اصل، دولت باید سطح مطلوب هزینه‌های عمومی را از راه موازنه سودها و هزینه‌های اجتماعی کشف و حفظ نماید. به زبان اقتصادی، هر ریالی که هزینه می‌شود، باید متضمن دستاوردهای حداکثر از رفاه اجتماعی باشد. به عبارت دیگر، محل هزینه مناسب‌تر دیگری برای ریال مذکور پیدا نشود که بتواند رفاه اجتماعی فزونتری را نصیب نماید.

## ۲- اصل اقتصاد

مالیات‌هایی که جمع‌آوری می‌شود نباید بی‌محابا و بدون ملاحظه هزینه گردد. به عبارت دیگر، رعایت اصل "حد سواج"<sup>(۱)</sup> به تنهایی کافی نمی‌باشد، بلکه باید عوارض جانبی هزینه‌ها را هم مدنظر قرار داد. به عنوان مثال، هزینه‌ها نباید اثر معکوس بر توان پس‌انداز ملی بگذارند.

## ۳- اصل مشروعیت

هزینه‌های دولتی قبل از انجام باید توسط یک قوه قانونی یا مرجع رسمی قدرت سیاسی - اجتماعی مورد تأیید قرار گیرند. در این رابطه مسأله بودجه مطرح است، بودجه سند دخل و خرج دولتها در طول یک دوره مالی معین (یک سال) است، بودجه پس از تنظیم باید از سوی دولت به صورت لایحه جهت تصویب قانونی در اختیار مجلس قرار گیرد.

## ۴- اصل کفایت

هزینه‌های عمومی باید از کفایت قابل اطمینانی برخوردار باشند. مسئولین جامعه باید قادر باشند که بر طبق نیازها و شرایط، مخارج را تغییر دهند. یک سطح انعطاف‌ناپذیر هزینه‌ها می‌تواند به منبع مشکل و یا حتی بحران در شرایط نامساعد تبدیل گردد. در این رابطه به یک قاعده برگرفته شده از رفتارشناسی انسان هم باید توجه داشت. افزایش هزینه‌ها آسان است، ولی حذف و پائین آوردن آن آسان نیست. بنابراین، افزایش تدریجی و با احتیاط هزینه‌ها، توصیه‌ای ارزشمند به مسئولین است. همچنین باید زمینه‌های برگشت به عقب را حتی‌الامکان تدارک نمود.

## ۵- اصل عدم تأثیر معکوس بر تولید و توزیع

هزینه دولتی باید نه تنها موجب بهبود درآمد ملی و سطح اشتغال جامعه بشوند، بلکه باید در جهت توزیع مناسب‌تر درآمد و ثروت برنامه‌ریزی گردند، تا در نهایت رفاه کلی جامعه افزایش یابد.

## ۶- اصل مازاد

هرچند توصیه به تدارک بودجه مازاد، اصلی کلاسیک است و مطابق معیارهای مراقبت (کنترل) بی‌اهمیت تلقی می‌گردد، ولی نباید از نظر دور داشت که مژمن شدن کسر بودجه می‌تواند اثرات بسیار مخربی، بویژه بر ثبات مالی جامعه باقی گذارد. بنابراین باید در استفاده از سیاست کسر بودجه، جانب احتیاط و فرم را از دست نداد.

## ۷- اصل بهبود رشد و ثبات اقتصادی

در این زمان، تأکید فراوان می‌شود که هزینه‌های عمومی باید به گونه‌ای انجام شوند که بر رشد و ثبات اقتصادی جامعه، اثر مثبت داشته باشند (مستقیم یا غیرمستقیم). بطور خلاصه اینکه، اگر در قواعد کلی هزینه‌ها دقت نمائیم، می‌بینیم که همه استفاده از مالیه تبعی یا اقتضایی را توصیه می‌نمایند.

1- Maximum social Profite حداکثر سود اجتماعی

## علل افزایش هزینه‌های عمومی

به عنوان یک متغیر تابع، مسیر افزایش هزینه‌های عمومی، متأثر از عوامل مختلفی بوده است و ما به اختصار در خصوص هریک از این عوامل توضیح می‌دهیم.

### ۱- توسعه مفهومی دولت در اقتصاد ملی

مفهوم دولت از نظر اقتصاددانان از حد دولت تأمین کننده امنیت تا دولت تأمین کننده رفاه، در حال تغییر است. بدیهی است که توسعه مفهومی، مستلزم افزایش هزینه‌های دولت است.

### ۲- افزایش جغرافیایی و جمعیتی حوزه نفوذ دولتها

افزایش جمعیت جوامع عاملی است که بدون استثناء به حوزه نفوذ همه دولتها و حجم کار آنان اضافه کرده است و در مورد برخی از جوامع، این بسط حوزه نفوذ شامل توسعه جغرافیای سیاسی آنها هم می‌شود.

### ۳- نیاز به رشد اقتصادی و ضرورت فعالیت دولت در این رابطه

کشورهای کمتر توسعه یافته، برای پر کردن شکاف عقب ماندگی خود، نمی‌توانند به انتظار عملکرد آزاد اقتصاد بنشینند، از دید رشد و توسعه اقتصادی، پیمودن فاصله توسعه، نیازمند نشستن بر مرکبی بادپاست که سوارکاری ماهر داشته باشد. این مرکب را امروزه، برنامه‌ریزی ملی و این سوارکاران را دولت‌های ملی می‌شناسند.

### ۴- تورم و افزایش هزینه خدمات عمومی

تورم‌ها، بدون تردید، حجم پولی (اسمی) خدمات دولت را افزایش می‌دهند، ولی این تنها یک روی سکه است. تورمها از سوی دیگر، موجب انتقال درآمد و ثروت از طبقات کم درآمد و پائین جامعه به طبقات پر درآمد و بالا می‌شوند. این روند، طبیعتاً وظایف دولت را در خصوص بازپخش درآمد و ثروت و تأمین طبقات پائین اضافه می‌نماید.

## ۵- افزایش ثروت ملی و سطح زندگی

روند تکامل اقتصادی جوامع بشری، چنانکه تجربه نشان داده است، همراه با بهبود مداوم سطوح زندگی و افزایش ثروت‌های ملی بوده و چنین روندی، طبیعتاً بر سطح درآمدها و هزینه‌های دولت اثر مستقیم و مثبت گذاشته است.

## ۶- افزایش قدرت و قوه مالیاتی جوامع

در اقتصادهای توسعه نیافته، امکان تحمیل و اخذ مالیات‌ها پائین است، ولی همراه با بهبود اقتصادی، این امکان فراهم‌تر می‌شود که دولتها بطور عمودی و افقی، مالیات‌های بیشتر و متنوع‌تر را جمع‌آوری نمایند.

## ۷- جنگ و اقتصاد جنگی

روند جدید تحولات اقتصادی و اجتماعی که پیامد انقلاب صنعتی اروپا آغاز شده است، به علت حاکمیت غربی‌ها، روز به روز فضای روابط میان جوامع را تیره‌تر ساخته و آن را مستعد شعله‌ور شدن آتش جنگ نموده است. تجربه‌های دو جنگ خانمانسوز جهانی هم، دلهره‌ای دائمی را در میان مردم جهان دامن می‌زند و همه را در انتظار نابودی گذاشته است. بنابراین، به نظر ما تمام اقتصادهای جهانی را باید تا زمانی که آب و هوای جنگی وجود دارد، جنگی دانست. اقتصادهای جنگی هم، تمهیدات ویژه خود را می‌طلبند که نیازمند حضور قوی دولت است. به عبارت روشن‌تر، اقتصادهای جنگی، لزوماً، اقتصادهای دولتمدارتر هم هستند.

## ۸- لزوم تمهید خدمات مطلوب عامه

خدمات مطلوب عامه، نظیر آب، برق، گاز، تلفن و غیره امروزه حتی در جوامع بزرگ سرمایه‌داری نیز کلاً یا بعضاً توسط دولتها تدارک می‌گردد. این نحو از تدارک علاوه بر اینکه جانشین بخش خصوصی، یعنی بخشی که حاضر نیست از نفع خود به خاطر نفع عموم بگذرد، است. به هر حال، به عهده گرفتن تدارک این خدمات، بر حجم فعالیت‌های دولت خواهد افزود.

## ۹- توسعه خدماتی اجتماعی

در عصر جدید، توسعه قابل ملاحظه‌ای در خدمات اجتماعی نظیر تعلیم و تربیت، بهداشت عمومی، و کمک‌های پزشکی دیده می‌شود. بدیهی است که این توسعه، نیازمند تمهیدات مقدماتی نظیر ساختن مدارس، مراکز بهداشتی و بیمارستانها است. این تمهیدات نیز خود نیازمند سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری نهایی که در نهایت به بهبود کیفیت و کمیت نیروی انسانی جامعه منجر می‌شود. روشن است که چنین بهبودی برای اقتصاد جامعه فواید انکارناپذیری در بر خواهد داشت، ولی مسلماً بخش خصوصی انگیزه لازم را برای انجام آن ندارد. بهر حال، بخش عمومی (دولت) باید در این رابطه فعالیت و هزینه نماید و این خود بر حوزه اقتصادی آن می‌افزاید.

## ۱۰- تغییر ساختار اقتصادی

روند شناخته شده تحول اقتصادی بسیار بلندمدت جوامع، گذر از اقتصاد کشاورزی (سنتی) به اقتصاد صنعتی (جدید) است. این گذار بر کمیت و کیفیت فعالیت‌های اقتصادی دولتها، اثری بسیار قابل ملاحظه دارد. در واقع، پیامد این گذار تاریخی، درآمدهای سرانه افزایش می‌یابد، تولید کالاهای اجتماعی افزایش پیدا می‌کند و به هر حال، حجم هزینه‌های عمومی فراوان‌تر و ترکیب آن پیچیده‌تر خواهد شد.

## ۱۱- تغییرات تکنولوژی

چنانچه در بحث بند سوم دیدیم، حضور دولت در فرآیند تحولات اقتصادی جوامع، بویژه جوامع کمتر توسعه یافته، بسیار ضروری و حیاتی است. این واقعیت، زمانی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم، جوامع بیشتر توسعه یافته آنگونه که تجربه‌های فراوان تاریخی نشان می‌دهند، نه تنها دوستدار انتقال تکنولوژی به کشورهای دیگر نیستند، بلکه هر اندازه که بتوانند در مسیر انتقال آن، ایجاد مانع می‌کنند. بنابراین، تصدی دولتها برای انتقال تکنولوژی، ضرورت قطعی دارد. بدیهی است که این تصدی، بر حجم فعالیت‌های دولت در اقتصاد ملی می‌افزاید و نتیجه این افزایش فعالیت، افزایش هزینه‌های عمومی است. (خورشیدی، ۱۳۷۰).

## ۱۲- گسترش بخش عمومی

تمایلات جامعه‌گرایی (سوسیالیستی) غالباً در سیمای پدید آمدن دولتهای قدرتمند و مداخله‌جو در اقتصاد ظاهر گردیده است. طبیعی است که چنین تحولی به افزایش حجم هزینه‌های عمومی نیز منجر می‌گردد.

## ۱۳- دیوان‌سالاری داخلی و مالی غیرمؤثر و ناقص

شعار اصلی اقتصاد سرمایه‌داری علیه مداخله‌جویی دولتها در اقتصاد همواره این بوده است که: "دولت کارفرمای خوبی نیست"، به هر حال، اگر واقعیت را بخواهیم، همیشه و همه این شعار نادرست نیست. بوروکراسی بخش عمومی، غالباً هزینه‌زا است و به عبارت دیگر، بسیاری از مواقع، در قیاس با بخش خصوصی، انجام یک فعالیت توسط دولتها، هزینه بیشتری بر جامعه تحمیل خواهد نمود.

## ۱۴- عوامل سیاسی و اجتماعی

توسعه سیاسی و دیدگاه‌های در حال تحول اجتماعی، راهنمای توسعه بزرگ بخش عمومی و افزایش هزینه‌های دولت بوده است. در یک جامعه مردم‌مدار (دموکراتیک)، غالباً چند حزب سیاسی وجود دارند که در پی کسب آراء بیشتری از مردم هستند. مردم برای حمایت خویش همیشه شرطهایی را مطرح می‌کنند که مستلزم هزینه‌های گزاف برای دولتها خواهد بود. یکی برای شهرش درمانگاه می‌خواهد، دیگری تقاضای دانشکده را دارد... و احزاب نیز در میدان رقابت کوشش دارند که هرچه بیشتر برنامه‌هایشان را با این نیاز موافق جلوه دهند. چنین جوی مسلماً حزب پیروز را با حجم وسیعی از خواسته‌های پذیرفته شده ملت مواجه خواهد کرد که اگر پاسخ داده نشوند، زمینه‌های حمایت بعدی تخریب خواهد شد. مطابق قانون "واگنر" فعالیت‌های دولت، هم تشدید می‌شود و هم توسعه می‌یابد، به عبارت روشن‌تر فعالیت‌های بخش عمومی، مطابق این قانون، هم از جنبه افقی (سطح فعالیتها) و هم از جنبه عمودی (عمق و شدت فعالیتها) در طول زمان افزایش می‌یابد. فعالیت‌های قدیمی، حجیم‌تر می‌شوند و فعالیت‌های جدید نیز بر آن اضافه خواهد شد.

## ۱۵- فعالیت‌های رفاهی

تمام دولت‌های جدید، خواهان تمهید تأمین اجتماعی و بیمه برای آحاد جامعه هستند (خدمات بهداشتی رایگان، خدمات آموزشی رایگان، پرداخت‌های ایام پیری و پرداخت‌های ایام بیکاری و...) اینها را معمولاً تحت عنوان "پرداخت‌های انتقالی"<sup>(۱)</sup> یا هزینه‌های انتقالی یا بطور خلاصه انتقالی‌ها می‌گویند و همواره بار هزینه فزونی را بر دوش دولتها می‌گذارد.

## ۱۶- تأمین اشتغال مطلوب نیروی انسانی

یکی از اهداف کاملاً عمده دولتها، مبارزه با بیکاری است. بیکاری به عنوان پدیده‌ای که نه تنها دارای تبعات اقتصادی، بلکه دارای تبعات حاد اجتماعی، اخلاقی و سیاسی است. چیزی نیست که دولتها بتوانند به آن بی‌توجه باشند. به هر حال، تمهید شرایط لازم برای بکارگیری بیکاران نیازمند هزینه‌های عمده‌ای است که دولتها باید آنها را تقبل نمایند. به هر حال، همانگونه که "بوهرلر"<sup>(۲)</sup> گفته است، هزینه مخصوص، برای دولت مخصوص و در زمان مخصوص است. به عبارت دیگر، نمی‌توان درصد معینی از GNP<sup>(۳)</sup> را به عنوان مقدار مطلوب هزینه‌های عمومی تعیین نمود. اندازه هزینه‌های عمومی را در نهایت علائق و نیازهای خاص یک جامعه معین می‌نماید.

## اثرات هزینه‌های عمومی

هزینه‌های عمومی، اثرات مختلفی بر اقتصاد می‌گذارند. دستهای از این اثرات را می‌توان اثرات خواسته یا اهداف و دسته دیگر را اثرات ناخواسته یا فواید نامید. هدف یا اثر خواسته که گاهی به آن "پیشنخواه" هم می‌گویند، اثری است که انجام هزینه عمومی برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی می‌شود. اثر ناخواسته یا فایده، که گاه آن را "پیامد" نیز تعبیر می‌گردد، اثری است که انجام هزینه عمومی برای رسیدن به آن نیست، ولی به عنوان تبعات هزینه، خود به خود ظاهر می‌گردد.

1- Transfer Payments

2- Buchler

3- Gross National Product (GNP)

## اثرات تولیدی هزینه‌های عمومی

نوع هزینه‌های عمومی، دارای اثرات تولیدی هستند، هرچند به ظاهر ممکن است، غیرتولیدی، مثل هزینه جنگی به نظر بیایند. اثرات تولیدی هزینه‌های عمومی عبارتاند از:

## □ الف - اثرات غیرمستقیم

## ۱- الف - اثرات بر تولن کار و پس‌انداز

هزینه‌های دولت در سوی تدارک خدمات حمل و نقل، تعلیم و تربیت، بهداشت عمومی و امثال اینها، بدون تردید، توان کار و پس‌انداز ملی را افزایش خواهد داد.

## ۲- الف - اثرات بر انگیزه کار و پس‌انداز

هزینه‌های عمومی نه تنها بر توان کار و پس‌انداز، بلکه بر علاقه به کار و پس‌انداز جامعه هم اثر مثبت دارند. کمک‌های بلاعوض به اقشار آسیب‌پذیر، پرداخت حقوق بازنشستگی، بیمه‌های بیکاری و امثال اینها، مردم جامعه را به اقتصاد ملی و آینده آن خوشبین می‌سازد و انگیزه ملی را برای کار بیشتر و پس‌انداز فراوانتر ترغیب و تحریک می‌نماید.

## ۳- الف - اثرات بر تغییرات مثبت تخصیص منابع

کمک‌های بلاعوض به تولید کنندگان بخش خصوصی، اعمال سیاست حمایتی نسبت به مناطق عقب مانده اقتصاد ملی، تصدی مستقیم تولید در صورت لزوم و امثال اینها، سیاستهایی است که مسلماً بر جابجایی منابع میان استفاده‌های مختلف ممکن است تأثیر عمده داشته باشد.

## □ ب - اثرات مستقیم

## ۱- ب - اثرات بر حجم اشتغال و درآمد

اثرات قابل ملاحظه بر سطح فعالیت‌های اقتصادی، تسریع رشد اقتصادی و کمک به حفظ ثبات اقتصادی، عناوینی هستند که می‌توانند راهنمای شناخت این اثرات باشند. می‌دانیم که از دید کینز، بیکاری و رکود، اصولاً ناشی از کمبود تقاضای مؤثر بوده و بدیهی

است که هزینه‌های عمومی می‌تواند اثرات مستقیمی در رابطه با حذف یا کاهش این پدیده داشته باشد. در نهایت، هزینه‌های عمومی، تولید را از طرق: بهبود کارایی تولیدی نیروی کار، تهیه زیربنای مستعد اقتصادی و اجتماعی، کمک مستقیم، مشاوره فنی ... و سرمایه‌گذاری مستقیم دولتی تحت تأثیر مثبت خود قرار دهند. علاوه بر این، هزینه‌های عمومی بر قالب عمومی تولید یا ترکیب آن هم اثر قابل ملاحظه‌ای دارند.

#### ۴-ب- اثرات بر توزیع

هزینه‌های عمومی می‌تواند اثرات تعیین‌کننده‌ای بر توزیع درآمد و ثروت که معمولاً عادلانه صورت نمی‌گیرد، بگذارد. از شئون وجودی دولتها، تعدیل توزیع اولیه درآمد و ثروت یا به عبارت دیگر، بازپخش یا توزیع مجدد آنها است. این کار را می‌توان از راه انتخاب ترکیب مناسب هزینه‌های دولتی نیز به انجام رسانید. به هر حال، امروزه، این اصل پذیرفته شده است که وجود دولت برای فقرا در مقیاس با اغنیاء مفیدتر است. زیرا، غنی، خود پناه و فقیر بی‌پناه است.

#### ۳-ب- اثرات ویژه در جهان کمتر توسعه یافته

در عنوان اول از اثرات هزینه‌های دولتی گفتیم که هزینه‌های عمومی اثرات تعیین‌کننده‌ای بر سطح درآمد و اشتغال دارد. اما دیدگاه کینز که مدار توجیه این اثرات واقع شده است، نوعاً مربوط به اقتصادهای پیشرفته سرمایه‌داری است. تا آنجا که به اقتصادهای کمتر توسعه یافته، مربوط می‌شود، مشکل اساسی آنها نه کمبود تقاضای مؤثر، بلکه عدم کارایی ذخایر سرمایه‌ای است. بنابراین جهت عمومی هزینه‌های دولت در این اقتصادها باید در جهت بهبود شرایط رشد و توسعه باشد و به عبارت دیگر، نیازهای رشد و توسعه را برآورده سازد. بطور کلی، کشورهای کمتر توسعه یافته، هزینه‌های عمومی از طرق زیر می‌تواند بر رشد و توسعه این کشورها اثر بگذارد.

- ایجاد زیرساخت‌های مناسب اقتصادی، اجتماعی (جاده‌ها، پل‌ها، مدارس، بیمارستانها و ...)

- ایجاد توازن در رشد مناطق

- توسعه هماهنگ صنعت و کشاورزی

- کشف و بهره‌برداری درست از منابع و معادن

- کمک و حمایت در خصوص بخش تولید جامعه

#### خلاصه و نتیجه‌گیری

بحث هزینه‌های عمومی دولتها از جمله مباحثی است که در مالیه عمومی مطرح است و کشورها چاره‌ای جز انجام این هزینه‌ها را ندارند. هزینه‌های عمومی دولت عبارت است از بهای کالاها و خدماتی که در حدود فعالیت دولت پرداخت می‌شود.

در این فصل به اولین تقسیم‌بندی هزینه‌های عمومی دولت اشاره کردیم و آنها را در دو دسته هزینه‌های عمومی اداری و اجرایی و هزینه‌های عمومی اقتصادی تقسیم‌بندی نمودیم و گفتیم که هزینه‌های عمومی اداری و اجرایی غالباً ۱۵-۲۵ درصد کل بودجه جاری دستگاههای اجرایی و در طرحهای عمرانی حسب مورد ۵-۱۰ درصد از کل اعتبار طرح را به خود اختصاص می‌دهند و هزینه‌های عمومی اقتصادی را در قالب سه گروه هزینه‌های جاری، سرمایه‌ای و انتقالی بازگو نموده و بیان کردیم که هزینه‌های جاری غالباً بیش از ۷۵-۸۵ درصد از کل بودجه جاری دستگاههای اجرایی را شامل می‌گردند و در قالب حقوق و دستمزد و مزایا و کمک‌ها مطرح می‌باشند. میزان هزینه‌های سرمایه‌ای ۳-۵ درصد از کل بودجه جاری و در طرحهای عمرانی بیش از ۹۵ درصد از کل اعتبارات طرح را تشکیل می‌دهد. هزینه‌های انتقالی را هزینه‌هایی دانستیم که از سوی دولت‌ها به اقشار آسیب‌پذیر و واحدهای مشخص در قانون پرداخت می‌گردد و در قبال پرداخت این هزینه‌ها کالا یا خدماتی دریافت نمی‌شود.

در قسمت بعدی فصل اشاره‌ای به طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی از نگاهی دیگر گردید که هزینه‌های عمومی دولتها را در قالب چهار دسته براساس وظایف دولتها، براساس سازمانهای مختلف، براساس اولیه و ثانویه بودن هزینه‌ها و براساس هزینه‌های انتقالی و غیرانتقالی تقسیم‌بندی نمودیم.

همچنین به یک نوع دیگر از طبقه‌بندی هزینه‌ها اشاره کردیم و آن از نظر تأثیر اقتصادی بود و در قالب هزینه‌های خرید عوامل تولید و کالاهای مصرفی و هزینه یا پرداخت‌های انتقالی تقسیم‌بندی گردید.

بعد مورد بررسی دیگر در این فصل، طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی از دیدگاه اقتصاد توسعه بود که هزینه‌ها را در قالب چهار نوع هزینه‌های درآمدی، سرمایه‌ای، توسعه‌ای و



غیر توسعه‌ای تقسیم‌بندی نمودیم. و اشاره‌ای به اصول مخارج عمومی مطلوب گردید و هفت اصل مهم را بازگو نمودیم.

بالاخره آخرین بحث فصل علل افزایش هزینه‌های عمومی بود که طی بحث مستدل ۱۶ علت اصلی افزایش هزینه‌ای عمومی مطرح گردید و در بحث پایانی فصل به اثرات هزینه‌های عمومی در قالب اثرات مستقیم و غیرمستقیم مورد کنکاش قرار دادیم.

## خودآزمایی فصل ۵

- ۱- هزینه‌های عمومی دولت را تعریف نمایید.
- ۲- هزینه‌های عمومی دولت را تقسیم‌بندی نموده و تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۳- انواع هزینه‌های عمومی اقتصادی را تقسیم‌بندی نموده و با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۴- هزینه‌های عمومی را براساس وظایف دولتها، سازمانهای مختلف، اولیه و ثانویه بودن و انتقالی و غیرانتقالی بودن تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۵- هزینه‌های عمومی را از نظر تأثیر اقتصادی تقسیم‌بندی نموده، انواع هزینه‌های انتقالی را توضیح دهید.
- ۶- طبقه‌بندی هزینه‌های عمومی را از دیدگاه اقتصاد توسعه بنویسید.
- ۷- اصول هزینه‌های عمومی مطلوب را نام ببرید.
- ۸- علل افزایش هزینه‌های عمومی را توضیح دهید.
- ۹- اثرات مخارج عمومی را تقسیم‌بندی نموده و آنها را تجزیه و تحلیل نمایید.

## فصل ششم

### کسری بودجه

#### هدف کلی

آشنایی با تعاریف، تفاوت بین کسری بودجه و کسری مالی، انواع کسری بودجه از نظر معقول و غیرمعقول بودن، منابع تأمین مالی کسری بودجه، استقراض، انواع استقراض، علل افزایش استقراض، اهداف استقراض، روشهای تأدیه استقراض، بار استقراض، اثرات استقراض، سازمانهای جهانی قرض دهنده، نقش استقراض در اقتصاد در حال توسعه، مشکلات استقراض در کشورهای در حال توسعه و پیشنهادات.

#### هدفهای رفتاری

پس از مطالعه این فصل، انتظار دارد بتوانید :

- ۱- کسری بودجه را تعریف نمایید.
- ۲- کسری مالی را تعریف نمایید.
- ۳- تفاوت بین کسری بودجه و کسری مالی را تشریح نمایید.
- ۴- انواع کسری بودجه را از نظر معقول و غیرمعقول بودن تقسیم‌بندی نمایید.
- ۵- وظایف دولت را از دیدگاه آدام اسمیت نام ببرید.
- ۶- منابع تأمین مالی کسری بودجه را تقسیم‌بندی نمایید.
- ۷- انواع استقراض را از لحاظ زمان و طول مدت وام و از لحاظ محل تأمین وام تقسیم‌بندی نمایید.
- ۸- علل افزایش استقراض را بیان کنید.
- ۹- اهداف استقراض را نام ببرید.
- ۱۰- روشهای تأدیه استقراض را نام ببرید.

#### مقدمه

کسری بودجه در گذشته‌های دور نشانه بی‌کفایتی دولتها و دولتمردان و مایه شرمساری آنها بود و به هر حال تنها در شرایط استثنایی و اضطراری آن را قابل توجیه می‌دانستند. اغلب اقتصاددانان و دولتمردان سیاست کسر بودجه را مغایر با عقل سلیم می‌پنداشتند، حتی روزولت، رئیس جمهور وقت آمریکا که بعداً از پیروان سرسخت این سیاست شد، در ابتدا سیاست مزبور را سخت مشکوک تلقی می‌کرد، به گفته او "هر حکومت مانند هر خانواده می‌تواند یک سال اندکی بیش از درآمدش خرج کند. اما شما می‌دانید و من هم می‌دانم که استمرار این عادت، کار را به گداخانه خواهد کشاند." منظور روزولت از گداخانه، به نظر نگارنده صندوق بین‌المللی پول است. اما کینزگرایان به این قبیل انتقادات و واژه‌ها، پاسخ قانع‌کننده‌ای دادند. ثروت و دارایی یک کشور به آنچه که اقتصاد ملی آن کشور تولید می‌کند، بستگی دارد. اگر استقراض و خرج کردن آن توسط دولت، تولید را افزایش می‌دهد، که مطابق نظریه کینز چنین خواهد شد، آنگاه می‌توان گفت که استقراض و خرج کردن، موقعیت مالی کشور را بهبود خواهد بخشید. در حال حاضر، این سیاست به عنوان یک سیاست آگاهانه و مستمر مورد استفاده قرار می‌گیرد و همه کشورهای صنعتی غرب در همه سالهایی که کسری بودجه دارند، از این سیاست استفاده می‌نمایند و نوعاً کمیت و اهمیت نسبی این کسریها در حال افزایش و گسترش است. همچنین کشورهای در حال رشد و جهان سوم نیز مستثنی از این امر نیستند و چاره‌ای جز استفاده از این سیاست ندارند. در آمریکا مجموع بدهی‌های بخش دولتی و خصوصی در پایان جنگ دوم جهانی در حدود ۵۰۰ میلیارد دلار بود، در سال ۱۹۶۵ به حدود ۱/۳ تریلیون دلار رسید. از آن پس، دیون دولتی و خصوصی با سرعتی شتابان رو به افزایش گذاشت و طی دو دهه ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۵ در حدود ۷/۵ برابر افزایش یافت. در حال حاضر کلی بدهی دولتی و خصوصی این

دولت از مرز ۱۰ تریلیون دلار گذشته است.

### تفاوت بین کسری بودجه و کسری مالی

کسری بودجه زمانی صورت می‌پذیرد که درآمدهای جاری نتواند هزینه‌های جاری را بپوشاند. در چنین حالتی، هیچ فقره‌ای از حساب سرمایه در حد موردنظر تأمین نمی‌گردد. کسری مالی زمانی صورت می‌پذیرد که علاوه بر درآمدهای جاری، دریافت‌های سرمایه‌ای مثل قرضه عمومی را نیز مدنظر قرار بدهیم و در حقیقت جمع دریافت‌های جاری و سرمایه‌ای نتوانند هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای را بپوشانند. در حالت کسری بودجه، کسری بودجه کل اندازه‌گیری نمی‌گردد، لیکن در حالت کسری مالی، کسری بودجه کل اندازه‌گیری می‌شود.

### انواع کسری بودجه از نظر معقول و غیرمعقول بودن

کسری بودجه از نظر ماهیت و نوع هزینه‌های دولتی می‌تواند در حدود فعالیت مالی دولت قابل قبول (معقول) و غیر قابل قبول (غیرمعقول) تلقی گردد، که به طرق زیر ظاهر می‌شود:

#### ۱- کسر بودجه اداری (غیرمعقول)

این گونه کسر بودجه در نتیجه فقدان برنامه‌ریزی، سازماندهی و نظارت و کنترل صحیح اداری صورت می‌پذیرد، نبود سه مؤلفه فوق منجر به عدم هماهنگی در کار و حیف و میل بیش از اندازه در دستگاه‌های دولتی خواهد شد. یکی از مهمترین عوامل ایجاد کسر بودجه در دستگاه‌های دولتی، بزرگ شدن دولت‌ها است. بزرگ شدن دولت‌ها موضوعی نیست که فقط در کشورهای در حال توسعه دیده شود، بلکه کشورهای بزرگ صنعتی و حتی کشورهای بزرگ سرمایه‌داری نیز با آن سر درگیرباندند. صاحب‌نظران معتقدند عواملی که سبب بوجود آمدن یک دولت می‌شود، در واقع همان عواملی هستند که در بزرگ شدن دولت‌ها مؤثر هستند. آدام اسمیت برای دولت وظایف مشخصی را برمی‌شمرد. به گفته او دولت سه وظیفه دارد:

اول: حفاظت از جامعه در برابر تجاوزات ملل دیگر

دوم: حفاظت از تک‌تک افراد جامعه در برابر بی‌عدالتی‌ها یا سرکوبی‌های سایر افراد

جامعه

سوم: انجام دادن کارها و ایجاد سازمانهایی که بخش خصوصی توان آن را ندارند و یا از ایجاد آنها سرباز می‌زنند. (Smith, 1976).

با توجه به سه وظیفه فوق، می‌بینیم که کسر بودجه اداری بیشتر در سومین وظیفه دولت‌ها مطرح است یعنی در یک جمله می‌توانیم آن را در "دولت سالاری"<sup>(۱)</sup> خلاصه نماییم. نتیجه‌ای که دولت سالاری برای دولت‌ها دارد، تبدیل کردن دولت‌ها به عنوان کارفرمای نهایی<sup>(۲)</sup> است. تبدیل شدن دولت‌ها به کارفرمای نهایی، باعث افزایش هزینه‌ها خواهد شد. چرا که دولت‌ها همه کارها را خودشان به انجام می‌رسانند و برای انجام رساندن کارها، چاره‌ای جز استخدام مجدد را ندارند و به این ترتیب هزینه‌های اداری افزایش پیدا می‌کند و افزایش هزینه‌های اداری بدون افزایش درآمدها منجر به کسر بودجه اداری می‌گردد. دومین عامل کسر بودجه اداری ممکن است در نتیجه سیستم غلط و نامتناسب کسب درآمدهای عمومی باشد. یکی از سیستم‌های نامتناسب کسب درآمدهای عمومی، اجرای قانون مالیات بر "تعاون ملی" است. ظرفیت درآمدی مالیات بر تعاون ملی عملکردی بسیار ضعیف در ایران داشته است. آمارها نشان می‌دهد که بالا بودن هزینه‌های اجرایی این مالیات بالغ بر ۱۰ درصد درآمد حاصل از آن بوده است و این نشان دهنده عدم توجه کافی برای اجرای آن است. همچنین از آهنگ کندی برخوردار بوده است، بطوری که در سال ۱۳۶۸، اولین سال اجرای این قانون، کل مبلغ کسب شده ۱۰۲۰۶ میلیون ریال، در سال ۱۳۶۹، ۱۱۹۹۲ میلیون ریال، در سال ۱۳۷۰، ۱۲۶۸۳ میلیون ریال، در سال ۱۳۷۱، ۱۱۹۲۷ میلیون ریال، در سال ۱۳۷۲، ۱۱۶۲۴ میلیون ریال، در سال ۱۳۷۳، ۱۱۸۶۳ میلیون ریال، در سال ۱۳۷۴، ۱۰۱۱۷ میلیون ریال و در سال ۱۳۷۵، ۴۰۰۰ میلیون ریال بوده است. سومین عامل کسر بودجه اداری ممکن است در نتیجه انتخاب سیستم مالیاتی غیرکارآمد بوده باشد. بدین صورت که ممکن است سیستم مالیاتی کشور، با وضع اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها هماهنگ نباشد. در حقیقت به این نوع کسر بودجه، کسر بودجه غیرمعقول اداری می‌گویند و باید در رفع آن برنامه‌ریزی‌های عقلایی صورت پذیرد.

#### ۲- کسر بودجه ناشی از تغییرات در اوضاع و احوال اقتصادی (اقتضایی)

یکی از مهمترین تغییرات در اوضاع و احوال اقتصادی کشورهای در حال رشد در سالهای اخیر خصوصی سازی است. خصوصی سازی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کاهش

1- Bureaucracy

2- Employer of the Last Resort

حجم تصدی دولت‌ها مطرح است و باعث کوچک‌تر شدن دولت‌ها می‌گردد. کاهش حجم تصدی دولت به مرحله اجرا و عمل در نمی‌آید، مگر آنکه با برنامه‌ریزیهای مدون و دقیق و عقلایی بوده باشد. این کشورها نمی‌توانند از طریق خصوصی سازی به موفقیت‌هایی نائل شوند، چرا که اکثر این کشورها از مشکلات ساختاری رنج می‌برند. بسیاری از این کشورها، هنوز در مرحله ساختار دچار مشکل هستند و تا ساختار اقتصادی خودشان را حل نمایند، نمی‌توانند دست به تعدیل اقتصادی (خصوصی‌سازی) بزنند. به هنگام به مرحله اجرا در آوردن سیاست خصوصی‌سازی، در این کشورها بطور خودکار کسری بودجه مطرح می‌شود، چرا که کسری بودجه در بطن تغییرات اوضاع و احوال اقتصادی کشورهایی است که مشکل ساختاری دارند. این کشورها چاره‌ای ندارند، جز اینکه به تثبیت اقتصادی فکر نمایند و پس از تثبیت اقتصادی دست به تعدیل اقتصادی بزنند و تا زمانی که مرحله تثبیت را پشت سر نگذارند، کسری بودجه مثل به دنیا آمدن تصاعدی حیواناتی چون سگ در نظام خلقت خواهد بود.

از نگاهی دیگر می‌توانیم تغییرات در اوضاع و احوال اقتصادی را در سیکل دورانه‌های اقتصادی جستجو نمائیم. دورانه‌های اقتصادی از نظر مراحل ترقی به بهبود و رونق و از نظر مراحل تنزل به بحران و رکود تقسیم می‌شود که مجموع آنها را یک سیکل اقتصادی می‌گویند.

استفاده از سیاست‌های انقباضی و انبساطی هرچند یکی از ضرورت‌های دورانه‌های اقتصادی است، لیکن بعضی از وظائف دولت در کلیه مراحل دورانه‌های اقتصادی لازم است، هرچند منجر به کسری بودجه اداری می‌گردد، از آن جمله می‌توان به استقرار نظم و برقراری امنیت دولتها اشاره کرد و در مراحل ترقی و تنزل چاره‌ای جز اجرای استقرار نظم و برقراری امنیت ندارد و در حقیقت تعطیل بردار نیست.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد استفاده بهینه از نوسانات فصلی درآمدهای دولتها است. از جمله نوسانات فصلی می‌توان به قیمت نفت در ایران اشاره کرد. زمانی که قیمت نفت سیر نزولی را می‌پیماید، دولتهای عاقل باید از صدور بی‌رویه نفت جلوگیری نمایند و به عوض به صادرات غیرنفتی روی بیاورد، هرچند در این تغییر (تغییر از درآمد نفتی به درآمد غیرنفتی) کسری بودجه‌ای برای دولت به بار بیاید، چرا که در بلندمدت می‌توان این کسری را جبران نمود.

### ۳- کسری بودجه ناشی از سرمایه‌گذاریهای عمرانی (معقول)

اکثریت کشورهای در حال توسعه از سرمایه‌گذاریهای عمرانی رنج می‌برند. سرمایه‌گذاریهای عمرانی، سرمایه بر و هزینه بر هستند و سرمایه بر و هزینه بر بودن باعث عدم تعادل در بودجه کل کشور خواهد شد، عدم تعادل به علت ضعف توانایی مالی جامعه بوده و این ضعف قدرت مالی به صورت کسر درآمد بروز می‌کند که در مالیه جدید به عنوان کسر بودجه معقول شناخته شده است. بعضی از صاحب‌نظران کسر بودجه سرمایه‌گذاریهای عمرانی را کسر بودجه نمی‌دانند، زیرا مخارج سرمایه‌گذاریهای عمرانی را هزینه‌های تولیدی می‌دانند که در بلندمدت منجر به افزایش تولید ناخالص ملی خواهد شد. یکی از منابع تأمین سرمایه‌گذاریهای عمرانی انتشار اوراق قرضه دولتی است، چرا که تورم‌زا نبوده و سیستم بهینه‌ای را در جامعه ایجاد می‌نماید.

سرمایه‌گذاری عمرانی در بلندمدت به نفع کشورهای در حال توسعه است ولی در کوتاهمدت اقشار آسیب‌پذیر را به دلیل ضعف بنیه مالی با مشکلات مواجه می‌کند و در کوتاهمدت باید با حمایت‌های دولتی آنها را در صحنه اقتصادی نگه داشت. جدول شماره ۱-۱ انواع کسری بودجه را به وضوح نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱-۱: انواع کسری بودجه

نوع	مشخصات و ویژگی‌ها
کسر بودجه اداری	- تبدیل شدن دولت‌ها به عنوان کارفرمای نهایی (دولت‌سالاری) - حاکم شدن سیستم غلط و نامتناسب کسب درآمدهای عمومی - حاکم شدن سیستم مالیاتی غیرکارا
کسر بودجه ناشی از تغییرات در اوضاع و احوال اقتصادی	- حاکم شدن واژه خصوصی‌سازی بدون در نظر گرفتن مشکلات ساختاری - حاکم شدن تعدیل اقتصادی قبل از تثبیت اقتصادی - در نظر نگرفتن فرهنگ جوامع در کشور - حاکم شدن نوسانات فصلی درآمدهای دولتها
کسر بودجه ناشی از سرمایه‌گذاری‌های عمرانی	- سرمایه‌بر و هزینه‌بر بودن سرمایه‌گذاری‌های عمرانی - عدم تعادل در بودجه کل کشور - سروی آوردن دولتها به انتشار اوراق قرضه دولتی

## منابع تأمین مالی کسری بودجه

منابع تأمین مالی کسری بودجه را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم‌بندی نمود:

## ۱- انتشار اوراق قرضه دولتی

انتشار اوراق قرضه دولتی به صورت اسناد بهادار با نرخ بهره معین منتشر می‌شود. اوراق قرضه، اسنادی است که به موجب آن دولت‌ها تعهد می‌نمایند مبالغ (بهره سالانه) را در زمانهای خاص به دارنده آنها پرداخت نمایند. انتشار این اوراق منجر به جمع‌آوری پس‌اندازهای کوچک مردم و تجهیز سرمایه‌گذاری مالی توسط دولت‌ها، آنها را یاری می‌کند که از این طریق به برنامه‌های عمرانی کمک نمایند. انتشار اوراق قرضه دولتی و فروش آن توسط دولت‌ها به مردم، به فرهنگ اعتماد عمومی مردم به دولت‌ها بستگی دارد، اگر مردم به دولت‌ها، اعتماد عمومی داشته باشند به راحتی این اوراق را خواهند خرید، ولی در صورتی که اعتماد عمومی به دولت‌ها نباشد، فروش اوراق قرضه دولتی با کندی صورت می‌پذیرد.

برای بیان تغییراتی که در قیمت اوراق قرضه دولتی رخ می‌دهد، از سیستم واحد و یک صدم واحد استفاده می‌شود، قیمت اوراق قرضه بر مبنای درصد ارزش اسمی آنها بیان می‌شود. برای بیان نرخ بهره اوراق قرضه، از سیستم اعشاری استفاده می‌شود. برای مثال اگر نرخ بهره اوراق قرضه  $\frac{1}{4}\%$  درصد و نرخ بهره دیگری از اوراق قرضه  $\frac{1}{4}\%$  درصد باشد، در اصطلاح می‌گویند که نرخ بهره اوراق قرضه نوع اول به میزان ۲۵ صدم درصد بیش از نرخ بهره اوراق قرضه نوع دوم است. معمولاً نرخ بازده جاری و نرخ بازده تا سررسید اوراق قرضه نیز به صدم درصد بیان می‌شود.

## ۲- استقراض

استقراض به عنوان مهمترین درآمد غیر مالیاتی دولت‌ها در نظام مالی و بودجه‌بندی عمومی است که نقش بسیار مهمی را به عهده دارد. واژه استقراض، پدیده‌ای قدیمی بوده و قدمت آن شاید به تاریخ زندگی اجتماعی بشر برگردد. "استقراض به معنی استفاده از ظرفیت‌های پس‌انداز جامعه و بکار انداختن آن در تأمین نیازهای مالی و یا در راه پیشرفت اقتصادی است." به عبارت دیگر کلیه وام‌ها و قرضه‌های دولتی از بانک مرکزی و

بانکها و سازمانهای تجاری و مردم کشورها و همچنین وام‌های دریافتی از کشورهای خارجی است. همچنین اثرات استقراض از مباحث عمومی و فراگیری است که در طول بحث به آن خواهیم پرداخت.

## انواع استقراض

در بررسی انواع استقراض، دو موضوع مورد توجه می‌باشد، یکی از لحاظ زمان و طول مدت وام و دیگری از لحاظ محل تأمین وام.

## ۱- انواع استقراض از نظر زمان و طول مدت بازپرداخت

از نظر زمان و طول مدت بازپرداخت استقراض را به سه دسته زیر تقسیم می‌نمایند.

۱-۱- وام‌های کوتاه مدت<sup>(۱)</sup>

۱-۲- وام‌های میان مدت<sup>(۲)</sup>

۱-۳- وام‌های بلند مدت<sup>(۳)</sup>

وام‌های کوتاه مدت به صورت اسناد خزانه، سپرده‌های خزانه و یا قرضه ملی انتشار می‌یابد. در اسناد خزانه مبلغ سند، تاریخ انتشار، تاریخ استهلاك، نرخ بهره قید می‌شود و زمانی انتشار می‌یابد که دولت بخواهد قدرت خرید اضافی را از دست مردم خارج نماید. این وام‌ها معمولاً کمتر از یک سال است.

وام‌های میان مدت، ۳ تا ۱۰ سال می‌باشد و امروزه بخش عظیمی از بدهی‌های دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. این نوع وام‌ها ممکن است از طریق خزانه‌داری و یا بطور غیرمستقیم و از جانب شرکت‌های دولتی و مؤسسات صورت پذیرد و انتشار یابد.

وام‌های بلند مدت برای زمانهای بیش از ۱۰ سال منتشر می‌شود و به صورت قرضه‌های دائمی در اختیار خریداران قرار می‌گیرد و هر از چند گاه، بهره آن پرداخت می‌گردد.

- 1- Short - Term
- 2- Middle - Term
- 3- Long - Term

## ۲- انواع استقراض از نظر محل تأمین

استقراض از نظر محل تأمین به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف- وام‌های داخلی<sup>(۱)</sup> دولت

وام‌های داخلی دولت ممکن است از سیستم بانکی صورت پذیرد و یا بطور غیرمستقیم و با ایجاد تسهیلات در امر حج و زیارت، فروش سکه و یا اتموبیل و غیره باشد.

ب- وام‌های خارجی<sup>(۲)</sup> دولت

وام‌های خارجی از طرف دولت‌های خارجی، سازمان‌های ملی بین‌المللی، مؤسسات اقتصادی و شرکت‌های خارجی ممکن است بوده باشد.

## انواع استقراض از نگاهی دیگر

## ۱- داخلی و خارجی

استقراض داخلی در واقع از درون یک کشور نشأت می‌گیرد و استقراض خارجی در ارتباط با بیگانگان و یا سازمانها و دول خارجی است.

## ۲- بارور و غیربارور

استقراض بارور، کسب وام‌هایی است که می‌تواند یک رشته درآمد کافی را در جهت پرداخت اصل و بهره وام ایجاد کند. به عبارت دیگر، این گونه دیون، زاینده هستند و در اموری مورد استفاده قرار می‌گیرند که از طرق مختلف بتواند اصل و بهره وام را پرداخت کند، ولی مثلاً وام‌هایی که برای جنگ اخذ می‌گردد، هیچگونه دارایی و درآمدی را ایجاد نمی‌کنند و در واقع، اینگونه وامها، مرده، نازا و غیربارور هستند.

- 1- Internal Loans
- 2- External Loans

## ۳- کوتاه مدت و بلندمدت

وام‌های کوتاه مدت بعد از دوره کوتاه زمانی باید بازپرداخت گردند. به عنوان مثال، اسناد خزانه بعد از سه ماه باید از طریق بانک مرکزی با ابزار مشخصی پرداخت گردد. اینگونه وامها در واقع پلی بر روی شکاف موقتی بین درآمدهای جاری و هزینه‌های جاری هستند. این نوع بدهی‌ها، بدهی سیال و شناور هم نامیده می‌شوند. متقابلاً وام‌های بلندمدت بعد از مدت زمانی طولانی و پس از چندین سال باید بازپرداخت شوند و به آنها قروض و بدهی‌های سرمایه‌ای هم می‌گویند.

جدول شماره ۲-۶، انواع استقراض را از نگاهی دیگر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲-۶: انواع استقراض

نوع	مشخصات و ویژگی‌ها
داخلی و خارجی	- نشأت گرفتن از درون یک کشور در حالت داخلی بودن و نشأت گرفتن از بیگانگان و یا سازمانها و دول خارجی در حالت خارجی بودن نوع استقراض
بارور و غیربارور	- کسب یک رشته درآمد کافی در جهت پرداخت اصل و بهره وام در حالت بارور بودن - عدم کسب درآمد، مرده و نازا بودن در حالت غیربارور بودن
کوتاه مدت و بلندمدت	- بازپرداخت وامها بعد از دوره کوتاه زمانی در حالت کوتاه مدت بودن - بازپرداخت وامها بعد از چندین سال در حالت بلندمدت بودن

## علل افزایش استقراض

چندین علت عمده وجود دارد که موجب افزایش استقراض می‌شوند:

۱- مهمترین علت افزایش استقراض، جنگ یا آمادگی جنگی است. ملت‌ها به حفظ تمامیت ارضی خود اهمیت بسیار می‌دهند و از هیچگونه فداکاری در جهت دفاع از کشور خود دریغ نمی‌ورزند. بنابراین، هرچنگی موجب می‌شود که کشورها تحت فشار بدهی

بیشتری قرار گیرند.

۲- علت دوم وجود کسر بودجه در حساب جاری است. این کسریها و کمبودها نشأت گرفته از لزوم ابقاء کامل فعالیت‌های اقتصادی در سطح جامعه‌ای است که احساس می‌شود از توسعه باز خواهد ایستاد.

۳- عامل سوم، افزایش دیون عمومی تقبلی دولتها درجهت ایجاد و پیاده کردن طرحهای رفاهی در جوامع خود می‌باشد.

۴- در نظام مطلوبیت ملی که سودآوری وضعیت مناسبی ندارد، هیچ نوع کنترل دقیقی بر هزینه‌های افزایش یابنده که موجب ایجاد ضررهایی بیش از منافع می‌گردد، وجود ندارد و این هزینه‌ها مرتباً بار دیون عمومی را افزایش می‌دهند.

۵- در سالهای اخیر، ضرورت رشد اقتصادی موجب شده است که کشورهای توسعه نیافته، دیونی را هم به صورت داخلی و هم به شکل خارجی برای خود ایجاد نمایند و در نتیجه حجم استقراض آنها مرتباً افزایش یابد.

### اهداف استقراض

موارد زیر اهداف اصلی پدید آمدن استقراض عمومی هستند:

#### ۱- ایجاد پل بین درآمدها و هزینه‌ها

این مسأله اغلب اتفاق می‌افتد که در اواخر سال مالی، دولت با کسر بودجه مواجه می‌شود. به منظور پوشاندن شکاف بین درآمدها و هزینه‌ها، دولت به اخذ وامهای موقتی دست می‌زند و یا از طرق گوناگون از بانک مرکزی کمک می‌گیرد تا این شکاف را پر کند. مثلاً در هند، معمولاً دولت اسناد خزانه‌ای را منتشر می‌کند که بعد از سه ماه باید بازپرداخت گردند.

#### ۲- برنامه امور مالی عمومی

در زمان رکود، دولت باید برای ایجاد اشتغال، برنامه توسعه کارهای عمومی را تنظیم نماید که مستلزم هزینه فراوان است. در چنین حالتی، در واقع پول در جهت برچیدن رکود به پیکره اقتصاد جامعه تزریق می‌شود، به همین علت فراهم آوردن وامهای عمومی به

منظور تحقق بخشیدن به ثبات اقتصادی، ضروری می‌شود.

#### ۳- فرونشاندن تورم

زمانی که تورم در جامعه پدید می‌آید، پائین آوردن قیمت‌ها، یک هدف است. در چنین راستایی، دولت اوراق وامهای عمومی را منتشر خواهد کرد، بدین ترتیب، پول یا قدرت خرید در سطح ملی کاهش می‌یابد و کاهش عرضه پول، موجب پائین آمدن قیمت‌ها خواهد شد.

#### ۴- نیازهای توسعه اقتصادی

امروزه، کشورهای توسعه نیافته، به توسعه سریع اقتصادی بسیار علاقمند هستند و این امر بستگی به حجم زیاد سرمایه‌گذاری دارد. آنها قادر نیستند که از طریق مالیات نیازهای مالی خود را در حد کافی و مناسب تأمین نمایند. بنابراین، توسل به قرض عمومی ضروری است.

#### ۵- مالیه بخش عمومی

در یک نظام اقتصادی آنچه که به طور متزاید مشهود و مردم پسند می‌شود وضعیت عمومی اقتصاد است. به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، بخش عمومی به سرعت باید گسترش یابد. اداره این بخش نیز بدون توسل به قرض عمومی امکان پذیر نیست.

#### ۶- مالیه جنگ

امروزه یک جنگ هزینه بسیار زیادی را به خود اختصاص می‌دهد. تأمین مالی جنگ صرفاً از طریق گرفتن مالیات و ادامه جنگ فقط با اتکاء بر مالیات، ساده‌اندیشی است. در واقع، در این مورد نیز قرضه عمومی نقش اساسی به عهده دارد. به این ترتیب استقراض به عنوان ابزاری برای پر کردن شکاف بین درآمدها و هزینه‌های تأمین مالی برنامه ملی توسعه اقتصادی و جنگ ضرورت دارد.

جدول شماره ۳-۶، اهداف استقراض را به وضوح نشان می‌دهد.

## جدول شماره ۳: اهداف استقراض

هدف	مشخصات و ویژگی‌ها
ایجاد پل بین درآمدها و هزینه‌ها	- مواجه شدن دولتها با کسری بودجه در اواخر سال مالی - متوسل شدن دولتها به اخذ وام‌های موقتی برای پر کردن شکاف بین درآمدها و هزینه‌ها
برنامه امور مالی عمومی	- کمک گرفتن دولتها از طرق مختلف از جمله بانک مرکزی - ضرورت تحقق بخشیدن به ثبات اقتصادی توسط دولتها - تزریق پول به پیکره اقتصاد جامعه در جهت برچیدن رکود در اقتصاد
فرونشاندن تورم	- انتشار اوراق وام‌های عمومی توسط دولت جهت پایین آوردن قیمت‌ها
نیازهای توسعه اقتصادی	- متوسل شدن دولتها به قروض عمومی جهت سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور
مالیه بخش عمومی	- امکان‌پذیر نبودن اداره امور مالی بخش عمومی بدون توسل به قرض عمومی
مالیه جنگ	- ضرورت استفاده از قرض برای پرکردن شکاف بین درآمدها و هزینه‌های تأمین مالی برنامه ملی توسعه اقتصادی و جنگ در اقتصاد کشور به‌عنوان یک ابزار اساسی

## روشهای تأدیه استقراض

رعایت صداقت و درستی در پرداخت بدهی‌ها، عامل بقای دولتهای جدید است، بازپرداخت بدهی، اعتبار ملی را ابقاء و تقویت می‌نماید و احياناً اگر حادثهای در سطح ملی رخ دهد، دولتهای خوش سابقه به راحتی می‌توانند نیاز مالی خود را تأمین کنند. بازپرداخت وامها و همچنین سرمایه‌ها را برای تجارت و صنعت آزاد می‌کند. روشهای بازپرداخت ذیل از جمله روشهای پذیرفته شده در این مورد می‌باشد:

## ۱- استفاده از مازاد درآمد

یک روش قدیمی است و چندان مناسبی با اوضاع و احوال امروزی ندارد. مازاد بودجه، پدیده‌ای مثبت تلقی نمی‌شود. زمانی که مراددی وجود داشته باشد در واقع گواه

بر این امر است که نمی‌تواند بطور بارور درجهت کاهش بدهی عمومی مورد استفاده قرار گیرد.

## ۲- خرید اوراق قرضه دولتی

دولت می‌تواند سهام اوراق قرضه خود را از بازار خریداری نماید. به این ترتیب، دیون دولت تقلیل خواهد یافت و اگر اوضاع مناسب تشخیص داده شود، این کار می‌تواند از طریق بکارگیری درآمدهای مازاد یا بوسیله قرض گرفتن وام‌هایی بانرخ بهره پایین ممکن گردد.

## ۳- سال پرداختهای قابل فسخ

وقتی که بدهی ثابتی را بخواهیم کاملاً پرداخت نمائیم، می‌توانیم به بستانکاران، مبلغ ثابتی را طی چندین سال پرداخت کنیم. این پرداختهای سالانه، "سال پرداخت" نامیده می‌شود. واضح است که در طی چندین دوره زمانی که سال پرداختها تأدیه می‌شوند به دولت فشار مالی بیشتری نسبت به زمانی که تنها بهره‌ها پرداخت می‌شود، وارد می‌شود.

## ۴- تسعیر (تبدیل ارز)

روشی جهت کاهش بار بدهی است. یک دولت ممکن است زمانی که نرخ بهره بالا بوده است، قرض گرفته باشد. حالا اگر نرخ بهره پائین آمده باشد، دولت مذکور می‌تواند وام نرخ بهره را به وام دیگری با بهره پائین تبدیل نماید. دولت، بستانکاران را متوجه این امر می‌کند، که یا باید با کاهش نرخ بهره برای پرداخت در آینده موافقت کنند و یا تنها بازپرداخت وام را بپذیرند. در چنین حالتی، صاحبان اوراق قرضه نرخ پائین‌تر را نمی‌پذیرند، سپس دولت یک وام جدید را با نرخ پائین‌تر بهره با عایدات مبلغ بدهی قبلی ایجاد می‌نماید. اثر این کار، تبدیل وام با نرخ بهره بالا به وام با نرخ بهره پائین خواهد بود که به این ترتیب از بار مالی کاسته می‌شود.

## ۵- وجوه استهلاکی

این روش، مهم‌ترین روش است. وجه استهلاکی در واقع وجهی است که برای بازپرداخت هر وام از راه پرداخت یک مبلغ معین از درآمد جاری در نظر گرفته می‌شود.



مبلفی که کنار گذاشته می شود می تواند طی بیش از یک دوره جمع آوری شده باشد. کل مبلغ جمع شده همراه بایره مربوطه آن می تواند به گونه ای سازمان داده شود که برای بازپرداخت وام کافی باشد.

به جز روشهای بازپرداخت دیون که بطور معمول توسط دولتهای کنونی پذیرفته شده است، تعداد پیشنهادهای انقلابی و غیرسنتی نیز جهت پرداخت یا کاهش بدهی متداول است. انکار بدهی یا تغییر اجباری مقیاس و میزان سرمایه و یا بهره سرمایه های ملی که در اختیار دولت می باشد، از این مقوله هستند. ظاهراً این روشها غیر اخلاقی و نادرستاند و در ارتباط با این موارد، دولتها هیچ مسئولیتی را نمی پذیرند. ولی این حکم اخلاقی نیازمند تفسیر و تفصیل است و همیشه نمی تواند مورد قبول باشد.

جدول شماره ۴-۶، این روشها را نشان می دهد.

جدول شماره ۴-۶: روشهای تأدیه استقراض

هدف	مشخصات و ویژگی ها
استفاده از مازاد درآمد	- قدیمی بودن روش / عدم تناسب با وضعیت اوضاع و احوال امروزی کشورها - پدیده ای مثبت تلقی نمی شود
خرید اوراق قرضه دولتی	- خریداری کردن سهام اوراق قرضه دولتی توسط دولتها و تقلیل دیون دولت
سالپرداختهای قابل فسخ	- تأدیه پرداختها به بستانکاران در طی چندین دوره زمانی
تسعیر (تبدیل ارز)	- تبدیل کردن وام با نرخ بهره بالا به وام با نرخ بهره پایین و کاستن بار مالی دولت
وجوه استهلاکی	- در نظر گرفتن یک مبلغ معین از درآمد جاری کشور برای بازپرداخت هر وام

#### پاراستقراض

برای تشخیص پاراستقراض، ماهیت و هدف آن را به عنوان معیار در نظر می گیریم. اگر بدهی به منظور اهداف تولیدی و باروری در نظر گرفته شده باشد (مثلاً برای توسعه شبکه آبیاری و خطوط راه آهن) هیچگونه بار بدهی نخواهد داشت. به عبارت دیگر، این نوع وام

حتی می تواند ایجاد سود هم بکند (اگر ایجاد چنین طرحهایی با موفقیت انجام پذیرفته باشد). اما اگر بدهی در ارتباط با امور غیر بارور باشد، هم بار پولی و هم بار واقعی را به جامعه تحمیل خواهد کرد. میزان این بار مالی بستگی به داخلی یا خارجی بودن استقراض دارد.

#### ۱- بار استقراض داخلی

استقراض داخلی بستگی به جریان انتقالات ثروت در داخل یک جامعه دارد. برای مثال وقتی که وامی گرفته می شود، پول از سهام دهندگان به دولت منتقل می شود، سپس دولت نیز آنها را به مقاطعه کاران، کارمندان و مستخدمین دولت و سایر مردم، از طریق خرید کالاها و خدمات، منتقل می کند و به این ترتیب، پول از بخشهای مختلف جامعه به دیگر بخشها انتقال می یابد. در چنین حالتی، واضح است که بطور کلی، بار پولی بدهی به صورت مستقیم در جامعه وجود ندارد، اما یک بار واقعی مستقیم (مثل فدا نمودن و لطمه زدن به رفاه اقتصادی) در ارتباط با ماهیت نقل و انتقالات ثروت ایجاد خواهد شد. اگر از طریق این نقل و انتقالات، ثروت بین تعداد افراد بیشتری توزیع گردد، مثلاً از غنی به فقیر منتقل گردد، در چنین حالتی، بدهی عمومی به عنوان یک عامل سودمند و نه یک بار و فشار مالی، تلقی خواهد شد. اما اگر بدهی عمومی موجب گسترش درآمد ثروتمندان و افزایش هزینه فقرا شود، عامل تحمیل بار واقعی خواهد بود. حال اجازه بدهید که ماهیت این نقل و انتقالات را دقیق تر، بررسی نمائیم. به منظور بازپرداخت اصل و بهره بدهی، دولتها باید مالیات وضع نمایند. آنچه که مالیات دهندگان می پردازند، صاحبان اوراق قرضه دریافت می دارند. صاحبان اوراق قرضه معمولاً جزء مردمان ثروتمند هستند و بار مالی مالیات هیچگاه منحصر بر روی مردم غنی نمی افتد، مگر آنکه مالیاتهای مأخوذه به نحو دقیق و مؤثر و برنده ای از طبقه غنی گرفته شود، که این حالت به ندرت اتفاق می افتد. البته در مورد مالیاتهای غیرمستقیم، بار مالیات هم بر دوش فقیر و هم غنی می افتد. در چنین حالتی بار مالیاتی و فشار مالی بر روی رفاه اقتصادی است. این بار مالی از جنبه اینکه ثروت را از جوان به پیر (صاحبان سهام و اوراق قرضه و بستانکاران دولت معمولاً در سنین بالا هستند) و از اعضای فعال جامعه به اعضای غیرفعال (که سابقاً فعال بودند) منتقل می سازد، قابل تأکید است و می توان به آن اهمیت داد. به این ترتیب بدهی داخلی

انعکاس و برگشتی زیان آور در توزیع دارد و یک بار واقعی مستقیم است. بار واقعی غیرمستقیم بدهی در ارتباط با اثرات تحمیلی آن در خصوص جلوگیری از تولید می باشد. اگر میل و توانایی در جهت کار کردن و پس انداز کاهش یابد، طبعاً جلو تولید گرفته می شود. اگر بازپرداخت بدهی موجب پرداخت مالیاتهای خیلی سنگین بشود، باعث کاهش توانایی و خواست و میل افراد در ارتباط با کار و فعالیت و پس انداز خواهد گردید.

## ۲- بار استقراض خارجی

استقراض خارجی عبارت از جابجایی هایی در ثروت، اما نه مثل بدهی و استقراض داخلی در داخل همان کشور، بلکه تفاوت هایی با استقراض داخلی دارد. زمانی که وامی گرفته می شود، ثروتی از کشور وام دهنده به کشور وام گیرنده منتقل می گردد و وقتی که وام بازپرداخت می شود این جابجایی در جهت عکس است. دینی که توسط کشور بدهکار با اصل و بهره آن تأدیه می شود، برای آن جامعه در واقع یک بار پولی مستقیم است، ولی اگر ما بخواهیم اطلاع کامل تری در ارتباط با بار واقعی مستقیم داشته باشیم (مثل ضرر زدن به رفاه اقتصادی) می باید نسبت های توزیع پرداختها بین فقیر و غنی را در نظر بگیریم. دولت پول مورد نیاز خود را از طریق مالیات به دست می آورد. اگر مالیات بیشتر از ثروتمندان گرفته شود، بار واقعی مستقیم آن کمتر از زمانی خواهد شد که این پول از فقرا اخذ گردد. مبلغی که ما از این بابت به بستانکار بیگانه و خارجی می پردازیم به او امکان کنترل بر روی کالاها و خدمات را می دهد. او طبعاً پول ما را دور نمی اندازد، چون در واقع این یک نوع عدم استفاده از آن است، بلکه با آن پول، کالاهایی را از کشورها می خرد، در حالیکه ما بدهی نداشته باشیم و مجبور باشیم آن را پرداخت کنیم. این گونه کالاها می توانند توسط خود ما مورد استفاده قرار گیرند. این امر بیان کننده یک نوع کاهش رفاه اقتصادی و بنابراین، یک بار مستقیم واقعی است. بار غیرمستقیم استقراض خارجی در ارتباط با جلوگیری و بازداشتن تولید ثروت در اقتصاد می باشد. مالیاتهای تحمیلی که جهت فراهم آوردن سرمایه برای بازپرداخت وام اخذ می شود، موجب کاهش تمایل و توانایی مردم در ارتباط با کار و پس انداز می گردد. پرداخت قرض گرفته شده توسط دولت، موجب کاهش هزینه های عمومی در راستای تولید می باشد و بنابراین، از تولید جلوگیری می نماید. پرداختهای بین المللی می تواند تنها از طریق صدور کالاها انجام پذیرد، که در

این صورت، کشور باید بیشتر تولید نماید. بنابراین، گفته می شود که تولید، تحریک گردیده و انگیزه مربوط به آن ایجاد شده است. ولی در حقیقت تولید در مسیرهای خاص جریان یافته است که هیچگونه افزایش کل در محصول و اشتغال ایجاد نخواهد نمود. عوامل تولید، محدود هستند و اگر به آنها در صنایع صادراتی نیاز باشد، باید از دیگر صنایعی که می توانند مفید باشند، خارج گردند. به این ترتیب، این روند موجب اختلاف منابع و امکانات می گردد و هیچگونه مازاد خالصی در تولید و اشتغال نخواهد داشت.

## اثرات استقراض

امروزه استقراض هم گسترده و هم جاذب است. تقریباً همه کشورها به استقراض متوسل می شوند. عملیات مالیه که ایجاد استقراض بدان بستگی دارد، در تولید، توزیع، مصرف و سطح درآمد و اشتغال اثر می گذارد.

### ۱- اثر بر تولید

از طریق وامهای عمومی که توسط دولتهای امروزی، هم در بازار سرمایه داخلی و هم در خارج از آن اخذ می شود، نقدینه زیادی فراهم می شود که امکانات مالی جهت سازمانهای تولیدی در رشته های گوناگون را فراهم می آورد. سازمانهایی که اساس تولید اقتصاد را می سازند و در محدوده زمانی خاص، موجب افزایش عظیم در بازده کشور می باشند.

استقراض، موجودیهای غیرفعال مردم را به سرمایه ای فعال تبدیل می کند، بازپرداخت وامها، همچنین پول را از هزینه به پس انداز کردن سوق می دهد. به این ترتیب، استقراض فرآیند شکل گیری سرمایه هایی را که امکانات تولیدی کشور را افزایش می دهند، سازمان می دهد.

### ۲- اثر بر مصرف

زمانی که مردم تعهد پرداخت وامهای دولت را می نمایند، معمولاً باید از مصرف خود بکاهند، در چنین صورتی، میل به مصرف کاهش می یابد و محدود می شود. از این جهت، سرمایه گذاری سرمایه های ایجاد شده توسط قرض گرفتن، سطح اشتغال را بالا می برد و

درآمدهای مردم را افزایش می‌دهد و مصرف آنها نیز به تبع، افزایش می‌یابد. قسمت عمده این فرآیند، بستگی به این دارد که سرمایه‌هایی که به وسیله استقراض ایجاد شده است، توسط دولت چگونه خرج گردند.

### ۳- اثر بر توزیع

وامهای عمومی پول را از اغنیاء به دولت انتقال می‌دهند، اما عملیات مالی، ابتدا جهت سوددهی به فقرا شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند، یا درآمدهای فقرا از طریق افزایش سطح اشتغال مستقیماً افزایش می‌یابد و یا اینکه سود آنها از طریق خدمات اجتماعی عظیم به طور غیرمستقیم حاصل می‌شود. در چنین حالتی، ثروت ملی قبل از توزیع، در جهت کاهش فقر مستمندان سازماندهی می‌شود. این روند در جهت کاهش فقر است و از طریق تأمین و گسترش استقراض، وامهای عمومی در جهت تغییر توزیع ثروت در کشور بکار گرفته می‌شود: "غنی کمتر غنی می‌شود و فقیر کمتر فقیر می‌گردد و به این ترتیب، شکاف بین فقیر و غنی کمتر و خلیج بین آن دو باریکتر می‌شود."

### ۴- اثر بر سطح درآمد و اشتغال

در دنیای جدید به منظور ایجاد سرمایه در جهت تأمین مالی امور کشاورزی، صنعت، گسترش وسایل حمل و نقل و ارتباطات و یا برای تشکیل امور اصلی آبیاری، به استقراض متوسل می‌شوند. معمولاً طرحهای محلی توسعه جهت افزایش فرصت‌های اشتغال در محدوده روستایی شکل می‌گیرند. به این ترتیب نه تنها فعالیت‌های اقتصادی کشور بارور می‌شوند، بلکه حجم اشتغال افزایش می‌یابد و سطح درآمدها بالا می‌رود.

### اثرات استقراض از نگاهی دیگر

با توجه به وسعت و گستردگی زمینه‌های مطالعه و بررسی موضوع، در این قسمت صرفاً اثرات استقراض داخلی و خارجی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد. (سمیعی، ۱۳۶۸).

### □ الف - اثرات استقراض داخلی

قرضه داخلی به صورت قرضه دولتی مطرح می‌شود و در مواقعی که درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای عمومی تکافوی هزینه‌های عمومی دولت (جاری و عمرانی) را نمی‌کند، مورد بحث واقع می‌شود. اثرات قرضه داخلی در صورتی که حساب شده و طبق برنامه‌ریزیهای دقیق انجام شود، بسیار مثبت و در جهت تثبیت اقتصادی، کنترل تورم، کاهش سطح تقاضا و تعادل بیشتر بین توقعات و انتظارات عمومی با امکانات و مقدرات ملی خواهد بود.

بطور کلی می‌توان گفت که قرضه داخلی به منزله انتقال قدرت خرید مردم و مؤسسات اقتصادی به دولت در جهت استفاده بهتر و ضروری‌تر از آن می‌باشد.

### □ ب - اثرات استقراض خارجی

قرضه خارجی، انتقال پس‌انداز خارجی به داخل کشور می‌باشد. این انتقال یا بطور مستقیم و به وسیله دولتهای خارجی صورت می‌پذیرد و یا به صورت غیرمستقیم و از طریق شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی بخش خصوصی خارجی صورت می‌گیرد. نوع دیگر استفاده از وامها و کمک‌های سازمانهای مالی بین‌المللی است.

با توجه به اهمیت موضوع، کلیه آثار قرضه خارجی تحت دو عنوان کلی آثار منفی و آثار مثبت مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

### آثار منفی قرضه خارجی

آثار منفی قرضه خارجی سه نوع وابستگی برای کشورها به بار می‌آورد. این سه نوع عبارت‌اند از:

#### ۱- ایجاد وابستگی‌های اقتصادی

استقراض خارجی معمولاً برای کشور فرض‌گیرنده نوعی وابستگی اقتصادی بوجود می‌آورد. این وابستگی می‌تواند هم به لحاظ مسائل فنی و شرایط استقراض باشد و هم اینکه با زمینه‌سازیهایی قبلی انجام پذیرد، که در نتیجه بسیار زبان بار خواهد بود. همچنین وابستگی روزافزون به مواد اولیه، گالاهای واسطه‌ای، ماشین‌آلات و تجهیزات فنی و

بالاخره کارشناسان خارجی و صنعتی را بوجود می‌آورد که نیاز به امکانات مالی و سرمایه‌های خارجی، روز به روز شدیدتر و وابستگی اقتصادی عمیق‌تر می‌گردد. غالباً کشورهای قرض دهنده مایلند که قسمتهایی از استقراض به ایجاد قدرت خرید برای کالاها و خدمات صادراتی آنها صرف شود.

یکی دیگر از زمینه‌های وابستگی اقتصادی، استفاده از نیروی کار ارزان کشورهای قرض‌گیرنده، در مواردی است که موضوع استقراض ایجاد مراکز صنعتی و تولید مونتاژ باشد.

با توجه به این وابستگی که استقراض از منابع خارجی به دنبال دارد، براساس آمارهایی که سازمان برنامه و بودجه در سال ۷۳ ارائه داد، تنها ۲۰ درصد از استقراض از منابع خارجی در سرمایه‌گذاریهای زیربنایی استفاده شده است و بقیه صرف هزینه‌های جاری و مصرفی گردیده، که به تبع این مسأله وابستگی اقتصادی به دنبال خواهد داشت. با توجه به وضعیت استفاده کشورها از استقراض منابع خارجی، از آنجائیکه استقراض، نوعی مصرف از درآمد آیندگان محسوب می‌گردد، نسلهای آتی را تحت فشار وابستگی اقتصادی قرار خواهد داد.

مطلب بعدی، ساختار استفاده از منابع خارجی است به صورتی که امروزه ۷۰ درصد از استقراض ایران کوتاه مدت است، در حالی که معمولاً در دنیا ۱۹ الی ۲۵ درصد استقراض کشورها کوتاه مدت می‌باشد که متأسفانه در ایران، برعکس است و بدترین نوع بدهی است، چرا که با بهره بیشتر با نوع یوزانس و فشار زودرس است.

## ۲- ایجاد وابستگی‌های سیاسی

سیاست و اقتصاد دو روی یک سکه‌اند. وابستگی اقتصادی منتهی به وابستگی سیاسی و برعکس وابستگی سیاسی منجر به وابستگی اقتصادی می‌شود. غالباً دیده شده است که هدف اصلی کشور قرض دهنده، ایجاد موقعیت سیاسی و بسط نفوذ خود در کشور قرض‌گیرنده می‌باشد.

همچنین امکان دارد با ورود تکنولوژی جدید و زیر پوشش کارشناس و متخصص فنی، عده‌ای از عوامل جاسوسی نیز به کشور وام‌گیرنده وارد شود، که تهدیدی است برای استقلال سیاسی و امنیت ملی کشور.

تجربه نشان داده است که استقراض خارجی بعضاً موجبات دخالت در امور داخلی و سیاسی کشور وام‌گیرنده را به وجود می‌آورد. به عنوان مثال بعضی از شروط صندوق بین‌المللی پول بر ایران را می‌توان نام برد. از شروط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول می‌توان به حذف یارانه‌های دولتی و کاهش آن، کاهش ارزش برابری پول ملی در مقابل پولهای خارجی، حذف بعضی از مقررات گمرکی، کاهش حجم تصدی دولت، سیاست تعدیل اقتصادی و... را نام برد. (شمس، ۱۳۷۲).

## ۳- ایجاد وابستگی‌های فنی و تکنولوژیکی

استقراض از منابع خارجی، همانطوریکه در ایجاد وابستگی اقتصادی به آن اشاره کردیم ممکن است همراه با ورود بعضی از کالاها و خدمات فنی و تکنولوژیکی بوده باشد. در بعضی از مواقع در غالب تکنولوژی به کشور قرض‌گیرنده، قرض داده می‌شود و یا ممکن است تلفیقی از پول و مواد تکنولوژیکی بوده باشد. به هر حال هر دو نوع فوق یک نوع وابستگی برای کشور قرض‌گیرنده به همراه دارد.

## آثار مثبت قرضه خارجی

آثار مثبت قرضه خارجی را صاحب‌نظران معتقدند که چهار اثر مختلف اما مرتبط برای کشور قرض‌گیرنده ببار می‌آورد، این آثار عبارت‌اند از:

- ۱- ایجاد رونق اقتصادی: چنانچه استفاده از وام خارجی در جهت ایجاد مراکز تولیدی و اشتغال نیروی کار و در نهایت بهبود و رونق اقتصادی باشد، نقش مثبت و سازنده‌ای در وضعیت اقتصادی کشور ایفا می‌نماید.

- ۲- گسترش صنایع و تکنولوژی: در شرایطی که امکانات داخلی کشور تکافی و بازسازی صنایع و گسترش تکنولوژی را ندهد، می‌توان از استقراض خارجی در این مورد کمک گرفت.

- ۳- افزایش مهارت و تخصص علمی و فنی: ورود صنایع مدرن و تکنولوژی پیشرفته که در نتیجه استفاده صحیح از استقراض خارجی صورت می‌گیرد موجب می‌شود در

کشور مشاغل تخصصی و ارتباطات جدیدی بوجود آید. افزایش مهارت و تجربیات علمی و عملی از مهمترین دستاوردهایی است که برای جهش اقتصادی و تحول اجتماعی هر کشور خصوصاً کشورهای در حال توسعه ضرورت دارد و ضامن موفقیت و پیشرفتهای آینده می باشد.

۴- افزایش اشتغال مولد: به دنبال افزایش تولید و ایجاد مراکز اقتصادی و صنعتی جدید، اشتغال جدید به وجود می آید و نیروی کار می تواند جذب مراکز تولیدی شود، اصولاً وضعیت اشتغال در هر جامعه، تصویرگویی است از وضعیت بخشهای اقتصادی آن جامعه در حالت های رونق یا رکود اقتصادی.

### سازمانهای جهانی قرض دهنده

تاریخ و تشکیل سازمانهای جهانی قرض دهنده با خاتمه جنگ جهانی دوم قرین بوده است، این سازمانها را در چهار دسته کلی زیر تقسیم بندی می نمایم. (خورشیدی، ۱۳۶۵).

#### ۱- صندوق بین المللی پول

این صندوق به عنوان یک نهاد رسمی مالی در سیستم پولی بین المللی، به موجب اساسنامه خود، می بایستی در فائق آمدن بر دشواریهای کشورهای در زمینه موازنه پرداختهای اعضا یاری برساند. این صندوق دارای ۱۶۵ عضو است که در زمینه مسائل اقتصادی و پولی و مالی به همکاری با یکدیگر می پردازند. هدف این صندوق ایجاد یک نظم تجاری متوازن به منظور گسترش سطح اشتغال و بهبود شرایط اقتصادی کشورهای عضو است و از طرف دیگر اهداف آن را می توان به پر کردن شکاف میان زمان اجرای سیاستهای اصلاحی تا بازنشستن این سیاستها دانست که از طریق مدیریت سیستم پرداختها و ایجاد توازن در آن، اجرا می گردد.

این صندوق دارای یک سری وظایفی است که آن را از سایر مؤسسات مالی بین المللی متمایز می سازد و می توان آنها را به دو دسته زیر تقسیم بندی کرد:

دسته اول: ایجاد و تقویت یک فضای مناسب و با ثبات برای رشد اقتصادی و رفاه همه

کشورهای جهان.

دسته دوم: تشویق کشورها به اتخاذ آن چنان سیاستهایی که نه تنها برای خود آنها مناسب است، بلکه به صلاح کلی اقتصاد جهانی نیز می باشد.

نوع همکاری این صندوق با کشورهای جهان به دو صورت ارائه مشورت های اقتصادی و کمک های فنی صورت می پذیرد. وامهایی که این صندوق در حمایت از اصلاحات اقتصادی واگذار می کند دارای چند ویژگی خاص است این ویژگی ها عبارتند از:

اول این که محور سیاست صندوق را این فرض تشکیل می دهد که آن دسته از کشورهای جهان که از اقتصاد قوی تر و موازنه پرداختهای مناسب تری برخوردارند، باید کشورهایی را که از مواضع ضعیف تری برخوردارند، از طریق صندوق یاری دهند. هدف از این کمک، تشویق کشورهای در حال رشد به اتخاذ سیاستهای مورد تأیید صندوق است. دوم اینکه این صندوق یک نهاد مالی توسعه نیست که پروژه های خاص اقتصادی و یا بخشهای خاص اقتصادی را تحت پوشش سرمایه گذاری خود ببرد، بلکه نقش تعادل کننده را در سطح کشورهای عضو بازی می کند.

#### ۲- بانک بین المللی ترمیم و توسعه (۱)

این بانک برای کمک به ترمیم خرابی های جنگ و توسعه اقتصادی کشورهای کم درآمد تشکیل گردید.

#### ۳- گروه بانک جهانی

این گروه از سه سازمان بین المللی ترمیم و توسعه، شرکت مالی بین المللی و مؤسسه توسعه بین المللی جهت توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه بوجود آمد.

#### ۴- بانک های توسعه منطقه ای

بانک های توسعه منطقه ای، سازمانهای پولی و مالی هستند که بین چند کشور دارای فعالیت می باشند. معروفترین این بانکها، بانک های قاره ای توسعه می باشند. هدف از ایجاد بانک های قاره ای توسعه این است که در عین انجام خدمات بانکی با منطقه ای کردن

گروه بانک جهانی از سرعت عمل این گروه بکاهند و برای خود کشورهای در حال توسعه وضعی را پدیدار سازند که مسیر سرمایه را به سوی آنها بکشاند. لیکن این بانکها مانند بانک جهانی با اختلاف بین گرانی سرمایه در بازارهای غرب که علاوه بر سرمایه دولتی آنها منبع بزرگ تهیه سرمایه برای این بانکها می‌باشند و شدت نیازمندیهای کشورهای در حال توسعه که اکثراً غرق در بدهکاریند، مواجه می‌شوند. بانکهای قاره‌ای برای مقابله با این دشواری باید خود را بین یک بانک که سرمایه‌اش بخصوص از طریق وام تأمین میشود و یک صندوق که بوسیله دستاورد ملی سرمایه فراهم میکند قرار دهد. در این صورت است که بانکهای قاره‌ای با این مشکل روبرو میشوند که از دو امکان فوق کدام را برگزینند. از یک طرف اگر بانکهای منطقه‌ای از کشورهای خارج منطقه صرف‌نظر کنند از دسترسی به منابع مالی محروم می‌شوند و اگر این کشورهای خارج از منطقه را به عنوان عضو بپذیرند یا به عنوان دارنده سرمایه شریک خود کنند. هرچند منابع مالی‌شان افزایش می‌یابد، ولی علاوه بر لزوم پذیرش وامهای مفید مجبورند تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی این اعضا ناخواسته که معمولاً ابرقدرتها می‌باشند قرار گیرند.

از دیگر اهداف این بانکها می‌توان به ایجاد تحرک در ترقی کشورهای در حال توسعه اشاره کرد. این تحرک بوسیله تکمیل اقدام سازمانهای دارای جنبه جهانی از طرف بانکهای قاره‌ای که به صمیمیت و همکاری کشورهای همسایه تحکیم می‌بخشند صورت می‌پذیرد و با ایجاد همکاری و صمیمیت منابع کمیاب منطقه جذب شده و مورد استفاده بهتر قرار می‌گیرد.

ساختار سازمانی این بانکها، تقریباً مشابه است، هرچند با سایر مؤسسات مالی بین‌المللی تفاوت دارد. این سازمانی مشتمل بر شورای رؤسای بانکها، شورای مدیران، رئیس سازمان (رئیس بانک قاره‌ای) می‌باشند. شورای رؤسا دارای یک نماینده از هر کشور عضو است و این نماینده از تعداد آرائی که برای کشورش قائل شده‌اند برخوردار است. تصمیمات بانک با اکثریت آراء که حداقل دو سوم آراء کل را به خود اختصاص می‌دهند، اتخاذ می‌شود، ولی برای تصمیمات مهم یعنی قبول اعضاء جدید، تغییرات اساسنامه، افزایش سرمایه و کمک به صندوق، تصمیم را رؤسای بانکها می‌گیرند. شورای مدیران اختیاراتی را که شورای رؤسا به آنها واگذار کرده است اعمال و اجرا می‌کند و مسئول اجرای صحیح عملیات بانک می‌باشند. شورای مدیران تصمیمات خود را به

اکثریت عادی یا به اکثریت دوسوم و هر مدیر انتخاب شده از آراء مدیرانی که به نفع وی رای می‌دهند بهره‌مند می‌شوند. رئیس از طرف رؤسای عضو برای مدت ۵ سال برگزیده می‌شود (مثل بانک امریکائی)، یا از طرف شورای مدیران انتخاب می‌گردد (مثل بانکهای آسیایی و افریقائی). منابع سرمایه‌ای این بانکها به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی از آنها منابع معمولی (عادی) و دیگری منابع ویژه است. منابع معمولی از وامهایی که بانک از بازارهای مالی دریافت می‌کنند تأمین می‌گردد، ولی منابع ویژه این بانکها برای کسب سرمایه‌های اضافی یک یا چند صندوق ویژه بوجود می‌آیند، این صندوق از کشورهای عضو یا غیرعضو بانک کمک‌هایی می‌گیرند و بانک قاره‌ای ضمن موافقت حکومت‌های وام دهنده با اعطای کمک‌هایی با نرخ بهره‌های بسیار پائین‌تر از بازارهای مالی کمک‌های دریافتی را اداره می‌نماید. حدود مداخله این بانکها به صورت اقدام به دادن وام، تضمین وامهای پرداختی، شرکت در مؤسسات اقتصادی و کمک‌های فنی است. در مورد وامها، بانک می‌تواند هم به مؤسسات اقتصادی و هم به دولتها وام پرداخت کند. در این رابطه نباید وام‌دهی در کشوری صورت پذیرد که حکومت آن کشور مخالف آن است و نیز بانک نباید تحت نفوذ سیاسی واقع شود.

از چهره‌های نمایان این بانک می‌توان به بانکهای توسعه‌ای زیر اشاره نمود.

#### ۱-۴- بانکهای آمریکائی توسعه

این بانک پیش‌کسوت بانکهای قاره‌ای و در واقع رهبر آنها محسوب می‌آید. اندیشه ایجاد بانک امریکائی توسعه در سال ۱۸۸۹ پدید آمد، ولی مسئله همینطور باقی ماند، تا اینکه در سال ۱۹۳۹ در نخستین جلسه وزرای خارجه امریکای لاتین مجدداً مورد بررسی قرار گرفت. نهایتاً در اوت سال ۱۹۵۴ بود که در مجمع سازمان کشورهای امریکائی درباره این اندیشه پیشنهاد صریحی به عمل آمد، ولی امریکا با این پیشنهاد و اندیشه مخالفت نمود، زیرا می‌ترسید که کنترل کمک‌های مالی به امریکای لاتین را از دست بدهد ولی سرانجام با توجه به ملاحظات سیاسی در سال ۱۹۵۸ هنگامی که رئیس‌جمهور وقت برزیل طرح ایجاد بانک امریکائی را به عنوان یک‌عنصر عملیات اتحاد امریکائی وسیع و دامن‌دار توصیف کرد، امریکا نیز به آن پیوست. اساسنامه این بانک در سال ۱۹۵۹ تصویب و از اول اکتبر سال ۱۹۶۰ شروع بکار نمود. مرکز اصلی بانک امریکائی توسعه قرار بود که در بوئنوس

ایرس" باشد ولی تاکنون همواره در واشنگتن بوده است، اما مجامع عمومی بانک همواره در امریکای لاتین تشکیل شده است.

منابع مالی این بانک دو نوع می باشد: نوع اول منابع مالی است که به وسیله افزایش تدریجی سرمایه و انتشار اوراق قرضه در بازارهای امریکا و اروپا به دست می آیند. و در واقع منابع معمولی مالی به شمار می آیند. نوع دوم سرمایه های ویژه بانک است. اخذ وام در بانک امریکائی به صورت اختیاری محدود به منبع سرمایه ای است که ایالات متحده امریکا تعهد پرداختش را کرده است.

صندوقهای تحت پوشش بانک امریکائی توسعه دارای سه صندوق است:

صندوق پیشرفت اجتماعی: در چارچوب الگوی اتحاد برای پیشرفت تشکیل شده است.

صندوق عملیات ویژه: عمده ترین سرمایه این صندوق توسط ایالات متحده امریکا تأمین می شود. و صندوق سرمایه گذاری مقدماتی منابع

#### ۴-۲- بانک آسیایی توسعه

ایجاد این بانک برای نخستین بار از طرف یک گروه از کارشناسان کمیسیون اقتصادی آسیا و خاور دور سازمان ملل در سال ۱۹۶۳ در مانیل مطرح شد. طرح آن نیز در واقع ناشی از اداره و منافع مشترک امریکا و ژاپن بوده است. در سال ۱۹۶۶ از نظر قضائی موجودیت این بانک اعلام و نخستین اقدامش به صورت تخصیص اعتبار درباره تحقیق در زمینه کشاورزی آسیا در سال ۱۹۶۷ صورت پذیرفت. مرکز این بانک در مانیل است و تنها اعضاء سازمان ملل متحد می توانند عضو بانک باشند. بانک به منظور افزایش منابع درآمدش به انتشار قرضه در اروپا، ایالات متحده امریکا، ژاپن و کشورهای منطقه ای عضو دست زده است. بانک تاکنون وامهای درازمدتی را نیز پرداخت نموده است.

این بانک تحت نظر خود سه صندوق زیر را دارد که عبارتند از:

- صندوق عمومی

- صندوق همکاری فنی

- صندوق کشاورزی

این سه صندوق، علاوه بر برداشت از سرمایه بانک به وسیله سرمایه های پرداختی از طرف کشورهای نظیر ژاپن و کانادا نیز تأمین می شود. کشور ژاپن نیز در سال ۱۹۷۰ عضویت آن را پذیرفت.

#### ۴-۳- بانک آفریقایی توسعه

عده ای از کشورهای آفریقائی پس از استقلال به فکر ایجاد یک بانک توسعه بین خود افتادند، این اندیشه از طرف کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آفریقا طرح و مذاکره شد و در سال ۱۹۶۲ این کمیسیون گروهی از کارشناسان را مأمور انجام کارهای مقدماتی کرد. به هر حال در سال ۱۹۶۳ بانک آفریقایی به منظور تحرک بخشیدن به اقتصاد و هماهنگی سیاست های اقتصادی کشورهای عضو در چارچوب بانک که از سال ۱۹۶۶ اقدامات عملی اش شروع شد، توسعه منطقه ای اولویت داده شده است. بانک مزبور تاکنون وامهائی را پرداخت کرده است و می کوشد که به موازات وامها با همکاری برنامه سازمان ملل برای توسعه به کشورهای آفریقایی کمک فنی نیز بنماید.

این بانک دارای سه صندوق ویژه زیر است:

- صندوق ایجاد نظم و ترتیب در مخارج اداری

- صندوق ساختمان

- صندوق پیش بینی و آماده سازی کارمندان دولت

لیکن کارایی این سه صندوق محدودتر می باشد.

#### ۴-۴- بانک توسعه اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی در سپتامبر سال ۱۹۶۹ در رباط پایتخت مراکش اعلام موجودیت کرد و در راستای اهداف خود که یکی از آنها تحکیم همکاری میان اعضاء در زمینه های اقتصادی بود، دست به تشکیل سازمانهای اقتصادی زده، از آن جمله در بخش فعالیت اجتماعی و فرهنگی آن، شاهد صندوق همبستگی اسلامی هستیم. این صندوق به دنبال تصمیمات دومین جلسه ایران که در سال ۱۹۷۴ میلادی در لاهور تشکیل شده بود مطرح شد. مقر صندوق نیز جده می باشد.

هدف تأسیس آن لزوم تجهیز و کاربرد منابع کشورهای اسلامی در راه کسب رفاه

اجتماعی و اقتصادی مردم این کشورها ذکر شده است. در بخش فعالیت اقتصادی ما شاهد وجود بانک توسعه اسلامی هستیم که به صورت یک بنیاد مالی در اکتبر سال ۱۹۷۵ تأسیس گردید و مقر آن هم در جده است. سرمایه اولیه این بانک ۷۵۵ میلیون دینار اسلامی (هر دینار اسلامی معادل ۱/۲۲ دلار است) معادل با ۹۲۲ میلیون دلار می‌باشد. هدف بانک کمک به توسعه اقتصادی و رشد اجتماعی اعضای سازمان و جوامع مسلمان بر طبق موازین شرع اسلام است. سرمایه بانک توسعه اسلامی از طریق کمک اعضاء تأمین شده است و بزرگترین سهامداران این بانک، عربستان سعودی، لیبی، امارات متحده عربی و کویت هستند.

در حال حاضر کلیه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به جز کشور نیجریه، در بانک توسعه اسلامی عضویت دارند که از این تعداد ۴۵ کشور آفریقایی و آسیایی هستند. ایران اسلامی در بهمن ماه ۱۳۶۶ با تصویب مجلس شورای اسلامی و متعاقب آن تصویب هیأت عامل بانک توسعه اسلامی در ۱۳ اسفند ماه ۱۳۶۷ با حداقل سهام سرمایه‌ای برابر با ۲/۵ میلیون دینار اسلامی که حداقل میزان سهام جهت عضویت محسوب می‌گردد به عضویت بانک توسعه اسلامی درآمد. در اواسط ۱۳۷۰ میزان سهام پذیرهنویسی شده جمهوری اسلامی ایران به ۱۷۷/۵ میلیون دینار اسلامی با تصویب مجلس شورای اسلامی افزایش یافت.

اهداف بانک تقریباً عین اهداف سازمانهای جهانی قرض دهنده که قبلاً اشاره کردیم می‌باشد و عملیات بانک در سه قسمت زیر می‌توان بیان کرد:

- تأمین مالی پروژه‌ها
- تأمین مالی مبادلات تجاری
- عملیات کمک‌های ویژه

بانک مزبور تاکنون حدود ۱۲۶/۷۵ میلیون دلار جهت پروژه‌های مختلف عمرانی و واردات بعضی از کالاهای اساسی تصویب نموده است. از مبلغ فوق‌الاشاره ۶۲ میلیون دلار به صورت بلاعوض بود که ۵ میلیون دلار آن برای بازسازی مدارس تخریب شده در اثر زلزله و ۱/۲ میلیون دلار برای کمک به آوارگان عراقی مستقر در ایران تخصیص یافته است. زمان بازپرداخت وامهای پرداختی بانک توسعه اسلامی بین ۱۵ تا ۲۵ سال می‌باشد. (مسرور، ۱۳۷۲).

### نقش استقراض در یک اقتصاد در حال توسعه

یک اقتصاد در حال توسعه، به مقدار کافی تقاضا برای تکمیل طرحهای اقتصادی از راه تجهیز منابع مالی دارد. در مجموع باید درآمد لازم از راه بکارگیری کمک خارجی و انتخاب یک سطح مالیاتی و توسل به قرضه عمومی، ایجاد گردد. مالیات و استقراض دو وسیله اصلی و اساسی در جهت تجهیز منابع می‌باشند. اما استقراض یک نوع رجحان بر مالیات دارد، مالیات با توجه به حد خاصی که دارد بر روی فعالیت‌های اقتصادی اثر بد و معکوس می‌گذارد، ولی استقراض چنین حالتی را ندارد. در واقع، استقراض بر روی فعالیت‌های اقتصادی، برگشت و انعکاس نامطلوب و اثر ناامید کننده ندارد (هم به علت ماهیت داوطلبانه و اختیاری آن و هم به خاطر انتظار برگشت و بازپرداخت آن).

علاوه بر این، عقیده مالیات حداقل، هزینه‌های جاری را در حد خدمات معمولی و عادی دولت می‌پوشاند. برای هزینه‌های مالی، دولت باید به قرض گرفتن متوسل شود که نتایج آن ایجاد درآمدها و دارایی‌های سرمایه‌ای است. در چنین حالتی، رشد بدهی عمومی به عنوان یک بار اقتصادی نخواهد بود، زیرا یک چنین بدهی، زاینده است و خودش در آینده می‌تواند اصل و فرع وام را بپردازد. اما یک نوع محدودیت در ارتباط با استقراض وجود دارد و آن ایمنی در نظر گرفته شده، می‌باشد. مالیات اضافی در جهت ایجاد طرحهای توسعه نیز، ضروری است. نظریه کلاسیکها، استقراض را مذمت می‌کند، زیرا چنین تصور می‌شد که بکارگیری منابع توسط دولت کمتر از بکارگیری در بخش خصوصی بارور خواهد شد، اما دلیل کلاسیکها براساس فرضیه‌های اشتغال کامل و کشش‌پذیری عرضه و هزینه‌های غیرتولیدی و بارور قرار داشت.

می‌دانیم که این فرضیه‌ها امروزه دیگر قابل قبول نیستند. استقراض برای تأمین مالی سرمایه‌گذاریهای تولیدی در اقتصاد، یک ظرفیت اضافی تولید می‌نماید که به صورت دیگر ایجاد آن ممکن نیست.

همانطوری که می‌دانیم، بدهی عمومی جریان منابع را به سمت و جهات سالم و درست منحرف می‌کند. در یک اقتصاد توسعه نیافته، اگر بدهی عمومی به نحوی محتاطانه و مدبرانه ترتیب داده شود و ماهرانه عمل گردد، می‌تواند یک وسیله قدرتمند جهت توسعه اقتصادی باشد. علاوه بر این، رشد بدهی، فرصتهایی را برای بکارگیری ثروت در جهت دارایی‌های موجود درآمد که دارای ثبات و ایمنی هستند مثل اوراق قرضه دولتی ایجاد



خواهند نمود. رشد و ترکیب بدهی عمومی اختیارات پولی همراه با دارایی‌هایی فراهم می‌آورد که می‌توانند در جهت اثر بخشیدن به سیاست پولی مطلوب در نظر گرفته شوند و در توسعه اقتصادی مؤثر واقع گردند. به این ترتیب، سیاست پولی که اساساً جهت دستیابی به اهداف سیاست اقتصادی در نظر گرفته شده است، بطور پایه‌ای در ارتباط با مدیریت بدهی عمومی می‌باشد.

مدیریت بدهی عمومی به عنوان یک روش که بر ساختار نرخهای بهره مؤثر است، بکار گرفته می‌شود. به این ترتیب، یک بدهی عمومی رو به رو در یک اقتصاد توسعه نیافته، ابزاری قدرتمند جهت توسعه سیاست پولی می‌شود. دو راه اصلی وجود دارد که دولتها در اقتصادی توسعه نیافته می‌توانند با استفاده از وامهای عمومی به ایجاد صنایع بپردازند. این دو راه عبارت‌اند از:

الف - قرضه بازاری مثل فروش اوراق قرضه دولتی (وامهای بلندمدت) و اسناد خزانه (وامهای کوتاهمدت) در بازار سرمایه.

ب - قرضه غیربازاری مثل انتشار اوراق بدهی عمومی که قابل انتقال و خرید و فروش در بازار سرمایه نمی‌باشد. انتشار گواهی نامه‌های پس‌انداز ملی و اسناد اعتباری طرحهای ملی و پذیرفتن سپرده‌ها در دفاتر پست دولت از این نوع هستند.

### مشکلات استقراض در کشورهای در حال توسعه

استقراض در اقتصادهای توسعه نیافته و یا در کشورهای در حال توسعه مشکلاتی را ایجاد می‌نماید که اهم آنها عبارت‌اند از:

۱- در این کشورها، بازارهای پول و سرمایه شکل گرفته و سازمان یافته نیست، و در جایی که این گونه‌ها بازارها هست، سهم ناچیزی از کل بازار پول و سرمایه را در داخل کشور تشکیل می‌دهند. همچنین ممکن است هیچگونه ارتباطی بین بازارهای سازمان یافته و سازمان نیافته در این کشورها وجود نداشته باشد. به علاوه، منابع بازار سازمان یافته سرمایه برای پر نمودن و تأمین کردن نیازهای سرمایه‌ای اقتصاد کافی نمی‌باشد.

۲- بعضی مشکلات ویژه استقراض در این کشورها از این جهت ایجاد می‌شود که مردم تمایل به سرمایه‌گذاری در مستغلات دارند، زیرا این امر به آنها شخصیت اجتماعی می‌دهد و یا علاقمند به خرید جواهرات هستند، زیرا جواهرات به آسانی پنهان می‌شوند و

در صورت احتیاج، به سهولت می‌توان آنها را به پول نقد تبدیل کرد.

۳- احتمالاً، حجم عمده‌ای از پس‌انداز در این گونه کشورها از بخش زراعی ریشه می‌گیرد، اما صاحبان این گونه پس‌اندازها هیچ‌گونه تمایلی جهت سرمایه‌گذاری در تجارت و صنعت ندارند. پس‌انداز بخش زراعی نمی‌تواند بطور مؤثر، تجهیز شود، زیرا درآمدهای زراعی از طریق کانالهای پولی نمی‌تواند جابجا گردند و حرکت کنند و این پاسخی است بر اینکه چرا بیشتر سازمانهای مالی در محدوده‌های شهری متمرکز شده‌اند. همچنین منابع ناشی از فعالیتهای کشاورزی در ارتباط با طرحهای مالیاتی از پشتوانه قوی و مستحکم و سیاسی گونه برخوردار هستند.

۴- نرخهای بسیار بالای بهره، آشکارا بر ضد جریان سرمایه‌ها در جهت بهبود بخشیدن کشاورزی، حسابهای پس‌انداز، اوراق قرضه دولتی، صنایع با مقیاس کوچک و امثال اینها هستند.

۵- نتیجه استقراض در این کشورها، فقر است، زیرا قیمت‌ها افزایش می‌یابند و در نتیجه موجب کاهش ارزش سهام و اوراق قرضه دولتی می‌شوند.

به هر حال، به رغم این مشکلات و محدودیت‌ها، استقراض یک ابزار قدرتمند جهت تجهیز منابع می‌باشد و نه تنها یک ابزار مکمل لازم برای مالیات‌گیری است، بلکه موجب تجهیز بسیاری از اشکال مطلوب سرمایه‌گذاری می‌گردد.

### پیشنهادات برای موفقیت استفاده از استقراض

۱- به منظور تحرک منابع مالی از طریق قرضه عمومی، طبقه‌بندی وامها، نرخهای بهره و دوره‌های سررسید باید متناسب با ترجیحات انواع مختلف سرمایه‌گذاران تعدیل شوند.

۲- لازم است قیمت‌های اوراق قرضه دولتی با ثبات شوند تا اعتماد عمومی نسبت به آنها جلب گردد و انتشار اوراق آتی که عرضه می‌شوند، دارای زمینهای تشویق شده باشد.

۳- سازمانهای مالی در جهت جذب پس‌اندازهای اختیاری به فعالیت بپردازند.

۴- امکانات لازم برای سپرده‌های پس‌انداز باید گسترده و مختلف و به آسانی قابل دستیابی باشند.

۵- ثبات منطقی در حجم پول (سطح قیمت‌ها) باید تأمین گردد. در غیر اینصورت اعتماد پس‌انداز کنندگان دچار تزلزل می‌شود و مردم از پس‌انداز کردن دلسرد می‌گردند.

همچنین اهداف استقراض که در حقیقت ایجاد پل بین درآمدها و هزینه‌ها، برنامه امور مالی عمومی، فرونشاندن تورم، نیازهای توسعه اقتصادی، مالیه بخش عمومی و مالیه جنگ بود، بازگو گردید.

در خصوص روشهای تأدیه استقراض اشاره‌ای به استفاده از مازاد درآمد، خرید اوراق قرضه دولتی، سالهای پرداخت‌های قابل فسخ، تبدیل ارز و وجوه استهلاکی گردید که کشورها برای بازپرداخت استقراض از این روشها استفاده می‌نمایند.

استقراض برای کشورها دارای بار داخلی و بار خارجی است. بار داخلی اشاره به جریان انتقالات ثروت در داخل یک جامعه دارد و بار خارجی به جابجایی‌هایی در ثروت اشاره دارد، لیکن این جابجایی‌ها از خارج به داخل است.

استقراض دارای اثراتی است که تقریباً صاحب‌نظران مالیه عمومی بر روی آن اتفاق نظر دارند از جمله این اثرات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: اثر بر تولید، اثر بر مصرف، اثر بر توزیع و اثر بر سطح درآمد و اشتغال.

بعضی از صاحب‌نظران اثرات استقراض را به دو دسته اثرات استقراض داخلی و اثرات استقراض خارجی تقسیم‌بندی می‌نمایند. و به دو اثر منفی و مثبت در اثرات استقراض خارجی اشاره می‌نمایند.

بالاخره در پایان فصل اشاره‌ای به سازمانهای جهانی قرض‌دهنده (صندوق بین‌المللی پول، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، گروه بانک جهانی و بانک توسعه منطقه‌ای) و همچنین به نقش استقراض در یک اقتصاد در حال توسعه و مشکلات استقراض در کشورهای در حال توسعه و پیشنهاداتی چند در این خصوص برای کشورهای در حال توسعه گردید.

۶- برخی از کشورهای توسعه نیافته یک نوع نظام بخت‌آزمایی خیلی سودمند دارند و برطبق این نظام، پس‌اندازها با نرخهای پایین بهره جذب می‌گردد. در این راستا، اوراق جایزه‌دار برای جذب پس‌اندازها به بخش عمومی منتشر می‌گردد.

۷- داشتن سیاست پولی مناسب می‌تواند عامل مهمی در موفقیت برنامه‌های قرضه دولت‌ها در کشورهای در حال رشد و توسعه باشد. هدف سیاست پولی، حفظ جریان سرمایه‌ها در حد کافی به عنوان یک پیش‌نیاز جهت موفقیت برنامه قرضه می‌باشد. رشد جهت‌دار سیاست پولی باید، هم بصورت منظم و هم مفید به حال توسعه، صورت پذیرد.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

بحث کسری بودجه در گذشته‌های دور نشانه بی‌کفایتی دولتها و دولتمردان و مایه شرمساری آنها بود، ولی امروزه این سیاست به عنوان یک سیاست آگاهانه و مستمر مورد استفاده قرار می‌گیرد. کسری بودجه زمانی صورت می‌پذیرد که درآمدهای جاری نتواند هزینه‌های جاری را بپوشاند. در چنین حالتی، هیچ فقره‌ای از حساب سرمایه در حد مورد نظر تأمین نمی‌گردد.

صاحب‌نظران انواع کسری بودجه را از نظر معقول بودن و غیر معقول بودن به سه دسته کسر بودجه اداری، کسر بودجه ناشی از تغییرات در اوضاع و احوال اقتصادی و کسر بودجه ناشی از سرمایه‌گذاری عمرانی تقسیم‌بندی می‌نمایند. در خصوص منابع کسری بودجه یا به عبارت درست‌تر و دقیق‌تر منابع تأمین مالی کسری بودجه آن را به دو دسته انتشار اوراق قرضه دولتی و استقراض تقسیم‌بندی می‌نمایند. استقراض به معنی استفاده از ظرفیت‌های پس‌انداز جامعه و بکار انداختن آن در تأمین نیازهای مالی و یا در راه پیشرفت اقتصادی است. در بررسی انواع آن از دو نظر تقسیم‌بندی می‌نمایند یکی از نظر زمان و طول مدت وام (وامهای کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت) و دیگری از نظر محل تأمین (وامهای داخلی و خارجی).

در طول فصل اشاره کردیم عواملی وجود دارند که این عوامل باعث افزایش استقراض می‌شوند از جمله این عوامل می‌توان به جنگ یا آمادگی جنگی کشورها، وجود کسر بودجه در حساب جاری، افزایش دیون عمومی تقبلی دولتها در جهت ایجاد و پهاده کردن طرحهای رفاهی در جوامع خود و ضرورت رشد اقتصادی کشورها.

## خودآزمایی فصل ۶

۱- ضمن تعریف کسری بودجه، تفاوت بین کسری بودجه و کسری مالی را تبیین نمایید.  
 ۲- انواع کسری بودجه از نظر معقول و غیرمعقول بودن را تقسیم‌بندی نموده و توضیح دهید.

۳- وظایف مشخص دولت‌ها را از نظر آدام اسمیت تقسیم‌بندی نمایید.

۴- دولت سالاری چیست و چه نقشی در اقتصاد کشورها دارد.

۵- نقش خصوصی سازی را در اقتصاد کشورها من جمله ایران بازگو نمایید.

۶- منابع تأمین مالی کسری بودجه را نام برده و توضیح دهید.

۷- استقراض را تعریف نموده و به انواع استقراض اشاره نمایید.

۸- انواع استقراض را از دیدگاه نگاهی دیگر تقسیم‌بندی نمایید.

۹- علل افزایش استقراض را نام ببرید.

۱۰- اهداف استقراض عمومی را بازگو نمایید.

۱۱- روشهای تأدیه استقراض را نام برده و هرکدام را مختصراً توضیح دهید.

۱۲- بار استقراض چیست و آن را تقسیم‌بندی نمایید.

۱۳- اثرات استقراض را نام ببرید.

۱۴- اثرات استقراض را از دیدگاه نگاهی دیگر تقسیم‌بندی نمایید.

۱۵- آثار منفی و مثبت قرضه خارجی را نام ببرید.

۱۶- سازمانهای جهانی قرض دهنده را به تفصیل تقسیم‌بندی نمایید.

۱۷- بانک امریکایی توسعه، بانک آسیایی توسعه، بانک افریقایی توسعه و بانک توسعه

اسلامی چه نوع بانکی است مشخصات و ویژگی‌های این بانکها را توضیح دهید.

۱۸- نقش استقراض در یک اقتصاد در حال توسعه را بازگو نمایید.

۱۹- مشکلات استقراض در کشورهای در حال توسعه را توضیح دهید.

۲۰- چه پیشنهادهایی در خصوص موفقیت استفاده از استقراض دارید.

## فصل هفتم

### دولتها و توزیع درآمد

#### هدف کلی

آشنایی با تعاریف، عوامل تعیین کننده توزیع درآمد، شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد، توزیع درآمد در ایران، برنامه‌ها و سیاستهای تعدیل نابرابری در توزیع درآمد.

#### هدفهای رفتاری

پس از مطالعه این فصل، انتظار دارد بتوانید :

۱- توزیع درآمد را تعریف نمایید.

۲- نابرابری در توزیع درآمد را تبیین نمایید.

۳- عوامل تعیین کننده توزیع درآمد را نام برده و تشریح نمایید.

۴- شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد را تقسیم‌بندی نمایید.

۵- توزیع درآمد در ایران را تجزیه و تحلیل نمایید.

۶- برنامه‌ها و سیاستهای تعدیل نابرابری در توزیع درآمد را نام برده و تشریح نمایید.

#### مقدمه

توزیع درآمد<sup>(۱)</sup>، درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را تشریح و تبیین می‌نماید، به عبارت دیگر توزیع درآمد روشی است که در میان انواع گوناگون درآمد در یک ملت دیده می‌شود. یکی از وظایف هر دولتی، کنترل وضعیت نابرابری درآمد در آن جامعه است. در فصل اول اشاره کردیم که یکی از وظایف دولتها وظیفه توزیع درآمد و ثروت بین گروههای مختلف جامعه است و یکی از عوامل مؤثر و کارساز دولتها برای بهینه‌سازی

سیستم اقتصادی به شمار می‌آید.

نابرابری در توزیع درآمد کشورها ریشه در تاریخ کشورها دارد و رفع این نابرابری به سیاست‌گذاری کلان مالی نیاز دارد. توزیع درآمد دارای اهداف اقتصادی و سیاسی بسیار مهم برای دولت‌ها است، لیکن هدف سیاسی آن بیشتر از هدف اقتصادی در جهان نمود دارد و یک موضوع قابل توجه برای هر حکومتی به شمار می‌آید که در سطح بین‌المللی و داخلی بتواند قد علم نماید و به عنوان یک عامل ثبات دولتی به حساب آید. بعضی از صاحب‌نظران مالیه عمومی معتقدند که نابرابری در توزیع درآمد ناشی از بی‌ثباتی دولت و دولتمردان یک جامعه است و تا زمانی که این نابرابری را به طرف تعادل پیش نبرند دولت‌ها نخواهند توانست اعتماد و اطمینان محافل بین‌المللی و داخلی را به طرف خود جلب نمایند.

همچنین بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که "بطور کلی نابرابری درآمد منسوب به اختلاف در موقعیت‌های فرهنگی و کارآموزی، استعداد ذاتی و خصوصیت مالکیت و توانائی اعمال قدرت بازار و آنگونه عوامل مانند بیماری، حادثه و دیگر بدبختی‌ها است." (فرهنگ، ۱۳۵۴، ص ۵۵۶).

### عوامل تعیین کننده توزیع درآمد

صاحب‌نظران مالیه عمومی معتقدند که متفاوت بودن میزان پرداخت حقوق و دستمزد توسط سازمانها و موسسات به افراد و متفاوت بودن درآمد ناشی از دارایی و ثروت جزء مهمترین عوامل تعیین کننده توزیع درآمدها به شمار می‌آید، هرچند می‌بایستی نقش دولت‌ها را هم به عوامل یاد شده اضافه نمود.

۱ - متفاوت بودن میزان پرداخت حقوق و دستمزد توسط سازمانها و مؤسسات  
متفاوت بودن ناشی از تفاوت در مطلوبیت و عدم مطلوبیت مشاغل، داشتن و عدم داشتن تخصص و تجربه، حاکم شدن رابطه به جای ضابطه و حذف شایسته سالاری در نیروی انسانی، میزان نزدیکی و عدم نزدیکی به مقامات عالی‌رتبه، وضعیت محیطی حاکم بر سازمانها و مؤسسات، وضعیت مالی و اقتصادی سازمانها و مؤسسات و ... است.

### ۲ - متفاوت بودن درآمد ناشی از دارایی و ثروت

متکی بودن و نبودن افراد به یک درآمد و یا یک منبع درآمد متکی بودن و نبودن

افراد به ارث به جامانده از نسلهای ماقبل، میزان پس‌اندازهای افراد، داشتن و نداشتن املاک و مستغلات و... را می‌توان جزو عوامل تسریع در تفاوتها دانست.

### ۳ - نقش دولت‌ها

از دو دیدگاه نقش دولت‌ها را می‌توان مورد کنکاش قرار داد :

#### دیدگاه اول : بی‌ثباتی دولت‌ها

دیدگاه دوم : ثبات و تعادل درآمدها و هزینه‌های دولت‌ها و توزیع هزینه‌های انتقالی بین افراد جامعه. بخشی از درآمدی که در جامعه توزیع می‌شود از طریق دولت‌ها صورت می‌پذیرد، دولتهایی که دارای ثبات اقتصادی و سیاسی هستند از طریق پرداختهای انتقالی امکان پذیر است. پرداختهای انتقالی، پولی است که از طریق دولت‌ها بدون انتظار خدمات یا کار متقابل به افراد جامعه پرداخت می‌نمایند.

### تجزیه و تحلیل منحنی لورنز<sup>(۱)</sup>

منحنی لورنز، نمایش هندسی منحنی توزیع درآمد حقیقی افراد یک کشور است. برای ترسیم این منحنی، ابتدا جمعیت را براساس درآمد آنها به ترتیب از پائین به بالا در گروه‌های مختلف قرار می‌دهیم. تعداد این گروه‌ها را معمولاً به صورت ۵ گروه ۲۰ درصدی در نظر می‌گیرند که در این صورت ۲۰ درصد جمعیت برحسب درآمد از پائین‌ترین میزان درآمد به بالاترین میزان آن مشخص می‌شود، سپس برای هر گروه ۲۰ درصدی، سهم درآمد دریافتی برحسب درصد از کل درآمد ملی محاسبه می‌گردد و با این عمل، سهم هر گروه، ۲۰ درصد از درآمد ملی مشخص می‌شود.

نمودار شماره ۱-۷ منحنی لورنز را برای یک توزیع درآمد فرضی نشان می‌دهد، محور افقی، درصد خانوارها و محور عمودی جمع درصدهای درآمد افراد را نشان می‌دهد. (Rosen, 1989)

همانطوری که نمودار شماره ۱-۷ نشان می‌دهد، ۲۰٪ پائین جمعیت، سهمی معادل ۲۰٪ از کل درآمد، ۴۰٪ پائین جمعیت، سهمی معادل ۴۰٪ از کل درآمد، ۶۰٪ پائین جمعیت، سهمی معادل ۶۰٪ از کل درآمد و ۸۰٪ پائین جمعیت سهمی معادل ۸۰٪ از کل درآمد را به خود اختصاص داده است، در نتیجه می‌توان گفت سهم تمامی گروه‌های

متغیرهای محیطی حاکم بر آن جامعه خط  $OA$  را به حالت انحراف در می‌آورد. فرض کنیم منحنی لورنز برای جامعه‌ای  $OMNA$  در نمودار شماره ۱-۷ باشد. چنین توزیع درآمدی نشان دهنده آن است که ۲۰ درصد فقیرترین خانوارها از لحاظ درآمد تنها ۱۰ درصد از درآمد ملی را دارا بوده و ۸۰ درصد از افراد جامعه از لحاظ درآمد ۶۳ درصد از درآمد ملی را نصیب خود نموده‌اند. پس می‌توان به این نتیجه کلی رسید که هر چقدر منحنی لورنز به طرف محور  $X$ ها (محور افقی) باشد، میزان نابرابری افزایش می‌یابد.

### شاخص‌های نابرابری درآمد

شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد را می‌توان در قالب دو نوع، تقسیم‌بندی نمود:

#### □ الف - شاخص‌های عینی

شاخص‌هایی که بطور مستقیم و صریح از مفاهیم رفاه اجتماعی و قضاوت‌های ارزشی مبتنی بر آن استفاده نمی‌کنند و عمدتاً ابزارها و معیارهای آماری هستند که برای اندازه‌گیری پراکندگی صنعت مورد مطالعه بین افراد جامعه مورد نظر بکار گرفته می‌شوند. از عمده‌ترین شاخص‌های عینی می‌توان به شاخص‌های زیر اشاره کرد:

#### ۱- شاخص دامنه تغییرات نسبی

ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل بیان میزان نابرابری توزیع درآمد مقایسه حدپائین و حدبالای درآمد یک جامعه مورد بررسی است. این شاخص را با  $R$  نشان می‌دهند و تعریف آن به صورت زیر است:

نسبت شکاف بین حد بالا و پایین درآمد جامعه مورد بررسی به میانگین درآمد آن جامعه را دامنه تغییرات نسبی می‌گویند:

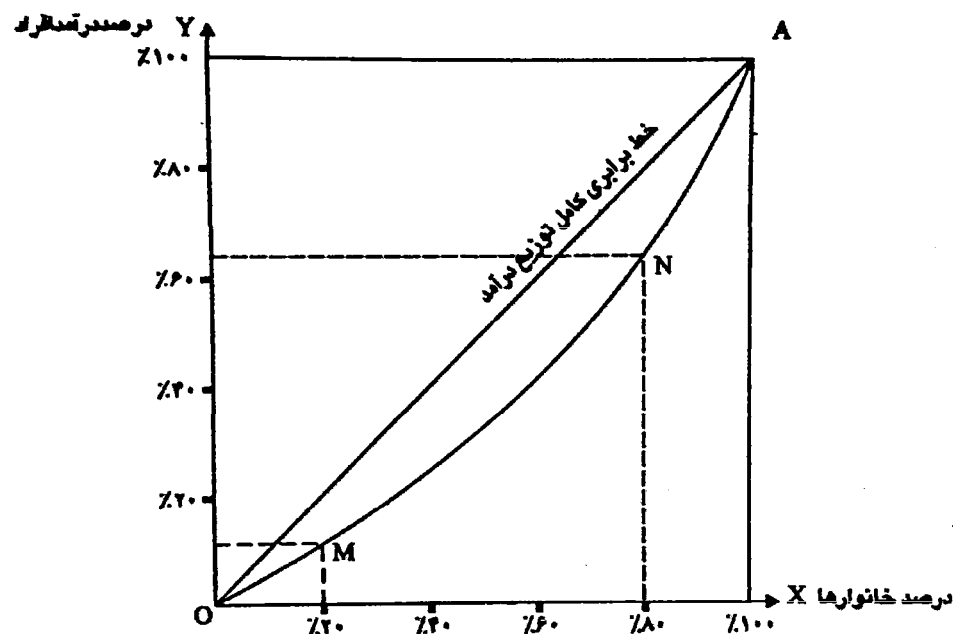
$$R = \frac{1}{\mu} [\max_i x - \min_i x]$$

$\mu$ : میانگین درآمد جامعه

$\max_i x$ : حد بالای درآمد جامعه

$\min_i x$ : حد پایین درآمد جامعه

مختلف جمعیتی از درآمد، یکسان است.



نمودار شماره ۱-۷. منحنی لورنز برای یک توزیع درآمد فرضی

خط  $OA$ ، خط ۴۵ درجه است که نمایش هندسی خط برابری کامل توزیع درآمد را در شکل یاد شده نشان می‌دهد.

منحنی لورنز نشان می‌دهد که هرچه منحنی از خط برابری کامل توزیع درآمد (خط ۴۵ درجه) اریب و انحراف داشته باشد و به طرف محور  $X$ ها بوده باشد می‌توان نتیجه گرفت، میزان نابرابری افزایش یافته است.

جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که منحنی لورنز آن جامعه خط  $OA$  بوده باشد چرا که

مهمترین اشکالی که این شاخص دارد این است که اولاً چگونگی و نحوه توزیع درآمد بین حد بالا و حد پائین درآمد را مدنظر قرار نمی‌دهد. ثانیاً دامنه تغییرات اندازه آن بین صفر (در حالت برابری کامل توزیع درآمد) و  $\pi$  (در حالت نابرابری کامل توزیع درآمد) می‌باشد و در نتیجه تابعی از تعداد افراد جامعه است که در مقایسه الگو توزیع درآمد جامعه‌های با تعداد افراد نامساوی، موجب بروز ابهام می‌شود. ثالثاً با داده‌های آماری گروه‌بندی شده قابل برآورد نیست، زیرا در اینگونه داده‌ها، اندازه حد پائین و حد بالای درآمدی مشخص نیست.

## ۲- شاخص هرفیندال

اگر در بردار توزیع درآمد  $X$ ، میزان درآمد فرد نام با  $x_i$  و سهم درآمدی او از کل درآمد جامعه با  $y_i$  نشان داده شود، در آن صورت:

$$y_i = \frac{x_i}{\sum_{i=1}^n x_i} = \frac{x_i}{n\mu}$$

بنا به تعریف، شاخص نابرابری درآمد هرفیندال، عبارت است از حاصل جمع توان دوم سهم درآمدی کلیه افراد جامعه. رابطه زیر، اندازه این شاخص را که با  $H$  نشان می‌دهند، به دست می‌آورد:

$$H = \sum_{i=1}^n y_i^2 = \sum_{i=1}^n \left( \frac{x_i}{\sum_{i=1}^n x_i} \right)^2 = (\pi\mu)^{-2} \sum_{i=1}^n x_i^2$$

در صورتی که  $X$  متغیر تصادفی پیوسته باشد، شاخص مزبور به صورت زیر بیان می‌گردد:

$$H = \mu^{-2} \int_0^{\infty} [x f(x) dx]^2 = \mu^{-2} \int_0^{\infty} [x dF(x)]^2$$

این شاخص، برعکس شاخص دامنه تغییرات نسبی، با در نظر گرفتن کلیه درآمدها نحوه الگوی توزیع درآمد در سراسر جامعه مورد بررسی و بین همه افراد آن را مدنظر قرار می‌دهد.

## ۳- شاخص انحراف از میانگین نسبی

این شاخص درآمد هر یک از افراد جامعه مورد بررسی را با میانگین درآمد کل آن جامعه (درآمدی که در صورت توزیع کاملاً عادلانه درآمد جامعه به هر یک از افراد آن تعلق می‌گیرد) و برآورد میانگین قدر مطلق این انحرافات را نشان می‌دهد.

$$M_1 = \frac{D}{\mu} = (\pi\mu)^{-1} \sum_{i=1}^n |x_i - \mu|$$

که در حالت پیوسته بودن متغیر تصادفی درآمد، با رابطه زیر بیان می‌شود:

$$M_1 = \mu^{-1} \int_0^{\infty} |x - \mu| f(x) dx = \mu^{-1} \int_0^{\infty} |x - \mu| dF(x) = 2 [F(\mu) - F_1(\mu)]$$

با این حال، در بیشتر نوشته‌های مربوط به توزیع درآمد، نصف  $M_1$  به عنوان انحراف از میانگین نسبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس، اندازه شاخص انحراف از میانگین نسبی از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$M_2 = \frac{D}{2\mu} = (\pi\mu)^{-1} \sum_{i=1}^n |x_i - \mu|$$

این رابطه، در حالتی که  $X$  متغیر تصادفی پیوسته باشد، به صورت زیر بیان می‌شود:

$$M_2 = (\pi\mu)^{-1} \int_0^{\infty} |x - \mu| f(x) dx = (\pi\mu)^{-1} \int_0^{\infty} |x - \mu| dF(x) = F(\mu) - F_1(\mu)$$

اندازه شاخص انحراف از میانگین نسبی بین صفر (در حالت برابری کامل توزیع درآمد) و  $\frac{\pi-1}{\pi}$  (در حالت نابرابری کامل توزیع درآمد) تغییر می‌کند. زیرا در حالت برابری کامل توزیع درآمد اندازه کلیه درآمدها مساوی اندازه میانگین درآمد جامعه است.

$$M_2 = \frac{1}{\pi\mu} = \sum_{i=1}^n |x_i - \mu|$$

$$M_2 = \frac{1}{\pi\mu} = \sum_{i=1}^n |\mu - \mu|$$

$$M_r = \frac{1}{2n\mu} \times 0$$

$$M_r = 0$$

و در حالت نابرابری کامل توزیع درآمد، درآمد  $n-1$  فرد جامعه مساوی صفر و درآمد نفر آخر مساوی کل درآمد جامعه ( $n\mu$ ) است. بنابراین:

$$M_r = \frac{1}{2n\mu} = \frac{1}{2n\mu} \sum_{i=1}^n |x_i - \mu|$$

$$M_r = \frac{1}{2n\mu} = \sum_{i=1}^{n-1} (\mu - x) + \frac{1}{2n\mu} (xn - \mu)$$

$$M_r = \frac{1}{2n\mu} = \sum_{i=1}^{n-1} \mu + \frac{1}{2n\mu} \times \mu (n - 1)$$

$$M_r = \frac{(n-1)\mu}{2n\mu} + \frac{(n-1)\mu}{2n\mu}$$

$$= \frac{n-1}{n}$$

#### ۴- شاخص‌های اتو-فریگی

این شاخص از جمله شاخص‌های است که با شاخص انحراف از میانگین نسبی و منحنی لورنز توزیع درآمد رابطه بسیار نزدیکی دارد. این شاخص‌ها ابتدا توسط فریگی برای تجزیه و تحلیل و برنامه‌ریزی توزیع درآمد کارگران، در سال ۱۹۶۵ پیشنهاد شد و سپس توسط هر دو محقق، در سال ۱۹۶۸ بسط داده شد. (Elteto, 1968).

این شاخص‌ها متکی بر تقسیم جامعه مورد بررسی به دو گروه است. اولین گروه کسانی هستند که درآمد آنان کمتر از میانگین درآمد جامعه و دومین گروه متشکل از افرادی است که درآمد آنان در جامعه معادل میانگین درآمد جامعه و یا بیشتر از آن است. اگر میانگین درآمد این دو گروه را به ترتیب با  $\mu_1$  و  $\mu_2$  نشان دهیم، شاخص‌های مربوط به صورت زیر تعریف می‌گردد:

$$u = \frac{\mu}{\mu_1} \quad v = \frac{\mu_2}{\mu} \quad w = \frac{\mu_2}{\mu}$$

در روابط فوق،  $u$  میزان نابرابری در گروه درآمدی پائین،  $v$  میزان نابرابری درآمد در کل جامعه و  $w$  میزان نابرابری درآمد در گروه درآمدی بالا را نشان می‌دهد.

#### ۵- شاخص‌های نابرابری چندکها

چندک‌هایی که بیشتر برای توزیع درآمد مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارت‌اند از:

۵-۱- دهکها (هر دهک شامل ده درصد افراد جامعه است)

۵-۲- پنجکها (هر پنجک شامل بیست درصد افراد جامعه است)

۵-۳- چارکها (هر چارک شامل بیست و پنج درصد افراد جامعه است)

ضمناً در غالب بررسیهای توزیع درآمد از حالت ادغام شده و گسترده چندکها مثل چهل درصد افراد کم درآمد، چهل درصد افراد دارای درآمد متوسط و بیست درصد افراد پر درآمد نیز استفاده می‌شود.

در صورتی که داده‌های آماری درآمد کلیه افراد جامعه در اختیار باشد، با مرتب کردن صعودی افراد جامعه بر حسب درآمد، به سادگی می‌توان چندک مورد نظر را برآورد کرد که در این صورت، اولین چندک که شامل فقیرترین افراد جامعه و آخرین چندک در برگرفته ثروتمندترین آن افراد خواهد بود.

چندکها، هرچند، برداشت‌های ساده و قابل درکی از الگوی توزیع درآمد را به دست می‌دهند ولی تنها میزان نابرابری درآمدی بین طبقات درآمدی گوناگون را مدنظر قرار می‌دهند و به نابرابری درآمدی در داخل این طبقات هیچگونه توجهی ندارند.

#### ۶- شاخص نابرابری میانگین‌ها

رابطه زیر همواره برای نابرابری میانگین‌ها برقرار است:

$$\mu > G_e > H$$

که در آن  $\mu$  میانگین حسابی درآمد افراد جامعه،  $G_e$  میانگین هندسی درآمد افراد جامعه و  $H$  میانگین هارمونیک درآمد افراد جامعه است.

از نسبت بین میانگین هندسی و میانگین حسابی یک توزیع درآمد و یا نسبت بین میانگین هارمونیک و میانگین حسابی توزیع درآمد و یا لگاریتم این دو نسبت می‌توان به

مثابه شاخص نابرابری درآمد استفاده کرد. زیرا اندازه میانگین حسابی توزیع درآمد مورد بررسی همواره مساوی اندازه میانگین حسابی توزیع درآمد کاملاً عادلانه خواهد بود. در حالیکه اندازه میانگین هندسی و هارمونیک توزیع درآمد مورد بررسی به تبع میزان تفاوت آن با توزیع درآمد کاملاً عادلانه از اندازه میانگین حسابی آن فاصله می‌گیرد. بنابراین اندازه نسبت‌های فوق‌الذکر می‌تواند نشان دهنده میزان تفاوت الگوی توزیع درآمد مورد بررسی از الگوی توزیع درآمد کاملاً عادلانه باشد به این ترتیب:

$$F_1 = \frac{\mu}{G_e} \quad F_2 = \frac{\mu}{H}$$

$$F_1^* = \log \frac{\mu}{G_e} \quad F_2^* = \log \frac{\mu}{H}$$

که در آنها  $F$  شاخص نابرابری میانگین‌ها،  $\mu$  میانگین حسابی،  $G_e$  میانگین هندسی و  $H$  میانگین هارمونیک توزیع درآمد است.

در یک توزیع کاملاً عادلانه، چون اندازه هر سه میانگین مساوی یکدیگر است بنابراین اندازه شاخص‌های  $F_1$  و  $F_2$  مساوی یک و اندازه شاخص  $F_1^*$  و  $F_2^*$  مساوی صفر خواهد بود. از سوی دیگر، هرچه درآمد جامعه به صورت ناعادلانه‌تری توزیع شده باشد، فاصله بین میانگین هندسی و هارمونیک با میانگین حسابی بیشتر شده و در نتیجه، اندازه کلیه شاخص‌های گفته شده فوق نیز بزرگ‌تر می‌شود.

#### ۷- شاخص ضریب پراکندگی

در بررسی‌های توزیع درآمد می‌توان از ضریب پراکندگی استفاده نمود که به صورت نسبت انحراف معیار به میانگین درآمد جامعه تعریف می‌شود به این ترتیب ضریب پراکندگی عبارت است از:

$$C = \frac{S}{\mu} = \frac{1}{\mu} (\sum_{i=1}^n (x_i - \mu)^2 / n)^{1/2}$$

که در صورت پیوسته بودن درآمد افراد جامعه از رابطه زیر برآورد می‌شود:

$$C = \frac{S}{\mu} = \frac{1}{\mu} [\int_0^{\infty} (x-\mu)^2 f(x) dx]^{1/2} = \frac{1}{\mu} [\int_0^{\infty} (x-\mu)^2 dF(x)]^{1/2}$$

ضریب پراکندگی شاخص نسبی است. بنابراین نسبت به تغییر تناسب کلیه درآمدها هیچگونه حساسیتی نشان نمی‌دهد، مستقل از واحد اندازه‌گیری است و دارای واحد اندازه‌گیری نیست.

اندازه ضریب پراکندگی بین صفر (در حالت برابری کامل توزیع درآمد) و  $\sqrt{n-1}$  (در حالت نابرابری کامل توزیع درآمد) تغییر می‌کند.

$$C = \frac{1}{\sqrt{n} \cdot \mu} [\sum_{i=1}^n (\mu - \mu)^2]^{1/2} \quad \text{اثبات:}$$

$$C = \frac{1}{\sqrt{n} \cdot \mu} \times 0$$

$$C = 0$$

در حالت نابرابری کامل توزیع درآمد، به کل درآمد جامعه ( $n\mu$ ) به یک فرد اختصاص داده شده و بقیه افراد جامعه ( $n-1$ ) هیچگونه درآمندی ندارند. از اینرو:

$$C = \frac{1}{\sqrt{n} \cdot \mu} [\sum_{i=1}^n (0-\mu)^2 + (n\mu-\mu)^2]^{1/2}$$

$$C = \frac{1}{\sqrt{n} \cdot \mu} [(n-1)\mu^2 + (n-1)^2\mu^2]^{1/2}$$

$$C = \frac{1}{\sqrt{n} \mu} [\mu (n-1)(\mu + n\mu - \mu)]^{1/2}$$

$$C = \frac{1}{\sqrt{n} \mu} [\mu (n-1)(\mu n)]^{1/2}$$

$$C = \frac{1}{\sqrt{n} \mu} [n \mu^2 (n-1)]^{1/2}$$

$$C = \frac{1}{\sqrt{n} \mu} \cdot (\sqrt{n} \mu) (n-1)^{1/2}$$

$$C = \sqrt{n-1}$$



مورد بررسی به حداکثر اندازه نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد کاملاً ناعادلانه

### ۹-۲- دیدگاه ترسیمی

این دیدگاه می‌گوید ضریب جینی عبارت است از نسبت مساحت منطقه تمرکز درآمدی (سطح بین منحنی لورنز توزیع درآمد مورد بررسی و خط برابری کامل توزیع درآمد) به مساحت زیر خط برابری کامل توزیع درآمد. بنابراین، اندازه ضریب جینی یک الگوی توزیع درآمد، مساوی دو برابر مساحت منطقه تمرکز درآمدی آن توزیع است.

### ۹-۳- دیدگاه روانی

این دیدگاه می‌گوید، هر فرد جامعه مورد بررسی در مقایسه درآمد خود با درآمد هر یک از افراد دیگر جامعه، هنگامی که متوجه شود که در مقایسه با دیگران، درآمد کمتری دارد، دچار تأثر و افسردگی می‌شود. حال اگر میزان و اندازه این تأثر و افسردگی متناسب با تفاوت این درآمدها از یکدیگر در نظر گرفته شود، ضریب جینی عبارتست از میانگین مجموع کلیه این تأثرات و افسردگی‌ها برای تمامی جفت درآمدهای ممکن مربوط به همه افراد جامعه.

به طور کلی می‌توان گفت ضریب جینی عبارت است از نسبت متوسط مجموع قدر مطلق تفاوت بین کلیه جفت درآمدها به حداکثر اندازه ممکن این تفاوت. به این ترتیب ضریب جینی (G) برای توزیع درآمد ناپیوسته عبارت خواهد بود از:

$$G = \frac{\Delta}{\gamma\mu} = \frac{1}{\gamma\mu} \cdot \frac{1}{n^2} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n |x_i - x_j|$$

$$G = 1 - \frac{1}{n^2\mu} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n \min(x_i - x_j)$$

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{\gamma}{n^2\mu} [nx_1 + (n-1)x_2 + (n-2)x_3 + \dots + x_n]$$

اگر درآمد هر فرد جامعه، متغیر تصادفی پیوسته باشد، ضریب جینی عبارت است از:

بنابراین هنگامی که تعداد افراد جامعه بیش از دو نفر باشد، اندازه ضریب پراکندگی بیش از ۱ خواهد بود و در حالت خاصی که n بسیار بزرگ باشد، اندازه ضریب پراکندگی به سمت بی‌نهایت میل خواهد نمود.

### ۸- شاخص واریانس و انحراف معیار لگاریتم درآمدها

واریانس لگاریتم درآمدها ( $S_L^2$ ) عبارت است از میانگین حاصل جمع توان دوم انحرافات لگاریتم هر یک از درآمدها از میانگین حسابی این لگاریتم درآمدها در کل جامعه. بنابراین:

$$S_L^2 = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n (\log x_i - \mu_{\log x})^2 = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n (\log x_i - \log G_e)^2$$

در صورتی که درآمد افراد جامعه، متغیر تصادفی پیوسته باشد، واریانس لگاریتم درآمدها عبارت است از:

$$S_L^2 = \int_0^\infty (\log x - \log G_e)^2 f(x) dx$$

براساس تعریف، انحراف معیار لگاریتم درآمد عبارت است از جذر واریانس لگاریتم درآمدها، که در بررسیهای توزیع درآمد به مثابه شاخص نابرابری درآمد بکار برده می‌شود. از این رو:

$$\sigma_L = (S_L^2)^{1/2} = \left[ \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n (\log x_i - \log G_e)^2 \right]^{1/2}$$

$$\sigma_L = (S_L^2)^{1/2} = \left[ \int_0^\infty (\log x - \log G_e)^2 f(x) dx \right]^{1/2}$$

### ۹- شاخص ضریب جینی

متداولترین شاخص نابرابری درآمد شاخص ضریب جینی است. از سه دیدگاه می‌توان این شاخص را بررسی نمود، این دیدگاه‌ها عبارتند از:

### ۹-۱- دیدگاه آهاری

این دیدگاه می‌گوید ضریب جینی عبارت است از نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمد

و در حالت نابرابری کامل توزیع درآمد، کلیه درآمدها به استثنای آخرین درآمد مساوی صفر و آخرین درآمد مساوی  $n\mu$  است. بنابراین:

$$G = \frac{1}{n^2\mu} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n |x_i - x_j|$$

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2}{n^2\mu} \{ (nx_1) + [(n-1)x_2] + \dots + x_n \}$$

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2}{n^2\mu} \{ (nx_0) + [(n-1)x_1] + [(n-2)x_2] + \dots + n\mu \}$$

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2}{n}$$

$$G = \frac{n-1}{n}$$

که اگر  $n$  به اندازه کافی بزرگ باشد، اندازه ضریب جینی به سمت یک میل می‌کند و ویژگی محدودیت دامنه تغییرات اندازه شاخص نابرابری را تأمین می‌کند.

#### ۱۰- شاخص ضریب موزون

ضریب موزون نابرابری (I) از جمله شاخص‌های نابرابری موسوم به شاخص‌های خطی است که به صورت رابطه زیر تعریف می‌شود:

$$I = \frac{1}{\mu} \int_0^1 [F^{-1}(P) - \mu] W(P) dP$$

که در آن  $W(P)$  تابع تبیین و مستقل از شیب تابع توزیع  $F$  است. ضمناً  $F^{-1}(P) = x$  است.

#### ۱۱- شاخص ضریب طول منحنی لورنز

این شاخص، توسط کاکوانی ارائه شده است و از طریق اندازه طول منحنی لورنز توزیع درآمد مورد بررسی، به اندازه‌گیری میزان نابرابری درآمد آن می‌پردازد. در صورتی که طول منحنی لورنز با  $L$  نشان داده شود، اگر تمام درآمد جامعه به طور

$$G = \frac{\Delta}{2\mu} = \frac{1}{2\mu} \int_0^\infty \int_0^\infty |x - y| f(x) f(y) dx dy$$

$$G = \frac{1}{2\mu} \int_0^\infty \int_0^\infty |x - y| dF(x) dF(y)$$

$$G = \frac{1}{2\mu} \int_0^\infty [ \int_0^\infty (x-y) f(y) dy + \int_0^\infty (y-x) f(y) dy ] f(x) dx$$

$$G = \frac{1}{2\mu} \int_0^\infty [xF(x) - \mu F_1(x)] f(x) dx$$

$$G = \frac{1}{2} \int_0^\infty F_1(x) f(x) dx$$

$$G = 2 \int_0^1 [F(x) - F_1(x)] dF(x)$$

$$G = 2 \int_0^1 [P - L(P)] dp$$

همچنین بر مبنای تعریف منحنی تمرکز و ضریب تمرکز و رابطه آن با منحنی لورنز و ضریب جینی، این شاخص به صورت زیر نیز قابل بیان است:

$$G = \frac{2}{n\mu} \text{Cov} [x, \tau(x)]$$

اندازه ضریب جینی بین صفر (در حالت برابری کامل توزیع درآمد) و یک (در حالت نابرابری کامل توزیع درآمد) تغییر می‌کند. در حالت برابری کامل، کلیه درآمدها با یکدیگر برابر است. بنابراین:

$$G = \frac{1}{n^2\mu} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n |\mu - \mu|$$

$$G = \frac{0}{n^2\mu}$$

$$G = 0$$

مساوى و كاملاً برابر بين افراد آن جامعه توزيع شده باشد، منحنى لورنز بر خط برابرى كامل توزيع درآمد (OB) منطبق گردیده و طول آن  $\sqrt{2}$  خواهد بود. از طرف ديگر، در يك توزيع درآمد كاملاً غير عادلانه، كه كليۀ درآمد جامعه تنها به يكي از افراد آن تعلق گرفته و ديگران هيچ سهمى از آن نداشته باشند، منحنى لورنز بر خط شكسته OAB منطبق گردیده و طول آن معادل ۲ خواهد بود.

بنابراين، اندازه طول منحنى لورنز در دامنه تغييرات بين  $\sqrt{2}$  و ۲ تغيير مى كند ( $\sqrt{2} \leq L \leq 2$ ). ضريب طول منحنى لورنز (L) به مثابه شاخص نابرابرى درآمد به صورت نسبت اختلاف و تفاوت طول منحنى لورنز توزيع مورد بررسى و توزيع كاملاً عادلانه و برابر درآمدها به حداكثر اندازه اين تفاوت يعنى  $(2 - \sqrt{2})$  تعريف شده است :

$$I = \frac{L - \sqrt{2}}{2 - \sqrt{2}}$$

با در نظر گرفتن اينكه طول منحنى لورنز در بين هر دو نقطه عبارت است از :

$$AB = \{ \Delta (P)^2 + [\Delta L (P)]^2 \}^{1/2}$$

بنابراين، اگر تمام اندازه هاى طول منحنى لورنز در بين دو نقطه B,A آن، در دامنه تغييرات  $0 \leq P \leq 1$  با يكديگر جمع شوند طول منحنى لورنز توزيع درآمد (يعنى L) بدست خواهد آمد :

$$L = \frac{1}{2\sqrt{2}} \left[ \int_0^1 \sqrt{1 + \left[ \frac{dL(P)}{dP} \right]^2} \times dP - \sqrt{2} \right]$$

به عبارت ديگر :

$$L = \frac{1}{2\sqrt{2}} \left[ \frac{1}{\mu} \int_0^1 \sqrt{\mu^2 + x^2} f(x) dx - \sqrt{2} \right]$$

در صورتى كه درآمد افراد جامعه متغير تصادفى ناپيوسته باشد شاخص طول منحنى لورنز از رابطه زير برآورد مى شود :

$$L = \frac{1}{2\sqrt{2}} \left[ \frac{1}{\mu} \sum_{i=1}^n (x_i^2 + \mu^2)^{1/2} - \sqrt{2} \right]$$

ويژگى هاى كه اين شاخص دارد اولاً اين كه نسبت به انتقال درآمد در كليۀ سطوح درآمدى

داراى حساسيت است، ثانياً به تأمين اصل انتقال نزولى، نسبت به انتقالات درآمدى در سطوح پائين درآمد جامعه حساس تر است. بنابراين براى کاربردهاى چون اندازه گيرى شدت نابرابرى، در مقايسه با ضريب جينى، در مرتبه ارجح تبرى قرار مى گيرد.

۱۲- شاخص تيل

اين شاخص بر پايه مفهوم آنتروپى استوار است و به صورت تفاضل آنتروپى مربوط به توزيع درآمد مورد بررسى از آنتروپى مربوط به توزيع درآمد كاملاً عادلانه (كه هميشه مساوى logn است) تعريف مى شود. بنابراين، اين شاخص عبارت خواهد بود از :

$$T = \log n - H = \log n - \sum_{i=1}^n q_i \log \frac{1}{q_i}$$

$$T = \sum_{i=1}^n q (\log n + \log q_i) = \sum_{i=1}^n q_i \log n q_i$$

$$T = \sum_{i=1}^n q \log \frac{q_i}{p_i} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \frac{x_i}{x} \log \frac{x_i}{x}$$

در صورتى كه درآمد افراد جامعه متغير تصادفى پيوسته در نظر گرفته شود، رابطه فوق به صورت زير خواهد بود :

$$T = \frac{1}{\mu} \int_0^\infty x \log x f(x) dx - \log \mu$$

اندازه اين شاخص بين صفر (در حالت برابرى كامل توزيع درآمد) و Logn (در حالت نابرابرى كامل توزيع درآمد) تغيير مى كند. (ابوالفتحى، ۱۳۷۱).

□ ب - شاخص هاى قياسى

شامل آن شاخص هاى نابرابرى درآمد است كه نابرابرى درآمد يك جامعه و رفاه اجتماعى آن را مستقيماً به يكديگر مربوط دانسته و حداكثر رفاه اجتماعى را متناظر با حالتى از توزيع درآمد مى داند كه كل درآمد جامعه به طور مساوى بين افراد آن تقسيم شده باشد. به اين ترتيب، با اندازه گيرى ميزان کاهش رفاه اجتماعى حاصل از توزيع

نامتعادل درآمد بین افراد جامعه، میزان نابرابری درآمد را برآورد می‌کند. از این‌رو، انتخاب تابع رفاه اجتماعی مناسب در کانون اهمیت اندازه‌گیری این شاخص‌ها قرار دارد. مهمترین این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

### ۱- شاخص دالتون

دالتون بنیانگذار و پیشگام ارائه شاخص‌های قیاسی است. این شاخص عبارت است از حاصل تقسیم میزان تفاوت رفاه اجتماعی حاصل از توزیع درآمد مورد بررسی با توزیع درآمد کاملاً عادلانه بر حداکثر اندازه این تفاوت. به عبارت دیگر، این شاخص میزان کاهش نسبی رفاه کل جامعه در مقایسه با حداکثر رفاه اجتماعی ممکن را به مثابه میزان نابرابری درآمدی در نظر می‌گیرد. پس:

$$D_A = 1 - \frac{\sum_{i=1}^n u(x_i)}{nu(\mu)}$$

که در صورت پیوسته بودن تابع مطلوبیت فردی ( $u$ ) افراد جامعه عبارت‌است خواهد بود از:

$$D_A = 1 - \frac{\int_0^b u(x) f(x) dx}{u(\mu)}$$

در این روابط،  $D_A$  نشان دهنده شاخص دالتون است. اندازه شاخص در حالت برابری کامل توزیع درآمد مساوی صفر است، لیکن در حالت نابرابری کامل توزیع درآمد مساوی صفر نیست.

### ۲- شاخص بنتزل

بنتزل ضمن بررسی ارتباط بین توزیع درآمد، توزیع مصرف و توزیع رفاه جامعه به این نتیجه رسید که این سه الگوی توزیع یکسان نبوده و دستیابی به توزیع مصرف از توزیع درآمد و توزیع رفاه از توزیع مصرف با توجه به کمیت و کیفیت آمارهای موجود، حداقل کار بسیار مشکلی است و در این زمینه تحقیقات زیادی باید انجام پذیرد. وی برای تعریف شاخص خود، جامعه‌ای  $n$  فردی را در نظر می‌گیرد که تابع رفاه  $W(q)$  این افراد نامی

یکسان و همانند و قابل اندازه‌گیری کاردینال است که در آن  $q$  مبین میزان مصرف است. حال اکثر تابع توزیع میزان مصرف افراد با  $f(q)$  و رفاه اجتماعی جامعه با  $W$  نشان داده شود، خواهیم داشت:

$$W = n \int_0^{\infty} W(q) f(q) dq$$

تابع رفاه  $W(q)$  به ازای کلیه مقادیر  $q$  دارای ویژگی‌های زیر است:

$$W(q) > 0 \quad W'(q) > 0 \quad W''(q) < 0$$

این ویژگی‌ها موجب می‌شود که میزان رفاه اجتماعی جامعه همیشه کوچکتر یا مساوی  $nW(\mu)$  باشد. برابری زمانی حاصل می‌شود که میزان مصرف کلیه افراد جامعه یکسان باشد. بنابراین حداکثر رفاه اجتماعی قابل دستیابی در نتیجه توزیع مجدد مصرف بین افراد جامعه برابر  $nW(\mu)$  است که اگر با  $M$  نشان داده شود، تفاوت بین  $W$  و  $M$  مبین کل میزان کاهش رفاه اجتماعی ناشی از نابرابری و اختلاف بین میزان مصرف افراد جامعه است و شاخص بنتزل ( $B$ ) عبارت است از کاهش نسبی رفاه اجتماعی ناشی از این نابرابری مصرف است. بنابراین:

$$B = \frac{M - W}{M} = 1 - \frac{W}{M}$$

که در آن  $E = \frac{M}{W}$ ، کارایی رفاهی توزیع نامیده می‌شود.

اندازه این شاخص در حالت برابری کامل توزیع مصرف مساوی صفر و در حالت نابرابری کامل مصرف، کمتر از یک است.

ولی شاخص خود را از لحاظ نظری قابل تفهیم به جامعه‌ای می‌داند که در آن دو یا چند گروه از افراد با توابع رفاه مختلف وجود دارند. مثلاً اگر جامعه مورد بررسی از دو گروه  $A$  و  $B$  با تعداد افراد  $n_A$  و  $n_B$  و توابع رفاه  $W_A$  و  $W_B$  تشکیل شده باشد، این شاخص به صورت زیر خواهد بود:

$$B = 1 - \frac{n_A \int_0^{\infty} W_A(q) f_A(q) dq + n_B \int_0^{\infty} W_B(q) f_B(q) dq}{n_A W(q_A) + n_B W(q_B)}$$

که در آن  $q_A$  و  $q_B$  مربوط به آن، مقادیری از  $q$  است.  $p$  متضمن برابری بین رفاه نهایی کلیه افراد جامعه است یعنی ( $q_B = \mu_B$ ،  $q_A = \mu_A$ ). این برابری، شرط لازم برای حداکثر شدن رفاه کل جامعه در تحت محدودیت معلوم بودن کل مصرف جامعه است.

## ۳- شاخص اتکینسون

وی اعتقاد دارد که در یک جامعه مفروض، شاخص اقتصادی نابرابری درآمدی شاخصی است که باید متکی بر نظام رجحانهای افراد آن جامعه باشد، به عبارت دیگر، شاخص نابرابری درآمدی هنگامی از نقطه نظر اقتصادی قابل قبول و مطلوب است که مبین نابرابری رفاه فردی ناشی از توزیع نامتعادل درآمد بین افراد آن جامعه باشد.

وی شاخص خود را بر مبنای مفهوم معادل درآمدی توزیع متعادل ( $X_{EDE}$ ) می‌داند و معتقد است که  $X_{EDE}$  عبارت است از درآمد سرانه‌ای که اگر بطور مساوی و برابر به هر یک از افراد جامعه تخصیص داده شود، کل رفاه اجتماعی حاصل از آن دقیقاً برابر با کل رفاه اجتماعی است که به وسیله توزیع درآمد مفروض مورد بررسی ایجاد می‌شود. بنابراین:

$$X_{EDE} = x \mid [u(x_{EDE}) \int_0^B f(x) dx = \int_0^B u(x) f(x) dx]$$

اتکینسون شاخص خود را به صورت زیر تعریف کرد:

$$A = 1 - \frac{X_{EDE}}{\mu}$$

که عبارت است از تفاضل نسبت معادل درآمدی توزیع متعادل به میانگین درآمد جامعه مورد بررسی از عدد واحد. اندازه این شاخص در حالت برابری کامل توزیع درآمد مساوی صفر است، لیکن در حالت نابرابری کامل توزیع درآمد، لزوماً برابر یک نخواهد بود، مگر آنکه تابع رفاه انتخاب شده، دارای شرایط محدودیت‌هایی بیشتری باشند.

## ۴- شاخص سن

وی می‌گوید اگر تابع رفاه اجتماعی را تابعی فزاینده از میزان درآمد افراد آن جامعه به شکل زیر در نظر بگیریم:

$$W = W(x_1, x_2, \dots, x_n)$$

معادل درآمدی توزیع متعادل تعمیم یافته عبارت خواهد بود از درآمد سرانه‌ای که اگر بطور مساوی به کلیه افراد جامعه داده شود، میزان رفاه اجتماعی حاصل از آن برابر میزان رفاه اجتماعی است که توزیع درآمد مفروض مورد بررسی ایجاد می‌کند.

وی شاخص خود را به صورت تفاضل نسبت معادل درآمدی توزیع متعادل تعمیم یافته به میانگین درآمد جامعه از عدد واحد تعریف می‌کند یعنی:

$$N = 1 - \frac{x_f}{\mu}$$

که  $N$  شاخص سن است. (ابوالفتحی، ۱۳۷۱).

## توزیع درآمد در ایران

اقتصاد ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی دستخوش دگرگونی اساسی گردید. مؤلفه‌ها و متغیرهای مختلفی بر الگوی توزیع درآمد خانوارها در ایران بعد از انقلاب اثر گذاشته و تغییرات عمده‌ای را ایجاد نمود. از جمله این متغیرها می‌توان به سه مشخصه اصلی اقتصاد ایران اشاره کرد:

۱- جمعیت

۲- درآمد ارزی

۳- تورم

هرچند بعضی از صاحب‌نظران اقتصادی عوامل محیطی حاکم بر اقتصاد ایران را نیز به متغیرهای فوق اضافه می‌نمایند.

تغییرات این تحولات را در ایران بعد از انقلاب می‌توان به دو دوره تقسیم نمود:

الف - دوره اول سالهای ۱۳۵۷-۶۷

ب - دوره دوم سالهای ۱۳۶۸-۷۵

## دوره اول سالهای ۱۳۵۷-۶۷

با پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ایران وارد مرحله‌ای شد که شاید بتوان به آن تحول ساخت مندی قلمداد نمود. در این مرحله نونهادهایی وارد اقتصاد کشور گردید که توزیع درآمد در مناطق شهری را تحت‌الشعاع خود قرار داد. از نونهادهای اقتصادی ایران می‌توان به دو عامل مهم اشاره کرد. عامل اول ریشه در تاریخ این کشور دارد و عامل دوم ناشی از عواملی بوده است که تازه وارد اقتصاد ایران شده است.

با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ و ضرورت تأمین هزینه‌های دفاعی کشور و با توجه به تنگنای محاط بر محیط اقتصاد کشور (محاصره اقتصادی) و نوسان شدید

## دوره دوم سالهای ۱۳۶۸-۷۵

با پایان یافتن جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران و شروع اولین برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور و با اجرای تدریجی سیاستهای تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی با سرمایه گذاری نسبتاً حجیم دولت در بخشهای زیربنایی و تولیدی رشد اقتصادی از ابتدای دوره (۱۳۶۸) تا سال ۱۳۷۰ افزایش و از آن به بعد به صورت مثبت اما کاهنده ادامه یافت.

جدول شماره ۲-۷ مشخصه اصلی اقتصاد ایران را طی سالهای ۱۳۶۸-۷۵ نشان می دهد.

جدول شماره ۲-۷. مشخصه اصلی اقتصاد ایران طی سالهای ۱۳۶۸-۷۵

سال	جمعیت (میلیون نفر)	درآمد ارزی (میلیون دلار)	نرخ تورم سالانه (درصد)	ضریب جینی
۶۸	۵۳/۲	۱۶۳۷۹	۱۷/۴	۰/۴۰۹۲
۶۹	۵۴/۵	۲۲۶۹۷	۹/۰	۰/۳۹۶۹
۷۰	۵۵/۸	۲۱۵۴۲	۲۰/۷	۰/۳۹۹۶
۷۱	۵۷/۲	۲۲۷۱۰	۲۴/۴	۰/۳۸۷۰
۷۲	۵۸/۷	۲۰۸۱۵	۲۲/۸	۰/۳۹۷۶
۷۳	۶۰/۲	۲۰۹۶۹	۳۵/۲	۰/۳۹۹۳
۷۴	۶۰/۶	۱۸۳۷۵	۴۹/۴	۰/۳۹۶۴
۷۵	۶۰/۱	۲۱۴۵۶	۲۳/۲	۰/۳۹۷۱

مأخذ: اداره آمارهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.

- نماگرهای اقتصادی، اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.

## برنامه ها و سیاستهای تعدیل نابرابری در توزیع درآمد

تعدیل نابرابری در توزیع درآمد کشورها نیاز به برنامه ریزی و سیاستگذاری دارد. هر تحقق این هدف، افق زمانی برنامه ها و سیاستها برای دولتها و دولتمردان حائز اهمیت است و این افق بایستی بلند مدت در نظر گرفته شود. همانطوریکه قبلاً توضیح دادیم

قیمت نفت و وابستگی بیش از حد اقتصاد ایران به آن، ازدیاد بیش از حد عقلایی جمعیت، بالا بودن فرهنگ مصرف کالاها، کاهش فعالیتهای تولیدی و سرمایه گذاری اندک به دلیل بی ثباتی و عدم اطمینان آنان به سیستم اقتصادی و ... منجر به افزایش شدید تورم گردید.

درآمد ارزی کشور در سال ۱۳۵۷ بالغ بر ۲۱۸۷۹ میلیون دلار بود که با افت شدید در سال ۱۳۶۷ به ۱۱۱۷۶ میلیون دلار رسید، در مقابل جمعیت کشور از ۳۵/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۵۷ به حدود ۵۱/۹ میلیون نفر در سال ۱۳۶۷ افزایش یافت. میزان تورم در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به ترتیب معادل ۲۳/۸، ۲۷/۷ و ۲۸/۹ درصد بود. این دوران سخت ترین شرایط اقتصادی را برای ایران به همراه داشت.

جدول شماره ۱-۷ مشخصه اصلی اقتصاد ایران را طی سالهای ۱۳۵۷-۶۷ نشان می دهد.

جدول شماره ۱-۷. مشخصه اصلی اقتصاد ایران طی سالهای ۱۳۵۷-۶۷

سال	جمعیت (میلیون نفر)	درآمد ارزی (میلیون دلار)	نرخ تورم سالانه (درصد)	ضریب جینی
۵۷	۳۵/۵	۲۱۸۷۹	۹/۹	۰/۴۳۶۰
۵۸	۳۶/۵	۲۶۹۹۱	۱۱/۳	۰/۴۶۱۸
۵۹	۳۸/۳	۱۴۰۷۳	۲۳/۶	۰/۳۹۸۴
۶۰	۳۹/۵	۱۳۲۸۲	۲۳/۰	-
۶۱	۴۲/۳	۲۱۵۷۳	۱۹/۱	۰/۴۴۱۰
۶۲	۴۳/۹	۲۲۸۴۲	۱۴/۸	۰/۴۵۴۰
۶۳	۴۵/۷	۱۸۱۵۶	۱۰/۴	۰/۴۰۲۳
۶۴	۴۷/۵	۱۴۹۳۸	۶/۸	۰/۳۹۱۰
۶۵	۴۹/۴	۷۷۷۸	۲۳/۸	۰/۳۹۲۴
۶۶	۵۰/۶	۱۲۳۵۳	۲۷/۷	۰/۴۰۳۸
۶۷	۵۱/۹	۱۱۱۷۶	۲۸/۹	۰/۴۰۲۳

مأخذ: اداره آمارهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.

نابرابری در توزیع درآمدها ممکن است ناشی از بی‌ثباتی دولتها باشد، لیکن جهت از بین بردن این بی‌ثباتی چاره‌ای نیست که از یک سری برنامه‌ها و سیاستهای تعدیل نابرابری در توزیع درآمد استفاده نمود، تا بی‌ثباتی را به سوی ثبات سوق داد. در این بخش به برنامه‌های مختلف دولت که می‌توانند به صورت مستقیم توزیع درآمد را از نابرابری به برابری تغییر دهند و به عبارت دیگر به کاهش نابرابری توزیع درآمد کمک کنند بطور اختصار اشاره می‌نمائیم. برنامه‌ها و سیاستهای تعدیل نابرابری در توزیع درآمد را عده‌ای از صاحب‌نظران تحت سه عنوان، برنامه‌ها و سیاستهای مالیاتی، برنامه‌ها و سیاستهای هزینه‌ای و برنامه‌ها و سیاستهای کمک درآمدی دولتها در قالب سیستم مالیات بردرآمد منفی یاد می‌نمایند که به شرح هر یک از آنها می‌پردازیم:

#### □ الف - برنامه‌ها و سیاستهای مالیاتی دولت‌ها

یکی از برنامه‌ها و سیاستهای دولتها، استفاده از سیاستهای مالیاتی در بهبود توزیع درآمد است. یکی از مالیاتی‌هایی که در توزیع درآمد اثرات فراوانی دارد و در کاهش نابرابری مؤثر و مفید است مالیات بر درآمد بر مبنای نرخ تصاعدی است. این نوع مالیات بیشتر بر دوش افراد پردرآمد سنگینی می‌نماید و در کاهش نابرابری مؤثر است و اثر منفی به جای می‌گذارد. علمای مالیه عمومی معتقدند که هرچه نرخ این نوع مالیات بالا باشد، تأثیر آن در توزیع درآمد بیشتر خواهد بود. دولتها سعی می‌کنند با اخذ مالیاتهای هنگفت از افراد پر درآمد، آنها را به صورت یارانه و فراهم آوردن کالاها و خدمات اساسی بین افراد و اقشار آسیب‌پذیر و فقیر جامعه توزیع نمایند.

#### □ ب - برنامه‌ها و سیاستهای هزینه‌ای دولت‌ها

سیاستهای هزینه‌ای دولت‌ها در قالب سیستم‌های حمایتی درجهت توزیع مجدد درآمد در بین اقشار مختلف می‌باشد. یکی از اثرات تحقق عدالت اجتماعی، نظام تأمین اجتماعی به عنوان یک سیستم حمایتی است. تبیین، شناخت و تعیین جایگاه تأمین اجتماعی نیازمند تعریف جامعی از تأمین اجتماعی است. تأمین اجتماعی حمایتی است که جامعه از طریق مجموعه‌ای از معیارهای عمومی در برابر آسیبهای اجتماعی و اقتصادی که بدلائل بیماری، بیکاری، بارداری، حوادث ناسی از کار، از کار افتادگی،

سالمندی و فوت بوجود آید، برای اعضای خود تدارک می‌بینند. استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی در هر کشور به راحتی امکان‌پذیر نبوده و انتخاب استراتژی موردنظر به شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع مورد نظر بستگی داشته و معمولاً در روند تصمیم‌گیریهای حاکم بر کشور مؤثر است.

در اکثر کشورهای دنیا، برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در مقابل حوادث غیرمترقبه اقتصادی و اجتماعی از یک یا ترکیبی از روشهای زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از:

- بیمه اجتماعی
- طرح مسئولیت کارفرما
- مساعدت اجتماعی
- پرداخت مزایا از محل درآمدهای عمومی
- صندوقهای احتیاط ملی

#### سازمانهای بیمه‌های اجتماعی در ایران

سازمانهای بیمه‌های اجتماعی در ایران در قالب ۴ گروه تقسیم‌بندی شده و افراد را تحت پوشش قرار می‌دهند این ۴ گروه عبارت‌اند از:

- ۱- سازمان تأمین اجتماعی (از طریق بیمه اجباری و خویش فرمایان براساس بیمه اختیاری)
  - ۲- سازمان بازنشستگی کشوری (صندوق بازنشستگی کشوری برای کارمندان دولت)
  - ۳- صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح (کادر رسمی نیروهای مسلح)
  - ۴- سایر صندوقها (صندوق کارکنان مؤسسات دولتی و نیمه دولتی از جمله بانکها، ۲ رادیو و تلویزیون، هواپیمائی و غیره)
- محور اصلی سازمان‌های فوق‌الاشاره، ارائه کلیه خدمات بیمه‌ای به افراد است. حال به شرح هرکدام از این سازمانها می‌پردازیم:

#### سازمان تأمین اجتماعی و سیستم‌های حمایتی آن

سازمان تأمین اجتماعی و سیستم‌های حمایتی آن به تاریخچه تشکیل این سازمان بر

می‌گردد. در سال ۱۳۰۹ صندوقی تحت عنوان صندوق احتیاط وزارت طرق و شوارع بوجود آمد. صندوق فوق در طی سالهای بعد از ۱۳۱۰ تحت عناوین زیر تغییر نام داد.

در سال ۱۳۱۵ به صندوق احتیاط و صرفه‌جویی کارخانجات، در سال ۱۳۲۴ به شرکت سهامی بیمه ایران، در سال ۱۳۲۶ به بنگاه رفاه اجتماعی، در سال ۱۳۳۲ به صندوق تعاون بیمه کارگران، در سال ۱۳۴۲ به سازمان بیمه‌های اجتماعی، در سال ۱۳۵۴ به سازمان تأمین اجتماعی، در سال ۱۳۵۵ به صندوق تأمین اجتماعی و بالاخره در سال ۱۳۵۸ دوباره به نام سازمان تأمین اجتماعی.

این سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است که به استناد ماده واحده مصوب ۱۳۷۳/۴/۲۹ مجلس شورای اسلامی به عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی محسوب گردیده و امور آن طبق اساسنامه مصوب هیأت وزیران اداره می‌شود.

### مشمولین قانون تأمین اجتماعی در ایران

مشمولین قانون تأمین اجتماعی عبارت‌اند از:

۱. افرادی که به هر عنوان در مقابل دریافت مزد یا حقوق کار می‌کنند.
۲. صاحبان حرف و مشاغل آزاد مشروط به انعقاد قرارداد.
۳. دریافت‌کنندگان مستمریهای بازنشستگی، از کارافتادگی و فوت.
۴. اتباع بیگانه مشروط به تحقق شرایط قانون مندرج در ماده ۵ قانون تأمین اجتماعی.

### معافیت از شمول قانون تأمین اجتماعی

۱- مستخدمین وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و مؤسسات وابسته به دولت که طبق قوانین مربوطه، به نحوی از انحاء از موارد مذکور در ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی (حوادث و بیماریها، بارداری، غرامت دستمزد، از کارافتادگی، بازنشستگی و فوت) بهره‌مند می‌باشند.

۲- مشمولین قانون استخدام نیروهای مسلح و افزارمندان مشمول قانون تعاون و بیمه بازنشستگی افزارمندان ارتش از مشمول قانون تأمین اجتماعی خارج بوده و تابع مقررات و قانون خاص خود خواهند بود.

### حمایت‌های سازمان تأمین اجتماعی

حمایت‌های سازمان تأمین اجتماعی در قالب تعهدات کوتاه مدت و تعهدات بلند مدت مطرح است. (موسسه حسابرسی تأمین اجتماعی، ۱۳۷۶).

#### □ الف - تعهدات کوتاه مدت

مجموعه حمایت‌هایی که از سوی این سازمان درخصوص بیمه‌شدگان و در قالب تعهدات کوتاه مدت صورت می‌گیرد به شرح زیر است:

۱- حمایت درمانی (بیماری، بارداری و حوادث) به استناد مواد ۵۴، ۵۵ قانون تأمین اجتماعی)

۲- غرامت دستمزد ایام بیماری (مواد ۶۲، ۶۴ و ۵۹ و مفاد بند ۹ ماده ۲ و تبصره ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی).

۳- غرامت دستمزد ایام بارداری (کمک بارداری ماده ۶۷ قانون تأمین اجتماعی).

۴- هزینه سفر و فوق‌العاده آن و هزینه اقامت بیمار و همراه (مفاد بند ۵ ماده ۶۲ قانون تأمین اجتماعی).

۵- پروتز و ارتوز<sup>(۱)</sup> (مفاد بند ۱۰ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی).

۶- غرامت نقص عضو مقطوع (ماده ۷۴ قانون تأمین اجتماعی).

۷- کمک ازدواج (ماده ۸۵ قانون تأمین اجتماعی).

۸- هزینه کفن و دفن (ماده ۸۴ قانون تأمین اجتماعی).

#### □ ب - تعهدات بلند مدت

مجموعه حمایت‌های سازمان تأمین اجتماعی در قالب تعهدات بلند مدت، متضمن برقراری و پرداخت انواع مستمری "بازنشستگی، از کار افتادگی و بازنماندگان" می‌باشد که شرح مبسوط آن در زیر آمده است:

۱- مستمری بازنشستگی (مواد ۷۹ - ۷۶ قانون تأمین اجتماعی و ماده واحده مصوب

(۷۱/۱۲/۱۶)

۱- وسایلی هستند که به منظور اعاده سلامت و یا جبران نقائص جسمانی و با تقویت حواس به کار می‌روند.



۲- مستمری از کارافتادگی کلی<sup>(۱)</sup> (مواد ۷۲، ۷۰ و ۷۵ قانون تأمین اجتماعی)

۳- مستمری از کارافتادگی جزئی<sup>(۲)</sup> (ماده ۷۳ قانون تأمین اجتماعی)

۴- مستمری بازماندگان (مواد ۸۲، ۸۰ قانون تأمین اجتماعی)

۵- مزایای نقدی، غیرنقدی و عیدی مستمری بگیران

۵-۱- کمک عائلهمندی

۵-۲- کمک هزینه اولاد

۵-۳- عیدی

۵-۴- بن کالاهای اساسی (مزایای غیرنقدی)

### سازمان بازنشستگی کشوری و سیستم‌های حمایتی آن

اولین قانونی که سیستمی برای بازنشستگی در ایران به وجود آورد، قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۰۱/۹/۲۲ بود، از سال ۱۳۱۳ اداره کل بازنشستگی کشوری مرجع رسیدگی به کلیه امور استخدامی کارمندان دولت شناخته شد و تا سالهای ۱۳۵۴ تحت پوشش وزارت دارایی بود. از سال ۱۳۵۴ صندوق بازنشستگی کشوری به صورت مؤسسه‌ای مستقل وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور درآمد و اداره امور صندوق بازنشستگی را عهده‌دار شد.

هرچند هدف از تشکیل این سازمان بهره‌برداری اقتصادی از موجودی صندوق بود لیکن در این زمینه تاکنون نتوانسته است به موفقیت‌های چشمگیری نائل شود. از جمله وظایف اساسی این سازمان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- اداره امور بازنشستگی و وظیفه از کارافتادگی و وظیفه بازماندگان مستخدمین مشترک صندوق بازنشستگی کشور و کارکنان شرکتهای دولتی و شهرداریهای کشور به استثناء شهرداری تهران.
- ۲- اجرای قانون و مقررات مربوط به بازنشستگی کشوری، وظیفه‌گیری و تهیه آیین‌نامه‌های اجرایی سازمان.

۱- از کارافتادگی کلی عبارت است از کاهش قدرت کار بجهت شده به‌نوعی که کاهش قدرت وی بیش از ۶۵ درصد باشد و نتواند با اشتغال به کار لیلی و پاکار دیگری بیش از یک سوم از درآمد لیلی خود را به دست آورد.

۲- بیمه شده‌ای که قدرت کار او به موجب نظر کمیسیون پزشکی در اثر حادثه بلایی از کثره بین ۲۲ تا ۶۶ کاهش یابد پرداخت می‌گردد.

۳- بهره‌برداری از وجوه صندوق بازنشستگی کشوری و کوشش در جهت ایجاد صندوق بازنشستگی بصورت خودکفا.

### صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح

این صندوق جزء سازمانهای بیمه‌های اجتماعی در ایران است که نیروهای مسلح را تحت پوشش خود قرار داده است. طبق قانون مستخدمین رسمی نیروهای مسلح و افزار میزان از شمول قانون تأمین اجتماعی خارج بوده و براساس قانون خاص خود افراد را تحت پوشش خدمات درمانی همچون حوادث و بیماریها، بارداری، غرامت، دستمزد، از کارافتادگی، بازنشستگی و فوت قرار می‌دهد.

### سایر صندوقها و سیستم‌های حمایتی آنها

مجموعاً ۱۵ صندوق به شرح زیر در این قسمت، کارکنان مؤسسات دولتی و نیمه دولتی را تحت پوشش خود قرار می‌دهند.

۱- صندوق بازنشستگی شرکت بیمه ایران (سال تأسیس ۱۳۱۴)

۲- صندوق شرکت ملی نفت ایران (سال تأسیس ۱۳۲۶)

۳- صندوق بازنشستگی شرکت مخابرات (سال تأسیس ۱۳۳۴)

۴- صندوق بازنشستگی بانک مرکزی (سال تأسیس ۱۳۴۲-۴۳)

۵- صندوق بازنشستگی شرکت سهامی تهیه و توزیع علوفه (سال تأسیس ۱۳۴۹)

۶- صندوق بازنشستگی شرکت بیمه مرکزی ایران (سال تأسیس ۱۳۵۰)

۷- شهرداری تهران (سال تأسیس ۱۳۵۳)

۸- شرکت ملی فولاد (سال تأسیس ۱۳۵۳)

۹- صندوق بازنشستگی سازمان بنادر و کشتیرانی ج ۱۱ (سال تأسیس ۱۳۵۳)

۱۰- صندوق بازنشستگی آینده‌سازان (سال تأسیس ۱۳۵۵)

۱۱- صندوق مشترک بانکها (سال تأسیس ۱۳۵۶)

۱۲- شرکت هواپیمائی ملی ج ۱۱ (سال تأسیس ۱۳۵۹)

۱۳- صندوق بازنشستگی جهاد سازندگی (سال تأسیس ۱۳۶۷)

۱۴- صندوق بازنشستگی صنایع مس

۱۵- صندوق بازنشستگی صدا و سیما

### خدمات فرعی بیمه‌های اجتماعی در ایران

بیمه بیکاری جزئی از خدمات فرعی نظام بیمه‌های اجتماعی در ایران است که قدمت آن به سالهای ۱۹۳۰ در کشورهای صنعتی بر می‌گردد. فلسفه بوجود آمدن آن معلول تلاشهای دولتهای آن زمان برای تأمین معاش نیروهای کاری بوده است به گونه‌ای که این نیروها بطور غیر ارادی و غیر داوطلبانه از دسترسی به شغلی محروم بوده‌اند.

تعداد کشورهایی که در فاصله دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۳۰ دارای نظام بیمه بیکاری بوده‌اند، منحصر به ۸ کشور صنعتی وقت بوده است.

در طول جنگ جهانی دوم تقریباً کشورهایایی که این نوع بیمه را دارا بودند، اجرای آن را متوقف و بعد از جنگ با شیوه‌های جدیدتر و قوانین تغییر یافته دوباره آن را برقرار نمودند.

در حال حاضر ۴۴ کشور جهان دارای قانون بیمه بیکاری‌اند، که اکثراً با ضوابط کم و بیش مشابه به افرادی که غیر داوطلبانه بیکار شده و آماده‌کارند وجوهی را پرداخت می‌نمایند، به جز بنگلادش که بیمه بیکاری همان خسارت اخراج است.

وجه تشابه این کشورها در منابع درآمد صندوق بیمه بیکاری و محدودیت زمانی در پرداخت مقرری و افراد واجد شرایط دریافت مزایای بیمه بیکاری است.

کشورهای صنعتی اروپائی کماکان بیشترین بیمه بیکاری را پرداخت می‌نمایند و در آسیا این امر شامل ۵ کشور ایران، بنگلادش، ژاپن، چین و کره جنوبی است.

در سال‌های اخیر (۱۳۶۶) بر طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی و تلاش وزارت کار و امور اجتماعی قانون بیمه بیکاری به تصویب رسید. این قانون ابتدا به صورت آزمایشی بوده و برای مدت ۳ سال به اجرا گذاشته شد. تعداد کارگرانی که در طول این سه سال تحت پوشش قانون مذکور قرار گرفتند به مرز ۴۴ هزار نفر رسید که از این تعداد ۶ هزار نفر مربوط به حادثه زلزله گیلان بوده است.

در ۱۳۶۹/۶/۲۶ قانون جدید و دائم بیمه بیکاری در ایران به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به مورد اجرا گذاشته شد. به موجب این مصوبه کلیه مشمولین قانون تأمین اجتماعی که تابع قوانین کار و کار کشاورزی هستند به استثنای گروه‌های زیر،

مشمول مقررات قانون بیمه بیکاری شدند؛

الف - بازنشستگان و از کارافتادگان کلی

ب - صاحبان حرف و مشاغل آزاد و بیمه‌شدگان اختیاری

ج - اتباع خارجی

از خصوصیات بارز این قانون می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱- پرداخت حق بیمه بیکاری هیچ بار مالی برای دولت تحمیل نمی‌نماید، چرا که تمام منابع مالی صندوق بیمه بیکاری از محل ۳ درصد دستمزد افراد شاغل جامعه کارگری توسط کارفرمایان پرداخت می‌گردد.

۲- در این قانون برای بیکاری غیرارادی مجرد و متأهلین سابقه پرداخت حق بیمه از ۶ ماه شروع و حداکثر ۵۰ ماه ختم می‌شود.

۳- افرادی که بر اثر بروز حوادث غیرمترقبه مانند سیل، زلزله، جنگ و غیره بیکار می‌شوند، مشمول دریافت حق بیمه بیکاری هستند.

۴- مدت دریافت مقرری بیمه بیکاری کارگران جزء سوابق بازنشستگی آنان محسوب می‌شود و در این مدت از مزایای حمایتی، درمانی تأمین اجتماعی نیز برخوردارند. پس می‌توان گفت قانون بیمه بیکاری در ایران بطور کلی در جهت حمایت از کارگران و کارفرمایان نوعی قانون حمایتی تلقی می‌گردد.

### سازمانهای غیر بیمه‌ای مساعد اجتماعی در ایران

فلسفه ایجاد این نوع سازمانها این است که هر فرد با توجه به شرایط منظور شده در قانون، استحقاق دریافت کمک مالی از محل درآمدهای عمومی را دارا باشد.

این سازمانها، برنامه‌های رفاه اجتماعی و حمایت از درآمد خانواده‌هایی که از استطاعت مالی برخوردار نیستند را تحت پوشش قرار می‌دهند. این سازمانها در ایران عبارت‌اند از : سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.

از بین سازمانهای فوق، سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی (ره) بیشترین مساعد اجتماعی را در کشور به عهده دارند که به شرح آن می‌پردازیم

## ۱- سازمان بهزیستی کشور

تشکیل سازمان بهزیستی کشور به موجب لایحه قانونی مورخ ۱۳۵۹/۴/۱۰ و درجهت تحقق مفاد اصول ۲۲-۲۱ قانون اساسی ج ۱۱ بوده است. عمده فعالیت‌های این سازمان در چهاربخش زیر می‌توان خلاصه نمود:

بخش اول: خدمات حمایتی

بخش دوم: خدمات توانبخشی

بخش سوم: کارآموزی و بازپروری اجتماعی

بخش چهار: پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

خدمات حمایتی این سازمان را تحت ۶ عنوان زیر می‌توان بیان نمود:

- خدمات به افرادی بی‌سرپرست و نیازمند

- خدمات به کودکان بی‌سرپرست

- خدمات به کودکان نیازمند زیر سن دبستان

- خدمات به مهاجرین جنگ تحمیلی

- برنامه خدمات توانبخشی به معلولین جسمی، فکری، حسی و ذهنی

- برنامه کارآموزی و بازپروری اجتماعی معتادین، زنان تحت ارشاد و بزهکاران و متکدیان

## ۲- کمیته امداد امام خمینی (ره)

این نهاد در اسفند ماه ۱۳۵۷ فعالیت‌های خود را رسماً آغاز نمود که هدف از تأسیس آن بنا به دستور امام (ره) کمک و مساعدت به محرومین و درماندگان بوده است.

منابع درآمدی این نهاد با استفاده از بودجه عمومی، کمک‌های مردمی و وجوه شرعی و درآمدهای ناشی از تبصره ۸۲ صورت می‌پذیرد. به موجب این تبصره در سال ۱۳۶۲،

اموال مربوط به بنیادها و اموال صادره‌ای در اختیار این نهاد قرار گرفته است.

خدمات اجتماعی این نهاد را می‌توان در قالب ۱۶ عنوان در طی سالهای اخیر مطرح

نمود که عبارت‌اند از:

- مددجویان

- طرح شهیدرجایی

- خدمات فرهنگی

- خدمات اشتغال زایی و خودکفایی

- خدمات درمانی

- ازدواج

- قرض الحسنه

- اطعام و افطار

- کمک به خسارت دیدگان

- طرح کنترل موالید

- جبران دیه به نیروهای انتظامی و سپاه

- طرح سرباز معلم

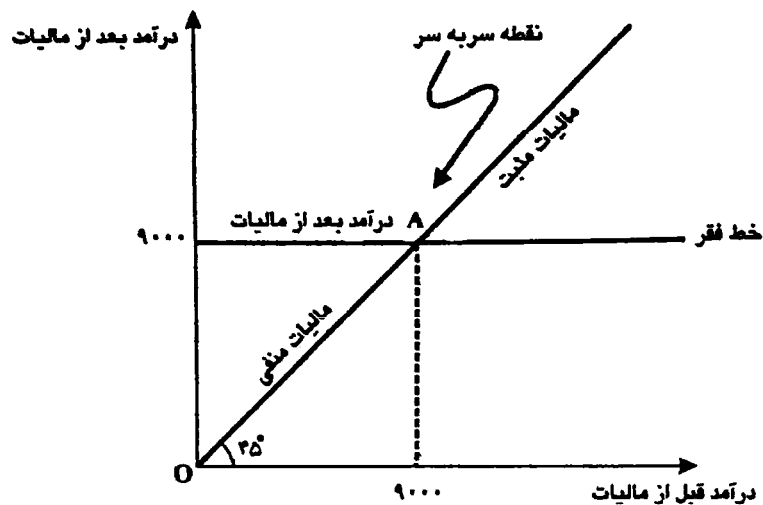
- طرح بازگشت مددجویان به روستاها

- طرح جشن نیکوکاری

- فعالیتهای خدماتی به خارج از کشور (لبنان/افغانستان/آوارگان عراقی/بوسنی/کشورهای افریقایی و آسیای میانه).

### □ ج - برنامه‌ها و سیاستهای کمک درآمدی دولتها در قالب سیستم "مالیات بر درآمد منفی" (۱)

یکی دیگر از برنامه‌های کمک درآمدی دولتها در بهبود توزیع درآمد، سیستم مالیات بر درآمد منفی است. مفهوم این سیستم این است که فردی که درآمد نسبتاً بالایی دارد باید مالیات مثبت براساس انواع مختلف درآمد خود به دولت بپردازد و هنگامی که درآمد فرد کمتر از یک حد استاندارد تعیین و تبیین شده است، نه تنها مالیاتی نمی‌پردازد، بلکه وجوهی نیز برای کمک و یاری به درآمدش از دولت دریافت می‌دارد (مالیات منفی). حد استاندارد تعیین و تبیین شده را نقطه سر به سر و یا خط فقر می‌نامند. در این سیستم به عبارت دیگر، چنانچه درآمد فردی بالاتر از خط فقر باشد مالیات مثبت به دولت می‌پردازد و چنانچه یائین‌تر از خط فقر باشد مالیات منفی از دولت دریافت می‌دارد و چنانچه فرد درآمدش در نقطه خط فقر باشد نه مالیات مثبت و نه مالیات منفی را دریافت یا خواهد



نمودار شماره ۲-۷: مالیات منفی خانوارهای با درآمد جاری

خط  $OA$  در نمودار شماره ۲-۷، وضعیت درآمد قبل از مالیات را نشان می‌دهد. با وضع مالیات منفی با نرخ ۱۰۰ درصد، خط درآمد بعد از مالیات به  $BA$  تبدیل می‌شود. تفاوت مابین درآمد قبل از مالیات و درآمد بعد از مالیات در حقیقت مالیات منفی را نشان می‌دهد (منطقه  $OBA$ )، در این حالت چون درآمد فرد صفر است، ۹۰۰۰ تومان در ماه به عنوان مالیات منفی دریافت می‌نماید. با افزایش درآمد، به تدریج میزان مالیات منفی کاهش می‌یابد بطوری که زمانی درآمد فرد ۹۰۰۰ تومان است هیچگونه مالیاتی به وی پرداخت نمی‌گردد.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

توزیع درآمد، درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را تسریع و تسهیل می‌نماید. از آنجائیکه یکی از وظایف دولتها توزیع درآمد در سطح جامعه است این

پرداخت.

اساس این فکر به پرفسور میلتون فریدمن استاد معروف دانشگاه شیکاگو نسبت داده شده است. وی از جنگ جهانی دوم به بعد مسائل مربوط به طبقات کم درآمد جامعه و مشکلات اجرای قانون بیمه‌های اجتماعی دولتها را مورد مطالعه قرار داده و نتایج مطالعات خود را در سال ۱۹۶۲ در کتابی تحت عنوان "سرمایه‌داری و آزادی" منتشر نمود. برای مثال، فرض کنیم سطح درآمد در خط فقر برای یک خانوار ۵ نفری، ۹۰۰۰ تومان در ماه باشد، در این صورت با نرخ مالیات بر درآمد منفی ۱۰۰ درصد، می‌توان میزان مالیات منفی خانوارهای با درآمد جاری را برطبق جدول شماره ۳-۷ نشان داد:

جدول شماره ۳-۷: مالیات منفی خانوارهای با درآمد جاری

درآمد قابل تصرف	مالیات منفی	درآمد جاری
۹۰۰۰	۹۰۰۰	۰
۹۰۰۰	۵۰۰۰	۴۰۰۰
۹۰۰۰	۲۰۰۰	۷۰۰۰
۹۰۰۰	۱۰۰۰	۸۰۰۰
۹۰۰۰	۰	۹۰۰۰

موضوع از اهمیت خاصی برای کشورها برخوردار است. مهمترین عوامل تعیین کننده توزیع درآمد متفاوت بودن میزان پرداخت حقوق و دستمزد توسط سازمانها و مؤسسات به افراد و متفاوت بودن درآمد ناشی از دارایی و ثروت است، هرچند نقش دولت‌ها را نیز بایستی به عوامل یاد شده افزود.

با توجه به اینکه سه مشخصه اصلی اقتصاد ایران جمعیت، درآمد ارزی و تورم است این سه مشخصه توزیع درآمد در ایران را تحت الشعاع خود قرار داده است.

برنامه‌ها و سیاستهای تعدیل نابرابری در توزیع درآمد در قالب سه عنوان برنامه‌ها و سیاستهای مالیاتی، برنامه‌ها و سیاستهای هزینه‌ای و برنامه‌ها و سیاستهای کمک درآمدی دولت‌ها مطرح می‌نمایند.

برنامه‌ها و سیاستهای مالیاتی دولت‌ها که در توزیع درآمد اثرات فراوانی دارد مالیات بر درآمد تصاعدی است. هرچند این نوع از مالیات بیشتر بر دوش افراد پر درآمد سنگینی می‌کند، و در کاهش نابرابری مؤثر است.

برنامه‌ها و سیاستهای هزینه‌ای دولت‌ها در قالب سیستم‌های حمایتی در جهت توزیع مجدد درآمد در بین اقشار مختلف می‌باشد. یکی از اثرات تحقق عدالت اجتماعی، نظام تأمین اجتماعی به عنوان یک سیستم حمایتی است. سازمانهای بیمه اجتماعی در قالب

۴ گروه زیر تقسیم‌بندی می‌گردند:

۱- سازمان تأمین اجتماعی

۲- سازمان بازنشستگی کشوری

۳- صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح

۴- سایر صندوقها

حمایت‌های سازمان تأمین اجتماعی در قالب دو نوع تعهدات (تعهدات کوتاه‌مدت و تعهدات بلند مدت) مطرح است. همچنین خدمات فرعی بیمه‌های اجتماعی در ایران را تحت عنوان بیمه بیکاری مطرح کردیم که ریشه در تاریخ کشورهای صنعتی (۱۹۳۰) دارد و سازمانهای غیر بیمه‌ای مساعد اجتماعی در ایران را در قالب سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مطرح نمودیم. و بالاخره برنامه و سیاستهای کمک درآمدی دولت‌ها را در قالب تقسیم مالیات بر درآمد منفی بازگو نمودیم که در بهبود توزیع درآمد ذی‌سهم است.

## خودآزمایی فصل ۷

۱- توزیع درآمد را تعریف نمایید.

۲- عوامل تعیین کننده توزیع درآمد را تقسیم‌بندی نموده و تشریح نمایید.

۳- تکنیک‌ها و روشهای اندازه‌گیری درجه نابرابری توزیع درآمد را نام برده و هرکدام را مختصراً توضیح دهید.

۴- توزیع درآمد در ایران را تجزیه و تحلیل نمایید.

۵- برنامه‌ها و سیاستهای تعدیل نابرابری در توزیع درآمد را نام ببرید.

۶- روشهای مورد استفاده در اکثر کشورهای دنیا برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را نام ببرید.

۷- سازمانهای بیمه‌های اجتماعی در ایران را تقسیم‌بندی نمایید.

۸- نقش سازمان تأمین اجتماعی را بازگو نمایید.

۹- مشمولین قانون تأمین اجتماعی در ایران را نام ببرید.

۱۰- معافیت از شمول قانون تأمین اجتماعی را نام ببرید.

۱۱- حمایت‌های سازمان تأمین اجتماعی را تقسیم‌بندی نمایید.

۱۲- از کار افتادگی کلی چه تفاوتی با از کار افتادگی جزئی دارد.

۱۳- نقش سازمان بازنشستگی کشوری را بازگو نمایید.

۱۴- وظایف سازمان بازنشستگی کشوری را نام ببرید.

۱۵- نقش صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح را بازگو نمایید.

۱۶- مجموعه سایر صندوق‌های کارکنان مؤسسات دولتی و نیمه دولتی را تقسیم‌بندی نمایید.

۱۷- بیمه بیکاری را تشریح نمایید.

۱۸- گروههای مشمول مقررات قانون بیمه بیکاری را نام ببرید.

۱۹- سازمانهای غیر بیمه‌ای مساعد اجتماعی در ایران را نام ببرید.

۲۰- عمده‌ترین فعالیتهای سازمان بهزیستی کشور را بازگو نمایید.

۲۱- منابع تأمین مالی کمیته امداد امام خمینی (ره) را نام ببرید.

۲۲- خدمات اجتماعی نهاد کمیته امداد امام خمینی (ره) را نام ببرید.

۲۳- سیستم مالیات بر درآمد منفی را تجزیه و تحلیل نمایید.

دولت و سازمانهای دولتی بودجه است. تغییرات وسیعی که در چند دهه اخیر در حجم پیچیدگی و گستردگی عملیات و وظایف دولت صورت پذیرفته است به اهمیت بررسی این مسأله تأکید دارد، مخصوصاً بودجه دستگاههای دولتی قابل بررسی و کنکاش می‌باشد. بودجه هر دستگاه دولتی حاصل و ثمره عوامل اقتصادی، سیاسی، قانونی و اجتماعی خارج از آن دستگاه و عوامل مدیریت داخلی آن سازمان است.

یکی از ضروریات بودجه‌ریزی دولتی، ارتباط بودجه با حسابهای دولتی به منظور فراهم نمودن اطلاعات لازم برای تنظیم، اجرا و کنترل بودجه می‌باشد. برای تأمین این اطلاعات نیاز به یک سری عوامل و سیستم می‌باشد این سیستم‌ها عبارت‌اند از: سیستم برنامه‌ریزی، سیستم بودجه‌ریزی، سیستم حسابداری دولتی و سیستم گزارش‌دهی با استفاده از عناوین، روشها و طبقه‌بندی منسجم از وظایف و مسئولیت‌های دستگاههای دولتی است.

برای بودجه‌ریزی دولتی یک سری خصوصیات را مدنظر قرار می‌دهند این خصوصیات، خصوصیات هستند که تقریباً در تمام کشورها اتفاق نظر دارند از آن جمله:

- ۱- پیش‌بینی بودجه دولت‌ها به صورت یک برنامه مالی جامع و کامل
  - ۲- پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار برای تأمین منابع مالی
  - ۳- حاکم نمودن اصل احتیاط در تهیه و تنظیم بودجه
  - ۴- حاکم نمودن اصل انعطاف‌پذیری در بودجه‌ریزی
  - ۵- مطابقت طبقه‌بندی درآمدها و هزینه‌ها با اصول حسابداری دولتی
  - ۶- استفاده از سیستم اطلاعات بودجه‌ای
- این خصوصیات به مرحله اجرا در نمی‌آید، مگر آنکه به بودجه به عنوان ابزار مدیریتی - برنامه‌ریزی نگریسته شود.

### مراحل تکاملی بودجه

بودجه سه مرحله تکاملی را تاکنون طی کرده است این مراحل عبارت‌اند از:

#### مرحله اول: ابزار سیاسی

در این مرحله نظارت و کنترل دولت‌ها مطرح است. تا سالهای ۱۹۴۰ از جمله سئلهایی بوده است که به بودجه به عنوان ابزار سیاسی نگریسته شد

## فصل هشتم

### بودجه‌ریزی دولتی

#### هدف کلی

آشنایی با تعاریف، مراحل تکاملی بودجه، مفاهیم اساسی بودجه، تعاریف تکاملی بودجه در ایران، مراحل بودجه یا سیکل بودجه، اصول حاکم بر مراحل تکاملی بودجه، مراحل اجرای بودجه از نظر اداری، انواع بودجه از لحاظ تکنیک بودجه‌ریزی و تفریغ بودجه.

#### هدفهای رفتاری

پس از مطالعه این فصل، انتظار دارد بتوانید:

- ۱- مراحل تکاملی بودجه را نام ببرید.
- ۲- مفاهیم اساسی بودجه را تشریح نمایید.
- ۳- بودجه را تعریف نمایید.
- ۴- تعاریف تکاملی بودجه در ایران را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۵- مراحل بودجه یا سیکل بودجه را تقسیم‌بندی نمایید.
- ۶- اصول حاکم بر مراحل تکاملی بودجه را نام ببرید.
- ۷- مراحل اجرای بودجه را از نظر اداری را تقسیم‌بندی نمایید.
- ۸- انواع بودجه از لحاظ تکنیک بودجه‌ریزی نام ببرید.
- ۹- تفریغ بودجه را توضیح دهید.

#### مقدمه

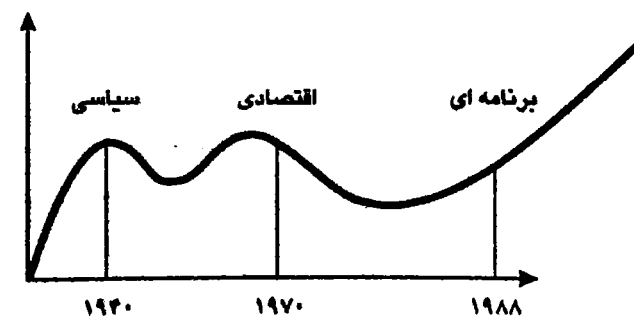
یکی از عوامل و ابزارها جهت برنامه‌ریزی، هدایت و سرپرستی و کنترل عملیات برای

## مرحله دوم: ابزار اقتصادی مالی

در این مرحله ارشاد و هدایت سیستم‌های اقتصادی مطرح است. در حقیقت مهمترین اهمی می‌باشد که ما براساس آن اهرم، برنامه‌های اقتصادی دولت را پیش‌بینی و تنظیم می‌نمائیم. تا سالهای ۱۹۷۰ از جمله سالهایی بود که به بودجه به عنوان ابزار اقتصادی - مالی نگریسته شد.

## مرحله سوم: ابزار مدیریتی - برنامه‌ریزی (برنامه‌ای)

در این مرحله توسعه و سازگاری با تحولات و تغییرات سریع محیط اجتماعی مطرح است. از سال ۱۹۷۰ به بعد (تاکنون) بودجه به عنوان یک ابزار مدیریتی - برنامه‌ریزی درآمدی است و امروزه بودجه را مساوی با برنامه می‌دانند. نمودار شماره ۱-۸ مراحل فوق را به وضوح نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۱-۸: مراحل تکاملی بودجه

## مفاهیم اساسی بودجه

دو مفهوم (اساسی) در بودجه وجود دارد این مفاهیم عبارتند از:

## ۱- مفهوم نظری یا عام بودجه

در مفهوم عام بودجه، بودجه نوعی پیش‌بینی است. یعنی پیش‌بینی حرکات مالی. حرکات مالی همان ارتباط تعاملی درآمد و هزینه است و برعکس. این حرکات مالی در یک دوره معین است.

## ۲- مفهوم کاربردی یا خاص بودجه

در مفهوم خاص بودجه، فعالیت‌های مربوط به مفهوم عام بودجه مورد کنکاش قرار می‌گیرد. و در حقیقت مفهوم خاص بودجه از مفهوم عام بودجه گرفته شده است. بین دو مفهوم عام و خاص بودجه ارتباط منطقی و ناگسستگی وجود دارد.

## تعاریف بودجه

تعاریف بودجه را از دیدگاه مراحل تکاملی بودجه مورد بررسی قرار می‌دهند.

## □ الف - تعریف بودجه در مرحله ابزار سیاسی

بودجه سند سیاسی پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌ها است. در این تعریف اعمال حاکمیت دولت‌ها مطرح است.

## □ ب - تعریف بودجه در مرحله ابزار اقتصادی - مالی

بودجه نشان دهنده سیاست مالی دولت در جهت اهداف اقتصادی و اجتماعی در یک دوره معین است.

## □ ج - تعریف بودجه در مرحله ابزار مدیریتی - برنامه‌ریزی (برنامه‌ای)

بودجه یک برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه می‌شود که حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی است که منجر به نیل سیاستها و به هدفهای قانونی می‌شود.

## تعاریف تکاملی بودجه در ایران

اولین تعریف قانونی که از بودجه در نظام مالی ایران مطرح شد در ماده یک قانون محاسبات عمومی مصوب ۲۱ صفر ۱۲۲۹ هجری - قمری است که بودجه را به صورت زیر

تعریف کرده است :

بودجه دولت سندی است که معاملات دخل و خرج مملکتی برای مدت معینی در آن پیش‌بینی و تصویب می‌گردد. مدت مزبور را سنه مالی گویند که عبارت از یک سال شمسی است.

دومین تعریف قانونی که از بودجه در نظام مالی ایران مطرح شد مربوط به قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۱۲ هجری - شمسی است که بودجه را به صورت زیر تعریف کرده است :

"بودجه لایحه پیش‌بینی کلیه عواید و مخارج مملکتی است برای مدت یک سال شمسی که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است."

سومین تعریف قانونی که از بودجه در نظام مالی ایران مطرح شد مربوط به قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۵ دی ماه ۱۳۴۹ هجری - شمسی است که بودجه را به صورت زیر تعریف کرده است :

بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی که منجر به وصول به هدفهای دولت می‌شود.

چهارمین تعریف قانونی که از بودجه در نظام مالی ایران مطرح شد مربوط به قانون محاسبات عمومی کشور مصوب اول شهریور ۱۳۶۶ هجری - شمسی مجلس شورای اسلامی است که بودجه را به صورت زیر تعریف کرده است :

بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی که منجر به نیل سیاستها و به هدفهای قانونی می‌شود و از سه قسمت به شرح زیر تشکیل می‌شود :

۱- بودجه عمومی دولت که شامل اجزاء زیر است :

الف - پیش‌بینی دریاقتها و منابع تأمین اعتبار که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در سال مالی قانون بودجه بوسیله دستگاهها از طریق حسابهای خزانهداری کل اخذ می‌گردد.

ب - پیش‌بینی پرداختهایی که از محل درآمد عمومی و یا اختصاصی برای اعتبارات جاری و عمرانی و اختصاصی دستگاههای اجرایی می‌تواند در سال مالی مربوط انجام دهد.

۲- بودجه شرکت‌های دولتی و بانکها شامل پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار.

۳- بودجه مؤسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه منظور می‌شود. (مشایخی، ۱۳۷۵).

### مراحل بودجه یا سیکل بودجه

مراحل یاسیکل یا فرآیند بودجه را به چهار مرحله تقسیم می‌کنند این مراحل عبارت‌اند از:

مرحله اول : تهیه و تنظیم بودجه

این مرحله دارای چهار مرحله فرعی است این مراحل عبارت‌اند از :

۱-۱- بودجه درخواستی

۱-۲- بودجه پیشنهادی

۱-۳- سقف بودجه

۱-۴- لایحه بودجه

اصل ۵۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد "بودجه سالانه کل کشور از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد."

مرحله دوم : تصویب بودجه

منظور از تصویب بودجه، تصویب بودجه پیشنهادی دولت توسط قوه مقننه است. این اصل از اصول و موازین متداول بودجه‌ریزی در تمام کشورها تلقی می‌گردد.

بحثی که در این مرحله مطرح است، بحث پیام بودجه است. پیام بودجه همان سخنرانی‌های سه یا چهار ساعته رئیس جمهور است که خلاصه بسیار کلی از بخشهای عمده بودجه است.

مرحله سوم : اجرای بودجه

اساسی‌ترین مرحله از مراحل بودجه، اجرای بودجه است. در این مرحله به بحث عمده مطرح است این مباحث عبارت‌اند از :

۱-۳- اصلاح بودجه



۳-۲- هتمم بودجه

۳-۳- بودجه ابلاغی

۳-۴- بودجه تفصیلی

۳-۵- مکانیزمهای اجراء و رسیدگی بودجه

اجرای بودجه عبارت است از کلیه عملیات و اقداماتی که جهت وصول و ثبت درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و انجام هزینه‌های پیش‌بینی شده در بودجه مصوب انجام می‌پذیرد.

در ایران بودجه مصوب پس از ابلاغ به دولت و دستگاههای دولتی اجازه می‌دهد که درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در بودجه مصوب را طبق قوانین و مقررات مربوطه وصول و هزینه‌های وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و سایر اعتبارات منظور در بودجه را در حدود وصولی درآمدها براساس تخصیص اعتبار، تعهد و با رعایت قوانین و مقررات مربوطه، در سال اجرای بودجه پرداخت نمایند.

#### مرحله چهارم: نظارت و کنترل بر بودجه

هرچند بین نظارت و کنترل تفاوت قائل هستند (نظارت جنبه قانونی و حقوقی دارد ولی کنترل بیشتر جنبه فنی و تکنیکی دارد)، نظارت بر بودجه را به معنی کنترل مالی و قانونی نحوه اجرای بودجه مصوب و ارزیابی نتایج حاصل از بودجه قلمداد می‌نمایند. نظارت بر بودجه به دو طریق انجام می‌شود:

##### ۴-۱- نظارت مالی

طریق نظارت مالی بر بودجه به صورت نظارت قبل از خرج (توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی) و نظارت بعد از خرج (توسط دیوان محاسبات کشور) مطرح است.

##### ۴-۲- نظارت عملیاتی

نظارت عملیاتی بررسی و ارزشیابی نتایج و آثار اجرای بودجه و عملیات و برنامه‌ها و طرحهای انجام شده و تطبیق این نتایج و آثار با برنامه‌ها و اهداف مصوب پیش‌بینی شده و نیز مقایسه پیشرفت عملیات با جدولهای زمان‌بندی می‌باشد. در ایران نظارت عملیاتی توسط سازمان برنامه و بودجه انجام می‌شود.

## اصول حاکم بر مراحل تکاملی بودجه

### □ الف - اصول مرحله اول (ابزار سیاسی)

۱-۱- اصل وحدت: اصل وحدت هم به معنی وحدت زمانی و هم به معنی وحدت مکانی است.

۱-۲- اصل جامعیت در بودجه: اصل جامعیت در بودجه تحت دو عنوان شاملیت و کاملیت مطرح است. اصل شاملیت بیان می‌دارد که بودجه باید آینه تمام نمای کلیه فعالیتها و حرکات مالی دولت می‌باشد و هیچ نوع حرکت مالی از آن حذف نمی‌گردد. اصل کاملیت بیان می‌دارد که ارقام بودجه نباید به صورت تهاتر شده و خالص در فرمهای بودجه آورده شود بلکه بایستی به صورت ناخالص و کامل آورده شود.

۱-۳- اصل تعادل در بودجه: این اصل تعادل بین درآمدها و هزینه‌های دولت را در طی یک دوره یا سنه مالی مطرح می‌نماید.

۱-۴- اصل تقدم درآمدها بر هزینه: این اصل بیان می‌دارد که ابتدا بایستی سقف بودجه و منابع تأمین مالی آن مشخص و پیش‌بینی شده باشد و بعد در چارچوب آن سقف هزینه‌های دولت برآورد و پیش‌بینی شود.

### □ ب - اصول مرحله دوم (ابزار اقتصادی - مالی)

۲-۱- اصل تمرکز قوای مالی: این اصل بیان می‌دارد که تمام درآمدهای دولت از هر منبعی که باشد در یک حوضچه مالی جمع شود و هزینه‌ای که خرج می‌شود از آن حساب واحد داده شود.

۲-۲- اصل تخصیص برهینای قصول و مواد هزینه: این اصل بیان می‌دارد که اعتبارات باید براساس مواد تقسیم شود، بطوری که جمع ریز ماده‌های یک ماده بشود اعتبارات یک ماده و جمع اعتبارات چند ماده، اعتبارات یک فصل را تشکیل می‌دهد.

۲-۳- اصل انعطاف‌پذیری: این اصل بیان می‌دارد که نمی‌توان از هزینه‌های ریز یک فصل به فصل دیگر و یا از هزینه‌های یک برنامه به برنامه دیگر منتقل نمود ولی در ریز ماده‌ها می‌توان هزینه‌ها را جابجا کرد و گاهی قانون بودجه همان سال، یک راهی را باز می‌کنند و می‌گویند اگر از موادی کم‌آوردی، می‌توان از ماده‌ای به ماده دیگر جابجا کرد. هرچند این راه مقرراتی دارد.

### ج - اصول مرحله سوم (ابزار مدیریتی - برنامه ریزی)

- ۳-۱- اصل برنامه ریزی: این اصل پلی است که طرح را به فعالیت و عمل تبدیل می‌کند و دارای مراحل چهارگانه زیر است:
- تعیین مأموریت‌ها و هدفهای دوربرد
  - تفکیک مأموریت‌ها به اهداف کمی و کیفی (هدف‌گذاری)
  - تعیین خط مشی یا سیاستها
  - طرح ریزی و برنامه ریزی اجرایی
- ۳-۲- اصل تخصیص بر مبنای برنامه: این اصل بیان می‌دارد که اعتبارات نه تنها بایستی بر مبنای فصول و مواد هزینه، بلکه بر مبنای اهداف آن هزینه نیز تخصیص یابد، به عبارت دیگر بیان می‌دارد که صرف طبقه‌بندی هزینه‌ها مبنای مواد و هزینه کافی نیست و باید طبقه‌بندی دیگری بر مبنای اهداف که همان طبقه‌بندی سازمانی و علمی باشد، باید فراهم گردد.
- ۳-۳- اصل تقدم هزینه‌ها بر درآمد: این اصل بیان می‌دارد که ابتدا باید هزینه‌های اساسی و ضروری را تخمین و برآورد نمود، سپس درآمدها را مورد بررسی قرار داد. این اصل اجازه کسر بودجه را به دولت می‌دهد.
- جدول شماره ۱-۸ این اصول را به وضوح نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱-۸: اصول مراحل تکاملی بودجه

اصول حاکم	مراحل
<ul style="list-style-type: none"> <li>- اصل وحدت در بودجه</li> <li>- اصل جامعیت در بودجه</li> <li>- اصل تعادل در بودجه</li> <li>- اصل تقدم درآمدها بر هزینه</li> </ul>	مرحله اول: ابزار سیاسی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- اصل تمرکز قوای مالی</li> <li>- اصل تخصیص بر مبنای فصول و مواد هزینه</li> <li>- اصل اعطاف پذیری</li> </ul>	مرحله دوم: ابزار اقتصادی - مالی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- اصل برنامه ریزی</li> <li>- اصل تخصیص بر مبنای برنامه</li> <li>- اصل تقدم هزینه‌ها بر درآمد</li> </ul>	مرحله سوم: ابزار مدیریتی - برنامه ریزی

### مراحل اجرای بودجه از نظر اداری

هفت مرحله مشخص از نظر اداری جهت اجرای بودجه وجود دارد، این مراحل عبارت‌اند از:

#### ۱- تشخیص (ماده ۱۷ قانون محاسبات عمومی کشور)

تشخیص عبارت است از تعیین کالا و خدمات و سایر پرداخت‌هایی که در تحصیل یا انجام آنها برای نیل به اجرای برنامه‌های دستگاههای اجرایی ضروری است.

#### ۲- تأمین اعتبار (ماده ۱۸ قانون م.ع.ک)

تأمین اعتبار عبارت است از تخصیص تمام یا قسمتی از اعتبار مصوب برای هزینه معین. اعتبار مبلغی است که برای مصرف یا مصارف معین در بودجه مربوط به تصویب می‌رسد. مسئولیت این مرحله به عهده ذیحساب است.

#### ۳- تعهد (ماده ۱۹ قانون م.ع.ک)

تعهد عبارت است از الزاماتی بر ذمه دولت ناشی از تحویل کالا یا انجام دادن خدمت، اجرای قراردادهای منعقد، احکام صادر شده از مراجع قانونی و ذیصلاح و پیوستن به قراردادهای بین‌المللی و عضویت در مجامع بین‌المللی یا سازمانها با اجازه قانون.

تعهد هنگامی متحقق می‌شود که یکی از حالات فوق وجود پیدا کند.

مسئولیت این مرحله به عهده وزیر یا رئیس مؤسسه است.

#### ۴- تسجیل (ماده ۲۰ قانون م.ع.ک)

تسجیل عبارت است از تعیین میزان بدهی قابل پرداخت به موجب اسناد و مدارک اثبات‌کننده بدهی. نکاتی که بایستی در این مرحله رعایت گردد عبارت‌اند از اینکه اولاً هر تسجیل متکی به مدارک و اسناد مثبت باشد و ثانیاً انجام تشریفات که قوانین و مقررات پیش‌بینی کرده است درباره آن صورت پذیرد.

مسئولیت این مرحله به عهده وزیر یا رئیس مؤسسه است.

## ۵- حواله (ماده ۲۱ قانون م.ع.ک)

حواله اجازه‌ای است که کتبا وسیله مقامات مجاز وزارتخانه یا مؤسسه دولتی و یا شرکت دولتی و یا دستگاه اجرایی محلی و یا نهادهای عمومی غیردولتی و یا سایر دستگاههای اجرایی برای تأدیه تعهدات و بدهی‌ها قابل پرداخت از محل اعتبار مربوط عهده ذیحساب در وجه ذینفع صادر می‌شود.

مسئولیت این مرحله به عهده وزیر یا رئیس مؤسسه است.

## ۶- درخواست وجه (ماده ۲۲ قانون م.ع.ک)

درخواست وجه سندی است که ذیحساب برای دریافت وجه به منظور پرداخت حواله‌های صادر شده صادر می‌کند.

## ۷- هزینه (ماده ۲۳ قانون م.ع.ک)

عبارت است از پرداخت‌هایی که به طور قطعی به ذینفع در قبال انجام تعهد و یا تحت عنوان کمک و یا عناوین مشابه با رعایت قوانین و مقررات صورت می‌پذیرد.

## انواع بودجه از لحاظ تکنیک بودجه‌ریزی

## ۱- بودجه متداول

بودجه‌ای که در آن اعتبارات هر سازمان دولتی به تفکیک فصول و مواد هزینه مشخص می‌گردد. در این روش نوع و ماهیت هزینه‌ها نشان داده می‌شود ولی مشخص نمی‌گردد که هر هزینه برای نیل به کدام هدف و منظور یا اجرای کدام برنامه یا فعالیت خاص انجام شده است.

این بودجه برای انجام امور عادی و متداول سازمانها بکار می‌رود و دوره عمل آن یک سال است. بدین ترتیب بودجه متداول بودجه‌ای است که بر اساس وضعیت انجام شده فرگشتی و حال محاسبه و در نظر گرفته می‌شود. این بودجه جوهرگون نیازها را تساعی آینده نبوده و از لحاظ روشهای محاسبه نیز پیشرفت زیادی نکرده است.

## ۲- بودجه برنامه‌ای

بودجه‌ای که در آن اعتبارات برحسب وظایف، برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که سازمان دولتی در سال مالی اجرای بودجه برای نیل به اهداف خود باید انجام دهد، پیش‌بینی شده باشد. این بودجه در قالب برنامه‌های عمرانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در نظر گرفته شده و هر سال بخشی از آن برنامه عمرانی در قالب بودجه یک ساله گنجانده شده است.

## ۳- بودجه عملیاتی

در بودجه عملیاتی علاوه بر تفکیک اعتبارات به وظایف و برنامه‌ها، فعالیت‌ها و طرحها، حجم عملیات و هزینه‌های اجرای عملیات دولت و دستگاههای دولتی طبق روشهای علمی مانند حسابدای قیمت تمام شده محاسبه و اندازه‌گیری می‌شود.

## ۴- بودجه‌بندی بر مبنای صفر

روشی که در آن لزوم وجود و ادامه هر برنامه با توجه به منابع مالی مورد نیاز برای آن در زمان تهیه بودجه توجیه می‌گردد، بودجه‌بندی بر مبنای صفر می‌گویند. از آنجایی که ارزشیابی کار مدیران و مسئولان اهمیت زیادی پیدا کرده است و بودجه به عنوان یکی از مهمترین ابزار کنترل و نظارت مورد قبول همه مدیران قرار گرفته است سعی شده است از نظر بودجه‌ریزی شرایط هر دستگاه اجرایی در ابتدای دوره مالی بر مبنای صفر در نظر بگیرند.

## تفریح بودجه

تفریح از نظر لغت به معنای پرداخته کردن، خالی کردن، فارغ ساختن، واریز کردن حساب و فراغت از آن است و در اصطلاح مالی تفریح بودجه یعنی فراغت از بودجه و یا نتیجه اجرای بودجه است.

پس از آنکه بودجه در سال مربوطه به مرحله اجرا و عمل درمی‌آید و سال مورد عمل بودجه منقضی می‌گردد، دولت می‌بایستی چگونگی اجرای بودجه و یا به عبارت بهتر چگونگی اجرای برنامه‌های مصوب را به نحوی از انحاء به اطلاع نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی برساند. طبق قوانین موجود در کشور، دولت موظف و مکلف است اطلاعات واقعی مربوط به اجرای بودجه مصوب را به ترتیبی که مقرر شده است جمع‌آوری و ضمن

تهیه مجموعه‌ای به دیوان محاسبات کشور که در واقع حسابرس مستقل قوه مقننه است تسلیم نماید. دیوان محاسبات پس از بررسی‌های لازم گزارشی، مشروح از روند چگونگی اجرای بودجه هر سال را تحت عنوان گزارش تفریغ بودجه به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌دارد.

طبق اصل ۵۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این گزارش بایستی در مهلت مقرر توسط دیوان محاسبات کشور تهیه و تقدیم مجلس شورای اسلامی گردد. طبق مفاد اصل فوق‌الاشاره دیوان محاسبات کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند رسیدگی و حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز ننموده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد.

دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد. (اقوامی، ۱۳۷۶).

### خلاصه و نتیجه‌گیری

در این فصل اشاره کردیم که یکی از عوامل و ابزارها جهت برنامه‌ریزی، هدایت و سرپرستی و کنترل عملیات برای دولت و سازمانهای دولتی بودجه است. تغییرات وسیعی که در حجم فعالیت‌های دولت صورت پذیرفته است به اهمیت این موضوع تأکید دارد. بودجه دارای سه مرحله تکاملی بوده که این مراحل نسبت به همدیگر کامل‌تر است. اولین مرحله ابزار سیاسی بودن بودجه، دومین مرحله ابزار اقتصادی - مالی بودن و سومین مرحله ابزار مدیریتی - برنامه‌ریزی بودن بودجه مطرح است. در مرحله ابزار سیاسی بودجه به عنوان یک سندی سیاسی مطرح می‌شود و در مرحله ابزار اقتصادی - مالی به عنوان نشاندهنده یک سیاست مالی دولت و در مرحله ابزار مدیریتی - برنامه‌ریزی بودجه، بودجه به عنوان یک برنامه مالی مطرح است.

از بین سه مرحله فوق، مرحله ابزار مدیریتی - برنامه‌ریزی کاملترین مرحله به شمار می‌آید چرا که در این مرحله بودجه به صورت سیستماتیک مطرح است.

با توجه به اینکه بودجه یک سیر تکاملی را در تعریف طی کرده است می‌توان این سیر را در چهار مرحله بازگو نمود که آخرین مرحله تقریباً کاملترین مراحل به شمار می‌آید.

این مرحله بودجه به عنوان برنامه مالی دولت برای یک سال مالی در نظر گرفته شده است و در قالب سه قسمت بودجه عمومی دولت، بودجه شرکت‌های دولتی و بانکها و بودجه مؤسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه منظور می‌شود، مطرح گردیده است.

مراحل بودجه یا سیکل بودجه را به صورت تهیه و تنظیم بودجه، تصویب بودجه، اجرای بودجه و نظارت بر بودجه تقسیم‌بندی می‌نمایند.

مراحل اجرای بودجه به هفت مرحله مشخص از نظر اداری یعنی تشخیص، تأمین اعتبار، تعهد، تسجیل، حواله، درخواست وجه و هزینه تقسیم می‌شود.

انواع بودجه از نظر تکنیک بودجه‌ریزی به چهار دسته بودجه متداول، بودجه برنامه‌ای، بودجه عملیاتی و بودجه‌بندی بر مبنای صفر تقسیم می‌شود.

بالاخره بحث تفریغ بودجه مطرح گردید که به عنوان حسابرس دستگاههای دولتی مورد بحث قرار گرفت.

## خودآزمایی فصل ۸

- ۱- مراحل تکاملی بودجه را نام برده و هرکدام را تبیین نمایید.
- ۲- مفاهیم اساسی بودجه را نام برده و شرح دهید.
- ۳- بودجه کل کشور را تعریف نمایید.
- ۴- تعاریف بودجه از دیدگاه مراحل تکاملی بودجه را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۵- تعاریف تکاملی بودجه در ایران را طبقه‌بندی نموده و آنها را توضیح دهید.
- ۶- مراحل بودجه یا سیکل بودجه را تقسیم‌بندی نموده و آنها را توضیح دهید.
- ۷- مباحث مطروحه در اجرای بودجه را نام ببرید.
- ۸- نظارت مالی بودجه را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۹- اصول حاکم بر مراحل تکاملی بودجه را نام ببرید.
- ۱۰- مراحل اجرای بودجه از نظر اداری را تقسیم بندی نموده و هرکدام را تعریف نمایید.
- ۱۱- انواع بودجه از لحاظ تکنیک بودجه‌ریزی تقسیم‌بندی نموده و هرکدام را تعریف نمایید.
- ۱۲- تفریح بودجه را تجزیه و تحلیل نمایید.

## فصل نهم

### سیاست‌گذاری مالی

#### هدف کلی

آشنایی با اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی، تقسیم‌بندی اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی از نظر زمانی، تعریف سیاست‌گذاری مالی، ابزارهای سیاست‌گذاری دولتها، مراحل دوگانه سیاست‌گذاری مالی، سیاست‌گذاری مالی و اصل حد مزاج یا MSA، سیاست‌گذاری مالی و عوامل اقتصادی و سیاسی در ایران، نقش اطلاعات در سیاست‌گذاری مالی، اطلاعات سیاست‌گذاران مالی در محیط، سیستم اطلاعات سیاست‌گذاری مدیریت مالی، مراحل سیستم اطلاعات سیاست‌گذاری مدیریت مالی، استراتژی مالی عمده برای توسعه سیاست‌گذاری مالی، مؤلفه‌های استراتژیک مالی عمده، تفکرات استراتژیک مالی عمده، بینش استراتژیک مالی عمده، معیارهای استراتژی مالی عمده و انواع استراتژی مالی عمده.

#### هدفهای رفتاری

پس از مطالعه این فصل انتظار دارد بتوانید:

- ۱- اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی را نام ببرید.
- ۲- اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی را از نظر زمانی تقسیم‌بندی نمایید.
- ۳- سیاست‌گذاری مالی را تعریف نمایید.
- ۴- ابزارهای سیاست‌گذاری دولتها را نام ببرید.
- ۵- مراحل دوگانه سیاست‌گذاری مالی را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۶- سیاست‌گذاری مالی و اصل حد مزاج یا MSA را تجزیه و تحلیل نمایید.

۷. سياستگزارى مالي و عوامل اقتصادى و سياسى در ايران را تجزيه و تحليل نماييد.
۸. نقش اطلاعات در سياستگزارى مالي را توضيح دهيد.
۹. سيستم اطلاعات سياستگزارى مديريت مالي را تجزيه و تحليل نماييد.
۱۰. مراحل سيستم اطلاعات سياستگزارى مديريت مالي را بنويسيد.
۱۱. استراتژى ماليه عمومى براى توسعه سياستگزارى مالي را نام ببريد.
۱۲. مؤلفه‌هاى استراتژيك ماليه عمومى را نام ببريد.
۱۳. تفكر استراتژيك ماليه عمومى را تجزيه و تحليل نماييد.
۱۴. بينش استراتژيك ماليه عمومى را تجزيه و تحليل نماييد.
۱۵. معيارهاى استراتژى ماليه عمومى را بنويسيد.
۱۶. انواع استراتژى ماليه عمومى را نام ببريد.

### هقدده

سياستگزارى اقتصادى به مجموعه اقدامات و دخالت‌هاى دولت در اقتصاد به منظور تحقق اهداف اقتصادى و اجتماعى معين، با استفاده از ابزارهاى تحت مهار خود در چارچوب امكانات و محدوديتهاى اطلاق مى‌گردد. هدف اساسى از سياستگزارى‌هاى دولت، عبور از وضع موجود و رسيدن به وضع مطلوب است. سياستگزارى‌هاى دولت نوعاً در ارتباط با يكديگر و به طور هماهنگ اعمال مى‌گردند. وضعيت مطلوب مشترك همه اقتصادها، حصول تعادلهاى اساسى توأم با اشتغال مناسب و رشد و توسعه اقتصادى است. بديهى است كه اقتصاد محض سرمايه‌دارى، سروكار چندى با سياستگزارى نداشته باشد. پنداشت كلاسيك‌ها اين بود كه تعادل پايدار و مطلوب را سازو كارهاى بازار، متأثر از رفتار انسان اقتصادى كه معقول است، تحقق خواهد بخشيد و بنابراین، نيازى به دخالت دولت در امور اقتصادى نمى‌باشد. اما دورانه‌هاى تند و بهرانه‌هاى كشنده، اين تخیل نادرست را فرو پاشيد و اين واقعيت كللى را كه عدم تعادل، حالت عمومى اقتصادهاى آزاد است، آشكار كرد. در اوج يكى از همين بهرانه‌ها (بهران بزرگ ۱۹۲۹ ميلادى) است كه سرانجام فضاى عمومى براى طرد نظريات كلاسيك و نئوكلاسيك آماده شد و گير بر مساى نظريه عمومى خود، حصول و حفظ تعادلهاى اساسى اقتصاد را در شمار مسئوليت دولت‌ها قرار داد و آنها را موظف به سياستگزارى به ویژه سياستگزارى مالي براى تحقق اين مهم نمود.

تحولات پس از جنگ جهانى، بر تثبيت قيمت‌ها و مهار تورم و حصول و حفظ تعادل تراز پرداخت‌ها با هدف تعادل اشتغال مطلوب در سياستگزارى دولت افزود و تنها دولت‌ها به رشد و توسعه متعادل جوامع خود، بسيار دل بستند. تحقق هدفهائى كه در جهان امروز با مشكلات بيشتري، به ویژه در كشورهاي در حال رشد، نسبت به گذشته روبرو است. پيداى تورم‌هاى ركودى، درايست و تيزبيني خاصى را از سوى سياستگزاران مى‌طلبد و فاصله زياد شونده توسعه ايجاد مى‌كند كه كشورهاي در حال توسعه نيازمند مركب‌هاى بسيار تندرو باشند تا اين فاصله را پيمايند. اين مركب‌ها را در اقتصاد، با نام برنامه‌ها و برنامه‌ريزيها مى‌شناسند.

آنچه در خصوص اهداف كللى از اعمال سياست‌هاى اقتصادى گفته شد، مطلبى متعارف است، مسأله اصلى كشورهاي كمتر توسعه يافته امروز، در درجه اول رشد و توسعه نيست، بلكه مسأله اصلى آنها رهايى و شكستن دوره‌هاى شوم است. اساساً اگر رهايى از قيودات اقتصاد مسلط جهانى تحقق نيايد و اگر دوره‌هاى شوم فقر شكسته نشوند، سياستگزارى‌هاى كه در راستاى اهداف متفاوت انجام مى‌گيرند، بي‌فايده خواهند بود و حكايت مثبت بر سندان كوفتن است. گذشته از آن، يك جامعه اسلامى، از آنجا كه توسعه اقتصادى معنائى وسيع‌تر از معناى معمول آن مى‌يابد و تحقق عدالت اجتماعى ركن اساسى اين معنا است، سياستگزارى اقتصادى بايد در سوى تحقق عدالت اجتماعى سوق يابند.

### اهداف سياستگزارى اقتصادى

اهم اهداف سياستگزارى اقتصادى را مى‌توان به صورت زير بيان كرد:

- ۱- رهايى از وابستگى
- ۲- تحقق عدالت اجتماعى
- ۳- رشد و توسعه اقتصادى
- ۴- ايجاد و حفظ تعادلهاى اساسى اقتصاد
- ۵- تثبيت و حفظ ثبات قيمت‌ها و مبارزه با تورم
- ۶- حصول و حفظ شرايط اشتغال مطلوب و مبارزه با ركود
- ۷- مبارزه با تورم ركودى

## تقسیم‌بندی اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی از نظر زمانی

اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی را می‌توان از نظر زمانی به دو هدف کوتاه مدت و هدف بلندمدت تقسیم‌بندی نمود.

### ۱- اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی کوتاه مدت

این اهداف را می‌توان در سه چهره تأمین اشتغال مطلوب، تثبیت قیمت‌ها و تحصیل تعادل تراز پرداختها معرفی نمود.

### ۲- اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی بلند مدت

این اهداف را می‌توان در چهره‌های زیر معرفی نمود.

۲-۱- تخصیص صحیح منابع

۲-۲- بازپخش درست درآمد و ثروت

۲-۳- بهبود رفاه و مصرف ملی

۲-۴- حمایت ترجیحی از بخش‌های خاص و اولویت دادن به آنها

۲-۵- حصول و حفظ حد مطلوب جمعیت

### تعریف سیاست‌گذاری مالی

تغییرات آگاهانه در اندازه، ترکیب و زمان‌بندی هزینه‌ها و درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را سیاست‌گذاری مالی می‌گویند.

هزینه‌ها یا مخارج دولت‌ها نوعی تزریق درآمد به حساب می‌آید و مالیات‌ها نوعی نشت درآمد محسوب می‌شوند. تغییراتی که در سطح فعالیت‌های اقتصادی دولت‌ها رخ می‌دهد ناشی از تفاوت بین هزینه‌های دولت و درآمدهای ناشی از مالیات‌ها و سایر منابع تأمین درآمد است، که بعضی از صاحب‌بنظران آن را تغییر آگاهانه در وضعیت بودجه دولت‌ها تعبیر و تفسیر می‌نمایند.

در اغلب سیستم‌های مالی کشورها اندازه هزینه‌های دولتی و درآمدهای مالیاتی ثابت نیستند، بلکه به محض تغییر سطح درآمد، آنها هم تغییر می‌یابند. برای مثال، بخش اعظم از کل مالیات‌های دریافتی توسط دولت ایران از مالیات‌های مستقیم به دست می‌آید.

تغییر به دست آمده در بودجه دولت‌ها شاید ناشی از تصمیمات دولت‌ها در مورد تغییر نرخهای مالیاتی و یا مخارج خود دولت‌ها باشد و شاید ناشی از تغییر سطح درآمد ملی ناشی شده باشد.

### ابزارهای سیاست‌گذاری دولتها

دولت‌های امروزی با ابزارهای متعددی جهت دستیابی به اهداف مطلوب اقتصادی خود آشنا شده‌اند. آنها این ابزارها را با توجه به نوع اهداف و وضع موجود و امکانات و محدودیت‌ها، برای تحقق اهداف اقتصادی بکار می‌گیرند. بطور کلی می‌توان، ابزارهای سیاست‌گذاری دولتها را به سه دسته اصلی تقسیم نمود:

#### ۱- ابزارهای مالی

#### ۲- ابزارهای پولی

#### ۳- سایر ابزارها

از این سه دسته، ابزارهای مالی، به مالیه عمومی ارتباط دارد. در واقع، موضوع مالیه عمومی چنانکه دیدیم بررسی سازوکارهایی است که به وسیله آنها، دولت‌ها، در سوی انجام وظایف قانونی خود، اقدام به تأمین درآمد و انجام هزینه می‌نمایند.

درآمد عمومی و هزینه عمومی، دو جانب تشکیل دهنده بودجه هستند و از این‌رو، گاهی از سیاست‌های مالی به سیاست‌های بودجه‌ای نیز تعبیر گردیده است. سیاست‌های مالی طرف توجه خاص کینز در مبارزه با بحران بزرگ ۱۹۲۹ میلادی بوده است و از آن زمان تاکنون با اشتیاق روزافزونی توسط دولت‌های مختلف دنبال شده است. در اینجا لازم به ذکر است که سیاست‌های پیشنهادی کینز، ماهیتاً مناسب اقتصادهای پیشرفته می‌باشند و برای اقتصادهای کمتر توسعه یافته که مشکلاتشان نوعاً ریشه در محدودیت‌های عرضه و تولید دارد تا تقاضای کل، کاربرد چندانی ندارند. ولی این مسأله به معنای عدم قابلیت سیاست‌گذاری مالی در کشورهای کمتر توسعه یافته نمی‌باشد، بلکه در این ممالک، باید در پی مالیه‌ای مناسب شرایط و سیاست‌گذاری مالی بود که پاسخگوی مشکلات بیادبی آنها است.

## سیاست‌گذاری مالی و اصل حداکثر مزیت اجتماعی یا اصل MSA<sup>(۱)</sup>

اصل حداکثر مزیت اجتماعی که گاهی به اصل حداکثر سود اجتماعی و یا اصل حداکثر رفاه کل هم تعبیر می‌شود، ستون فقرات و اصل هادی سیاست‌گذاری دولت و ساخت دهنده مالیه عمومی است. همانطور که هر فردی دوست دارد که با استفاده از منابع محدود در اختیار خود، بیشترین رفاه و ارضاء را برای خویش تدارک نماید، دولت‌ها هم باید مزیت یا سود اجتماعی منابع محدود در اختیارشان را حداکثر نمایند. این گفتار کوتاه، هم بیان و هم توجیه MSA را در بردارد. به هر حال، برای تحقق اصل MSA کوشش در راستای تحقق شرایط زیر ضروری است:

- ۱- هزینه‌های دولت و مالیات‌ها باید در حدود مشخصی قرار گیرند.
- ۲- هزینه‌های عمومی باید میان استفاده‌های مختلف به نحو مطلوبی توزیع گردد.
- ۳- منابع مختلف اخذ مالیات را باید چنان تعیین نمود که خسارات حاصل از آن حداقل گردد. در توضیح شرط اول می‌گوییم که هزینه‌های عمومی باید در هر جایی تا آن حد گسترش یابد که مزیت جامعه از یک افزایش بسیار کوچک در یک جهت، دقیقاً با عدم مزیت حاصل از یک افزایش بسیار کوچک در مالیات‌ها یا هر منبع درآمدی دیگر از نظر قدر مطلق برابر باشد. برای آنان که با بحث مطلوبیت در اقتصاد خرد آشنایی دارند، می‌گوییم که این شرط در واقع مشابه شرط حداکثر نمودن مطلوبیت حاصل از دو کالای مورد استفاده یک مصرف‌کننده خاص در شرایط داده شده است که متضمن تساوی مطلوبیت‌های نهایی حاصل از استفاده از هر کدام از کالاها تقسیم بر قیمت‌های آنها است، این شرط را بطور خلاصه می‌توانیم این گونه بنویسیم:

$$|(MSV)_e| = |(MSD)_t|$$

که در این رابطه  $(MSV)_e$ ، مطلوبیت نهایی اجتماعی خرج دولت و  $(MSD)_t$ ، عدم مطلوبیت نهایی اجتماعی مالیات است. در واقع، در تحلیل درآمد - هزینه دولت‌ها، مالیات‌ها از نظر مردم دارای عدم مطلوبیت است زیرا به هر حال، معنای اولیه‌شان خارج نمودن بخشی از درآمدهای مردم از دست آنها است.

در توضیح شرط دوم، یادآور می‌شویم که دستیابی به حداکثر مزیت

## مراحل دوگانه سیاست‌گذاری مالی

صاحب‌نظران معتقدند مراحل سیاست‌گذاری مالی در دو جهت مختلف به شرح زیر اعمال می‌گردد:

### ۱- سیاست‌گذاری مالی انقباضی

دولت‌ها برای پیشگیری و یا تضعیف فشار تورمی دست به اتخاذ این سیاست می‌زنند و با توجه به ابزارهای مالی، سیاست‌گذاری مالی انقباضی در دو جهت به مرحله اجرا و عمل در می‌آید یکی در جهت درآمدها و دیگری در جهت هزینه‌ها.

سیاست‌گذاری انقباضی منابع درآمد بدین صورت است که دولت دست به افزایش نرخ مالیات و یا وضع مالیات‌های جدید زده و بدین ترتیب سعی می‌کند با جذب قسمتی از پول در گردش، از افزایش تقاضا که عامل پیدایش فشارهای تورمی است بکاهد و بین عرضه و تقاضای کل تعادل ایجاد نماید.

سیاست‌گذاری انقباضی هزینه‌های دولتی بدین صورت است که دولت از انجام سرمایه‌گذاری پر خرج و وسیع خودداری نموده و گامی در جهت افزایش تقاضا و حجم پول در گردش که زائیده این سرمایه‌گذاریها است، بر ندارد.

یکی از سیاست‌گذاریهای مالی انقباضی، سیاست‌گذاری مالیاتی انقباضی است که به عنوان سریع‌ترین و مهم‌ترین حربه‌های تقلیل تقاضای کل عمل نموده و بحران تورمی را کاهش می‌دهد.

### ۲- سیاست‌گذاری مالی انبساطی

در سیاست‌گذاری مالی انبساطی دولت‌ها بیشتر بر روی ابزاری که در جهت هزینه‌ها در اختیار دارند، متمرکز می‌نمایند.

یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری مالی انبساطی، سرمایه‌گذاریهای دولتی (عملیات عمرانی و تولیدی) است که به مراتب بیش از ابزار مالیاتی می‌تواند دولت‌ها را در اجرای این سیاست یاری نماید و به نتیجه مطلوب یعنی رفع رکود و ایجاد تحرک در فعالیت‌های اقتصادی جامعه باشد.



اجتماعی (MSA)، نیازمند کاربرد اصل مطلوبیت نهایی متعادل (قانون تعادل مطلوبیت‌های نهایی) است. اگر بنا به فرض، هزینه‌های دولت را شامل دو شکل هزینه‌های صنعتی و هزینه‌های کشاورزی بدانیم، معنای اصل مذکور این است که هزینه‌های دولت بر این دو شق مختلف به گونه‌ای تقسیم گردد که مطلوبیت‌های نهایی حاصل از ریال (واحد پول) آخرین خرج در هر دو مورد یکی شوند. به گونه‌ای که هر ترکیب جدیدی جز آن، مجموع مطلوبیت حاصل از هزینه‌ها را کاهش دهد. بنابراین، با تحقق این شرط، سود اجتماعی حاصل از هزینه‌های دولتی حداکثر خواهد بود.

موضوع شرط سوم، توزیع بار مالیاتی است. هر مالیاتی از دید پرداخت کننده آن نوعی تحمل زیان است و هر دولت کاردانی می‌داند که نباید این زیان به بیهوده افزایش پیدا کند. بنابراین، دولت‌ها باید بکوشند که توزیع مالیات‌ها را بر کانونهای مختلف پرداخت طوری انجام دهند که حداقل عدم مزیت یا زیان را برای مالیات دهندگان به بار آورد. در این صورت، تحقق شرط سوم، به معنای تحقق زیان اجتماعی حداقل خواهد بود.

### سیاست‌گذاری مالی و عوامل اقتصادی و سیاسی در ایران

روند تعدیل اقتصادی در ایران به عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر سیاست‌گذاری مالی دارای ویژگی خاصی است که از ترکیب دو عامل ناشی می‌شود:

۱- شوک درمانی در عرصه اقتصادی

۲- تغییرات گام به گام در عرصه سیاسی

تا سال ۱۳۶۷ به دلیل عدم برنامه‌ریزی اقتصادی برنامه‌ای و حاکم شدن برنامه ریزی به جای آن، گامهایی که دولت می‌بایستی برمی‌داشت واضح و مشخص نبود، لیکن از سال ۱۳۶۷ به بعد با شروع برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برنامه‌ریزی جایگزین برنامه روزی دولت شد منتهی مسأله‌ای که برای دولت لاینحل بود این بود که نخست باید زندگی سیاسی کشور متحول شود یا زندگی اقتصادی؟

تجربه دوران پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که هر دو امکان‌پذیر بود. و دولت ایران تحول در زندگی سیاسی و اقتصادی را در سال ۱۳۶۷ توأمأ شروع نمود و سیاست‌گذاران نظام، سیاست‌گذاری مالی را آماده تغییراتی نمودند که بعضی از صاحب‌نظران آن را تغییرات ساختاری در سیاست و اقتصاد قلمداد می‌نمایند

تغییرات ساختاری در سیاست با مشارکت جناح‌های حاکم بر کشور پدیدار شد که این تغییرات، تغییرات ساختاری در اقتصاد را تحت‌الشعاع خود قرار داد.

### نقش اطلاعات در سیاست‌گذاری مالی

گفتیم که در سیاست‌گذاری مالی سه مؤلفه درآمدهای عمومی، هزینه‌های عمومی و کسری بودجه نقش اساسی را ایفا می‌کنند. دولت‌ها برای ایفای بهینه نقش خود نیازمند یک سری اطلاعاتی هستند که این اطلاعات یاری دهنده تصمیم‌گیری مدیران دولتی و سیاست‌گذاری مالی در هر دولتی به شمار می‌آید.

توانایی دولت‌ها در انجام مؤثر و بهینه وظایف پیش‌بینی شده در قانون، به کیفیت تصمیماتی بستگی دارد که این کیفیت تصمیمات، تابع کیفیت اطلاعاتی است که براساس آن دولت‌ها تصمیم‌گیری می‌نمایند.

برای تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران مالی، به اطلاعات درست و صحیح درباره درآمدهای عمومی، هزینه‌های عمومی و کسری بودجه و همچنین تعبیر و تفسیر صحیح این اطلاعات لازم و ضروری است، اگر این اطلاعات درست نباشد، تصمیمی که گرفته می‌شود تصمیمی صحیح نخواهد بود و اقدامات سیاست‌گذاران که براساس اطلاعات غیرصحیح به عمل آمده است، اقدامات ناپجا خواهد بود.

اطلاعات برای سیاست‌گذاران مثل سایر سیاست‌گذاران با اهمیت تلقی می‌شود و شریانه‌های حیاتی هر سیاست‌گذاری، اطلاعات است، اطلاعات را به عنوان خون یک موجود زنده تعبیر و تشبیه می‌نمایند. پس می‌توان گفت اطلاعات یک ابزار فوق استراتژیک مهم برای سیاست‌گذاران مالی تلقی می‌گردد.

سیاست‌گذاران مالی برای تصمیم‌گیری صحیح و مؤثر به دو نوع اطلاعات زیر نیازمند هستند:

۱- اطلاعات اساسی درباره درآمدهای دولت

۲- اطلاعات اساسی درباره هزینه‌های دولت

داشتن اطلاعات فوق به دولت کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری صحیح و مؤثر سالانه به هنگام تهیه و تنظیم بودجه سالانه داشته باشند.

## اطلاعات سیاست‌گذاران مالی در محیط

اطلاعات رامی‌توان در قالب سه بخش زیر تقسیم‌بندی نمود این سه بخش عبارت‌اند از:

- ۱- حالت معلوم
- ۲- حالت ریسک
- ۳- حالت نامعلوم

در حالت معلوم، اطلاعات برای سیاست‌گذاران معلوم و مشخص است، سیاست‌گذاران مالی در چنین موقعیتی بطور دقیق می‌توانند عواقب ناشی از تصمیم‌گیری خود را پیش‌بینی نمایند. در حقیقت تصمیم‌گیری خط مشی‌گذاران مالی در حالت معلوم، حالت روتین و جاری بوده و تصمیم‌گیری براساس انتخاب بهترین‌ها خواهد بود.

اطلاعات به دست آمده در خصوص پیش‌بینی درآمدها در طول یک سال برای یک دولت، حالت معلوم است. در این حالت هر تصمیمی را می‌توان بدرستی پیش‌بینی کرد، چرا که شک و تردیدی درباره صحت اطلاعات وجود ندارد.

اطلاعات سیاست‌گذاران مالی در حالت ریسک، به این صورت است که تصمیم‌گیری باید در شرایطی انجام گیرد که اگرچه اطلاعات ناقص است ولی قابل اطمینان می‌باشد. در حالت ریسک، حالتی است که اگرچه تصمیم‌گیرنده به یقین نمی‌داند که نتیجه حاصله از تصمیمی که اتخاذ می‌نماید چه خواهد بود، ولی احتمال وقوع آن را می‌داند.

اطلاعات به دست آمده در خصوص افزایش درآمدهای غیرمالیاتی دولتها از جمله درآمدهای نقتی علاوه بر پیش‌بینی انجام شده در تصویب بودجه سالانه برای هر دولتی می‌تواند حالت ریسک داشته باشد چرا که اولاً ناقص است برای اینکه نمی‌توان گفت که چقدر افزایش بها خواهیم داشت. ثانیاً قابل اطمینان است به خاطر اینکه درآمدزایی از این طریق خواهیم داشت.

اطلاعات سیاست‌گذاران مالی در حالت نامعلوم، نوعی از اطلاعات است که سیاست‌گذاران مالی درباره عوامل محیطی که تصمیم‌گیریهای آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد اطلاعاتی نداشته و یا اطلاعات کمتری داشته باشد.

در این حالت تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران مالی بیشتر براساس حدس و گمان به قضاوت و تجربیات قبلی آنان انجام می‌گیرد.

## سیستم اطلاعات سیاست‌گذاری هدیریت مالی

سیستم اطلاعات سیاست‌گذاری مالی یکی از زیرمجموعه‌های سیستم اطلاعات مدیریت (MIS) است. اطلاعاتی که به وسیله این سیستم به دست می‌آید به سیاست‌گذاران مدیریت مالی این امکان را می‌دهد که به طور سیستماتیک درآمدها و هزینه‌های دولت را مورد بررسی قرار دهد.

این سیستم باید دارای مشخصات زیر باشد:

- ۱- اطلاعات سیاست‌گذاری مدیریت مالی باید به روز و تازه باشد.
- ۲- اطلاعات سیاست‌گذاری مدیریت مالی باید دقیق، صحیح و قابل اعتماد باشد و سیاست‌گذاران مدیریت مالی باید به صحت آن اطمینان داشته باشند.
- ۳- اطلاعات سیاست‌گذاری مدیریت مالی باید مختصر بوده و لب مطلب را بیان نمایند.
- ۴- اطلاعاتی را باید به سیاست‌گذاران مدیریت مالی داد که به آن نیاز دارند.
- ۵- اطلاعات مدیریت مالی باید کامل باشد، به عبارت دیگر نداشتن اطلاعات، بهتر از داشتن اطلاعات ناقص است.

## مراحل سیستم اطلاعات سیاست‌گذاری هدیریت مالی

سیستم اطلاعات سیاست‌گذاری مدیریت مالی معمولاً طی چهار مرحله زیر به وجود می‌آید:

## مرحله اول: مطالعه و بررسی سیستم اطلاعاتی موجود

در این مرحله ماهیت، کیفیت اطلاعات و چگونگی جریان و استفاده از درآمدها و هزینه‌ها و کسری بودجه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## مرحله دوم: تعیین اولویت‌های اطلاعاتی

در این مرحله مبادرت به تعیین نیازهای اطلاعاتی سیاست‌گذاران مدیریت مالی و اولویت‌بندی آنها می‌شود. همچنین در این مرحله مثلاً در زمینه پیش‌بینی درآمدها به اولویت‌های اطلاعاتی پیش‌بینی‌های درآمدها نگریسته می‌شود.

مرحله سوم : طراحی سیستم اطلاعاتی جدید

در این مرحله عامل مهمی که باید در نظر گرفته شود، لیست اولویت‌های سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت مالی است، با توجه به این لیست، باید سیستمی طراحی شود که به وسیله آن تمامی اطلاعات و گزارش‌های مهم و ضروری منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌های دولت‌ها اخذ و پردازش گردد.

مرحله چهارم : انتخاب رایانه

آشنایی سیاست‌گذاران مدیریت مالی با رایانه برای تصمیم‌گیری آنان از جمله ضروریات است. چراکه آنان باید گزارش‌های مالی را درست بفهمند و درست تعبیر و تفسیر نمایند. در این مرحله سیاست‌گذاران مدیریت مالی با توجه به میزان اطلاعاتی که می‌خواهند در رایانه انباشت نمایند، نسبت به آن میزان، نوع رایانه را برای خرید انتخاب می‌نمایند.

استراتژی‌های مالیه عمومی برای توسعه سیاست‌گذاری مالی

مفهوم استراتژی در پیش دید گسترده به تعریف استراتژی می‌پردازد. تعیین طرح و نقشه دقیق و روشن ملت‌ها که نحوه ورود و خروج آنها را به رویارویی رقابت‌آمیز برای بقای موفقیت روزافزون آنان را استراتژی می‌گویند.

استراتژی مالیه عمومی نیز در قالب تعریف فوق به مطالعه منابع و مصارف هر ملتی می‌پردازد. استراتژی مالیه عمومی تبیین درجه و میزان حضور دولت و دولتمردان در جامعه جهت تحقق اهداف فعالیت‌های مربوط به چگونگی انجام هزینه‌های دولت‌ها، روش‌های جمع‌آوری درآمدها و چگونگی نحوه اداره وجوه و منابع مالی است.

هرچه حوزه عمل یک استراتژی همچون استراتژی مالیه عمومی، گسترده‌تر باشد و نتایج آن برای حیات یک ملت کارساز باشد، توجه به یک سری مؤلفه‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

مؤلفه‌های استراتژی‌های مالیه عمومی

استراتژی مالیه عمومی دارای سه مؤلفه به شرح زیر می‌باشد :

۱- تحقق نیات و مقاصد بلند مدت دولت‌ها

۲- تحقق نیات و مقاصد میان مدت دولت‌ها در قالب سیاست‌ها

۳- تحقق نیات و مقاصد کوتاه مدت دولت‌ها در قالب رویه‌ها و روش‌ها

تحقق نیات و مقاصد بلند مدت دولت‌ها، همان رشد و توسعه اقتصادی هماهنگ آنان، توازن تراز پرداخت‌ها و عدالت اقتصادی و اجتماعی است و این به مرحله اجرا و عمل در نمی‌آید، مگر آنکه در قالب سیاست‌ها بیان شود. سیاست‌های مالیه عمومی دارای آثار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که در برنامه‌های برنامه‌ریزی شده هر دولتی مدنظر قرار می‌گیرد. برای به اجرا درآوردن این برنامه‌ها، چاره‌ای نیست، مگر آنکه رویه‌های اجرای این برنامه‌ها کنکاش و بررسی شود، لیکن برای این امر، فراهم نمودن یک سری مقدمات لازم و ضروری است و آنها تحت دو عنوان تفکر استراتژیک مالیه عمومی و پرورش یک بینش استراتژیک مالیه عمومی در قالب عمل استراتژی خلاصه می‌شوند.

تفکر استراتژیک مالیه عمومی

اشاره به طرز تفکر ویژه‌ای دارد که به طراحی آینده از هم‌اکنون، اعتقاد دارد. در این روش اثربخشی بر کارایی ترجیح دارد. اثر بخشی استراتژی مالیه عمومی همان ایجاد روابط تعادلی میان درآمد و هزینه است، لیکن درآمدها را فقط در قالب درآمدهای پیش‌بینی شده در قانون بدون متوسل شدن به منابع تأمین کسری بودجه مطرح می‌نماید ولی در بحث کارایی استراتژی مالیه عمومی روابط تعادلی میان درآمد و هزینه از هر راه ممکن، امکان‌پذیر می‌باشد.

بینش استراتژیک مالیه عمومی

بینش استراتژیک مالیه عمومی در قالب عمل استراتژیک یعنی درک مخیلاته موقعیت مطلوب دولت و داشتن تصویری از فردای روشن و مطلوب است. این تفکر و بینش در قالب قانون یا نوافکنی است که دولتمردان را در اقدامات سیاست‌گذاری مالی یاری و راهنمایی می‌نماید.

بسیارهای استراتژی‌های مالیه عمومی

هر استراتژی مالیه عمومی با طرح چند سنوال بنیادین آغاز می‌شود.

۱- وضعیت کشور در طی سالهای برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت چگونه است؟

۲- مدیریت تعارض بین‌المللی چه نقشی را در وضعیت مالی کشور خواهد گذاشت؟

۳- مناسبترین جایگاه کشور در طی سالهای برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت در مقیاس جهانی نسبت به کسب درآمدها چگونه است؟

۴- تحقق نیات و مقاصد بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت دولت چگونه امکان‌پذیر است؟

پاسخ به این سئوالات استراتژی مالی عمومی را در سطح کشور تعیین می‌نماید.

### انواع استراتژی‌های عهوهی

انواع استراتژی مالی عمومی تقریباً در تمام کشورها یکسان و بدون تغییر می‌باشد که

عبارت‌اند از :

۱- استراتژی مالی عمومی در جهت درآمدها

۲- استراتژی مالی عمومی در جهت هزینه‌ها

۳- استراتژی مالی عمومی در جهت تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها

۴- استراتژی اقتضایی

### استراتژی‌های عهوهی در جهت درآمدها

این استراتژی را در قالب درآمدهای مالیاتی دولت‌ها مطرح می‌نمائیم. استراتژی

درآمدهای مالیاتی دولت‌ها، بایستی نقش آسیب‌پذیری و واسطه‌گری را پیاده نمایند.

نقش آسیب‌پذیری استراتژی درآمدهای مالیاتی در قالب چهار عامل فرهنگ شناسی

مالیاتی، جمعیت شناسی مالیاتی، مدیریت تهدیدات محیطی و مدیریت ریسک و اطمینان قابل طرح و کنکاش می‌باشد.

فرهنگ شناسی مالیاتی، اشاره به شناخت فرهنگ‌های حاکم بر جامعه در پرداخت

انواع مالیات جهت تحقق اهداف دولت‌ها دارد. شاید در اینجا بتوان به یک نکته جالب

اشاره کرد و آن الگوی تعاملی بین فرهنگ‌ها و دولت‌ها است.

جمعیت شناسی مالیاتی اشاره به شناخت فرهنگ شناسی مالیاتی دارد. جمعیت بهره

بررسی در داخل هر فرهنگی می‌تواند برای دولت نقش یک استراتژی را داشته باشد.

مدیریت تهدیدات محیطی سعی دارد، تهدیداتی که فرهنگ شناسی مالیاتی را تحت‌الشعاع قرار دهد، مورد هدایت و سرپرستی خود قرار دهد. تهدیدات محیطی می‌تواند مثبت و منفی باشد. در صورت مثبت بودن مثل آنتروپی مثبت عمل می‌کند و در صورت منفی بودن مثل آنتروپی منفی. ولی بقای استراتژی مالی عمومی در جهت درآمدها با استفاده از مؤلفه فرهنگ شناسی با آنتروپی منفی جهت از بین بردن بی‌نظمی حاکم بر سیستم که همان از حالت تعادل خارج نمودن کسب درآمدهای دولت‌ها می‌باشد.

و بالاخره مدیریت ریسک و اطمینان اشاره دارد به جریانهای ورودی درآمدهای دولت‌ها که همان درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی دولت‌ها است. مدیریت ریسک و اطمینان سعی دارد تعادلی بین این دو نوع درآمدها ایجاد نماید و در صورت اطمینان یافتن از کسب هر کدام از آنها دست به ریسک می‌زند.

### استراتژی‌های عهوهی در جهت هزینه‌ها

این استراتژی سعی می‌کند هزینه‌ها یا مخارج عمومی دولت را در قالب تقسیم‌بندیهای هزینه‌های عمومی براساس وظایف دولت‌ها مورد کنکاش و بررسی قرار دهد.

همانطور که در فصل پنجم اشاره شد، اولین اقتصاددانی که بر مبنای وظایف دولت‌ها، هزینه‌های عمومی را تقسیم‌بندی نمود، آدام اسمیت است. وی این هزینه‌ها را در قالب چهار وظیفه مهم و اساسی دولت‌ها ذکر می‌نماید که عبارت‌اند از :

اجرای نظم و قانون، عدالت، ایجاد تسهیلات عمومی و حاکمیت دولت‌ها.

استراتژی مالی عمومی در جهت هزینه‌های اجرای نظم و قانون بایستی در راستای تأمین حفاظت از مرزهای ملی و تأمین امکانات داخلی برای ایجاد واحدهایی به نام واحد ضد براندازی حکومت‌ها قدم بردارد.

بعضی از صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند که هزینه‌های چنین واحدهایی، هزینه محسوب نمی‌شوند و بایستی جزو درآمدهای دولت‌ها به حساب آید.

استراتژی مالی عمومی در جهت هزینه‌های عدالت بایستی به نقش محوری مردم تکیه نماید. جهت پیاده کردن عدالت در همه ابعاد آن، چارهای نیستند جز اینکه هزینه‌های

صورت پذیرد.

استراتژی مالی عمومی در جهت هزینه‌های ایجاد تسهیلات عمومی سعی دارد هزینه‌های عمومی کوتاه مدت را تبدیل به درآمدهای بلند مدت برای دولت‌ها بنماید. استراتژی مالی عمومی در جهت حاکمیت دولت‌ها سعی دارد به هزینه‌های عمومی با نگرش چند منظوره بنگارد.

### استراتژی مالی عمومی در جهت تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها

این استراتژی درصدد ایجاد تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها بدون توسل به منابع تأمین کسری بودجه است. در حقیقت به بعد اثربخشی استراتژی مالی عمومی تکیه دارد. با توجه به عدم توسل به منابع تأمین کسری بودجه، دولت بایستی به اقدامات درون ساختاری در سیاست‌های حاکم بر جامعه دست بزند، از جمله اقدامات درون ساختاری، تغییر در منابع تأمین مالی دولت‌ها است.

تغییر در منابع تأمین مالی دولت‌ها در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست و اگر هم باشد، بهینگی ساختاری نخواهد داشت ولی در میان مدت و بلند مدت کارساز بوده و به دولتمردان مالی اجازه مانور ایجاد تعادل در بین درآمدها و هزینه‌ها را می‌دهد.

### استراتژی اقتصادی

این استراتژی مطرح می‌نماید، توسل به تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها با توسل به منابع تأمین کسری بودجه و بدون توسل به آن بستگی به شرایط و مقتضیات آن دارد. اگر شرایط محاط بر محیط اجازه توسل جستن به منابع تأمین کسری بودجه را بدهد، دولتمردان می‌توانند به آن متوسل بشوند، ولی اگر شرایط اجازه نداد، باز دولت چاره‌ای ندارد مگر آنکه به اقدامات درون ساختاری دست بزند.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

رهایی از وابستگی، تحقق عدالت اجتماعی، رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد و حفظ تعادل‌های اساسی اقتصاد، تشبیت و حفظ ثبات قیمت‌ها و مبارزه با تورم، حصول و حفظ شرایط اشتغال مطلوب و مبارزه با رکود و تورم رکودی از اهداف استراتژی اقتصادی است.

دولت به شمار می‌آید.

تغییرات آگاهانه در اندازه، ترکیب و زمان‌بندی هزینه‌ها و درآمدهای مالیاتی دولت‌ها که صاحب‌نظران آن را سیاست‌گذاری مالی می‌گویند، را به این سو سوق می‌دهد که ابزارهای سیاست‌گذاری مالی را مورد بررسی قرار دهیم. در بررسی این ابزارها، به سه ابزار مالی، پولی و سایر ابزارها اشاره کردیم و مراحل دوگانه آن را در قالب سیاست‌گذاری مالی انقباضی و انبساطی مورد بحث قرار دادیم تا دریچه‌ای گشوده شد بر بحث اصل حد مزاج یا MSA در سیاست‌گذاری مالی.

دو عامل شوک درمانی در عرصه اقتصادی و تغییرات گام به گام در عرصه سیاسی از جمله عوامل اثرگذار در روند تعدیل اقتصادی در ایران در سالهای اخیر نقش داشتند که به بحث آنها در طول فصل پرداخته شد.

دولت‌ها برای ایفای بهینه نقش خود نیازمند یکسری اطلاعاتی هستند که این اطلاعات یاری‌دهنده تصمیم‌گیری مدیران دولتی و سیاست‌گذاری مالی در هر دولتی محسوب می‌گردد و این به مرحله اجرا و عمل در نمی‌آید مگر آنکه نقش اطلاعات در سیاست‌گذاری مالی مورد بحث و کنکاش قرار گیرد.

سه حالت معلوم، ریسک و نامعلوم بودن اطلاعات، سیاست‌گذاران را در سیاست‌گذاری مالی کمک می‌نماید. که این سه حالت، را به مطالعه سیستم اطلاعات سیاست‌گذاری مدیریت مالی سوق می‌دهد که به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های سیستم اطلاعات مدیریت (MIS) است.

همچنین در طول فصل استراتژی مالی عمومی برای توسعه سیاست‌گذاری مالی و مؤلفه‌های استراتژی مالی عمومی در قالب تفکر استراتژیک و بینش استراتژیک مورد بحث قرار گرفت. تفکر استراتژیک به طراحی آینده از هم اکنون اشاره داشته و بینش استراتژیک در قالب عمل استراتژیک به درک مخیله موقعیت مطلوب دولت و داشتن تصویری از فردای روشن و مطلوب اشاره دارد.

و بالاخره انواع استراتژی مالی عمومی در قالب استراتژی مالی عمومی در جهت درآمدها، در جهت هزینه‌ها، در جهت تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها و استراتژی اقتصادی مورد بحث قرار گرفت.

## خودآزمایی فصل ۹

- ۱- اهداف سیاستگزاری اقتصادی دولت‌ها را نام ببرید.
- ۲- اهداف سیاستگزاری اقتصادی را از نظر زمانی تقسیم‌بندی نمایید.
- ۳- سیاستگزاری مالی را تعریف نمایید.
- ۴- ابزارهای سیاستگزاری دولت‌ها را نام ببرید و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.
- ۵- مراحل دوگانه سیاستگزاری مالی را نام برده و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.
- ۶- سیاستگزاری مالی و اصل حد مزاج یا اصل MSA را توضیح دهید.
- ۷- سیاستگزاری مالی و عوامل اقتصادی و سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ۸- نقش اطلاعات در سیاستگزاری مالی را توضیح دهید.
- ۹- اطلاعات سیاستگزاری مالی در محیط را تقسیم‌بندی نمایید.
- ۱۰- سیستم اطلاعات سیاستگزاری مدیریت مالی را تعریف نموده و مشخصات آن را بنویسید.
- ۱۱- مراحل سیستم اطلاعات سیاستگزاری مدیریت مالی را نام ببرید.
- ۱۲- استراتژی مالی عمومی برای توسعه سیاستگزاری مالی را توضیح دهید.
- ۱۳- مؤلفه‌های استراتژی مالی عمومی را نام ببرید.
- ۱۴- تفکر استراتژیک مالی عمومی را توضیح دهید.
- ۱۵- بینش استراتژیک مالی عمومی را توضیح دهید.
- ۱۶- معیارهای استراتژی مالی عمومی را توضیح دهید.
- ۱۷- انواع استراتژی مالی عمومی را بنویسید و هر کدام را تجزیه و تحلیل نمایید.

## فهرست منابع و مآخذ

## الف: انگلیسی

1. Downs A., Inside Bureaucracy (Boston: little, Brown Co.), 1967.
2. Elttd, O. Frigyes, E., New income Inequality Measures as Efficient Tools for Causal Analysis and Planning Econometrical, Vol. 36, 1968.
3. Henderson, J. V., Poole. W., Principles of Economics, D.C. Heath and Company, 1991.
4. Lane, J.E., "Introduction: Plic policy or Mardets? The Demarcation Problem", in Fan-Erik Lane (ed.), State and Market: the Politics of the Public and the prinate, sage Modern Service, Vol.9 (London, sage), 1985.
5. Masgrave, R. A., Musgrave P. B., Public Finance in Theory and Practice (NewYork : Mc Graw Hill Co.), 5th ed, 1989.
6. Rosen, Harvey S., Public Finance, second edition, IRWIN TOPPAN, 1989.
7. Smith, Adam, "An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations", general edition, R. H. Compbell and A.S. Skinner, charendond press, 1976.

## ب: فارسی

۸. اداره آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مقاله شاخص‌های توزیع درآمد ایران و جهان، ۱۳۷۵.
۹. اداره حسابهای اقتصادی، حسابهای ملی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

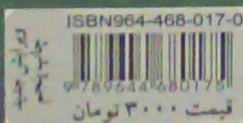
۱۰. اداره بررسي هاي اقتصادي، نماگرهاي اقتصادي شماره هاي ۱-۵، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴-۷۵.
۱۱. ابوالفتحی قمی، ابوالفضل، درآمدی بر شناخت شاخص های نابرابری درآمد و فقر، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱.
۱۲. اقوامی، داود و باباجانی، جعفر. اصول و کاربرد حسابداری در سازمانهای دولتی و غیرانتفاعی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۱۳. بخشنامه های آرای دفتر فنی و شورای عالی مالیاتی.
۱۴. پژوهان، جمشید، مایه عمومی و تعیین خطمشي دولتها، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
۱۵. پور مقیم، سید جواد، اقتصاد بخش عمومی، نشرنی، چاپ چهارم ۱۳۷۵.
۱۶. تأمین اجتماعی و توسعه، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۱۷. تحلیلی بر تحولات نظام بانکی و سیاستهای پولی (۱۳۷۰-۱۳۶۱)، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، مجلس چهارم، برنامه دوم، شماره پنجم، ۱۳۷۳.
۱۸. تقوی، مهدی؛ مهندس، ابوطالب، مایه عمومی، کتابخانه فروردین، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
۱۹. تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم (جلد اول)، مترجم: غلامعلی فرجادی، انتشارات مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی زمان برنامه و بودجه چاپ چهارم، ۱۳۶۸.
۲۰. جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی ۲، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۲۱. خورشیدی، غلامحسین، مقدمه ای بر اقتصاد توسعه، انتشارات پرهام، ۱۳۷۰.
۲۲. خورشیدی، غلامحسین، اقتصاد کلان به زبان ساده ریاضی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۲۳. خورشیدی، غلامحسین، گفتارهای اقتصادی، جلد اول، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۲۴. خورشیدی، غلامحسین، گفتارهای اقتصادی، جلد دوم، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
۲۵. خورشیدی، غلامحسین، تحلیلی در باب رابطه SDR و ریال، معاونت امور اقتصادی و بین المللی وزارت امور اقتصاد و دارایی با همکاری دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۵.

۲۶. دوانی، غلامحسین، حسابداری مالیاتی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴.
۲۷. رودیکر دورنبوش؛ استانی فیشر، اقتصاد کلان، ترجمه محمدحسین تیزهوشان تابان، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۲۸. ریوند پی. نوو، مدیریت مالی، ترجمه و اقتباس علی پارسائیان؛ علی جهانخانی، جلد دوم، انتشارات سمت، ۱۳۷۴.
۲۹. رنگریز، حسن؛ فرشایف، جواد؛ حیدری، حسن، دولت و بودجه ریزی نوین دولتی، انتشارات شکوه اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۳۰. سمیعی، عبدالمحمد، مقاله استقراض و نقش آن در برنامه های توسعه اقتصادی، مجله مدیریت دولتی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، شماره ۷، ۱۳۶۸.
۳۱. شمس، عبدالحمید، مقاله اثرات خصوصی سازی و مقررات زدایی، فصلنامه علمی و پژوهشی دانش مدیریت، شماره ۲۲، انتشارات دانشگاه تهران، پائیز ۱۳۷۲.
۳۲. فرهنگ، منوچهر، فرهنگ علوم اقتصادی، انتشارات امنیت مروی، چاپ دوم، ۱۳۵۴.
۳۳. قبادی، فرخ، رئیس دانا، فریرز، پول و تورم، انتشارات پیشبرد، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۳۴. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۸-۱۳۷۴)، سازمان برنامه و بودجه، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
۳۵. کردبچه؛ محمد، مقاله بررسی درآمدهای مالیاتی در ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۶ و ۵، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.
۳۶. گرجی، ابراهیم، بررسی آثار سیاستهای اقتصادی دولت بر توزیع درآمدها، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲، ۱۳۷۶.
۳۷. لفت ویچ، راج؛ سیستم قیمت ها و تخصیص منابع تولیدی، مترجم؛ میر نظام سجادی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۳۸. مرکز آمار ایران، گزارش در زمینه شاخص های نابرابری توزیع درآمد در ایران، اسفند ماه ۱۳۷۳.
۳۹. مجموعه قوانین مالیاتهای مستقیم مصوب ۳/۱۲/۱۳۶۶ و اصلاحیه قانون مورخ ۷/۲/۱۳۷۱.

New Edition

# Public Finance and Setting of the Government Financial Policy

By:  
Hassan Rangriz (Ph.D.)  
Gholamhossein Khorshidi (Ph.D.)



مالیه عمومی و تنظیم خط‌مشی مالی دولت

۲۷۰

۴۰. مؤسسه حسابرسی تأمین اجتماعی، راهنمای مقررات تأمین اجتماعی، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
۴۱. مسرور، غلامعلی، مقاله شناخت بانک توسعه اسلامی، تاریخچه و اهداف آن، فصلنامه علمی و پژوهشی دانش یک مدیریت، شماره ۲۲، انتشارات دانشگاه تهران، پائیز ۱۳۷۲.
۴۲. محمدی، سمود، خلاصه کتاب مالیه عمومی، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی سازمان برنامه و بودجه، سال یازدهم، شماره ۱۱، ۱۲ بهمن و اسفند ماه ۱۳۷۳.
۴۳. روزن، ماروی اس، مالیه عمومی (اقتصاد بخش دولتی)، مترجم: عین‌ا... علاء، انتشارات دانشکده امور اقتصادی - چاپ اول ۱۳۷